

منتظر مسعودك



ف امير سيف الدينى (نخعى)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

منتقم مظلومان

ف - امير سيف الدينى

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اللَّهُمَّ ارِنِي الطَّلْعَةَ الرَّشِيدَةَ وَالْغُرَّةَ الْحَمِيدَةَ وَآكْحُلْ نَاطِرِي بِنَظْرَةِ مَنْيَ إِلَيْهِ
وَعَجِّلْ فَرَجَهُ وَسَهِّلْ مَخْرَجَهُ وَأَوْسِعْ مَنَهْجَهُ وَأَسْأَلُكَ بِمَحَبَّتِهِ وَأَنْفَعِ

أَمْرِهِ وَأَشَدُّدِ أَرْزُهُ وَأَعْمُرِ اللَّهُمَّ بِهِ بِلَادَكَ وَآحِي بِهِ عِبَادَكَ فَإِنَّكَ قُلْتَ وَقَوْلِكَ

الْحَقُّ ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ فَآظْهِرِ اللَّهُمَّ لَنَا

وَلِيكَ وَأَبْنِ بِنْتِ نَبِيِّكَ الْمُسَمَّى بِاسْمِ رَسُولِكَ حَتَّى لَا يَظْفِرَ بِشَيْءٍ مِنْ

الْبَاطِلِ الْآمِرُ قَهُ وَيُحِقُّ الْحَقَّ وَيُحَقِّقُهُ وَاجْعَلْهُ اللَّهُمَّ مَفْرَعًا لِمَظْلُومِ عِبَادِكَ

وَنَاصِرًا لِمَنْ لَا يَجِدُ نَاصِرًا غَيْرَكَ وَمُجَدِّدًا لِمَا عَطَلَ مِنْ أَحْكَامِ كِتَابِكَ

وَمُشِيدًا لِمَا وَرَدَ مِنْ أَعْلَامِ دِينِكَ وَسُنَنِ نَبِيِّكَ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ

وَاجْعَلْهُ اللَّهُمَّ مَمَّنْ حَصَّنَتْهُ مِنْ بَأْسِ الْمُعْتَدِينَ اللَّهُمَّ وَسِّرْ نَبِيَّكَ مُحَمَّدًا صَلَّى

اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِرُؤْيَيْهِ وَمَنْ تَبِعَهُ عَلَى دَعْوَتِهِ وَارْحَمِ اسْتِكَاتِنَا بَعْدَهُ اللَّهُمَّ

أَكْشِفْ هَذِهِ الْغُمَّةَ عَنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ بِظُهُورِهِ وَعَجِّلْ لَنَا ظُهُورَهُ أَنَّهُمْ يَرُونَهُ بَعِيدًا

وَنَرَاهُ قَرِيبًا بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

پروردگارا! جمال باهر النور و صورت زیبای امام زمان را به من بنما (که چشم اهل عالم مشتاق دیدار اوست). و چشمان ما را به زیارت ولییمان روشن فرما که سرمه نور و روشنی ابد با یک نظر بر آن جمال مبارک است.

بارالها! فرج او را بر ما نزدیک کن و ظهور او را آسان گردان و ما را در پیروی راه او کمک فرما و به توجهات و الطاف و عنایات او پشتیبانی و تقویت کن.

خدایا! شهرهای خراب ما را به وجود مقدس امام زمان علیه السلام آباد و عمران کن و بندگان خود را.

خدایا خود گفته‌ای و گفته ات حق است، فساد در خشکی و دریا نمایان شده با آنچه مردم عمل می‌کنند.

پس ظاهر ساز ولییمان را برایمان ای خدا، فرزند دختر پیامبرت که نامیده می‌شود با نام رسالت تا چیزی به باطل دست نیابد مگر اینکه از هم پاشیده شود و احقاق حق نماید.

خدایا او را قرار بده پناهگاهی برای مظلومان و کسانی که غیر از تو یآوری ندارند. و تجدید کننده قوانین الهیت که تعطیل شده و استحکام بخش آئین سنت پیامبرت و از بیداد ستمگران محفوظ و در امان خود بدار.

پروردگارا! پیغمبر اکرم حضرت محمد صلی الله علیه و آله را شاد و مسرور گردان و پیروانش که دعوت حضرتش را اجابت کردند.

خدایا بر حال زار و پریشان ما بعد از (غیبت) ترحم فرما و اندوه دوری آن بزرگوار را به ظهورش از قلوب این امت برطرف گردان و برای آرامش دل‌های ما به ظهورش تعجیل فرما، که مخالفان بعید دانند و ما ظهور و فرجش را نزدیک می‌دانیم ای خدای مهربانترین مهربانان عالم.

فهرست مطالب

۱۳مقدمه
۱۶فصل اوّل: زندگانی حضرت مهدی <small>علیه السلام</small>
۱۸زندگی حضرت مهدی <small>علیه السلام</small>
۲۰کیفیت تولّد و غیبت امام <small>علیه السلام</small>
۲۳پدر و مادر امام زمان <small>علیه السلام</small>
۲۳نرجس خاتون چه کسی بودند؟
۲۸ولیمه ولادت
۲۹اخبار کتب آسمانی در مورد ظهور حضرت مهدی <small>علیه السلام</small>
۳۱دوران زندگی حضرت مهدی <small>علیه السلام</small>
۳۲آیات قرآن درباره قیام قائم آل محمد <small>علیه السلام</small>
۳۷حضرت مهدی <small>علیه السلام</small> نهمین اولاد امام حسین <small>علیه السلام</small> است
۳۸علت خفاء حمل نرجس خاتون
۳۹غیبت صغری
۴۰پیامبرانی که غایب شدند
۴۲غیبت کبری
۴۳اقامتگاه حضرت مهدی <small>علیه السلام</small>
۴۳یاران حضرت بیشتر در کجا هستند
۴۴حدیثی از امام رضا <small>علیه السلام</small>
۴۵رجعت چیست؟
۴۶وقت معلوم
۴۷حکومت حضرت و پیشرفت علم

۶ منتقم مظلومان

انتظار یا زمینه سازی ۴۷

مفهوم واقعی انتظار ۴۷

اتحاد و انسجام مسلمانان ۴۹

ویژگیهای یاران آن حضرت در قرآن ۵۰

تواتر حدیث ۳۱۳ نفر از یاران امام زمان علیه السلام ۵۱

دعا برای ظهور حضرت مهدی علیه السلام ۵۲

ظهور فقط با دعا نیست ۵۴

معنای فرج ۵۵

توسل ۵۶

بهره منتظرین ۵۷

از امام غائب چگونه می توان بهره مند شد ۵۸

حکمت غیبت حضرت ولی عصر علیه السلام ۵۸

غیبت امام زمان علیه السلام ۵۹

خلاصه ای از وظیفه مردم در زمان غیبت امام زمان علیه السلام ۶۰

فوائد دعا برای امام زمان علیه السلام ۶۴

ثوابهای دعا برای امام زمان علیه السلام ۶۹

ثواب عبادت در زمان غیبت ۷۱

فصل دوم: نقش زنان در زمان غیبت امام زمان علیه السلام ۷۴

ایمان زن و مرد ۸۰

صله رحم ۸۱

ابدال چه کسانی هستند ۸۴

ازدواج ۸۵

سلمان که بود ۸۵

چرا ملاتکه حضرت فاطمه الزهراء علیها السلام را بیشتر می شناسند؟ ۸۶

چرا لیلة القدر گفته می شود ۸۸

نقش دعا در رسیدن به تکامل ۹۲

۷ فهرست مطالب

۹۷ فصل سوم: دعای مکارم اخلاق از امام سجّاد علیه السلام

۹۸	ایمان چیست؟
۱۰۰	رکن‌های ایمان
۱۰۱	علامت ایمان واقعی
۱۰۱	یقین چیست؟
۱۰۲	علامت متقین از قرآن
۱۰۲	ایجاد یقین و شک
۱۰۳	تفسیر یقین چیست؟
۱۰۳	حالات نفس
۱۰۵	حبّ ذات و حجاب نفس
۱۰۶	هوای نفس
۱۰۶	نیت
۱۱۱	معرفت به نورانیت
۱۱۴	کفایت یعنی چه؟
۱۱۹	فقر و غنا
۱۲۰	فقر مذموم
۱۲۰	فقر ممدوح
۱۲۰	غناى ممدوح
۱۲۰	غناى مذموم
۱۲۱	انفاق چیست؟
۱۲۳	خطرات عزّت
۱۲۵	استمداد از حق در مقابله با هوئى نفس
۱۳۱	همسایه
۱۳۲	عزت درونى
۱۳۲	عزت ظاهرى
۱۳۵	علم
۱۳۶	فرق ابلیس با شیطان

..... ۸	منتقم مظلومان
..... ۱۳۷	گناه و داروی آن
..... ۱۳۷	خشم
..... ۱۳۸	داستانی درباره افراد کریم النفس
..... ۱۴۱	بررسی دوستی و دشمنی‌ها
..... ۱۴۲	مدارا نمودن
..... ۱۴۲	زکات عقل
..... ۱۴۳	اجر صدقه‌ها
..... ۱۴۳	مدارا با مردم
..... ۱۴۴	کرامات اهل بیت <small>علیهم‌السلام</small>
..... ۱۴۵	معنای صبر
..... ۱۴۵	معنای حق
..... ۱۴۶	مکر
..... ۱۴۶	جدایی مذموم
..... ۱۴۶	جدایی روا
..... ۱۴۷	عوامل مقابله با عوامل رنجش
..... ۱۴۹	غیبت چیست؟
..... ۱۵۰	زدودن غیبت از نامه اعمال
..... ۱۵۱	غیبت‌های مجاز
..... ۱۵۲	معنای شکر چیست؟
..... ۱۵۴	ستر عیوب
..... ۱۵۶	لباس تقوا
..... ۱۵۶	عفت
..... ۱۵۷	عدل
..... ۱۵۸	عدالت
..... ۱۵۹	ظلم
..... ۱۵۹	توشه برای آخرت
..... ۱۵۹	استقامت
..... ۱۶۰	کظم غیظ

۹	فهرست مطالب
۱۶۱	رشد
۱۶۲	عفو
۱۶۲	فرو نشانیدن آتش خشم
۱۶۲	اصلاح ذات البین
۱۶۴	ستر العیوب
۱۶۴	زکات جوارح
۱۶۴	خدمت خود را پنهان داشتن
۱۶۵	بدترین خلق
۱۶۵	عادت بد
۱۶۵	خلق افضل
۱۶۶	تندخوئی
۱۶۶	فروتنی و تواضع
۱۶۸	داستان ذوالقرنین
۱۷۰	سوء خلق
۱۷۰	فضل
۱۷۱	ایثار
۱۷۱	گناه
۱۷۲	آزمودن و بخشش
۱۷۴	محبوبترین مردم نزد پیامبر ﷺ
۱۷۴	کوچک شمردن گناه
۱۷۶	خدایا در عبادت مرا کسَل منما
۱۷۸	اسرارها
۱۷۹	پناه ببرید به خدا از فقر و تنگدستی
۱۷۹	حقیقت و عبودیت
۱۷۹	ذلیل
۱۸۰	فقر و درجات آن
۱۸۱	تلقین
۱۸۲	ذکر

.....	۱۰	منتقم مظلومان
.....	۱۸۳	تذکر برای گمان بد
.....	۱۸۳	حسد
.....	۱۸۳	حمد
.....	۱۸۶	تفاوت قدر نعمتها
.....	۱۸۶	هدایت
.....	۱۸۵	شوق در عبادت
.....	۱۸۵	فضل الهی
.....	۱۸۶	جهاد با زبان
.....	۱۸۶	تفضل
.....	۱۸۶	استغفار
.....	۱۸۸	آفات زبان
.....	۱۸۸	الهام
.....	۱۸۸	دعایی از حضرت فاطمه <small>علیها السلام</small>
.....	۱۸۹	تقوا
.....	۱۸۹	زکات
.....	۱۹۰	حدیثی در مورد علم
.....	۱۹۱	افضل مردم
.....	۱۹۱	حسن عاقبت
.....	۱۹۵	فضیلت علم بر مال
.....	۱۹۶	حدیث قدسی
.....	۱۹۷	مقصود از رضا چیست؟
.....	۱۹۷	حقیقت زهد چیست؟
.....	۱۹۷	اخلاص چیست؟
.....	۱۹۸	نمونه‌ای از حقیقت محبت
.....	۱۹۸	جایگاه امیرالمؤمنین <small>علیه السلام</small>
.....	۱۹۹	نقطه ضعف
.....	۱۹۹	گمنامی
.....	۲۰۰	وحی خداوند به حضرت عیسی <small>علیه السلام</small>

۱۱	فهرست مطالب
۲۰۰	صفات شیعه
۲۰۱	تغییر قبله
۲۰۱	خرائن خدا
۲۰۵	نارضایتی خداوند
۲۰۶	توجه به رضای خدا
۲۰۶	تفاوت سخن مؤمن و منافق
۲۰۷	هدایت در حفظ زبان
۲۰۸	اثر رفیق و مدارا
۲۰۸	ارزش صبر در اسلام
۲۰۹	کفایت معاش
۲۰۹	عامل دوری از خداوند
۲۱۰	دعا
۲۱۰	جهت دعا
۲۱۱	مغفرت الهی
۲۱۱	شرایط استجابیت دعا
۲۱۱	معرفت حق در استجابیت دعا
۲۱۲	فرق اسراف و تبذیر
۲۱۳	برکت مال
۲۱۳	پناه بردن به خدا از عذاب الهی
۲۱۴	آبرو
۲۱۴	حدیث فقر
۲۱۶	رضا و قضای خداوند در نزد اهل بیت <small>علیهم السلام</small>
۲۱۷	نظام جهان بر وفق مصلحت
۲۱۷	حسن خلق
۲۱۸	رزق بی واسطه از خداوند
۲۱۸	اجر سیر کردن گرسنگان
۲۱۹	صحت در بدن
۲۱۹	عبودیت

۱۲	منتقم مظالم
۲۱۹	ارزش جوانی و عاقبت
۲۱۹	بیماری
۲۲۰	فراغ
۲۲۰	تقسیم ساعات روز
۲۲۰	زهد
۲۲۱	تقسیم علوم
۲۲۱	کمال دین
۲۲۱	معنی حجت بالغه الهی
۲۲۲	ورع
۲۲۲	حسن عاقبت
۲۲۳	حضرت یوسف و درخواست حسن عاقبت
۲۲۳	شرایط آباد کردن مزرعه دنیا و آخرت
۲۲۴	راههای وصول به رضای الهی
۲۲۶	حفظ عمل
۲۲۷	پاداش مدارا با مدیون تهیدست
۲۲۷	محبت
۲۲۹	خیر
۲۳۰	صلوة و صلوات
۲۳۱	خطاب خداوند به اسمای حضرت محمد ﷺ در قرآن
۲۳۱	تسلیم
۲۳۲	بزرگترین حسنه
۲۳۵	دعای مکارم الاخلاق
۲۴۸	منابع و کتابهایی که استفاده شده

بسم الله الرحمن الرحيم

خدایا، روی می‌نمایم به سوی تو و سعی می‌نمایم به جانب تو و کوشش می‌نمایم در اطاعت تو. قلبم را پاک می‌نمایم از رذایل اخلاقی و از عشق دنیا تهی می‌گردانم تا قلبی سلیم گردد و جز حق نگوید و انجام ندهد و هیچ اراده‌ای از خود نداشته باشد.

در کمال بندگی، با عشق و محبت در مقابل مسائل و مصیبتها و رنج دنیای فانی، صبور و مقاوم بایستد و از خود حلم و بردباری نشان دهد. همه چیز را خدایی ببیند و بشنود و به خاطر خدا عمل کند و خدا را از همه چیز بیشتر دوست داشته باشد.

هر نفسی هنگام تولد از جمیع صفات خالی است، مانند صفحه‌ای سفید و روشن، و حصول اعمال نیک و بد و تکرار اعمال و افعال بر آن نقش می‌بندد و مستحکم و ثابت می‌گردد. انسان به وسیله قوه عقل، درک حقایق کرده و باید بین خوب و بد فرق بگذارد تا افضل از ملائکه گردد. و با خودسازی خود را به این مرتبه برساند.

فرهنگ غرب با نام ایجاد تحول اجتماعی و اقتصادی، الگوهای فاسد و پلید خویش را با نقابی از پیشرفت و تمدن بر مردم اجتماع تحمیل می‌کند و آنها را با شعارهای دروغ به اسارت فرهنگ مصرفی مخرب می‌کشد.

مردم جامعه اسلامی ما، به خصوص زن ایرانی، باید سرمشق و الگوی زنان مسلمان کشورهای دیگر باشد.

اگر زنان خود را از وابستگی‌هایی که مثل تار عنکبوت بر پایشان پیچیده، دور کنند و به فکر تجملات و خوشگذرانی نباشند.

و جلوه‌ والای کرامت انسانی و اخلاق اسلامی را در چهره مقدس حضرت فاطمه زهراء سلام الله علیها و حضرت زینب سلام الله علیها و...، که الگوی زنان عالم هستند، جستجو نمایند و از شعاع این خورشیدهای عالم تاب نور و گرما بگیرند و کانون حیات انسانها را گرم و روشن سازند.

ایمان خود را کالجبل الراسخ گردانند تا از یاران امام زمان عجل الله فرجه خود گردند.



لطف خدا شامل حالم گردید و توانستم مطالبی را در این کتاب درج نمایم تا ذره‌ای بی مقدار از اقیانوس بی کران حقایق و معارف را ترسیم نمایم.

شناخت و درک عمیق از ولایت امام زمان علیه السلام و حرکت در سایه ولی نعمت خود و تفکر و تدبر و تفقه در دین از واجبات یک مسلمان است.

و اگر خواندن دعا با شناخت و تعمق در معنا همراه باشد ارتباط روحی برقرار می‌شود.

در دوران غیبت و دوری از امام زمان علیه السلام برای نجات و رستگاری باید مواظبت و مراقبت شدیدی در اعمال و کردار خویش داشته و در راهی که ائمه علیهم السلام برایمان روشن نموده‌اند، «**من مات ولم يعرف امام زمانه مات میتة الجاهلیة**»^(۱)، سیرکنیم و از انحراف پرهیزیم تا به حیات طیبه برسیم.

دعای مکارم اخلاق از امام سجاد علیه السلام حاوی درسهای آموزنده و

تعالیمی انسان ساز می باشد و اگر محتوای آن را به دقت یاد گرفته و عمل نمائیم، به کمال سجایای اخلاقی متخلق می گردیم.

و با تشکر و قدردانی از زحمات بی شائبه استاد گرامی و دیگر اساتیدم که در راه تزکیه نفس و یادگیری حقایق اسلام مرا یاری نموده و راهنماییم در این مسیر بوده اند، کتاب را به پیشگاه مقدس قطب عالم امکان، وجود نازنین امام زمان روحی له الفداء، و مادر گرامیشان حضرت فاطمة الزهراء سلام الله علیها تقدیم می نمایم.

با تشکر - امیر سیف الدینی

فصل اوّل

زندگانی حضرت مهدی علیه السلام

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين وصلى الله على سيدنا محمد وآله أجمعين سيّما بقيّة الله في
الأرضين رُوحى وأرواح العالمين لتراب مقدمه الفداء.

حضرت بقيّة الله الاعظم حجّة بن الحسن المهدي عجل الله فرجه، اجرا کننده
قانون محکم و کامل الهی، کتابی که جامع و هیچ خشک و تری نیست مگر در آن
آمده است.

منتقم مظلومان و گستراننده عدل و داد در روی زمین، امام معصومی که احاطه
کامل به علوم و حقایق و اسرار الهی دارد و از جهل معصوم است و قدرت اجرای
احکام الهی را دارد.

چنین مصلحی إن شاء الله خواهد آمد و بساط ظلم و ظالم را بر خواهد چید و
مستکبران و ستمگران را نابود خواهد کرد.

پس چرا این خورشید عالم افروز از پشت پرده غیبت بیرون نمی آید؟

یکی از دلایل آن این است که هنوز مردم زمینه‌ای برای آمادگی و شایستگی آن
حکومت در خود ایجاد نکرده‌اند تا وجود امام خود را طلب کنند.

هنوز تشنه حقیقت وجود امام نگشته‌اند تا با رسیدن به سرچشمه وجود ایشان
خود را سیراب نمایند.

انسانها از نظر فطری پذیرش عدالت را دارند ولی امیال و شهوات روی این
استعداد پرده و حجابی ضخیم کشیده که مانع پذیرش حق هستند، و تا زمانی که

معرفت کامل به امام خود پیدا نکرده و در صدد از بین بردن حجابها نباشند و خود را تزکیه نکرده که با حضرتش سنخیت روحی پیدا کنند و خود را آماده برای تربیت زیر نظر حضرتش نمایند این امر به تأخیر می افتد، مگر مشیت الهی چیزی غیر از این را ایجاب کند.

باید سنگلاخها را در زمین روح خود کنار بزنیم و روح خود را با صفات متقین آمیخته گردانیم و سپس منتظر مصلح جهانی با دعا و تضرع به درگاه الهی مشغول شویم.

تمام مردم جهان خلأ نبودن مصلح جهانی و امام زمان علیه السلام را حس می کنند ولی عده ای کم، زمینه ظهور را فراهم کرده اند.

پس وقت آن شده که از خواب گران بیدار شویم و به دنبال گم شده خود با چراغ هدایت علم و معرفت امام زمان علیه السلام و تزکیه نفس به جستجو پردازیم و تنها به دعا کردن اکتفا نکنیم که باید شرایط استجاب آن را هم فراهم نماییم.

اکنون مختصری در رابطه با ولادت و کیفیت تولد، پدر و مادر گرامی آن حضرت، و غیبت ایشان، وظایف انسانها در عصر و زمان غیبت کبری و سیر تکاملی انسان را به رشته تحریر در می آورم.

زندگی حضرت مهدی علیه السلام

زندگی پیامبران الهی به خصوص ائمه معصومین علیهم السلام و نحوه حمل مادر و متولد شدنشان با سایر افراد جامعه متفاوت است. زیرا آنها انسانهایی هستند که خدای تعالی آنها را برای وظیفه ای بزرگ و خطیر برگزیده و همانطوری که روح آنها با روح افراد جامعه فرق دارد جسم آنها نیز با تشابهی که از لحاظ ماده با جسم انسانهای دیگر دارد از لحاظ قدرت بدنی با دیگران متفاوت است. بنابراین آثار عجیبی از

بستن نطفه تا رفتن به درون خاک از بدنهای آنها دیده می‌شود و ارواح آنها بر زمین و زمان و مکان محیط و مسلط بر تمام موجودات هستی می‌باشند. خواب، بیداری، کودکی، شباب، پیری، در شکم مادر، دنیا، برزخ، آخرت، حیات مادی و بقاء معنوی همگی در پیشگاه روح بزرگ آنها یکسان است و روی سخن ما با کسانی است که ایمان به برجستگی و برتری آنها دارند و آنها را برگزیدگان خدا می‌دانند.

اگر ایمان به قدرت و برتری نیروی آنها داشتیم تعجب نمی‌کردیم که آنها در شکم مادر حرف بزنند یا از راه غیر طبیعی از مادر به دنیا بیایند، در طفولیت بیان کنند آنچه را در پیری و بزرگی می‌دانند و منزه از هر رجسی می‌باشند^(۱).

حضرت مهدی علیه السلام مانند جدش رسول الله صلی الله علیه و آله در شکم مادر تسبیح و تهلیل و شکر الهی را می‌نمود. در موقع تولد از پهلوی مادرش که شکافته شد، به دنیا آمد. چون به این عالم قدم نهاد خدای را سجده کرد. آیات خدا را تلاوت فرمود، بر بال جبرئیل نشست و او را به آسمان بردند. چون متولد شد بر بازوی راست او نوشته بود: ﴿وَمَّتْ كَلِمَةُ رَبِّكَ صِدْقًا وَعَدْلًا لَا مُبَدَّلَ لِكَلِمَاتِهِ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ﴾^(۲).

تمام شد کلمه پروردگار... و احادیث بسیاری است که فرمودند: «نَحْنُ كَلِمَةُ اللَّهِ»؛ ما کلمه خدا هستیم.

بر بازوی چپ او نوشته بود: ﴿جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا﴾^(۳).

حضرت با علم خود احاطه به تمام زمان و مکان دارد و صدای بیچارگان را می‌شنود و جواب می‌گوید، در حالی که از کارهای دیگر و دیگران باز نمی‌ماند.

۱. «إِنَّمَا يَرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا».

۲. انعام: ۱۱۵.

۳. اسراء: ۸۱.

رشد و نموّ حضرت چنان بود که حضرت حکیمه خاتون گوید: بعد از چهل روز به زیارتش رفتم، دیدم نوباوه چمن امامت راه می‌رود و با زبان فصیح سخن می‌گوید.

احمد بن اسحاق قمی که معتمد و موثق است گوید: «روزی خدمت امام عسکری علیه السلام رفتم تا از امام بعد از او و حجت بر خلق سؤال نمایم. قبل از آن که سؤال نمایم، فرمود: ای احمد، حق تعالی هرگز زمین را خالی از حجّت نخواهد گذاشت. تا روز قیامت زمین و اهل او ناچارند از وجود حجتی که واسطه فیض و خیرات و برکات بر اهل زمین است، بهره‌مند گشته و به برکت وجود امام و حجّت، آفتها رفع گردد.

عرض کردم: حجّت خدا بعد از شما کیست؟

حضرت برخاسته به درون خانه رفت و پسری را به سنّ سه ساله چون ماه تابان که در بغل گرفته بود، آورد و فرمود: ای احمد! چون بسیار محترم و عزیز بودی این پسر را به تو نشان دادم. او همانم جدّم رسول الله صلی الله علیه و آله می‌باشد و زمین را پر از عدل و داد خواهد نمود پس از آنکه پر از ظلم و جور شده باشد.

عرض کردم: علامت او چیست که قلبم به او مطمئن گردد؟

ناگاه دیدم آن طفل به سخن درآمد و به زبان فصیح فرمود: «أنا بقية الأئمة في الأرض، أنا المنتقم وأنا القائم بإذن الله وأنا الذي املا الأرض عدلاً كما ملئت ظلماً وجوراً»؛ فرمود: منم باقیمانده ائمه در زمین و منم انتقام‌کشنده به راه راست، منم قائم به امر حقّ.



کیفیت تولد و غیبت امام علیه السلام

آفتاب وجود دوازدهمین اختر تابناک ولایت در آسمان وجود بشریت، در نیمه

شعبان سال ۲۵۵ هجری بر جهانیان پرتوافکن گردید.

پدر بزرگوارشان حضرت امام حسن عسکری علیه السلام و مادر محترمه ایشان نرجس خاتون دختر امپراتور روم شرقی است.

حضرت در عهد معتمد عباسی متولد گردیدند. امام زمان علیه السلام شبیه ترین مردم به جد بزرگوارشان رسول خدا صلی الله علیه و آله می باشند با چهره ای گندم گون، ابروانی پیوسته، دارای بینی کشیده و در گونه راست خالی سیاه، رویشان درخشان و قامتشان متوسط و زیبا می باشد و موی سر و صورتشان مانند جدشان امیرالمؤمنین علیه السلام سیاه است.

آن حضرت پنج ساله بود که پدرش امام حسن عسکری علیه السلام شهید شد. امام مهدی عجل الله تعالی فرجه در پنج سالگی غیبت فرمود و علت غیبت ایشان علاوه بر مصلحت و تقدیر خداوندی بیشتر به خاطر این بود که خلفای بنی عباس، مانند معتمد، در صدد قتل حضرت بودند و جاسوسهایی گماشته بودند.

حضرت حکیمه خاتون، عمه امام حسن عسکری علیه السلام، می فرماید:

«روز پنجشنبه، شب نیمه شعبان به منزل امام زمانم و برادر زاده عزیزم، امام حسن عسکری علیه السلام، رفتم. چون قصد مراجعت کردم، حضرت فرمود: ای عمه، امشب را نزد ما باش که در این شب، فرزند گرامی من که حق تعالی به وسیله او زمین را به علم و ایمان و هدایت زنده می گرداند بعد از آنکه مرده باشد، متولد می گردد.

پس برخاستم و پشت و شکم نرجس را ملاحظه کردم، هیچ گونه اثری از حمل در او ندیدم. در حال حیرت بودم که حضرت فرمود:

«ای عمه، صبح اثر حمل او ظاهر می شود. مثل او مثل حمل مادر حضرت موسی علیه السلام است.» شب را آنجا ماندم. تا نزدیک صبح اثری در نرجس خاتون

نیافتم. نزدیک بود شگی در من پیدا شود که ناگاه امام از حجره خود صدا زد که: «شکّ مکن، وقتش نزدیک است.» ناگاه مقارن صبح صادق حالت اضطراب در نرجس ظاهر شد، او را در برگرفتم. امام دستور فرمود سوره قدر را بر او بخوانم. شروع کردم به خواندن آن سوره مبارکه، که در آن حال شنیدم طفل در شکم مادر در خواندن سوره با من همراهی می‌کرد. از این واقعه ترسیدم. امام فرمود: «ای عمّه تعجب مکن که پروردگار طفلان ما را به حکمت گویا می‌گرداند.»

در این موقع پرده‌ای بین من و نرجس خاتون حایل شد و دیگر او را نمی‌دیدم. فریاد کنان نزد امام رفتم. حضرت فرمودند: «ای عمّه برگرد که او را در جای خود خواهی دید.» چون برگشتم پرده برداشته شده و در نرجس نوری مشاهده کردم که دیده‌ام را خیره کرد و حضرت صاحب را دیدم رو به قبله به سجده افتاده و انگشت سبابه را به آسمان بلند کرده می‌گوید: «أشهد أن لا اله الا الله وحده لا شريك له وأن جدّي رسول الله وأنّ أبي أمير المؤمنين وصي رسول الله» بعد یک یک امامان را شمرد تا به خودش رسید^(۱).

همین که آن مولود شریف را نزد پدر بزرگوارش بردم او را بر روی دست گرفت و نوزاد شروع فرمود به خواندن قرآن و انجیل و تورات و زبور و این آیه را تلاوت فرمود:

«وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَوْلِيَاءَ لِلَّذِينَ كَفَرُوا وَأَنْ نَسْأَلَ لِمَن كَفَرَ بِاللَّهِ مِن دُونِهِ مِثْلَ مَا كَانَ لِأُولِي الْأَرْثَانِ * وَنُكِّنَ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَتُرِي فِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَجُنُودَهُمَا مِنْهُم مَّا كَانُوا يَحْذَرُونَ»^(۲).

۱. شرح حال حضرت در کتاب چهارده معصوم.

۲. قصص: ۵ - ۶.

پدر و مادر امام زمان علیه السلام

پدرشان امام حسن عسکری علیه السلام در سال ۲۳۲ هجری متولد و در سال ۲۶۰ هجری مسموم گشته و شهید گردیدند. ۲۸ سال عمر کردند و بیشتر اوقات محبوس و ممنوع از معاشرت بودند و پیوسته مشغول عبادت و تنها فرزند ایشان پسر پنج ساله اش بود که از نرجس خاتون ملکه رومی و یگانه کنیز خود پیدا کرده بودند^(۱).

* * *

نرجس خاتون چه کسی بودند؟

خداوند برای پرورش اوصیاء خود که گوهرهای تابناک خلقت بودند، صدفهای پاک و پاکیزه آفریده و به دست مریبان خداپرست و نیک سیرت داده تا آنها پرورش نمایند. یکی از آن صدفها که از ملل دیگر به سرزمین وحی فرستاده شده، مادر امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف که از نسل حواریون عیسی بن مریم علیها السلام بوده است، و دست قدرت، این لطیفه آسمانی را برای همسری حضرت عسکری علیه السلام به سامرا فرستاد تا گوهر تابناک وجود بقیة الله الأعظم روحی له الفداء را در آن رحم پاک پروراند.

بشر انصاری که از شیعیان خاص امام هادی علیه السلام بود، گوید که: «روزی امام علی النقی علیه السلام مرا طلبید. فرمود: «ای بشر، تو از انصاری و سابقه دوستی ما با خاندان انصار قدیمی است. اینک می خواهم وظیفه ای به عهده تو بگذارم که فضیلتی برای تو باشد».

من بسیار مشعوف شدم. حضرت هادی علیه السلام نامه ای نوشت سر به مهر، به من داد و کیسه زری بیرون آورد که ۲۲۰ دینار طلا در آن بود. فرمودند: «ای بشر این زر و نوشته را بگیر و به بغداد برو. در مسیر فرات حاضر باش که فردا عصر کشتی

خواهد رسید و در آن کنیزکانی هستند برای فروش. در میان فروشندگان شخصی به نام عمرو بن یزید نحاس می باشد که در بین کنیزکان او کنیزی است که از نشان دادن خود به مشتریان ابا می ورزد و نمی گذارد کسی پرده نقاب او را بالا بزند یا آواز او را کسی بشنود. «آنگاه حضرت صفات و نشانی آن کنیز را بیان فرمود که دو جامه حریر پوشیده و خزی به دوش دارد و از اصرار مشتریان و فروشندگان به زبان رومی گوید: «وای که پرده عفتم دریده شد.» و با اینکه او را با قیمت های بالایی خریدار بودند، در جواب آنها می گوید: مرا به شما رغبتی نیست اگر دارای ملک سلیمان باشید.

نحاس می گوید: «چاره ای جز فروختن تو ندارم.» او خواهد گفت: «شتاب مکن. خریداری برای من پیدا می شود.»

در این موقع خود را به نحاس برسان و بگو: «یکی از اشراف نامه ای به خط رومی نوشته تا من به این کنیز بدهم، تا اگر به صاحب نامه میل کند او را خریداری کنم.»

بشر انصاری گوید: با حفظ این دستورات حرکت کردم. به کنار کشتی رسیدم و تمام آنچه حضرت پیش بینی کردند، عملی می شد. من به موقع پیش رفتم و نامه را دادم. کنیز آن را خواند و صدای گریه اش بلند شد. گفت: «مرا به صاحب این نامه بفروش و گرنه خود را خواهم کشت.»

بشر گوید: «این مقدمات باعث شد تا در قیمت به همان مبلغی که حضرت هادی علیه السلام داده بودند، رسید. نحاس زرها را گرفت و کنیز را تسلیم کرد.»

کنیز خندان شد. با هم به حجره ای که در بغداد گرفته بودم، رفتیم. باز نامه را درآورد و می خواند و بر چشم می گذاشت. گفتم: «ای کنیز، نامه ای می بوسی که صاحبش را ندیده ای و نمی شناسی؟»

گفت: «ای کم معرفت، به بزرگی فرزندان و اوصیای پیامبر صلی الله علیه و آله گوش دار و سخن

مرا بشنو که داستان شگفت آوری است».

نرجس گفت: «من ملکه دختر یشو عا فرزند قیصر پادشاه روم هستم و مادرم از فرزندان شمعون بن صفا، وصی حضرت عیسی بن مریم صلی الله علیه و آله، است و تو را از واقعه عجیبی خبر می دهم.

جدّم، قیصر، خواست مرا در سیزده سالگی به برادرزاده خود دهد و دستور داد تمام قسیسین و رهبانان را جمع کردند. سیصد نفر از میان آنها انتخاب کرد. هفتصد نفر هم از امرای لشکر و صاحب منصبان کشور و چهار هزار نفر از معتمدین و اشراف و اعیان لشکریان را حاضر ساخت. تختی زیبا از خزانه بیرون آورد، آراسته به انواع جواهرات، بر روی چهل پایه مستقر. چون برادرزاده قیصر روی آن نشست، صلیبها را برافراشتند و اسقفها به دعا برخاستند که ناگاه قصر به لرزه درآمد و هرکس بالا بود، بیفتاد. پایههای تخت شکست و آنکه روی آن نشسته بود بر زمین سرنگون و بیهوش شد و اندامش به لرزه درآمد.

اسقف اعظم به جدّم گفت: «پادشاهها، ما را از این علامات منحوس که نشانه زوال دین است، معاف بدار.» جدّم نیز این را به فال بد گرفت و به کشیشها گفت: «بار دیگر تخت را بر چهل پایه استوار کنید و قندیلها و صلیبها را برافرازید و برادر این بخت برگشته را بیاورید، تا این دختر را به وی تزویج نمایم.» ولی باز همان پیشامد تکرار شد. همه مردم متفرق شدند. جدّم قیصر تنها و غمناک در منزل خلوتی نشست و سر به تفکر و تأثر فرو برد.

من هم محزون و غمناک در گوشه‌ای پنهان شدم. تا شب که به خواب رفتم. خواب دیدم حضرت مسیح و شمعون و جمعی از حواریون در اتاق من جمع شدند. ناگاه منبری که از بلندی به آسمان برابری می کرد در همان محلّ تخت جدّم نصب کردند. منبری از نور بود. بعد حضرت محمد صلی الله علیه و آله و حضرت علی علیه السلام و

تعدادی از فرزندانشان داخل شدند. حضرت مسیح به پیشواز آمدند و دست در گردن مبارک حضرت انداختند. حضرت محمد ﷺ فرمود: «ای روح الله من آمده‌ام که نسبت خود را به نسبت تو پیوندم و ملکه نرجس را برای پسر من، ابو محمد حسن عسکری علیه السلام، از شمعون خواستگاری کنم.» و اشاره به ابی محمد علیه السلام کردند.

حضرت مسیح نظری به شمعون انداخت و فرمود: «سعادت به تو رو کرده. پیوند نما رحم خود را به رحم آل محمد صلی الله علیه و آله.»

گفت: «موافقم».

پس حضرت بر فراز منبر تشریف بردند و خطبه عقد را خواندند و مرا به ابی محمد علیه السلام تزویج کردند و حضرت مسیح و حواریون را گواه گرفتند.

از خواب که برخاستم از بیم جان خود این رؤیا را برای پدر و جدّم نقل نکردم، ولی مطمئن بودم که خوابم درست است. سینه‌ام آکنده از محبت ابی محمد علیه السلام شد، تا از خوردن و آشامیدن افتادم و بیماری شدیدی گرفتم. جدّم تمام اطباء را به حضورم آورد ولی خوب نشدم. چون پدرم از زندگی من ناامید شد، گفت: «ای فرزند دلبندم، هیچ آرزویی داری که برای تو فراهم کنم؟»

گفتم: «اگر شکنجه را از اسرای مسلمان برداری حال من بهبودی می‌یابد و امید دارم که حضرت مسیح و مادرش مرا شفا دهند.»

پدرم جمعی از زندانیان را آزاد کرد و شکنجه را از برخی برداشت. من قدری اظهار خوشی و بهبودی کردم و اندک طعامی خوردم و این بهبودی موجب شد که پدرم از اسیران اسلام بیشتر دلجویی کند و نیکی و احسان در اسراء مسلمین زیاد شد.

چهارده شب از واقعه خوابم گذشت. شب در خواب فاطمة الزهراء علیها السلام را دیدم همراه حضرت مریم علیها السلام و هزار حوری بهشتی بودند. حضرت مریم علیها السلام گفت: «این

سَيِّدَةُ النِّسَاءِ، مادر همسرت ابی محمد علیه السلام، است. دامنش را بگیر و در پیشگاهش به زاری بپرداز و از امتناع ابی محمد علیه السلام به دیدارت شکوه نما.

من چنین کردم. ایشان فرمودند: «فرزندم هیچ گاه به دیدار تو که در مذهب ترسایان هستی، نخواهد آمد. اگر رضای خدا و مسیح را می خواهی، باید اسلام اختیار کنی تا به زیارت ابو محمد علیه السلام نائل شوی».

گفتم: «از دل و جان حاضرم».

فرمودند: «بگو، أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ وَأَشْهَدُ أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيًّا وَلِيَّ اللَّهِ».

چون این کلمات را گفتم، حضرت زهرا علیها السلام مرا در آغوش گرفت و فرمود: «دلخوش دار که به زودی به دیدار ابو محمد علیه السلام موفق می شوی».

از خواب بیدار شدم، بیشتر شوق دیدار او مرا به گریه انداخت. باز به خواب رفتم، امام حسن عسکری علیه السلام را در خواب دیدم، عرض کردم: «محبوب جانم، چرا این قدر از من روی برتافتی و مرا مبتلا کردی که به این حال درآمدم».

فرمود: «سبب تأخیر، شرک تو بود و اینک هر شب به نزد تو خواهیم آمد تا روزی که حق تعالی میان من و تو را در ظاهر جمع فرماید».

آنگاه بشرگفت: «چگونه در میان اسیران افتادی؟»

نرجس خاتون فرمود: «شبی ابو محمد علیه السلام به من فرمود: «جَدِّ تُوْ بَه زُوْدِي لَشَكْرِي بَه جَنْگِ مُسْلِمِيْنَ خُوَاهِدُ فَرْسْتَادُ وَ خُوْدُ نِيْزَا زِ عَقْبِ اِيْشَانِ خُوَاهِدُ رَفْتُ. تُوْ هَمْ هَمْرَاهُ اُو بَرُو. دَر اِيْنِ جَنْگِ مُسْلِمِيْنَ غَالِبٌ مِي شُوْنْدُ. تُو بَا لِبَاسِ خَادِمَانِ بَه اَنَانِ مَلْحَقٌ شُو تَا تُو رَا اَسِيْرَ كُنَنْدُ».

همان طور شد و مرا کسی نشناخت جز تو که احوالم را برایت شرح دادم.

آن شخصی که من در غنیمت، نصیب او شدم، نام مرا پرسید. گفتم: نرجس.

گفت: «عجیب است، رومیة الاصلی و زبان عربی را به این فصاحت می دانی؟»
گفتم: «جدّم مرا بسیار دوست داشت و علاقه داشت که زبانهای مختلف و مخصوصاً زبان و ادبیات عرب را فراگیرم از این جهت من در عربی تسلط یافتم».
بشر گوید: «از این ساعت خود را در برابر او متواضع ساختم تا او را به خدمت امام علی النقی علیه السلام بردم».

حضرت به او فرمود: «بشارت باد تو را به فرزندی که مشرق و مغرب عالم را پر از عدل و داد کند، پس از آنکه پر شده باشد از جور و ظلم».
نرجس پرسید: «از کی؟»

فرمود: «از کسی که رسول خدا صلی الله علیه و آله از عیسی بن مریم و شمعون تو را برای او خواستگاری کرد».

سپس امام هادی علیه السلام خواهرگرامی خود حکیمه خاتون را فرا خواندند و فرمودند: «ای خواهر عزیز! آن مکرمه‌ای که در انتظار دیدار او بودی رسید».
حکیمه او را به سینه گرفت و بوسید و به او تبریک گفت. آنگاه حضرت فرمودند: «او را به خانه ببر و فرایض را به او بیاموز و آموزش و پرورش اسلام را تعلیم او کن. او زن فرزندانم ابو محمد علیه السلام و مادر مهدی قائم آل محمد علیه السلام خواهد بود»^(۱).



ولیمه ولادت

در شب مولودش، حضرت عسکری علیه السلام امر فرمود، ده هزار رطل نان (قریب هزار من) و ده هزار رطل گوشت به ایتام و مساکین دادند و سیصد گوسفند عقیقه کردند و عموم اهالی سامره را اطعام فرمودند و چون دشمنان در پی قتل حضرت بودند و اخباری از ظهور ایشان در میان مردم و مسلمانان آن عصر شهرت داشت که

امام دوازدهم ظاهر شود و از شرق تا غرب عالم سلطنت نماید، خلفای بنی عباس بر آن بودند که این طفل را یافته، شهید کنند. بنابراین امام عسکری علیه السلام در حفاظت آن مولود آسمانی از چشم مردم سفارش می فرمودند و تا زنده بودند او را جز به دوستان و شیعیان نشان نمی دادند و پس از شهادت ایشان، حضرت غائب شدند تا از کید دشمنان محفوظ بمانند.

* * *

اخبار کتب آسمانی در مورد ظهور حضرت مهدی علیه السلام

در کتاب زبور داوود^(۱) که جزو تورات و انجیل به چاپ رسیده بشارت مصلح جهانی را به مردم جهان می دهد و می گوید: «تمام کره زمین و مردم او را بندگی می کنند و وجودش برای مردم عالم مایه برکت است.» که این گفتار با اعتقادات شیعیان مطابق است.

در کتاب ارمیای تورات باب دوازدهم^(۲) از جنگی عمومی که قبل از ظهور مصلح بزرگ واقع می شود و سپس وعده امن و امان داده، خبر می دهد و در باب ۲۳ همین کتاب وعده پادشاه عادل که مالک روی زمین می شود بعد از اینکه دو سوم از اهلش نابود می شود و عالم بعد از آن اصلاح می گردد، داده شده است.

در کتاب اشعیای نبی آمده: «برای خدا روزی است که بر هر چیز بلند عالی فرود می آید و آنها در برابرش پست می شوند.» و همچنین در باب سیزدهم همین کتاب می فرماید: «روز خداوند نزدیک است و هلاکتی از جانب قادر مطلق می آید تا جهان را ویران سازد و گنهکاران را هلاک نماید.»

در انجیل حضرت رسول صلی الله علیه و آله را آفتاب و حضرت امیر علیه السلام را ماه و دوازده امام را

۱. زبور داوود: ۱۹۵۵ چاپ لندن.

۲. ص ۱۰۱۱۳ چاپ لندن.

به دوازده ستاره که بر سر نی قرار دارد، تعبیر می‌کند که نزد خدا رهبری می‌شود». در کتاب نورالانوار از علامه بروجردی که از کتب زردشتیان و بعضی فصول انجیل یوحنا و کلماتی از متن کتاب سندره عیسویان نقل شده، آمده است:

«در آخر الزمان پس از آنکه جهان پر از ظلم و جور شد و از اسلام جز نامی به علت فسق عالمیان و حسد حاسدان نماند، پادشاهی که از امت و نسل محمد ﷺ است، ظهور می‌کند و مشرق و مغرب عالم را می‌گیرد و بسیار کسان را می‌کشد و بتخانه‌ها را خراب می‌کند و بتان را به دریا می‌اندازد و بسیاری از نیکان را زنده می‌کند و به کارهای بزرگ می‌گمارد و بسیاری از بدان و جادوگران را کیفر می‌دهد و بدعت‌ها از میان بر می‌دارد و عصای موسی و انگشتر و دیهیم سلیمان با او خواهد بود و همه خلائق او را مطیع می‌شوند. دیگر جزیه از یهودیان قبول نمی‌کند و اگر مسلمان نشوند آنها را می‌کشد. پاپ را به قتل می‌رساند و پادشاه فرنگ را خوار می‌سازد و مسیح از آسمان به کمکش فرود می‌آید و همه خلائق را به دین واحد در می‌آورد»^(۱).

علمای اسلام از شیعه و سنی نوشته‌اند: «مسیح از آسمان به زمین می‌آید و پشت سر حضرت مهدی ﷺ نماز می‌گذارد و مسیحیان او را می‌شناسند. او با حضرت مهدی ﷺ بیعت نموده و پیروی می‌نماید.» در قرآن چند آیه در سوره قصص آمده که امام حسین ﷺ آنها را مربوط به حضرت حجّت ﷺ می‌دانند^(۲).

پس همه مردم انتظار ظهور امام زمان ﷺ را دارند. یعنی همان مصلح عالم بشریت که با تأییدات الهی ظاهر می‌شود و بر تمام دنیای بشریت حکومت می‌کند. خداوند در سوره صف آیه ۱۳ می‌فرماید: ﴿وَأُخْرَىٰ تُحِبُّونَهَا نَصْرٌ مِّنَ اللَّهِ وَفَتْحٌ

۱. مکاشفات یوحنا: ۴۱۷ از باب ۱۹.

۲. تاریخ شیعه: ۱۴۷.

قَرِيبٌ وَبَشْرِ الْمُؤْمِنِينَ؛ این آیه در فتح مکه نازل شد و بشارت بر یک نصرت و ظفر ثانوی است که همان وجود مقدس ولی عصر امام زمان علیه السلام است که نصرت او از جانب خدا و فتح و پیروزی با او هم آغوش است. امام زمان علیه السلام هم مانند جدّ بزرگوارش، پیامبر صلی الله علیه و آله، در ابتدا یک نفر بیش نبود که خداوند متعال او را تأیید فرمود و بر تمام ممالک متمدنه دنیا استیلا داد، به اذن پروردگار بر تمام کره زمین حکومت می کند.

دوران زندگی حضرت مهدی علیه السلام

زندگی حضرت به سه قسمت تقسیم می شود:

دوره اول: از تولد تا رحلت پدر بزرگوارشان که ۵ سال بیش نبود و در این مدت بعضی علمای اعلام و فقهاء اسلام این امام را زیارت کرده و از ایشان مسائل خود را پرسیده و ایشان را امتحان کرده و نصّ امامت ایشان را از پدرشان شنیده اند که شرح آن در جلد سیزدهم بحار الأنوار مفصّل آمده است. (از سال ۲۵۵ تا سال ۲۶۰ هجری قمری).

دوره دوم: دوره ای است که غیبت صغری شروع شده. از سنّ ۶ سالگی، سال ۲۶۰ هجری، تا ۳۳۰ هجری که در این مدّت فقط خواصّ و علماء به خدمت حضرت می رسیدند و کسب فیض می نمودند و امور شرعی، دینی و دنیایی خود را سؤال می کردند. مشاهیر این دسته چهار نفر وکلای اربعه هستند که واسطه فیض بودند.

سومین دوره: از سال ۳۳۰ هجری شروع شده تا روزی که به اذن الهی فرمان ظهور داده شود که دوره غیبت کبری است.

آیات قرآن درباره قیام قائم آل محمد علیهم السلام

آیات بسیاری (۱۳۲ آیه) در قرآن در مورد قیام حضرت حجة بن الحسن عسکری علیه السلام آمده که بعضی را می آوریم:

(۱) ﴿ اَلَمْ * ذٰلِكَ الْكِتٰبُ لَا رَيْبَ فِيْهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِيْنَ * الَّذِيْنَ يُؤْمِنُوْنَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيْمُوْنَ الصَّلٰةَ وَمِمَّا رَزَقْنٰهُمْ يُنْفِقُوْنَ ﴾ (۱).

«این کتابی است که شکی در آن نیست. هادی پرهیزکاران است. آنهایی که ایمان به غیب دارند و اقامه نماز می کنند و از روزی خود انفاق می نمایند.»
در تفسیر این آیه امام صادق علیه السلام می فرماید: «منظور از متقون، شیعه ما، و مراد از غیب، حجت خدا می باشد و شاهد این حقیقت آیه دیگری است که می فرماید:

﴿ وَيَقُوْلُوْنَ لَوْلَا اُنزِلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِّن رَّبِّهِ فَقُلْ اِنَّمَا الْغَيْبُ لِلّٰهِ فَانْتَظِرُوْا اِنِّيْ مَعَكُمْ مِّنَ الْمُنْتَظِرِيْنَ ﴾ (۲).

(۲) ﴿ فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ اِنَّ مَا تَكُوْنُوْنَ يٰۤاَتِيْكُمْ بِاللّٰهِ جَمِيْعًا ﴾ (۳).

امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه می فرماید:

«مراد جمیع اصحاب امام زمان علیه السلام که ۳۱۳ نفر خواهند بود که امت معدوده هستند و در یک ساعت واحد قیام خواهند کرد و اسامی آنها در مسند فاطمه زهرا علیها السلام مندرج و مضبوط است» (۴).

(۳) ﴿ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ

۱. بقره: ۱-۳.

۲. یونس: ۲۰.

۳. بقره: ۱۴۸.

۴. غیبت نعمانی؛ مجمع البیان.

تُفْلِحُونَ ﴿١﴾

حضرت امام باقر علیه السلام می فرمایند: «اصبروا، صبر بر فرایض و صابروا و رابطوا انتظار فرج و ارتباط با آن حضرت است».

﴿٤﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ

مِنْكُمْ ﴿٢﴾

جابر بن عبدالله انصاری از پیامبر صلی الله علیه و آله پرسید: «اولی الامر کیست؟»

حضرت فرمود: «آنها خلفاء من هستند که اول آنها علی بن ابی طالب و حسن و حسین و علی بن الحسین و محمد بن علی معروف به باقر که ای جابر تو او را ملاقات می کنی. سلام مرا به او برسان. آنگاه صادق، جعفر بن محمد، و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی و علی بن حسن و حسن بن علی ثم حجة الله في أرضه وبقية في عباده ابن الحسن بن علي عليه السلام ذاك الذي يفتح الله تعالى ذكره مشارق الأرض ومغاربها ذاك الذي يغيب عن شيعته واوليائه غيبة لا يثبت فيها على القول بالإمامة إلا من امتحن الله قلبه للإيمان»^(۳).

آنگاه جابر پرسید: «یا رسول الله، چگونه مردم در غیبت از او منتفع می شوند؟» فرمود: «به خدایی که جانم در دست اوست سوگند، مردم از وجود امام خود استفاده می برند مانند نور آفتاب اگرچه آفتاب پس ابر سیاه هم باشد؛» و فرمود: «ای جابر، این غیبت از اسرار الهی است آن را از اهلش پنهان بدار».

﴿٥﴾ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: ﴿وَمَنْ يُطِعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ

مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصِّدِّيقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسُنَ أُولَئِكَ رَفِيقًا﴾^(۴).

۱. آل عمران: ۲۰۰.

۲. نساء: ۵۹.

۳. الزام الناصب: ۱۹.

۴. نساء: ۶۹.

در تفسیر قمی از امام صادق علیه السلام روایت کرده که مراد از نبیین پیامبر صلی الله علیه و آله ، صدیقین علی علیه السلام و شهداء امام حسن و امام حسین علیهما السلام و صالحین ائمه علیهم السلام و حسن اولئک رفیقاً مراد امام زمان علیه السلام می باشد .

(۶) ﴿ وَإِنْ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ إِلَّا لِيُؤْمِنَنَّ بِهِ قَبْلَ مَوْتِهِ وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ يَكُونُ عَلَيْهِمْ شَهِيداً ﴾ (۱)

از حضرت امام محمد باقر علیه السلام روایت است که حضرت عیسی قبل از قیامت نازل می شود و پشت سر حضرت مهدی علیه السلام نماز می گذارد .

(۷) ﴿ قَالَ رَبِّ فَأَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ * قَالَ فَإِنَّكَ مِنَ الْمُنْظَرِينَ * إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ ﴾ (۲)

امام صادق علیه السلام فرمود: «مراد از وقت معلوم قیام امام زمان علیه السلام است که گردن گردنکشان را می زند» .

(۸) ﴿ وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقاً ﴾ (۳)

امام باقر علیه السلام فرمودند: «هر وقت امام زمان علیه السلام ما قیام کند ، دولت باطل از بین برود و دولت حق سلطنت می کند» .

(۹) ﴿ الَّذِينَ إِنْ مَكَانَهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَلِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ ﴾ (۴)

حضرت ابی جعفر علیه السلام فرمود: «این آیه درباره حضرت مهدی علیه السلام و اصحاب او که از جانب حق به سلطنت مشرق و مغرب عالم می رسند و این حق به قیام آنها ظاهر می گردد و خداوند به دست آنها بدعتها را محو و نابود می فرماید به حدی که

۱. نساء: ۱۵۹ .

۲. حجر: ۳۶ - ۳۸ .

۳. اسراء: ۸۱ .

۴. حج: ۴۱ .

اثر ظلم باقی نمی ماند».

(۱۰) ﴿ اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ مِثْلُ نُورِهِ كَمِشْكَاةٍ فِيهَا مِصْبَاحٌ الْمِصْبَاحُ فِي زُجَاجَةٍ الزُّجَاجَةُ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبَارَكَةٍ زَيْتُونَةٍ لَا شَرْقِيَّةٍ وَلَا غَرْبِيَّةٍ يَكَادُ زَيْتُهَا يُضِيءُ وَلَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نَارٌ نُورٌ عَلَى نُورٍ يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشَاءُ ﴾ (۱)

جابر انصاری گوید: «وارد مسجد کوفه شدم. دیدم امیرالمؤمنین علیه السلام می نویسد و می خندد. عرض کردم: یا امیرالمؤمنین چه چیز شما را به خنده آورده. فرمود: تعجب می کنم از کسی که این آیه را بخواند و معرفت در حق ما پیدا نکند.

پرسیدم: کدام آیه؟

فرمود: آیه «اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ». خداوند نور است، محمد صلی الله علیه و آله مشکوة است، من علی مصباح، زجاجه حسن و حسین است، کوكب دري علی بن الحسین، شجرة مباركة محمد بن علی، زيتونه جعفر بن محمد، لا شرقية موسى بن جعفر، لا غربية علی بن موسی الرضا، يكاد زيتها يضيء محمد بن علی، ولو لم تمسه نار علی بن محمد، نور علی نور حسن بن علی، يهدي الله لنوره من يشاء قائم مهدی است که خداوند این اسماء را برای مردم مثال آورده است که خداوند به هر چیزی داناست (۲)».

(۱۱) ﴿ هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا السَّاعَةَ أَنْ تَأْتِيَهُمْ بَغْتَةً وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ ﴾ (۳)

حضرت ابی جعفر علیه السلام فرمود: «مراد از انتظار ظهور قائم آل محمد علیهم السلام است».

۱. نور: ۳۵.

۲. مجمع البیان.

۳. زخرف: ۶۶.

(۱۲) ﴿ وَالْكِتَابِ الْمُبِينِ * إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةٍ مُبَارَكَةٍ إِنَّا كُنَّا مُنذِرِينَ * فِيهَا يُفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ ﴾ (۱)

حضرت صادق علیه السلام فرمود: «مراد از شب مبارکه، ایام ظهور حضرت مهدی علیه السلام است که در آن عصر، حق و باطل روشن گردد».

(۱۳) ﴿ فَهَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا السَّاعَةَ أَنْ تَأْتِيَهُمْ بَغْتَةً فَقَدْ جَاءَ أَشْرَاطُهَا فَأَنَّى لَهُمْ إِذَا جَاءَتْهُمْ ذِكْرَاهُمْ ﴾ (۲)

امام صادق علیه السلام فرمودند: «ساعت ظهور حضرت مهدی علیه السلام علمش در نزد خداست، مگر آثاری ظاهر شود و آن سنگینی آسمان و زمین است که ناگهان قائم ظاهر گردد. پس ساعت ظهور مهدی جز به پیدایش اشراط الساعة معلوم نگردد».

(۱۴) ﴿ وَأَسْمِعْ يَوْمَ يُنَادِ الْمُنَادِ مِنْ مَكَانٍ قَرِيبٍ * يَوْمَ يَسْمَعُونَ الصَّيْحَةَ بِالْحَقِّ ذَلِكَ يَوْمُ الْخُرُوجِ ﴾ (۳)

امام صادق علیه السلام فرمودند: «منادی به اسم قائم و پدرش ندا می‌کند و صیحه روز خروج مهدی است که از آسمان به گوش همه اهل زمین می‌رسد».

(۱۵) ﴿ أَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا ﴾ (۴)

زمین و مردم آن زنده می‌شوند در زمان ظهور که تا آن زمان به مرگ جاهلیت فرو رفته بودند.

(۱۶) ﴿ قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَعِينٍ ﴾ (۵)

امام موسی بن جعفر علیه السلام می‌فرمایند: «وقتی امام غایب شد چه خواهید کرد؟»

۱. دخان: ۲-۴.

۲. محمد صلی الله علیه و آله: ۱۸.

۳. ق: ۴۱-۴۲.

۴. حدید: ۱۷.

۵. ملک: ۳۰.

(۱۷) ﴿ إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ ﴾ (۱).

نصر و پیروزی به دست حضرت مهدی علیه السلام حاصل می‌گردد.

(۱۸) ﴿ إِنَّهُمْ يَكِيدُونَ كَيْدًا * وَأَكِيدُ كَيْدًا * فَمَهْلُ الْكَافِرِينَ أَهْمِلُهُمْ رُؤِيدًا ﴾ (۲).

ابی بصیر از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل می‌کند که مراد کید دشمنان نسبت به پیامبر صلی الله علیه و آله و حضرت علی علیه السلام و حضرت فاطمه علیها السلام و ائمه می‌باشد و اکید کیداً و مهلتی که به کافران داده شده زمان غیبت است که چون امام زمان علیه السلام ظهور کند از دشمنان پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین علیهم السلام انتقام خواهد کشید (۳).

حضرت مهدی علیه السلام نهمین اولاد امام حسین علیه السلام است

عبدالله بن عباس نقل می‌کند که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

«أنا وعليّ وتسعة من ولد الحسين مطهرون معصومون» (۴).

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «من و علی و حسین و نه نفر از اولاد حسین پاک و پاکیزه

از هر پلیدی و معصوم از خطاء و لغزش هستیم».

در روایت دیگر پیامبر صلی الله علیه و آله در مورد قیام حضرت مهدی علیه السلام می‌فرمایند:

«انّ الله تعالى أخذ ميثاقى وميثاق اثنى عشر اماماً بعدى وهم حجج الله على

خلقه، الثاني عشر منهم القائم الذي يملأ الأرض قسطاً وعدلاً كما ملئت ظلماً

وجوراً» (۵).

پروردگار متعال ميثاق و عهد و پیمان مرا و دوازده نفر ائمه بعد از مرا که حجت

۱. فتح: ۱.

۲. طارق: ۱۵ - ۱۷.

۳. تفسیر برهان؛ مجمع البیان.

۴. منتخب الأثر: ۶۵.

۵. مدرک پیشین.

خدا بر خلق هستند از بندگانش گرفت. دوازدهمی آنها قائمی است که زمین را از عدل و داد پر می‌کند، پس از پر شدن از ظلم و جور.

علت خفاء حمل نرجس خاتون

چون بنی عباس رو به ضعف بودند و شهرت ظهور حضرت مهدی علیه السلام قوت می‌گرفت و اخبار میلاد و ظهور ایشان متواتر و مسلم می‌شد در اطراف و جوانب خاندان حضرت هادی علیه السلام و حضرت عسکری علیه السلام جاسوسهایی گماشته بودند از زن و مرد، تا هر کجا زن بارداری را دیدند اطلاع دهند و جایزه بگیرند.

شهرت سلطنت حضرت مهدی علیه السلام از آل محمد صلوات الله علیهم که شرق و غرب را خواهد گرفت برای عباسیان بسیار سخت و دشوار بود، لذا مراقبتهای شدیدی داشتند تا بلکه نور خدا را خاموش کنند، اما خداوند حجّت خود را حفظ خواهد کرد و حمل نرجس خاتون مخفی بود، طوری که مادرش هم از حملش بی اطلاع بود.

پس از تولّد حضرت مهدی علیه السلام مادرش می‌دید که آب چاه بالا می‌آید تا هم سطح زمین می‌شود و فرزندش روی آب راه می‌رود چنانچه روی زمین حرکت می‌کرده و در موقع تجسس مأموران، آب چاه حضرت را به پائین چاه می‌برد و از چشمها مخفی نگه می‌داشت. صورتش مانند ماه می‌درخشید و نرجس خاتون برای سلامتی فرزندش شکر خدا را می‌کرد.

خلفای عباسی چون شنیدند مولودی در خانه حضرت عسکری علیه السلام به دنیا آمده، به تجسس پرداختند ولی بعد از هر تفحّصی چیزی نمی‌یافتند.

روزی مأموران داخل منزل حضرت ریختند. پرده‌ای آویخته دیدند، آن را گشودند، دیدند خانه پر از آب است و جوانی روی حصیری که روی آب انداخته، مشغول نماز است. هر چند سخن گفتند، جواب نشنیدند. یکی از غلامان جور

خود را به آب زد تا بلکه آن جوان (امام زمان علیه السلام) را از روی آب دستگیر کند که غرق شد و در آب فرو رفت. چند نفر دیگر به همین نحو از بین رفته و بی نتیجه بازگشتند و نزد خلیفه گزارش دادند. امر کرد موضوع را پنهان کنید و دیگر متعرض منزل امام عسکری علیه السلام نشوید، تا خلیفه درگذشت.

در مدّت غیبت صغری به همین منوال گذشت، کسی حضرت را نمی دید مگر خواص و دوستان حضرت (۱).



غیبت صغری

در سال ۲۶۰ هجری که امام حسن عسکری علیه السلام پدر بزرگوار امام زمان علیه السلام به شهادت رسیدند (با زهری که معتمد عباسی به ایشان خوراند)، حضرت مهدی علیه السلام پنج سال بیشتر نداشتند. در هنگام نماز، برادر امام عسکری علیه السلام، جعفر، حاضر شد تا بر برادر نماز گذارد. مردم صف کشیدند. آنگاه طفل پنج ساله از خانه بیرون آمد و گوشه ردای جعفر را کشید و فرمود: «ای عمّ، به کنار بایست تا بر پدر بزرگوارم نماز گزارم».

رنگ جعفر از رخساره پرید، متغیّر شد و به کنار رفت. آن حضرت بر پدر بزرگوار خود نماز گزارد و او را در کنار جدّ بزرگوار خود دفن نمود و رفت و کسی او را ندید، جز موالیان خاصّ، که این اوّل ساعت غیبت صغرای حضرت مهدی علیه السلام می باشد. غیبت به معنای مخفی بودن از دیدگان یا نامرئی بودن از میان جمع می باشد، که عده‌ای از اولیاء و انبیاء را خداوند به همین منوال از دیدگان خلق مخفی می کرد، حجابی بر روی مردمک چشمان خلق می افتاد که آنچه نادیدنی بود نبینند، زیرا سنخیت دیدن ندارند.

۱. الزام الناصب نقل از منتقم حقیقی.



پیامبرانی که غایب شدند

حضرت ادریس علیه السلام از پیامبرانی بود که خداوند او را از دوستان و سلطان جبار آن زمان مخفی کرد، تا او از بین رفت. سپس در بین دوستان ظاهر شد و وعده داده که قائم آل محمد صلی الله علیه و آله نیز غیبت می کند و ظاهر می گردد. تا زمان نوح مردم گمان می کردند آن، قائم است که ادریس علیه السلام وعده داده.

حضرت صالح علیه السلام از قومش غایب شد و چون برگشت، مردم او را نشناختند. ابراهیم خلیل الله علیه السلام غایب شد. و این غیبت او در شکم مادرش بود تا مردم ندانند. ولادت او را هم مادرش پنهان کرد، تا هنگام بلوغ، تا قادر بر حفظ خویش باشد و رسالت خود را انجام دهد.

غیبت حضرت یوسف علیه السلام که ۲۰ سال از دیدگان پنهان بود و کسی او را نمی شناخت.

غیبت حضرت موسی علیه السلام، که از چشم مردم در مصر غایب شد.

غیبت حضرت عیسی علیه السلام، حمل حضرت مریم و پس از تولد تا ۱۲ سالگی از دست یهود به مصر مهاجرت و غیبت کرد.

حضرت دانیال علیه السلام پیامبر، مدتی از قوم خود غایب بود.

حضرت عزیر علیه السلام صد سال به خواب رفت و غایب شد.

حضرت محمد صلی الله علیه و آله سه سال در شعب ابی طالب از چشم مردم غیبت کردند و

بعد ظاهر شدند و سه روز در غار غایب شدند تا از چشم دشمن مصون بمانند.

امام زمان علیه السلام نیز تا زمانی که خداوند مصلحت بداند از چشمها غایب است (۱).

چون زمین را خداوند بدون حجّت نمی گذارد و مردم پذیرای حجّت خدا نیستند.

در غیبت صغرای حضرت مهدی علیه السلام، اشخاصی حضرت را زیارت کردند، مخصوصاً کسانی که در زمان زندگی امام حسن عسکری علیه السلام حضرت را زیارت کرده و از وجود امام خود بهره گرفته بودند که معروف‌ترین آنها علی بن مهزیار اهوازی است که مکرّر تشرّف یافته است.

در زمان غیبت صغری که ۷۰ سال به طول انجامید، به غیر از مردمی که دسته دسته از اطراف جهان به دیدار حضرت نائل می‌گشتند، حضرت به وسیله نواب خود اوامرش را به مردم می‌رساند، که چهار نفر از بزرگان شیعه که لیاقت و قابلیت واسطه بین حضرت و مردم بودند، عبارتند از:

۱- عثمان بن سعید عمروی رضی الله عنه ملقب به ابو عمرو که امام حسن عسکری علیه السلام او را به مقام وکالت و نیابت مقرر فرمود و حضرت مهدی علیه السلام ایشان را تأیید نمودند. فوت ایشان حدود سال ۳۰۰ هجری می‌باشد.

۲- محمد بن عثمان رضی الله عنه، پسر بزرگ عثمان بن سعید، که مردی بزرگ و راستگو بود که بعد از فوت پدرش به وکالت حضرت منصوب گشت و در سال ۳۰۵ فوت شد.

۳- ابوالقاسم حسین بن روح نوبختی رضی الله عنه که محمد بن عثمان قبل از فوت خود به امر امام زمان علیه السلام او را به نیابت و وکالت منصوب گردانید و در سال ۳۲۶ رحلت فرمود.

۴- شیخ ابوالحسن علی بن محمد سمیری رضی الله عنه که از معتمدین و رجال بزرگ اسلام بود، به وکالت و نیابت برگزیده شد و در سال ۳۲۹ رحلت نمود. قبل از درگذشت سمیری، توقیعی از ناحیه مقدسه امام زمان علیه السلام صادر گردید مبنی بر اینکه غیبت کبری واقع شده است.

در توقیع حضرت فرمودند: «تا شش روز دیگر بیشتر زنده نمی‌مانی، پس خود

را مهیای مرگ بنما و کسی را وصی خود قرار مده که موسم غیبت کبری رسید».

غیبت کبری

حکمت و مصلحت پروردگار عالمیان چنین اقتضا کرد که آخرین حجت خود را برای برهه‌ای از زمان غایب نگه دارد و چون آفتاب عالمتاب اشعه فروزان او را به مردم نشان دهد بدون آنکه چشمها قدرت دیدن خود خورشید درخشان را داشته باشند و در این مدّت انسانهای بزرگ و شریفی خدمت امام عصر علیه السلام شرفیاب می‌شوند و از سرچشمه علوم ولایت و گره‌گشایی ایشان بهره‌مند می‌گردند و این تشرفات را به تفصیل در کتابهای نجم الثاقب، نورالأنوار آیت الله بروجردی و مستدرک بیان نموده‌اند.

در عصر غیبت، مردمی که پیرو ائمه معصومین علیهم السلام هستند و در صراط مستقیم دین حرکت می‌کنند به رستگاری دنیا و آخرت دست پیدا می‌کنند و کسانی که خواب غفلت آنها را به مرگ کشانده و در اندیشه‌های منحرف و خورد و خوراک و شهوات حیوانی غرق گشته‌اند با جهل و نادانی در محیط‌های فساد، خود را به نابودی کشیده‌اند.

نگهداری دین در آخر الزمان از بردن چراغی در تند باد از مشرق به مغرب، مشکل‌تر، و یا نگهداشتن آتش در کف دست آسانتر از نگاه داشتن دین است. مگر آنکه شخص تزکیه نفس کرده، خود را از صفات رذیله پاک کند و بر هوای نفس خود غالب شده، حبّ دنیا از دلش بیرون رفته و خود را با روشهای اسلامی تربیت کرده باشد تا از بادهای حوادث نلرزد و در مقابل شیطان و شیطان سیرتان استقامت کرده، تسلیم اوامر خداوند و پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین علیهم السلام شده باشد.

اقامتگاه حضرت مهدی علیه السلام

از روایات معصومین علیهم السلام استفاده می شود که هم حضرت اقامتگاه مخصوص دارند و هم زن و فرزند، و هر ساله در مراسم عظیم حجّ شرکت می کنند^(۱)، و بعضی از سعادت‌مندان در این موسم به محضرشان شرفیاب می شوند.

اقامتگاه حضرت و فرزندان و بستگان و یاران مخصوص ایشان چندین مکان مانند: مدینه، دشت حجاز، کوه رضوی، کرعه (در یمن) و سرزمین‌های دور دست و جزیره خضرا در دریای اطلس می باشد^(۲).

خضرا، جزیره‌ای در دریای اطلس است که هیچ کشتی و هواپیمایی از دشمن نمی تواند از آنجا عبور کند (همان مثلث برمودا است) و غرق می شود. اطراف جزیره را آب سفیدی گرفته (بحر ابیض) که غربی ترین مکان در اقیانوس اطلس می باشد^(۳).



یاران حضرت پیشتر در کجا هستند

یاران حضرت از مشرق زمین به پا می خیزند.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند:

«(هنگام ظهور) پرچمهای سیاه از طرف مشرق نمودار شود. پس با امام

زمان علیه السلام بیعت کنید که او خلیفه خدا مهدی علیه السلام است».

و نیز فرمودند: «جمعی از مردم از طرف مشرق خروج کنند و مقدمات حکومت

مهدی علیه السلام را فراهم سازند^(۴)».

۱. بحار ۱۵۱/۵۲ و ۱۵۶.

۲. اثبات الهداة ۵۸/۷.

۳. عدل منتظر، شماره ۵ و کتاب سالانه مسجد صدریه تهران: ۹۲.

۴. اثبات الهداة ۱۹۷/۷.

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند:

«آفرین بر طالقان که خداوند در آن گنجهایی نهاده که از طلا و نقره نیست، بلکه مردان مؤمنی هستند که به طور شایسته خدا را شناخته‌اند و در آخرالزمان یاوران حضرت مهدی علیه السلام خواهند بود»^(۱).

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند:

«هنگامی که پرچمهای سیاه را از جانب خراسان دیدید، به طرف آن بروید هرچند با دست و سینه روی برف باشد، چرا که خلیفه خدا مهدی علیه السلام در میان آنهاست»^(۲).

باید توجه داشت که اکثر مسلمانان از مستضعفان در مشرق زمین هستند و نیروی انسانی و اقتصادی عظیمی در اختیار دارند که می‌توانند بپا خیزند و دست ابرقدرتها را قطع کرده و زمینه سازی خوبی برای ظهور امام زمان علیه السلام ایجاد نمایند.

حدیثی از امام رضا علیه السلام

اباصلت هروی گوید: «به حضرت رضا علیه السلام عرض کردم: نشانه قائم (عجل الله

تعالی فرجه الشریف) در وقت خروج چیست؟

فرمودند: او در سنّ پیران است، ولی سیمای جوان دارد. ناظران به او گمان

می‌برند که چهل سال یا کمتر دارد. او با مرور شب و روز پیر نمی‌شود تا پایان

عمرش فرا رسد»^(۳).

امام صادق علیه السلام فرمودند:

۱. مدرک پیشین.

۲. اثبات الهداة ۱۸۹/۷.

۳. بحارالانوار ۲۸۵/۵۲.

«شب ۲۳ ماه رمضان ندا به نام حضرت حجة بن الحسن عسکری بلند می شود و آن حضرت در روز عاشورا که در آن امام حسین علیه السلام به شهادت رسیده، قیام کند. گویا روز شنبه، دهم محرم، را می نگریم که آن حضرت بین حجرالأسود و مقام ابراهیم علیه السلام در کنار کعبه ایستاده و جبرئیل در حضورش است. اعلام بیعت می شود و همه شیعیان و طرفداران او از اطراف جهان به مکه آیند و با او بیعت کنند. زمین برای آنها درنور دیده می شود (که زودتر برسند). پس آنگاه خداوند زمین را که پر از ظلم و جور شده پر از عدل و داد کند^(۱)».

* * *

رجعت چیست!

رجعت به معنای این است که خداوند عده‌ای از مردگان را با همان اندام و صورتی که بودند، زنده می کند و به دنیا بر می گرداند. به گروهی از آنها عزت می دهد و گروهی را ذلیل خواهد کرد، و پس از ظهور امام زمان علیه السلام به وقوع می پیوندد و حقّ مظلومان از ظالمان گرفته می شود.

امام صادق علیه السلام می فرماید:

«اینها کسانی هستند که مؤمن خالص و کافر خالص هستند، زنده می شوند و به دنیا بر می گردند^(۲)».

و نیز فرمودند: «در پشت کرخه ۲۷ مرد از هدایت شدگان زنده شده، به امام ملحق می شوند^(۳)».

وقتی حضرت ظهور کردند، خداوند همه ستمگران به مؤمنین را زنده می کند تا

۱. کشف الغمّه ۳/۴۶.

۲. مدرک پیشین: ۱۵۴.

۳. مدرک پیشین: ۱۶۴.

به مجازات دنیوی برسند و به داد مؤمنان نیز می‌رسند.

امام صادق علیه السلام به یکی از یارانش به نام مفضل رضی الله عنه فرمود: «تو و چهل و چهار نفر مرد دیگر با امام زمان علیه السلام هستید»^(۱).

ضمناً قاتلان امام حسین علیه السلام زنده شده و به مجازات می‌رسند و نواده‌ها و اصحاب ایشان.

در عصر رجعت پس از امام زمان علیه السلام ائمه دیگر به دنیا برمی‌گردند و یکی پس از دیگری حکومت می‌کنند. و وقتی امام زمان علیه السلام از دنیا رفت، امام حسین علیه السلام او را غسل می‌دهد^(۲).

وقت معلوم

وقت معلوم که خداوند به شیطان مهلت داد (سوره حجر آیه ۳۷ و ۳۸)، زمان ظهور امام زمان علیه السلام است که شیطان در این وقت کشته می‌شود یا می‌میرد.

امام صادق علیه السلام درباره وقت معلوم فرمودند: «وقتی که امام زمان علیه السلام ظهور کند و به مسجد کوفه بیاید، در این مسجد شیطان به حضور آن حضرت می‌آید و زانو به زمین می‌زند و می‌گوید: ای وای از این روز.» آنگاه امام زمان علیه السلام موی پیشانی‌اش را می‌گیرد و گردنش را می‌زند و او را به هلاکت می‌رساند. این روز، وقت معلوم (در آیه مذکور) است^(۳).

پس با ظهور حضرت ریشه فساد و عوامل انحراف و ظلم و جور از بین می‌رود، نابود می‌شود.

۱. مدرک پیشین: ۱۴۶.

۲. مدرک پیشین: ۱۰۲.

۳. اثبات الهداة ۱۰۱/۷.

حکومت حضرت و پیشرفت علم

امام صادق علیه السلام فرمودند:

«وقتی که امام زمان علیه السلام ما قیام کند، خداوند شنوایی گوشها و بینایی چشمهای شیعیان ما را به گونه‌ای زیاد می‌کند که دیگر بین آنها و امام زمان علیه السلام پیک و پست نخواهد بود (هر کجا باشند مستقیم با امام خود تماس می‌گیرند)»^(۱).

انتظار یا زمینه سازی

هر انقلابی وقتی به نتیجه می‌رسد که قبلاً در ابعاد مختلف زمینه‌سازی خوبی برای آن شده باشد و انقلاب جهانی امام زمان علیه السلام که مهمترین و وسیع‌ترین انقلابات جهانی است، به طریق اولی باید برای آن زمینه سازی گردد.

مفهوم واقعی انتظار

مفهوم واقعی انتظار، آنکه مانند شمشیر زدن در رکاب پیامبر صلی الله علیه و آله است، با کار و کوشش و خودسازی میسر است نه نیت بدون عمل. یکی از راههای زمینه سازی برای ظهور حضرت، تزکیه افراد می‌باشد که مردم خود را از صفات رذیله پاک کنند تا بتوانند پذیرای علوم الهی و حقایق و حکمت‌های خداوند باشند. ظرف دل را پاک کنند تا ظرفیت پیدا کنند. چنانکه خداوند در سوره جمعه می‌فرماید:

﴿ هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ ﴾^(۲).

۱. بحار ۳۳۶/۵۲.

۲. جمعه: ۲.

خداوند پیامبری از همان مردم برانگیخت تا آیات خدا را بر آنها تلاوت کند و آنها را پاک و تزکیه کند تا حقایق را درک کنند. به آنها علم دین بیاموزد و حکمت الهی نصیب آنها گردد.

امام صادق علیه السلام فرمودند: «علم و دانش دارای ۲۷ شعبه است و تمام آنچه از پیامبران رسیده دو شعبه بیشتر نبوده و هنگام ظهور بقیه علوم ظاهر می شود^(۱)». تزکیه روح پاک کردن نفس از صفات و اخلاق رذیله است که این صفات بد انسان را به سوی بدبختی می کشاند و از رحمت خدا دور می سازد.

تزکیه، انسان را رستگار و سعادت مند می سازد که خداوند در سوره شمس ۱۱ قسم خورده و خداوند احتیاج به قسم ندارد، ولی سوگند یاد کرده تا اهمیت موضوع را به بشر بفهماند.

کسی که از خواب غفلت بیدار شده و از اعمال گذشته خود پشیمان و نادم است، باید با پیدا کردن استادی دلسوز سیر الی الله بنماید و در مراحل مختلف در ضمن پاک کردن صفات رذیله از روح خود تقوای الهی پیشه کرده و به رستگاری و فلاح در دنیا و آخرت دست پیدا می کند و می تواند خود را از منتظرین واقعی امام زمان علیه السلام قلمداد نماید.

بعد از تزکیه روح یکی دیگر از راههای زمینه سازی، تحصیل علم و دانش حقیقی می باشد.

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند:

«هر چیزی اساس و پایه ای دارد. پایه اسلام فهم و شناخت است و موضع گیری یک مسلمان فهیم و دارای شناخت در برابر شیطان و هر گونه فساد، محکمتر و

بیشتر از هزاران مسلمان بدون شناخت است^(۱) .

امیرالمؤمنین علیه السلام نیز می فرمایند:

«از چهار چیزی که قوام و دوام دین و دنیا به آن بستگی دارد یکی دانشمندی است که دانش خود را به کار اندازد...»^(۲) .

صبر و استقامت مسلمانان یکی دیگر از راههای زمینه سازی ظهور است که در اثر تزکیه پدیدار می گردد که خداوند در سوره آل عمران آیه ۲۰۰ می فرماید:

﴿ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ﴾ .

جابر جعفی گوید: به امام باقر علیه السلام عرض کردم: فرج شما چه وقت است؟ سه بار فرمودند: «فرج ما تحقق نمی پذیرد تا غربال شوید و آزمایش گردید تا آن وقتی که قلبها صاف شود»^(۳) .

اتحاد و انسجام مسلمانان

بدون شک اتحاد نقش معجزه آمیزی در پیشبرد هدفها دارد. جمعیت و اتحاد، قدرت را میلیونها برابر می کند و مانند سدّ عظیمی که مبدأ بزرگترین نیروهای صنعتی و آبیاری سرزمینهای بزرگ و روشنایی شهرهای زیادی می شود، یک چنین نیروی انسانی که متحد شوند، قدرتی پیدا می کنند که مانند دریای خروشان و امواج سهمگین در برابر قدرتها و ظلم و ستم می ایستند و این اتحاد نقش اساسی در ظهور و تشکیل حکومت جهانی حضرت دارد.

۱. نهج الفصاحه، حدیث ۹۰.

۲. نهج البلاغه، کلمات قصار ۳۶۴.

۳. بحار ۱۰۱/۵۲.

ویژگیهای یاران آن حضرت در قرآن

در سوره مائده آیه ۵۹، خداوند می فرماید:

ای مؤمنان هر کس از شما مرتد شد و از اسلام بیرون رفت، خداوند در آینده جمعیتی را می آورد که دارای پنج امتیاز هستند:

۱ - خداوند آنها را دوست دارد و آنها هم خداوند را دوست دارند.

۲ - در برابر مؤمنان خاضع و مهربانند.

۳ - در برابر مشرکان و دشمنان، سرسخت و نیرومندند.

۴ - به طور پی گیری در راه خدا جهاد و تلاش می کنند.

۵ - در مسیر انجام وظیفه، از سرزنش کننده ای نمی هراسند. این فضل خدا

است که به هر کس بخواهد (و شایسته ببیند) می دهد. فضل و رحمت خدا وسیع است و او بر همه چیز آگاه می باشد.

امام صادق علیه السلام فرمود:

صاحب این امر (حضرت مهدی علیه السلام) در پرتو این آیه (در حمایت چنین یاران آگاه و دلاوری) محفوظ است^(۱).

امام سجاد علیه السلام درباره منتظران و یاران حضرت مهدی علیه السلام به یکی از دوستانش

به نام ابو خالد رضی الله عنه چنین فرمود:

«مردمی که در زمان غیبت امام زمان علیه السلام به سر می برند و معتقد به امامت و

رهبری آن حضرت بوده و منتظر ظهور و قیامش هستند از مردم هر زمانی برترند.

چرا که خداوند آنها را آنچنان از عقل و فهم و شناخت برخوردار کرده که غیبت امام

زمان علیه السلام برای آنان همچون ظهور آن حضرت است. خداوند آنها را در این زمان

همچون مجاهدانی قرار داده که با شمشیر در پیشاپیش رسول خدا صلی الله علیه و آله با دشمن

می جنگند. در حقیقت مردان خالص و شیعیان راستین ما چنین افرادی هستند که در آشکار و پنهان به سوی خدا دعوت کنند^(۱).

تواتر حدیث ۳۱۳ نفر از یاران امام زمان علیه السلام

حدیث ۳۱۳ نفر از یاران مخصوص حضرت که همچون کوه در برابر حوادث ایستادگی کرده و همراه امام زمان علیه السلام هستند، متواتر است^(۲).
از امام باقر علیه السلام نقل شده:

«هنگام ظهور امام زمان علیه السلام، آن حضرت قبل از آنکه کنار کعبه برود و تکیه بر کعبه کند و صدای دل آرای خود را بلند کرده و به جهانیان برساند، در مکانی به نام ذی طوی (یک فرسخی مکه در راه تنعیم است) در انتظار ۳۱۳ نفر از یاران خاصش توقف می کند تا اینکه آنها می آیند و به آن حضرت می پیوندند و از آنجا همراه امام علیه السلام به کنار کعبه می روند^(۳)».

در سوره بقره آیه ۱۴۸ خداوند می فرماید:

هر جا که باشید خداوند همه شما را حاضر می کند.

امام باقر علیه السلام در تفسیر این آیه می فرماید:

«منظور، یاران امام زمان علیه السلام هستند که ۳۱۳ نفرند. به خدا سوگند منظور از امت معدوده (که در آیه هشت سوره هود آمده) آنها هستند. به خدا سوگند در یک ساعت همگی جمع می شوند، همچون پاره های ابر پائیزی که بر اثر باد جمع و متراکم می گردند^(۴)».

۱. کمال الدین و تمام النعمه: ۳۲۰.

۲. اثبات الهداة ج ۷: منتخب الأثر.

۳. اثبات الهداة ۹۲/۷.

۴. نور الثقلین ۱/۱۳۹.

امام صادق علیه السلام به مفضل رضی الله عنه می فرمایند:

«وقتی که امام زمان علیه السلام از سوی خدا اجازه خروج و ظهور بگیرد، خدا را به اسم اکبر در لغت عبرانی بخواند و ۳۱۳ نفر از اصحابش که از اقوام نخستین در مورد قبول ولایت امام هستند، مانند پاره‌های ابر پائیزی به سوی او می شتابند. جمعی شبانگاه از بستر خود ناپدید می شوند و صبحگاه در مکه باشند و جمعی در روز دیده می شوند که بر روی ابر حرکت می کنند»^(۱).

امام باقر علیه السلام فرمودند:

«امام زمان علیه السلام دارای ۳۱۳ نفر یاور است که این افراد از نژاد عجم هستند. بعضی از آنها در روز بر روی ابری سوار شده و راه می روند و به نام پدر و اوصاف و نسب معروفند. و بعضی از آنها در بستر خود خوابیده‌اند و طبق وعده قبلی در مکه به حضور امام زمان علیه السلام شرفیاب می گردند»^(۲).

دعا برای ظهور حضرت مهدی علیه السلام

یکی دیگر از وظایف منتظران، دعا برای آن حضرت و دعا برای ظهور است. دعایی که از دل پاک و تزکیه شده بلند شود، مستجاب خواهد بود. سعی در تزکیه و پاکی روح خود کنیم تا سنخیت دعا برای حضرت را داشته باشیم. وقتی عاشق امام خود شدیم و عاشق ظهور آن خورشید عالم تاب، باید کردار و گفتار و اخلاق و اعمال خود را شبیه به محبوب خود کنیم، سعی و کوشش بسیار انجام دهیم، در فراق آن حضرت دعا کنیم، ندبه کنیم. او را بخوانیم با صدای عاشقانه، با صدایی که محبوب خود را می خوانیم، از ته

۱. اثبات الهداة ۷/۹۲.

۲. مدرک پیشین.

قلب و از روی ایمان واقعی و خالص، مشتاق زیارت دیدار روی آن محبوب باشیم. محبت آن حضرت ما را قوی و روح ما را چنان زنده می‌کند که از هر گونه کوششی برای ظهور حضرتش آرام و قرار نداریم. یاد هر چیزی را فراموش کرده و تنها در مسیر فکرمان حضرتش را می‌جوئیم که رضایت مولایمان را فراهم کنیم و از آنچه ایشان کراحت دارند، دوری کنیم.

پس، اولین گام برای استجاب دعاى منتظران، زدودن صفات رذیله از روح خود و هرگونه کبر و خودپسندی و حسادت را کنار گذاشتن می‌باشد.

هر قدر صفات رذیله در انسان کمتر باشد، سلامتی روح او بیشتر و سنخیتش با حضرت بیشتر می‌گردد. روح خود را با علم و معرفت حقیقی حضرتش سیراب کنیم. زمین خشک و شوره زده دل خود را با سیراب کردن از آب حقیقی زنده و سرسبز نمائیم و به قلب و روح خود حیات حقیقی بدهیم.

غذای روحی ما، ارتباط با خدا به وسیله نماز و دعا است. نمازی که ما را از فحشا و منکر باز دارد. و هرچه تشنه‌تر و گرسنه‌تر شویم بهتر می‌توانیم تغذیه کنیم. دعا برای فرج حضرت، در درجه اول باعث فرج در کارهای خودمان می‌شود. ﴿أَدْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ﴾^(۱) مرا بخوانید تا استجاب کنم شما را.

۱- دعا یعنی ارتباط با خالق هستی.

۲- ارتباط با مولای خود، ولی خالق.

۳- بیرون آمدن از جهل و تاریکی و رسیدن به خورشید، به نور، به گرمای

هستی بخش. مهاجرت از جهل، از نیستی به بودن و هستی. ﴿وَادْعُوا رَبَّكُمْ

تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً﴾.

در جلسات عمومی که مردم با دلی سوخته برای فرج دعا می‌کنند، ظهور آن

حضرت را سرعت بسیار می بخشد .

وقتی قوم بنی اسرائیل به جهت بی توجهی به دستورات پیامبر خود، مأخذ شدند و از پیامبری حضرت موسی علیه السلام محروم شدند، دست به توبه و گریه و ضجه زدند و پیامبر خود را از خداوند خواستند و در اثر دعای آنها از ۱۷۰ سالی که به فرج حضرت موسی علیه السلام مانده بود، صرف نظر شد و حضرت موسی علیه السلام و هارون از سوی خداوند به طرف فرعون خوانده شدند .

به واسطه اعمال ناشایست و کفران نعمتهاست که نعمت ولایت را از ما گرفتند .
تشنه لبها باید از آب زلال محبت حضرت بچشند .

ظهور فقط با دعانیت

اگر برای ظهور دعا اثری ندارد، چرا مرتب به ما می گویند برای فرج دعا کنید؟
چون ظهور به طور ناگهانی انجام می شود. ما باید اعمال و رفتار و گفتار خود را طوری تنظیم کنیم که ما را به محبت حضرت نزدیک و از ناخشنودی حضرت دور کند. دعا برای تعجیل فرج از روی محبت و عشق و علاقه به حضرت است و نباید با عجله کردن در ظهور اشتباه کرد. چون انتظار شدید فرج را نمی توان نامش را عجله مدمومه گذاشت. علاوه بر همه اینها معنی عجله درخواست چیزی است که هنوز وقتش نرسیده است. ولی اگر چیزی وقتش دیر هم شده و تنها علت وصولش به انسان، بی کفایتی و عدم لیاقت خود انسان است، آیا باز هم درخواستش و یا ایجاد لیاقت در خود، نامش عجله است؟

در ضمن، درخواست کاری که وقتش نرسیده، از افراد بشر که نمی توانند مفاسدش را از بین ببرند، صحیح نیست. ولی از خدا که قادر مطلق است و می تواند مفاسدش را از بین ببرد، درخواست چیزی که هنوز وقتش نرسیده، مانعی ندارد.

به خصوص که قرآن و پیشوایان اسلام آن را تأیید کرده باشند^(۱).

معنای فرج

فرج سه قسم است و باید یک مسلمان هر سه فرج را از خدا بخواهد:

- ۱ - در مشکلات و گرفتاری‌های فردی از خداوند انتظار فرج و گشایش داشته باشد و از رحمت الهی مأیوس نشود.
- ۲ - تمنای فرج برای حکومت واحد جهانی تا بشریت را از زیر بار حکومت‌های ظالمانه نجات دهد.

۳ - تمنای فرج برای مردم مسلمان مستضعف دنیا. چون یک مسلمان باید همیشه غمخوار مستضعفین و یار ستم‌دیدگان باشد.

از خدا فرج را بخواهد و با زبان و قدم خود کاری انجام دهد. و لذا بهترین اعمال، انتظار فرج در مشکلات شخصی و انتظار فرج امام زمان علیه السلام و انتظار فرج برای مردم مستضعف دنیا است.

دعای ندبه را در اعیاد بزرگ (فطر، قربان، عید غدیر، جمعه) می‌خوانیم.

چون زمانی که مردم خوشحالند، عاشق دلسوخته که از معشوق جدا افتاده، محزون‌تر است و هیچ چیز جز وصال معشوقش او را خوشحال نمی‌کند و در چنین اوقاتی یادگمشده خود می‌افتد و از حضرتش غافل نمی‌شود.

خلاصه مطالب عرض شده که مکتب انتظار، مکتب سازندگی است. امام زمان علیه السلام بیاید و من خوب نباشم، حریص به دنیا باشم، گنهکار باشم. امام زمان علیه السلام تشریف بیاورند و من هنوز در صفات رذیله غرق باشم. پس زودتر خود را جمع و جور می‌کنم و آماده می‌نمایم. دعاها فرق ندارد، فقط دعا کنید، با هر زبانی

انتظار بکشید، خودسازی کنید، عبادت نمائید، خود را برای فرج حضرت آماده سازید. دعای شما برای اظهار محبت باشد نه آنکه برای خدا تکلیف معین کنید. دعای مکارم اخلاق از امام سجّاد علیه السلام دعای کامل و جامعی برای برطرف شدن امراض روحی است که در قسمت دیگری شرح آن به اختصار خواهد آمد.

توسل

توسل کردن به معنای دعای توسل خواندن نیست. اگر به قرآن عمل کنی توسل به قرآن کرده‌ای. اگر از دستورات ائمه پیروی نمایی، توسل به ایشان کرده‌ای. توسل یعنی کلمات خاندان عصمت علیهم السلام را وسیله برای عملتان قرار بدهید. شما اگر از این صراط حرکت کنید، به حقیقت می‌رسید. البته به وسیله دعا هم می‌توانید ارتباط روحی برقرار کنید و استعداد خود را زیاد نمائید.

توسل یعنی ظرفیت را بزرگتر کردن برای یادگیری و فهم حقایق و حکمت. هرچه ظرفیت بزرگتر شود، جای بیشتری دارد. الهی عظم البلاء، ما بلای فراق داریم که اعظم بلاهاست. بلای نابسامانی و ظلم‌ها که به آن عادت کرده‌ایم.

خداوند می‌فرماید: ما منتظریم. منظور این که منتظریم عقلهای خود را به کار بیندازید و ظهور حضرت را بخواهید، حکومت عدل جهانی را از ما بخواهید، زندگی خوبی که مدینه فاضله همه است، بخواهید. چون خدا دوست ندارد شما در دنیایی زندگی کنید که سرسوزنی به کسی ظلم بشود.

«کسانی که می‌گویند کسی که معاش ندارد، دین ندارد، پس اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله مانند ابوذر و سلمان باید دین نداشته باشند. آنها که این سخن را

می گویند ، بنده شکم هستند که تا معاششان کم و زیاد می شود ، دینشان کم و زیاد می شود»^(۱) .

بهره منتظرین

یکی از نتایج برجسته انتظار و امید به وجود حجة بن الحسن العسکری علیه السلام ، تهذیب نفوس و تکمیل عقول است . با شمع فروزان امید به وجود مهدی منتقم ، زندگانی مادی و معنوی مسلمین ، سیر تکامل و ترقی پیدا کرده و به تهذیب اخلاق می کوشند و روح خود را از صفات رذیله پاک کرده با صفات حمیده آراسته می گردانند . حقوق دیگران را رعایت کرده و از حریم حقوق خود تجاوز نمی کنند . حق خدا را با اداء فرایض و شکر برگزار می نمایند .

آنها معتقدند که ولی و حجت خدا ظاهر شود و از کردار و رفتار آنان بازخواست می فرماید .

در انتظار و امید به فرج و ظهور آل محمد علیهم السلام آنها متوجه مراقبه و محاسبه نفس خود هستند و منتظران واقعی تابع مقررات اسلام و مقید به دستورات پیغمبر صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین علیهم السلام می باشند تا به فلاح و رستگاری برسند .

امیرالمؤمنین علیه السلام می فرماید :

« کار کنید برای دنیا مثل آنکه همیشه زنده و جاویدانید و برای آخرت چنانکه فردا خواهید مرد » .

اگر انسان طوری زندگی کند که حقوق افراد جامعه را محفوظ بدارد و معیشت خود را تقدیر کند و حساب حلال و حرام را بکند ، محاسبه و مراقبه عملش را بکند ، اگر مرگ او را فراگرفت یا ان شاء الله حضرت ظهور کردند ، مورد مؤاخذه قرار

نخواهد گرفت .

اگر هر فردی در وظایف خویش تعلق نکند و یا به حریم حقوق دیگران قدم نگذاشته و طمع به مقام و مال دیگران نداشته باشد، اجتماع، سالم و منتظران، واقعی خواهند بود .

از امام غائب چگونه می توان بهره مند شد

امام محور گردش حیات موجودات است، مانند آفتاب که موجودات عالم از آن بهره می برند و اگر آفتاب نباشد هیچ موجودی وجود پیدا نمی کند. امام در تمام مجامع اسلامی حاضر است و نفوذ او در همگان جاری و هر ساله موسم حج در طواف خانه خدا حاضر می شوند .

از امام صادق علیه السلام پرسیدند: در غیبت چه کنیم؟

فرمودند: این دعاها را بخوانید:

۱ - «اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي نَفْسِكَ ... ضَلَلْتُ عَنْ دِينِي» (دعا در قسمتهای بعد آمده).

۲ - دعایی بعد از تعقیب نماز در انتظار فرج، «رَضِيْتُ بِاللَّهِ رِيًّا» .

۳ - نماز شب، صبر و انتظار فرج .

حکمت غیبت حضرت ولی عصر علیه السلام

در برخی از روایات آمده که حکمت غیبت امام زمان علیه السلام غربال شدن انسانهای صالح و آزمایش مردم به این وسیله است .

امیرالمؤمنین علیه السلام می فرمایند:

«أما والله لاقتلنَّ أنا وابنائي هذان، وليبعثنَّ الله رجلاً من ولدي في آخر الزَّمان، يطالب بدمائنا، وليغيبنَّ عنهم تمييزاً لأهل الضلالة حتى يقول الجاهل: ما لله في آل

محمد من حاجة».

به خدا قسم من و این دو فرزندم (حسن و حسین) شهید خواهیم شد، و خداوند در آخر الزمان مردی از فرزندانم را به خونخواهی ما بر خواهد انگیخت و او دوره‌ای غایب خواهد شد تا مردم آزمایش شوند و گمراهان جدا گردند، تا جایی که نادان می‌گوید: خداوند دیگر به آل محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ کاری ندارد^(۱).

امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام فرمودند:

برای امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام غیبتی است، در این غیبت برخی از دین بر می‌گردند و برخی ثابت قدم می‌مانند. هرکس در این غیبت صبر کند و بر مشکلاتی که از سوی دشمنان ایجاد می‌شود، استقامت نماید به قدری از اجر خداوندی بهره‌مند می‌گردد که انگار در کنار پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ با شمشیر بر دشمنان جنگیده است.

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام فرمودند:

«غیبت امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام امتحان شیعه است».

امام موسی بن جعفر عَلَيْهِ السَّلَام فرمودند:

«این غیبت، خود مایه افتخار بندگان خداوند است^(۲)».

**غیبت امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام**

غیبت امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام سرّی از اسرار الهی است که بر بندگان پوشیده می‌باشد^(۳).

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام فرمودند:

«همانا برای امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام (صاحب الأمر) غیبتی است تخلف‌ناپذیر. هر

۱. بحار الأنوار ۸۲/۵۲.

۲. صحیفه مهدیه، سید مرتضی مجتهدی.

۳. بحار الأنوار ۷۳/۵۱.

جوینده باطلی در آن به شک می افتد و اجازه نداریم علت آن را بیان کنیم. حکمت غیبت او همان حکمتی است که در غیبتهای پیشین وجود داشت و پس از ظهور روشن خواهد شد، همانند حکمت کارهای حضرت خضر علیه السلام از کشتن پسر بچه و برپا داشتن دیوار شکسته. اینها وقتی برای حضرت موسی علیه السلام روشن شد که آن دو از هم جدا شدند. غیبت امری از امور الهی و سرّی از اسرار اوست (۱).

* * *

خلاصه‌ای از وظیفه مردم در زمان غیبت امام زمان علیه السلام

مردم در زمان غیبت امام زمان علیه السلام وظایف زیادی دارند که به طور مختصر بیان می شود و مشروح آن در جلد دوم کتاب مکیال المکارم آمده است:

- ۱- تحصیل شناخت صفات و آداب و ویژگیهای حضرت علیه السلام.
- ۲- رعایت ادب نسبت به یاد امام زمان علیه السلام.
- ۳- تزکیه نفس و خودسازی برای تحصیل صفات حمیده و اخلاق پسندیده و پیدا کردن سنخیت روحی با حضرت علیه السلام.
- ۴- اطاعت و عبادت خدای تعالی و ترک محرّمات و مکروهات.
- ۵- محبت به حضرت به طور خاص عقلی و نقلی.
- ۶- محبوب نمودن حضرت را در میان مردم.
- ۷- انتظار فرج و ظهور حضرت علیه السلام.

از امیرالمؤمنین علیه السلام: «افضل عبادتها انتظار فرج است» (۲).

امام صادق علیه السلام فرمودند: «هر مؤمنی بمیرد در حالی که منتظر ظهور باشد، مثل

۱. منتخب الأثر: ۲۶۶ و ۲۶۷.

۲. تحف العقول: ۲۰۱.

آن است که در خیمه آن حضرت علیه السلام بوده باشد^(۱) .

۸- از مال خود، آن حضرت را صله کند. یعنی هدیه از طرف امام علیه السلام در جایی که رضایت ایشان است مصرف کند.

از امام موسی کاظم علیه السلام: «هرکس نتواند به زیارت ما بیاید باید زیارت کند صالحین از دوستان ما را تا ثواب زیارت ما برایش نوشته شود و هرکس نتواند صله نماید ما را باید صله کند نیکان از دوستان ما را تا ثواب صله نمودن ما برایش نوشته شود^(۲)» .

۹- طلب نمودن معرفت آن حضرت علیه السلام از درگاه الهی .

۱۰- تداوم درخواست معرفت آن حضرت علیه السلام از خداوند متعال .

۱۱- اهداء قرائت قرآن به آن حضرت علیه السلام .

۱۲- صدقه دادن به قصد سلامت امام زمان علیه السلام^(۳) .

۱۳- خواندن دعای:

«اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي نَفْسَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي نَفْسَكَ لَمْ أَعْرِفْ رَسُولَكَ. اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي رَسُولَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي رَسُولَكَ لَمْ أَعْرِفْ حُجَّتَكَ. اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي حُجَّتَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي حُجَّتَكَ ضَلَلْتُ عَنْ دِينِي»^(۴) .

۱۴- بعد از هر نماز دعای غریق را بخواند .

«يا الله يا رحمن يا رحيم يا مقلب القلوب ثبت قلبي على دينك» .

۱۵- قربانی کردن به نیابت از امام زمان علیه السلام .

۱۶- برخاستن به جهت احترام نام حضرت (قائم آل محمد صلوات الله عليهم) .

۱. بحار الأنوار ۱۲۵/۵۲ .

۲. کامل الزیارات: ۱۲۹ .

۳. نجم الثاقب: ۴۴۲ .

۴. اکمال الدین و اتمام النعمة ۳۴۲/۲ .

۱۷ - بردن نام اصلی آن حضرت که نام پیامبر ﷺ است و آن حضرت را با القاب ایشان یاد کردن (منتظر، مهدی، حجّت، قائم، امام غایب). که نام بردن ایشان در زمان غیبت حرام است (۱).

۱۸ - در مشکلات به آن حضرت متوسل شدن و نوشتن عریضه (۲).

۱۹ - ثابت قدم بودن در دین.

۲۰ - دعا کردن برای ظهور حضرت ﷺ.

۲۱ - با مردمی که اهل لهو و لعب هستند معاشرت نکردن.

۲۲ - مردم را به سوی معرفت آن حضرت ﷺ و شناخت امام خود تشویق کردن.

۲۳ - اظهار شوق برای زیارت امام ﷺ داشتن.

۲۴ - خواندن دعای عهد و زیارت آن حضرت ﷺ بعد از نماز صبح تا خدا ما را

از یاران حضرت ﷺ قرار دهد.

۲۵ - خواندن دعای اللهم عظم البلاء بعد از هر نماز.

۲۶ - نفرین به دشمنان حضرت ﷺ (۳).

۲۷ - خواندن دعای ندبه و صدا را به گریه و ضجّه بلند کردن.

۲۸ - حجّ نمودن به نیابت حضرت ﷺ.

۲۹ - نائب فرستادن که حجّ نماید به نیابت حضرت ﷺ.

۳۰ - زیارت نمودن قبور ائمه به نیابت از حضرت ﷺ.

۳۱ - برای ظهور حضرت ﷺ وقتی معین نکند.

۳۲ - تقیه کردن از دشمنان در جایی که باید حقّ اظهار شود.

۱. اصول کافی ۳۳۲/۱.

۲. بحار ۲۹/۹۴.

۳. الاحتجاج ۳۱۶/۲.

۳۳- توبه حقیقی از گناهان (توبه نصوح).

روایتی از امام زمان علیه السلام: «حبس نمی کند ما را از شیعیان مگر آنچه به ما می رسد از اعمال زشت و ناپسند آنها^(۱)».

۳۴- اشتیاق دیدار مؤمنین صالح و سلام کردن بر آنها.

۳۵- غمگین بودن به جهت مفارقت و مظلومیت آن حضرت علیه السلام.

امام صادق علیه السلام فرمودند: «کسی که مهموم باشد برای ما و غمناک باشد به جهت مظلومیت ما نفس کشیدن او ثواب تسبیح دارد^(۲)».

۳۶- ذکر مناقب و فضایل آن حضرت علیه السلام.

۳۷- حضور در مجالس فضایل و مناقب آن حضرت علیه السلام.

۳۸- تشکیل مجالس فضایل و مناقب آن حضرت علیه السلام.

۳۹- سرودن شعر و خواندن شعر در فضایل و مناقب آن حضرت علیه السلام.

۴۰- گریه کردن از دوری حضرت علیه السلام و مصیبت وارده بر ائمه معصومین علیهم السلام.

از امام رضا علیه السلام مروی است: «هر مؤمنی یاد کند مصیبت ما را پس گریه کند یا بگریاند کسی را به جهت ظلمی که بر ما شده، با ما می باشد در درجه ما روز قیامت^(۳)».

۴۱- تسلیم امر خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله و امام علیه السلام باشد.

۴۲- شناختن علامتهای ظهور آن حضرت علیه السلام.

۴۳- مؤمنین برای یاری حضرت علیه السلام با یکدیگر متفق و متحد شوند.

۴۴- اهتمام نمودن در اداء کردن حقوق مالیه که بر ذمه آنها تعلق می گیرد، مثل

۱. الاحتجاج ۲/۳۲۵.

۲. اصول کافی ج ۱.

۳. اکمال الدین و اتمام النعمة ۳/۳۴۷.

خمس و زکات و سهم امام علیه السلام .

۴۵- روزهای جمعه زیارت کند حضرت علیه السلام را و نماز امام زمان علیه السلام را بخواند .

۴۶- مقدم داشتن خواسته حضرت علیه السلام را بر خواسته خود .

۴۷- رعایت حقوق آن حضرت علیه السلام و مواظبت بر ادای آنها و رعایت وظایف

نسبت به آن بزرگوار .

۴۸- خشوع دل و بدن نسبت به یاد آن حضرت علیه السلام .

۴۹- عالم باید علمش را آشکار کند .

۵۰- صبر کردن بر اذیت و تکذیب و سایر محنتها .

۵۱- درخواست صبر از خدای تعالی .

۵۲- سفارش یکدیگر به صبر در زمان غیبت امام زمان علیه السلام .

۵۳- پرهیز از مجالسی که نام آن حضرت علیه السلام در آنجا مورد تمسخر باشد .

۵۴- دعا به درگاه الهی برای جلوگیری از نسیان یاد آن حضرت علیه السلام .

۵۵- احترام کردن نزدیکان و منسوبین به آن حضرت علیه السلام .

۵۶- بزرگداشت اماکنی که به قدوم آن حضرت علیه السلام زینت یافته اند .

۵۷- اقتدا کردن و تأسی جستن به اخلاق و اعمال آن حضرت علیه السلام .

۵۸- حفظ زبان از غیر یاد خداوند و ائمه معصومین علیهم السلام .

۵۹- خوشحال کردن مؤمنین و خیرخواهی برای آنان .

۶۰- زیارت کردن آن حضرت علیه السلام .

فوائد دعا برای امام زمان علیه السلام

مردم باید تلاش و جدیت خود را برای ظهور حضرت بنمایند و بدانند که کوشش و اهتمام در دعا کردن برای این مقصود تحقق پذیر است .

و این دعا کردن منافاتی با تسلیم بودن به آنچه در علم الهی تقدیر شده، ندارد و این دعاها فوایدی بسیار دارد. چون تأخیر ظهور امام زمان علیه السلام به سبب موانعی است که از ناحیه خود ما سرچشمه گرفته و باید ما از خداوند برطرف کردن این موانع را بخواهیم.

دعا کردن برای تعجیل فرج امام زمان علیه السلام در حقیقت دعا برای خودمان و سودمند به حالمان می باشد. که خلاصه ای فهرست وار از فوائد دعا برای آن حضرت علیه السلام بیان می شود:

- ۱- بسیار دعا کنید برای تعجیل فرج که آن، فرج شما است.
- ۲- این دعا سبب زیاد شدن نعمتها است.
- ۳- و اظهار محبت قلبی.
- ۴- و نشانه انتظار.
- ۵- و زنده کردن امر ائمه اطهار علیهم السلام.
- ۶- و مایه نارا حتی و وحشت شیطان لعین.
- ۷- و نجات یافتن از فتنه های آخر الزمان.
- ۸- و ادا کردن قسمتی از حقوق آن حضرت علیه السلام که ادا کردن حق هر حقداری واجب ترین امور است.
- ۹- و تعظیم خداوند و دین خداوند است.
- ۱۰- امام زمان علیه السلام در حق او دعا می کند.
- ۱۱- و شفاعت آن حضرت علیه السلام در قیامت شامل حال او می شود.
- ۱۲- و شفاعت پیامبر صلی الله علیه و آله ان شاء الله شامل حالش می شود.
- ۱۳- و این دعا فرمانبری امر الهی و طلب فضل و عنایت او است.
- ۱۴- و مایه استجاب دعا می شود.
- ۱۵- و ادا کردن اجر و برد رسالت است.

- ۱۶- و مایه دفع بلا است .
- ۱۷- و سبب وسعت روزی است ، ان شاء الله .
- ۱۸- و باعث آمرزش گناهان می شود .
- ۱۹- و تشرّف به دیدار آن حضرت در بیداری یا خواب .
- ۲۰- و رجعت به دنیا در زمان ظهور آن حضرت علیه السلام .
- ۲۱- و از برادران پیغمبر صلی الله علیه و آله خواهد بود .
- ۲۲- و فرج مولای ما امام زمان علیه السلام زودتر واقع می شود .
- ۲۳- و پیروی از پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان علیهم السلام خواهد بود .
- ۲۴- و وفای به عهد و پیمان خداوندی است .
- ۲۵- و آثار نیکی به والدین برای دعا کننده حاصل می گردد .
- ۲۶- و فضیلت رعایت و ادای امانت برایش حاصل می شود .
- ۲۷- و زیاد شدن اشراق نور امام علیه السلام در دل او .
- ۲۸- و طولانی شدن عُمر ان شاء الله .
- ۲۹- و تعاون و همکاری در کارهای نیک و تقوی .
- ۳۰- و رسیدن به نصرت و یاری خداوند و پیروزی بر دشمنان به کمک خداوند .
- ۳۱- و هدایت به نور قرآن مجید .
- ۳۲- و نزد اصحاب اعراف معروف می گردد .
- ۳۳- و به ثواب طلب علم نایل می شود ، ان شاء الله .
- ۳۴- و از عقوبت‌های اخروی ان شاء الله ایمن می ماند .
- ۳۵- و هنگام مرگ به او مژده می رسد و با او به نر می رفتار می شود .
- ۳۶- و این دعا اجابت دعوت خدا و رسول صلی الله علیه و آله است .
- ۳۷- و با امیرالمؤمنین علیه السلام در درجه آن حضرت خواهد بود .
- ۳۸- و محبوب‌ترین افراد نزد خداوند خواهد بود .

- ۳۹- و عزیزترین و گرامی‌ترین افراد نزد پیغمبر ﷺ می‌شود.
- ۴۰- و ان شاء الله از اهل بهشت خواهد شد.
- ۴۱- و دعای پیامبر ﷺ شامل حالش می‌شود.
- ۴۲- و کردارهای بد او به کردارهای نیک مبدل می‌شود.
- ۴۳- و خداوند متعال در عبادت، او را تأیید فرماید.
- ۴۴- و ان شاء الله با این دعا، عقوبت از اهل زمین دور می‌شود.
- ۴۵- و ثواب کمک به مظلوم را دارد.
- ۴۶- و ثواب احترام به بزرگتر و تواضع نسبت به او را دارد.
- ۴۷- و پاداش خونخواهی مولای مظلوم شهیدمان، حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام، را دارد.
- ۴۸- و شایستگی دریافت احادیث ائمه اطهار علیهم السلام را می‌یابد.
- ۴۹- و نور او برای دیگران نیز - روز قیامت - درخشان می‌گردد.
- ۵۰- و هفتاد هزار نفر از گنهکاران را شفاعت می‌کند.
- ۵۱- و دعای امیرالمؤمنین علیه السلام برای او در روز قیامت.
- ۵۲- و بی حساب داخل بهشت شدن.
- ۵۳- و ایمن بودن از تشنگی روز قیامت.
- ۵۴- و جاودانه بودن در بهشت.
- ۵۵- و مایه خراش روی ابلیس و مجروح شدن دل او است.
- ۵۶- و روز قیامت هدیه‌های ویژه‌ای دریافت می‌دارد.
- ۵۷- و خداوند عزّ و جلّ از خدمتگزاران بهشت نصیبش فرماید.
- ۵۸- و در سایه گسترده خداوند قرار گرفته و رحمت بر او نازل می‌شود مادامی که مشغول آن دعا باشد.
- ۵۹- و پاداش نصیحت مؤمن را دارد.

۶۰- و مجلسی که در آن برای امام زمان علیه السلام دعا شود محل حضور فرشتگان گردد.

۶۱- و دعا کننده مورد مباحات خداوند شود.

۶۲- و فرشتگان برای او طلب آمرزش می کنند.

۶۳- و از نیکان مردم پس از ائمه اطهار علیهم السلام می شود.

۶۴- و این دعا اطاعت از اولی الامر است که خداوند اطاعتشان را واجب ساخته است.

۶۵- و مایه خرسندی خداوند عز و جل می شود.

۶۶- و مایه خشنودی پیامبر صلی الله علیه و آله می گردد.

۶۷- و این دعا خوشایندترین اعمال نزد خداوند است.

۶۸- و از کسانی خواهد بود که خداوند در بهشت به او حکومت دهد.

۶۹- و حساب او آسان می شود.

۷۰- و این دعا در عالم برزخ و قیامت مونس مهربانی خواهد بود.

۷۱- و این عمل بهترین اعمال است.

۷۲- و مایه دوری غصه ها می شود.

۷۳- و دعای هنگام غیبت بهتر از دعای هنگام ظهور امام علیه السلام است.

۷۴- و فرشتگان درباره اش دعا می کنند.

۷۵- و دعای حضرت سیدالساجدین علیه السلام که نکات و فواید متعددی دارد،

شامل حالش می شود.

۷۶- و این دعا تمسک به ثقلین (کتاب و عترت) است.

۷۷- و چنگ زدن به ریسمان الهی است.

۷۸- و سبب کامل شدن ایمان است.

۷۹- و مانند ثواب همه بندگان به او می رسد.

- ۸۰- و تعظیم شعائر خداوند است.
 - ۸۱- و این دعا ثواب شهید شدن با پیامبر ﷺ را دارد.
 - ۸۲- و ثواب شهید شدن زیر پرچم امام زمان ﷺ را دارد.
 - ۸۳- و ثواب احسان به مولای ما، امام زمان ﷺ، را دارد.
 - ۸۴- و در این دعا ثواب گرمی داشتن عالم است.
 - ۸۵- و پاداش گرمی داشتن شخص کریم را دارد.
 - ۸۶- و در میان گروه ائمه اطهار ﷺ محشور می شود.
 - ۸۷- و درجات او در بهشت بالا می رود.
 - ۸۸- و از بدی حساب در روز قیامت ایمن باشد.
 - ۸۹- و نایل شدن به بالاترین درجات شهدا در روز قیامت.
 - ۹۰- و رستگاری به شفاعت حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها.
- و باید شرایط استجابات دعا را در خود پیاده کنیم تا به این همه رستگاری دست پیدا نمائیم و در ضمن حاجت قلبی و شرعی خود مؤمن برآورده خواهد شد.

ثوابهای دعا برای امام زمان ﷺ (۱)

- ۱- ثواب حج بیت الله الحرام (۲).
- ۲- ثواب عمره.
- ۳- ثواب اعتکاف (دو ماه در مسجد الحرام).
- ۴- ثواب روزه دو ماه.
- ۵- قبول شدن شفاعت او در قیامت.
- ۶- روا شدن صد هزار حاجت او در قیامت.

۱. از کتاب مکیال المکارم.

۲. اصول کافی ۱۹۸/۲.

۷- ثواب ده طواف خانه کعبه .

امام صادق علیه السلام : «برآوردن حاجت مؤمن از ده طواف خانه کعبه بهتر است (۱)» .

۸- ثواب آزاد کردن بردگان .

امام صادق علیه السلام : «برای گام برداشتن مرد در راه روا ساختن حاجت برادر

مؤمنش، ده حسنه نوشته می شود و ده سیئه محو می گردد و ده درجه بالا می رود و

جز این، این کار برابر آزاد کردن ده برده و بهتر از اعتکاف ده ماه در مسجد الحرام

می باشد (۲)» .

۹- ثواب روانه ساختن هزار اسب زین و لجام کرده در راه خدای تعالی .

۱۰- حمایت هفتاد و پنج هزار فرشته .

از حضرت ابو جعفر باقر علیه السلام روایت شده که فرمودند : «هرکس در راه روا ساختن

حاجت برادر مسلمان خود قدم بردارد، خداوند او را با هفتاد و پنج هزار فرشته

سایه می دهد و هیچ گامی بر نمی دارد مگر اینکه به خاطر آن، حسنه ای برایش

نوشته شود و گناهی از او دور گردد و درجه ای بالا رود . پس هرگاه از انجام حاجت

او فراغت یافت، خدای عز و جل برای او به خاطر آن پاداش یک حج و یک عمره

می نویسد (۳)» .

۱۱- ثواب هزار سال خدمت پروردگار .

۱۲- ثواب نه هزار سال نماز و روزه .

تمام این فواید و آثار و ثوابها زمانی که با تحصیل تقوی و پاکسازی نفس از

بدی ها و زشتی ها باشد، امکان می پذیرد و از درگاه خداوند خواهانیم در فرج

۱. اصول کافی ۱۹۴/۲ .

۲. اصول کافی ۱۹۶/۲ .

۳. اصول کافی ۱۹۷/۲ .

مولای غایب از نظر تعجیل فرماید و با لطف و عنایت خود ما را در عدد یارانش به شمار آورد.



ثواب عبادت در زمان غیبت

امام صادق علیه السلام فرمودند:

«یک نماز واجب در مثل این زمان که شخص مؤمن به جا آورد، ثواب بیست و پنج نماز واجب دارد که در زمان ظهور و استیلای امام به جا آورد و یک نماز نافله که در مثل این زمان به جا آورد، ثواب ده نماز نافله دارد که در زمان ظهور و استیلای امام به جا بیاورد و هر مؤمنی که عمل خیری در مثل این زمان بکند، بیست مقابل زمان ظهور و استیلای امام علیه السلام برای او نوشته می شود.» آنگاه فرمودند که:

«هر مؤمنی از شماها که عمل خود را نیکو نماید و به تقیه رفتار کند از برای حفظ دین و حفظ امام خودش و حفظ جان خودش و نگاه دارد زبان خودش را، خداوند عالم جلّ شأنه، حسنات آن مؤمن را به اضعاف مضاعفه یعنی چندان برابر آن، زیاد می گرداند. به درستی که خداوند تعالی کریم است^(۱)».

و مسلمانان باید بدانند که در جایی که تقیه واجب است همین که ترک تقیه کردند، سبب بی ادبی نمودن دشمن به نام آن حضرت می شود و آنچه نباید بگویند، می گویند و تو سبب آن شده ای و امام خود را حفظ نکرده ای:

عاجز از وصف جمال تو منم

تو خود جمال خویش توصیف کن یا نقاب برافکن

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى حَجَّتِكَ عَلَى خَلْقِكَ، الْخَلْفِ الْهَادِي الْمَهْدِي حَجَّتِكَ
عَلَى عِبَادِكَ وَأَمِينِكَ فِي بِلَادِكَ صَلَوةً كَثِيرَةً دَائِمَةً .

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى وَلِيِّ أَمْرِكَ الْقَائِمِ الْمُؤَمَّلِ وَالْعَدْلِ الْمُنْتَظَرِ وَحَفَّةِ بَمَلَاتِكَ
الْمُقَرَّبِينَ وَأَيْدِهِ بِرُوحِ الْقُدْسِ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ .

اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ الدَّاعِيَ إِلَى كِتَابِكَ وَالْقَائِمَ بِدِينِكَ اسْتَخْلَفَهُ فِي الْأَرْضِ كَمَا
اسْتَخْلَفْتَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِ مِمَّنْ لَهُ دِينُهُ الَّذِي ارْتَضَيْتَهُ لَهُ أَبَدَ لَهُ مِنْ بَعْدِ
خَوْفِهِ أَمْنًا يَعْبُدُكَ لَا يَشْرِكُ بِكَ شَيْئًا .

اللَّهُمَّ أَعِزَّهُ وَأَعِزِّزْ بِهِ وَأَنْصِرْهُ وَأَنْصِرْ بِهِ وَأَنْصِرْهُ نَصْرًا عَزِيزًا وَافْتَحْ لَهُ فَتْحًا
يَسِيرًا وَاجْعَلْ لَهُ مِنْ لَدُنْكَ سُلْطَانًا نَصِيرًا .

اللَّهُمَّ أَظْهِرْ بِهِ دِينَكَ وَسُنَّةَ نَبِيِّكَ حَتَّى لَا يَسْتَخْفِيَ بِشَيْءٍ مِنَ الْحَقِّ مَخَافَةً
أَحَدٍ مِنَ الْخَلْقِ .

اللَّهُمَّ أَنَا نَرْغِبُ إِلَيْكَ فِي دَوْلَةٍ كَرِيمَةٍ تَعَزُّبُهَا الْإِسْلَامُ وَأَهْلُهُ، وَتَذَلُّ بِهَا النِّفَاقُ
وَأَهْلُهُ، وَتَجْعَلُنَا فِيهَا مِنَ الدَّعَاةِ إِلَى طَاعَتِكَ، وَالْقَادَةِ إِلَى سَبِيلِكَ، وَتَرْزُقُنَا
بِهَا كَرَامَةَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ .

پروردگارا! بر حجت خود بر خلقت، خلف هادی مهدی، حجت بر بندگانت و امین تو در زمین زیاد و پی در پی درود بفرست.

بارالها! درود فرست بر ولی خود صاحب الأمر امام قائم منتظر و او را با ملائکه مقربین خود مدد نما و با روح القدس تأیید بفرما ای پروردگار عالمیان.

خدایا! او را دعوت کننده به کتابت، و قائم به دینت قرار بده، و او را در زمین خلیفه گردان آن چنانی که قبل از او خلیفه‌هایی قرار دادی، و به او امکان بده که دینی را که تو راضی به آن هستی برپا کند، برای او بعد از ترس و خوفش امنیتی برقرار نما که تو را عبادت کند و ذره‌ای شرک به تو نورزد.

خداوندا! او را عزیز گردان و به وسیله او به دیگران عزت بخش، و او را یاری گردان و به وسیله او دیگران را یاری کن، و او را نصرتی با عزت بخش و به آسانی جهان را به دست او فتح کن و از جانب خود او را سلطنت و قدرت عنایت فرما.

خدایا به دست او دینت را و سنت پیغمبرت را آشکار ساز تا آنکه دیگر چیزی از حق و حقیقت از ترس احدی از خلق مخفی نماند.

خدایا ما به تو امید و اشتیاق داریم که دولت با کرامت آن امام زمان را به ظهور آوری و اسلام و اهلش را به آن عزت بخشی و نفاق و اهل نفاق را ذلیل و خوار گردانی و ما را در آن دولت حقه اهل دعوت به طاعتت، و از پیشوایان راه هدایتت، قرار دهی، و به واسطه آن بزرگوار به ما عزت دنیا و آخرت عطا فرمائی.

فصل دوم

نقش زنان

در زمان غیبت امام زمان علیه السلام

زن در تاریخ، فراز و نشیبهای فراوانی تحمل کرده. از خدایی کردن تا زنده به گور شدن را به خود دیده است و جلوه‌های مختلفی از چهره زن را دیده و به وسیله آن شناخته شده است. شناخت زن از شعاع پرتو دین اسلام فضای ذهنهای تاریک را روشن کرده و پیرامون این خلقت الهی با تمسک به ائمه معصومین علیهم‌السلام می‌توان قدم معرفتی برداشت.

سیمای زن در اسلام سیمایی پوشیده مانند دژی در صدف است که در میادین و اجتماعات و صحنه نبرد حضور دارد و با چهره‌ای مهربان برای همسر و فرزندان، پوشیده و با وقار حرکت می‌کند.

مسیر اصلی بحث، صحابه خاص حضرت می‌باشد که در بعضی از روایات ۵۰ نفر و در بعضی ۱۳ نفر به اضافه ۳۱۳ نفر مرد آمده است که این زنان در زمان ظهور امام زمان علیه‌السلام در خدمت حضرت می‌باشند^(۱).

این زنان چه کسانی هستند؟ چه خصوصیت اخلاقی دارند؟ از کجایند؟ چگونه می‌شود آنها را شناسایی کرد؟ یا به لفظ دیگر چگونه اثر پای آنها را می‌توان شناخت؟

با یک بررسی در میان زنان الگو از قرآن، دیدگاه قرآن و عترت چهره اصلی زن را نشان می‌دهد و می‌بینیم که زن امروزی به کمال خود نرسیده، بلکه روز به روز عده زیادی از آنها از مسیر کمالات و رشد انسانی دور شده و بذرفساد و تباهی به این

وسیله در حیات اجتماع ریخته شده که از آن جز شجره خبیثه رذیله به بار نمی آید.

﴿ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ... ﴾^(۱)؛ ای

کسانی که ایمان آورده‌اید، چون خدا و پیامبر شما را به چیزی فرا خواندند که به شما حیات می بخشد آنان را اجابت کنید. (امام زمان علیه السلام در این زمان)

حیات فردی و اجتماعی ضامن سلامت دنیا و آخرت خواهد بود، و این حیات از سرچشمه حقیقت و وصل شدن به آن سرچشمه عاید می گردد.

زن، تحکیم خانواده و حراست آن را به عهده دارد و با تحمل برخی از مصائب اخلاقی، این خیر عظیم به وجود خواهد آمد. یعنی با این تکالیف ظاهری به تطهیر معنوی و روحی و شفاف و آراسته شدن دل می رسیم.

﴿ مَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ حَرَجٍ وَلَكِنْ يُرِيدُ لِيُطَهِّرَكُمْ وَلِيُتِمَّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكُمْ

لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ﴾^(۲)؛ خدا نمی خواهد بر شما تنگ بگیرد لیکن می خواهد شما را پاک و نعمتش را بر شما تمام گرداند، باشد که سپاس او را بدارید.

مانند زکات مال که ظاهراً مایه نقصان مال می شود لیکن درون آن، نمو و باعث رشد بقیه مال می شود.

انسان کامل مظهر تمام اسماء است.

خداوند انسان را خلق کرد تا خلیفه الله و جانشین خود در روی زمین باشد. به او اکرام فرمود، عقل و اختیار داد تا با فکر و عقل و هوش و اختیار خود به کمال بندگی برسد. خداوند پیامبرانی ارسال فرمود تا راهنمای او در این مسیر باشند و ائمه معصومین علیهم السلام را که قبلاً از نور خود خلق کرده بود که متصف به اخلاق الله بودند در بین ما قرار داد تا آنها را الگو و اسوه خود نموده و به حقیقت بندگی برسیم، اگر پیرو

۱. انفال: ۲۴.

۲. مائده: ۶.

واقعی و حقیقی ایشان باشیم.

زنان اجتماع ما که هجوم فرهنگی غرب اکثر آنها را مانند عروسکهای خیمه شب بازی، هر روز به رنگی در می آورد و سوداگران اقتصادی، از زن ابزار تبلیغاتی درست می کنند تا کالاهای خود را به فروش برسانند. و آنها فکر می کنند با درست کردن و زینت خود و حضور در اجتماع و رفتن به ادارات به آنها بهاء داده می شود. شوهرداری و تربیت فرزندان خود را رها کرده، به فکر پیدا کردن مقام و پرستیژ هستند و به خودنمایی در بین مردان مشغول شده اند.

در حالی که اسلام تربیت فرزندان را به عهده مادر گذاشته و امام خمینی رحمه الله می فرماید: «مرد از دامن زن به معراج می رسد»^(۱).

زن، رکن اصلی و اساسی زندگی خانوادگی را تشکیل می دهد و مانند یک ریشه عمل می کند. ریشه در گیاهان اصل است. اگر ریشه سالم باشد و خوب گیاه را تغذیه کند، گیاه سالم و دارای برگ و گل و شکوفه و میوه می گردد.

ولی اگر ریشه فاسد باشد، گیاه خشک شده و از بین می رود. پس اگر زن در اجتماع از نظر اخلاقی و تربیتی سالم باشد، می تواند خانواده ای سالم را تحویل اجتماع دهد. اگر ریشه را از خاک بیرون بیاورند که درخت یا نهالی را جابجا کنند، باید در خاک یا پوششی مستور باشد و گرنه گیاه خشک می شود.

زن برای سالم ماندن خود و اجتماع، اگر می خواهد جایی برود باید خود را بپوشاند. خداوند در سوره نور آیه ۳۱ می فرماید:

﴿ وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ... ﴾ ؛ ای پیامبر، به زنان با ایمان بگو چشمهای خود را (از نگاه به نامحرمان) فرو گیرند و دامان خویش را (عفت و

حیا) حفظ کنند و زینتهای خود را جز آن مقدار که نمایان است، آشکار نسازند و روسریهای خود را به سینه خود بگسترانند (تا سینه و گردن آنها پوشیده شود) و زینت خود را آشکار نسازند...

و در سوره احزاب آیه ۵۹ می فرماید:

﴿ يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِأَزْوَاجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا ﴾؛ ای پیامبر! به همسران و دخترانت و زنان مؤمنان بگو جلبابها (به معنای چادر یا پوششی که سراسر بدن را بگیرد و برجستگی های بدن را بپوشاند) بر خویش فرو افکنند تا شناخته نشوند و مورد آزار قرار نگیرند، (و اگر تاکنون این کار را نکرده ای از خطای خود توبه کن) که خداوند همیشه آمرزنده و مهربان است.

ما که می خواهیم همیشه خود را در محضر خدا و امامان بدانیم مرحله اول این است که معرفت و شناخت پیدا کنیم که این حالت باید با محکم شدن اعتقادات صحیح و ریشه دار شدن آن ایجاد شود. چون زمانی که چیزی را خوب شناختیم به آن ایمان پیدا می کنیم و آن را دوست داریم. هر قدر شناخت ما بالا رود عشق و علاقه ما زیاد شده و اطاعت امر می کنیم.

در حدیث سلسله الذهب (امام رضا علیه السلام در مسیر طوس بودند. وقتی به نیشابور رسیدند مردم از ایشان تقاضای حدیثی کردند و این حدیث را حضرت بیان فرمودند که در آن زمان تعداد زیادی از نویسندگان با قلمدانهای طلا منتظر بودند که فرموده های حضرت را بنویسند.) در این حدیث امام رضا علیه السلام فرمودند:

«این حدیث سلسله الذهب از پدرم و پدرم از پدرش و ایشان از پدرشان ... تا

برسد به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ایشان از جبرئیل و از خداوند متعال نقل کردند که: «کلمة

لا اله الا الله حصني فمن دخل حصني امن من عذابي بشرطها وانا من شرطها»^(۱).

کلمه لا اله الا الله (یعنی توحید) قلعه و پناهگاه من است، پس کسی که داخل این قلعه شود (معتقد به آن باشد) ایمن است... (و البته آن کلمه ما را از عذاب الهی نجات می دهد که به زبان و قلب قبول داشته باشیم و تمام افعال ما به خاطر او باشد و البته دارای شرائطی است که ولایت در کنار توحید باشد.)

پس ما باید ببینیم که خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام چه فرموده اند و از آنها راه را یاد بگیریم تا از هر ضلالتی ایمن باشیم.

پس کسی که ولایت اهل بیت علیهم السلام را از صمیم قلب پذیرا باشد، وارد این قلعه ایمن می گردد.

انسان کامل باید برای خود ظرفیت صبر در کلیه مسائل ایجاد کند، چنانکه پیامبر صلی الله علیه و آله، الگوی بزرگوار ما، مظهر صبر جمیل بودند و همچنین بعد از ایشان ائمه معصومین علیهم السلام.

با صبر و عفو، این دو صفت زیبا، روح خود را مزین سازید.
برای نفس خود با صفات حمیده و نیکو، جمالی زیبا بیارائید.
خلقت خدا بدون هیچ عیب و نقص است و نفس شما که آفریده خداست خالی از هر گونه عیب است. پس آن را همانگونه زیبا نگهدارید.

خداوند زینت هایی برای خلق خود قرار داد، مانند ستارگان که زینت آسمانها شوند. **«حَبَّبَ إِلَيْكُمُ الْإِيمَانَ وَزَيَّنَهُ فِي قُلُوبِكُمْ وَكَرَّهَ إِلَيْكُمُ الْكُفْرَ وَالْفُسُوقَ وَالْعِصْيَانَ»^(۲)**؛ خدا ایمان را برای شما دوست داشتنی گردانید و آن را در دل های شما زینت داد و کفر و فسق و معصیت را در نظرتان ناخوشایند ساخت.

۱. منتهی الآمال.

۲. حجرات: ۷.

پس ایمان زیور و زینت جان و روح باطن و قلب شماسست و یکی از تجملات روح، اخلاق نیکوست.

«التجمل من أخلاق المؤمنین»^(۱)؛ آرایش، اخلاق مؤمنان است.

ایمان زن و مرد

در تمام محورهای اخلاقی، فرقی بین زن و مرد نیست. یعنی انسان و ایمان در کنار هم قرار گرفته و ذکورت و انوخت تأثیری ندارد.

تنها تفاوت انسانها بر سر ایمان کامل و اعتقادات و اندیشه‌های درست ظهور می‌نماید. چون هر دو شایستگی فراگیری علوم و معارف را دارند و اگر زنان مانند مردان به تعالیم علوم الهی پردازند و به اجتهاد عقلی و فکری و عملی برسند هیچگونه فرقی با مردان ندارند.

اگر در احادیث گفته‌هایی هست که از زنان و مشورت با آنها پرهیزید یا آنها ناقص رأی هستند^(۲)، منظور زنان جاهل است و هیچگونه انصرافی از زنان محقق و دانشمند ندارد.

و امروزه بسیار ملموس است که اگر زنان را از تعلیم و تربیت محروم نکنند و شرایط درست برای فراگیری آنها در صحنه تعلیم و تربیت فراهم شود، بسیار نتایج عالی در بردارد.

اگر زنان ما دارای تفقه دینی شده و به کمال عالی انسانی برسند، کودکانی که در دامان آنها پرورش می‌یابند با معیارهای والای انسانی رشد می‌کنند و به کمال می‌رسند و زنان زیادی قبل از همسران خود دین حنیف اسلام را پذیرفته و حقانیت

۱. غرر و درر ۱/۳۰۷.

۲. نهج البلاغه، نامه ۳۱.

آن را با استدلال تشخیص داده و با عزمی استوار به آن ایمان آوردند در حالی که شوهران آنان کافر بودند. مانند ولید بن مغیره همسر صفوان بن امیّه و امّ حکیم دختر حارث بن هشام که شوهرش عکرمه بن ابی جهل بود و پیش از همسرش اسلام آورد.

اساس زندگی خانوادگی بر پایه مهر و وفا و پیوند پی‌ریزی شده و به عهده مادر که ریشه و اصل خانواده است، می‌باشد. همسر و فرزندان مانند ساقه و شاخه و میوه‌های آن است که اگر خللی در ریشه پدید آید، دیگر از فروعات آن چیزی نمی‌ماند و اگر بماند آفت زده و مریض خواهد بود.

زنان نمونه اسلام مانند حضرت خدیجه علیها السلام که از علم و تیزبینی و هوش و درایت و نکته بینی و تحلیل مسائل در کمال خاصی برخوردار بودند. اگر ریشه سالم باشد میوه‌های سالم و خوب می‌دهد و هیچگاه از یک درخت سالم و ریشه سالم ثمره بدی نخواهد نشست.

صله رحم

مادری که سالم است فرزندی سالم در رحم خود می‌پروراند و از شیرۀ سالم بدن خود همانند آن ریشه فرزندش را تغذیه می‌کند و پس از به دنیا آمدن، با شیر سالم و تربیت نیکو او را به ثمر می‌رساند.

و این چگونگی است که تغذیه و تربیت، تأثیری در روح این اجتماع ندارد، اگر زنان و مردان این اجتماع از ریشه‌ای خوب بهره‌مند باشند.

خداوند در آیات قرآن تأکید فراوان بر صله رحم دارد. این رحمهای پاک که شما را تغذیه کرده‌اند، پیوند را قطع نکنید و هر چند گاهی از آن تغذیه کرده و روح خود را شاداب کنید.

پدران ، با مسؤولیت تأمین هزینه های زندگی ، شما را به درجه رشد می رسانند .
﴿ وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ إِحْسَانًا حَمَلَتْهُ أُمُّهُ كُرْهًا وَوَضَعَتْهُ كُرْهًا وَحَمَلُهُ وَفِصَالُهُ ثَلَاثُونَ شَهْرًا ﴾^(۱)

انسان را به پدر و مادرش به احسان سفارش کردیم .

در انتخاب همسر بسیار بینا و روشن فکرانه عمل کنند که عروس و داماد به منزله فرزندان دو خانواده محسوب می شود .

و اعضای دو خانواده مخصوصاً پدران و مادران به منزله یک خانواده محسوب خواهند شد .

﴿ وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ مِنَ الْمَاءِ بَشَرًا فَجَعَلَهُ نَسَبًا وَصِهْرًا ﴾^(۲) ؛ اوست که از آب ،

بشری آفرید و او را دارای خویشاوندی نسبی و دامادی قرار داد .

اصالت خانواده به عهده زن است که تشکیل کانون مهر و رأفت خواهد داد .
 اینکه زنان فکر می کنند قانون اسلام به ضرر آنهاست ، فکر درستی نیست چون خداوند خالق ، مصلحت خلقت خود را بهتر می داند که زنان حجاب داشته باشند و در اجتماع ، به جز ضرورت حاضر نشوند و بر مردان واجب شده که نفقه زنان را پردازند . چون از نظر جسمی و روحی اختلافاتی در آفرینش زن و مرد هست و برای اینکه بتوانند با هم انس و الفت بگیرند و تشکیل زندگی مشترک بدهند هر کدام احکام مخصوص به خود را طلب می کند و باید بدانیم که خداوند عادل و حکیم است و هیچ کاری را بدون حکمت انجام نداده و خداوند کار عبث و بیهوده انجام نمی دهد و قانونی که برای خلقتش ضرر داشته باشد ، امر نمی نماید .

و اگر زنان به درجه فهم و درک حکمت خداوند برسند و حقایق را درک کنند

۱. احقاف : ۱۵ .

۲. فرقان : ۵۴ .

هیچگاه اینهمه محبتی که خداوند در خلقت زن فرموده، فراموش نمی‌کنند که خداوند روحی لطیف و پراز مهر و عاطفه برایشان خلق کرده تا با نیروی عاطفی خود به عنوان الگو و اسوه تقوی و مربی انسانها در جامعه مطرح گردند و کارهای سخت و سنگین را به عهده مردان گذاشته تا سلامت جسم و تأمین معاش خانواده را عهده‌دار باشند.

پیامبر اکرم ﷺ می‌فرمایند:

«ما أكرم النساء إلا كريم ولا أهانهن إلا لئيم»^(۱)؛ کسی جز انسانهای بزرگوار زنهارا

را اکرام نمی‌کند و اهانت کننده به زن کسی جز انسان پست و فرومایه نمی‌باشد. اگر زنان جامعه ما قدر خود را بشناسند و در مقابل ناملايمات زندگي صبر و استقامت نشان داده، احترام خود را حفظ کنند و اسير هوای نفس خود نگردند و در دنیا که پست و فانی است و محل گذری بیش نمی‌باشند، خود را به کمالات بندگی خداوند برسانند، در مجالس لهو و لعب شرکت نکنند و مطیع امر مولای خود باشند، به حیات طیبه دست پیدا خواهند کرد.

زنان باید بدانند که تزکیه نفس که یکی از واجبات دین می‌باشد و باعث نزدیکی آنها به امام زمانشان و همچنین استجابت دعای آنها و فرج مولایشان است، برای آنان زمینه بهتر از مردان را دارد.

جهاد زن، نیکو همسر داری و خانه داری کردن است. که خانواده را از خطرات محفوظ نگه دارد.

امام علیؑ می‌فرمایند: «جهاد المرأة حسن التبعل»^(۲)؛ جهاد زن این است که خوب همسر داری کند.

۱. نهج الفصاحة: ۲.

۲. وسائل الشیعة ۱۴/۱۱۶.

امام جعفر صادق علیه السلام می فرمایند:

«بهترین زنان شما آن زنی است که خوشبو و پاکیزه با شوهرش باشد و با خوشرویی و لبخند با او روبرو شود و با همین خصلت از او جدا گردد. چنین زنی فرمانبردار خداست و چنین کسی دچار ناراحتی و پشیمانی نخواهد شد^(۱)». زنی که نفس خود را از صفات رذیله پاک کرده و متخلق به اخلاق حمیده گردانیده و تسلیم خداوند و پیامبر صلی الله علیه و آله و پیرو امام علیه السلام است، می تواند خود را جزء منتظران امام زمان علیه السلام محسوب کند.

ابدال چه کسانی هستند

کسانی که تزکیه کرده و خود را به مقام عبودیت و بندگی رسانده اند، لیاقت یاری رساندن به امام زمان علیه السلام را در هر زمانی پیدا می کنند که در خدمت حضرت باشند. در روایتی آمده که می فرمایند:

«الابدال اربعون رجلاً و اربعون امرأة کلّما مات رجل منهم ابدل الله مكانه رجلاً و کلّما ماتت امرأة ابدل الله مكانها امرأة»^(۲)؛ ابدال چهل مرد و چهل زن می باشند که هرگاه مردی از آنها بمیرد، خداوند دیگری را در مکان وی جایگزین می کند و هرگاه زنی از آنها بمیرد، خداوند زن دیگری را در مکان وی جایگزین می کند. پس اگر زنان تمام صفات و شرایط درک حضور حضرت را داشته باشند تا بتوانند در رکاب حضرت انجام وظیفه کنند از یاوران امام زمان علیه السلام خواهند بود.

۱. فروع کافی ۳۲۵/۵.

۲. معجم احادیث ۴۷۵/۲.

ازدواج

یکی از راههای پاکی روح و نجات از رذایل و رسیدن به آرامش، ازدواج جوانان می باشد تا آنها از هرگونه انحرافی در امان باشند.

پیامبر ﷺ می فرمایند: «ومن تزوج فقد أحرز نصف دینه»^(۱)؛ هرکسی ازدواج کند، نیمی از ایمان و دین خود را نگه داشته است.

جوانان برای پیدا کردن همسر مناسب معیارهایی را از نظر سنخیت روحی در نظر گرفته و ملاک همسر خوب را که شامل ایمان و تقوی و اخلاق نیکوست معیار خود قرار دهند، تا از زندگی سالم و شیرینی برخوردار گردند.

یکی از معیارهای زنان برای ازدواج، الگو و اسوه عالم بشریت، حضرت فاطمه زهرا علیها السلام است. اگر زندگی، ازدواج، همسرداری و تربیت بچه را از ایشان بیاموزیم و از نظر ایمان و یقین به ائمه علیهم السلام مانند سلمان باشیم به فوز دنیا و آخرت می رسیم.



سلمان که بود

سلمان در زندان پدرش گفت: «ای کسی که در دل من هستی و قدرت داری، مرا نجات بده و به راه حقیقت مرا بکشان.» که در باز شد و بعد از مدتها پیاده روی به دهی رسید و گفت: «من حق را می خواهم.» از کتاب مسیحیت حقی را نشان دادند و او را به چند جای دیگر رساندند، تا در یکی از دیرها یکی از راهبه ها او را به مکه راهنمایی کرد و به عنوان غلام به مکه رسید تا چشمش به پیامبر صلی الله علیه و آله افتاد (خدا چشم حقیقت بین به او داده بود و حقیقت را می دید) و از پشت دیوار باغ، پیامبر صلی الله علیه و آله را دید.

او از آتش پرستی به دنبال حقیقت جویی رسید. رسید به جایی که «السَّالِمَانِ مَنَا

أهل البيت» شد. خواستار حق و حقیقت بود و بزرگی سلمان در زمان ظهور حضرت بقیة الله ارواحنا فداه مشخص می‌گردد.

باید از این همه دریا استفاده کنیم (اهل بیت علیهم السلام) و خود را شستشو دهیم.

گر گدا کاهل بود تقصیر صاحب خانه چیست؟

یا فهم گدایی را نداریم یا اهمیت برایمان ندارد. شما را لب آب می‌برند، می‌گویند بشوئید. ولی یا لَج می‌کنید یا غافل هستید که از این آب حیات استفاده کنید. روایات و احادیثی که از اهل بیت علیهم السلام به ما می‌رسد مثل غذایی است که گرسنه‌ای می‌خورد و اگر آن غذا را همیشه خورده باشد، موقع گرسنگی برایش لذت بخش است.

چرا ملائکه حضرت فاطمه الزهراء علیها السلام را بیشتر می‌شناسند؟

این سؤال بنا به حدیث کسا می‌باشد. وقتی ملائکه افراد زیر عبای پیامبر صلی الله علیه و آله را دیدند، پرسیدند: اینها کیستند؟

به آنها گفته شد: اینها دو پسران حضرت زهرا علیها السلام و این حضرت علی علیه السلام، شوهر حضرت زهرا علیها السلام، و پیامبر صلی الله علیه و آله، پدر بزرگوار حضرت زهرا علیها السلام، می‌باشند. در اینجا است که این سؤال طرح می‌شود.

ملائکه زمانی که در یک مسأله که همان سجده بر آدم بود، تعلیل کردند، که چرا آدم را خلق کردی؟ به امر خداوند تاریکی ۷۰ ساله به آنها مسلط شد و تمام آنها در تاریکی به سر می‌بردند. برای آنها زجرآور بود. آنها از خداوند متعال تقاضای بخشش و نجات از تاریکی کردند. خداوند متعال هم نور حضرت زهرا علیها السلام را وسیله نجات آنها قرار داد. این نور مثل قندیلی در بهشت جلا داده شد و وقتی این نور عجیب در بین ملائکه ظهور کرد و آنها نجات یافتند، خداوند فرمود:

این نور حضرت زهرا علیها السلام است که شما را نجات داد و به واسطه نور ایشان تاریکی و گناهان شما برداشته و بخشیده شد.

اصل در هر چیزی زیربنای آن است. مثل خانه‌های قدیمی که پی محکمی داشتند، وجود مقدس فاطمه زهرا علیها السلام نسبت به وجود هستی مثل زیر بنا بودند. خداوند به پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

«اگر تو نبودی، افلاک را خلق نمی‌کردم و اگر علی علیه السلام نبود، تو را خلق نمی‌کردم و اگر فاطمه علیها السلام نبود، شما دو تا را خلق نمی‌کردم^(۱)».

نسبت به رسالت و نبوت و امامت، فاطمه زهراء علیها السلام زیر بنا هستند. لذا بهترین وظیفه زن این است که ریشه خوبی باشد.

اگر ریشه هم بخواهد مثل گل از خاک بیرون بیاید، طراوت آن از بین می‌رود. اصل ریشه است، باید حفظ شود، گل و میوه یا می‌دهد یا نمی‌دهد. اگر بفهمیم ریشه مهمتر از گل و میوه است، برای ما سوآلی پیش می‌آید که چرا زن را با ریشه مقایسه می‌کنیم؟

ریشه وقتی می‌تواند انجام وظیفه کند که در خاک پوشیده باشد و یکی از فلسفه‌های حجاب همین است. ریشه نیازمند پوشش است و برای ریشه خوب بودن، باید پوشش باشد. حتی موقع جابجا کردن با مقداری از خاک اطرافش یا با وسیله‌ای که محفوظ باشد، جابجا می‌شود. اقتضای ریشه پوشش است و اقتضای زن حجاب است.

اگر ریشه را بالا بیاورید، بیماری‌هایی مثل ایدز می‌آید.

در زمانی که زن از منزل خارج می‌شود، باید به خود سختی بیشتری بدهد (در اوائل، بعد عادت می‌شود) و پوشیده باشد. نباید گفت: اگر زن بیرون از منزل کار

کند ، اهمیت پیدا می کند . یک وقت در منزل به زن نیاز است ، یک وقت در بیرون از منزل وجودش نیاز است . وقتی زن خود را حفظ نکند ، بچه ها که گلهای او هستند زرد و پژمرده و میوه ها آفت زده می شود . خدا مقرر کرد که زنان در این مورد متعصب باشند . فکر صحیح این است که من تا آن حدی تحصیل کنم یا سرکار بروم که ریشه حفظ شود . و بهترین حفاظت این است که زن در منزل باشد ، نه مردی او را ببیند و نه او مردی را ببیند .

جائی که ملائکه در موقع کفن کردن می خندند این است که زنی در زمان زندگی حجاب نداشته ، در موقع مرگ او را دارند می پیچند .

چرا لیلۃ القدر گفته می شود

لیله ای که خداوند می فرماید ، نشانه تاریک بودن قدر و منزلت انبیاء و اولیاء خداوند و ائمه و نبودن این معرفت در وجود انسانهاست .

جهل و نفهمی ما نسبت به اهل بیت علیهم السلام لیله و عدم شناخت ما نسبت به این خاندان را قدر اهل بیت علیهم السلام می گویند .

به طور کلی لیلۃ القدر ، نشانه عدم شناخت و تاریک بودن قدر اهل بیت علیهم السلام در بین افراد است . و روز قیامت روزی است که خداوند مقام اهل بیت علیهم السلام را بر مردم آشکار می کند (چون مقامشان در این دنیا ناشناخته باقی می ماند) .

در شب قدر به اندازه یک روزنه هم اگر هست ، حالت معرفت و شناخت نسبت به اولیاء الله را پیدا کنیم و به عبادت خالصانه مشغول شویم . احیاء بگیریم ، و اعمال شب قدر را انجام دهیم . توسل به ائمه معصومین علیهم السلام پیدا کنیم ، و از آنها توفیق درک شب قدر را بخواهیم . رسیدن به خدمت حضرت ولی عصر روحی فداه با شناخت ایشان ، همراه با رضایت خودشان است . رضایت در ملاقات با امام

بسیار مهم می باشد. هرکسی می تواند به ملاقات امام برسد. مثلاً شمر لعنة الله علیه بر جایی نشست که هیچ کس ننشست.

امام مثل خورشید، درخشنده است و خداوند این شب را قرار داد تا از روزنه های آن نور دریافت کنیم. فهم و کمال بیشتر و زندگی بهتر و خداپسندانه تری داشته باشیم، از وجودشان فیض بگیریم به اذن خدا.

از مهمترین اعمال شب قدر، تفکر و اندیشیدن است که افضل از عبادت است که می فرمایند: «التفکر أفضل من عبادة الثقلين»^(۱).

قبل از تفکر و عبادت، توسّل به ائمه اطهار پیدا کنیم تا نفوذ شیطان را از خود دور نماییم.

هرکس بتواند درست فکر کند چیزهایی به ذهنش می رسد. تفکر در آیات و نشانه های الهی واقعاً تفضل خداست و اگر قبل از آن ذکر صلوات و نیت خالصانه باشد، واقعاً می توان به آن هدف و نیت رسید و خداوند فکر را در آن امری که خواسته، نورانی می فرماید.

چگونه بفهمیم که ما ریشه هستیم. آیا به هر چیزی که پوشیده شده می توان گفت که ریشه است؟ خیر. مثلاً کسی که نمی تواند از خانه بیرون بیاید و یا خانه نشین شده، نمی شود گفت که ریشه واقعی است. ریشه وقتی خوب کار می کند که بتواند گل و میوه خوبی پرورش دهد، به وظایفش خوب برسد و آنچه را که خدا نهی کرده، کنار بگذارد. پیرو ائمه اطهار باشد و الگوش ائمه معصومین علیهم السلام باشند تا ریشه بودنش را ثابت کند. باید معرفت داشت، زیرا علم به کثرت تعلّم نیست.

خانم مجتهده امین می فرمودند: «خدا خواست دری به قلبم باز شود».

در سوره بقره می فرماید: ﴿ اتَّقِ اللَّهَ ﴾ تقوای الهی را داشته باشید، خدا به شما علم می آموزد. علم آموختن با خواندن هر کتابی نیست. علم نوری است که خدا بر قلب هر کدام از بنده‌ها بخواهد افاضه می کند. اگر قلب پاک باشد نور اهل بیت در آن تجلی می کند. مثل یک ساختمان که پرده‌ای جلوی درش و یک کاغذ سیاه پشت شیشه‌اش کشیده‌اند. اما اگر کنار نزنند نور به شما نمی رسد.

خدا فیاض است. باید حجابها را برطرف کنیم تا قلب ما تجلیگاه اهل بیت علیهم السلام شود. کسی که به او افاضات شود و تزکیه کند و تحصیل علم بنماید، حکمت بر قلبش افاضه می شود. در روایت است: کسی که خودش را ۴۰ روز برای خدا خالص کند، چشمه‌های حکمت از قلب به زبانش جاری می شود.

روح باید به کمال برسد نه جسم. زن و مرد بودن فرقی ندارد. خداوند که در قرآن می فرماید: «اولو العلم (صاحبان علم و دانش)، اولوالالباب (صاحب فکر و اندیشه)، خلیفة الله فی الأرض» انسانها هستند. هم زن و هم مرد، تفاوتی وجود ندارد. یا در آیه ﴿ أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ ﴾^(۱)، یا در آیه ﴿ يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ * أَرْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَّرْضِيَّةً ﴾^(۲). کسی می تواند خلیفة الله باشد که آیت کبرای خدا باشد. خداوند دائماً حاضر است و احتیاجی به خلافت کس دیگری ندارد و کسی که مظهر ﴿ هُوَ الظَّاهِرُ وَالْبَاطِنُ ﴾^(۳) باشد به این مقام می رسد.

وقتی به خدا نزدیک شدیم اوصاف الهی بیشتر از دیگران در ما ظهور می کند. امیرالمؤمنین علیه السلام می فرماید: «ما لله آية أكبر مني»^(۴)؛ هیچ موجودی بهتر از من

۱. اعراف: ۱۷۹.

۲. فجر: ۲۷-۲۸.

۳. حدید: ۳.

۴. بحار ۱/۳۱.

خدا را نشان نمی دهد.

چون اینان جامع حضور و غیاب و ظاهر و باطن هستند و می توانند خلیفه الله باشند. یعنی جان آدمی نه بدن و ذکور و اناث ندارد.

عقلی که مرد از زن بیشتر دارد در مورد علوم سیاست و کارهای اجرایی است و کسی که عقل این چیزها را بیشتر دارد نشانه آن نیست که به خدا هم نزدیکتر است. چه بسا این هوش سیاسی یا هوش علمی او را به جهنم بکشاند و توان عقال کردن غرایز خود را نداشته باشد.

قرآن بعضی از افرادی که ممکن است در مسائل علمی قوی، اما در مسائل عملی ضعیف باشند را سفیه می داند. سفیه، شخص گناهکار است. قرآن و روایات معنای عقل را می گویند. عقل چیزی است که به وسیله آن حق فهمیده و عمل شود.

کسی که درست درک نمی کند، عاقل نیست.

شخص در سن کهولت اجزای بدنش عوض و ضعیف می شود. اگر روح قوی باشد، اجزای بدن را قوی می کند.

علم همواره مقدمه عمل است و عمل، به دل بسته است نه به عقل. و راه دل برای زنها بازتر است. نباید بین علم و عمل حجاب باشد. حتی بین علم و اندیشه و فکر هم نباید حجابی باشد. گاهی دل حرکت می کند و در پرتو آن اندیشه حاصل می شود. خداوند ۶ سال زن را زودتر از مرد مورد عنایت قرار داده تا به تمام اعضا، بنده حق باشد. پس زنان زودتر از مردان مورد عنایت صاحب بارگاه قرار گرفته اند.

باغبان هر انسانی خداست: ﴿ وَاللَّهُ أَنْبَتَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ نَبَاتًا ﴾ خداست که شما

را مانند گیاهی از زمین می رویاند. و باغبان بهتر می داند کدام گل را بهتر از دیگری و

زودتر از دیگری باید حفظ کند.

و خداوند بهتر می‌داند کدام نهال را زودتر زیر پوشش قرار دهد که پژمرده نشود تا مبادا خدای نکرده آلوده شود.

زن از صنف خلقت ظریف خداست. از راه مهر و رأفت و عطوفت و رقت به کمال می‌رسد.

برای تزکیه، چهار کار لازم است. پنجاه درصد پیشرفت انسان به:

۱- تلاش و کوشش برای پاکسازی روح از صفات رذیله و متّصف شدن به صفات حمیده می‌باشد.

۲- با جدّیت عمل کند.

پنجاه درصد دوم در کنار تلاش و جدّیت:

۳- دعا و توسّل به ائمه معصومین علیهم‌السلام.

۴- انتخاب استاد و راهنمایی دلسوز و مهربان که انسان را در مسیر ائمه معصومین علیهم‌السلام هدایت کند.

باید این چند چیز را در کنار هم داشته باشیم تا به نتیجه آن که قرب الی الله است، برسیم.

نقش دعا در رسیدن به تکامل

کمالات انسانی در سایه عبادت و اطاعت حقّ است و بین زن و مرد مشترک و راه تکامل مشترک و هیچ دعایی و مناجاتی مختصّ مرد یا زن نیست.

یکی از اصولی که در قرآن معیار کمال است تقوای الهی می‌باشد.

انسان متّقی نه تنها گناه نمی‌کند، بلکه سپر را به موقع در جهت خاصّ خود نگه

می‌دارد. اگر خیری رسید، سپر را به طرف خدا می‌گیرد. خیر از خداست و بدی را

به خود نسبت می دهد. تقوی تنها در این نیست که گناه نکند و اطاعت امر خدا را بنماید. این مراتب مقدماتی دین است.

دعا در ابعاد مختلف مورد بحث است:

۱- مشروعیت دعا جزء ضروریات است. دعاهایی که از جانب ائمه رسیده یا ائمه اطهار علیهم السلام آنها را تأیید کرده اند.

دعا آنقدر اثر دارد که تقدیر را بر می گرداند. در تفسیر المیزان جلد دوم می فرماید: «یهودی و غیر یهودیان یک اشکال به دعا و غیر دعا کرده اند. می گویند: حاجتی که بنده از خدا می خواهد از دو حال خارج نیست یا مقدر است یا مقدر نیست. اگر مقدر باشد به بنده می دهند. اگر نباشد، نمی دهند».

در زمان حال و زمان پیامبر صلی الله علیه و آله، یهودیان این اشکال را می گرفتند، در صورتی که دعا یکی از قدرهای الهی است، مثل دارو برای شفای بیمار. خدا دعا را در کنار دارو مقرر کرده. هم در دارو و هم در دعا اثر گذاشته. دعا کن، نگو سرنوشت تمام شد. دیگر دعا اثر ندارد، دعا کن، نگو قضا تعلق گرفت و جایی برای دعا نیست. هیچ چیز قضا را به اندازه دعا بر نمی گرداند.

«الدُّعَاءُ يَرُدُّ الْقَضَاءَ»، بعد از اینکه قضا حتمی شد، دعا آن را بر می گرداند.

برای تزکیه، علاوه بر تلاش و کوشش باید دعا کنیم و امیدوار باشیم. نگوییم محیط بد است یا سن ما بالاست. اینها القاء شیطان است. البته شخص جوان زودتر می رسد، چون ریشه رذائل در روح او مانند یک نهال ضعیف است، با یک تکان از جا کنده می شود و هرچه این نهال بزرگتر شود، بیرون آوردن و خشکاندن آن مشکل می شود.

۲- دعا چگونه به استجابت می رسد؟

بعضی چیزها که بر نظام و قضای الهی است با دعا مستجاب نمی شود، مثلاً

مرگ ، مثلاً انسان بگوید : خدایا مرا مرگ نده .

یا احتیاج به خلق که خدایا مرا محتاج خلق کرد . بلکه باید دعا کنی خدایا مرا به شرار خلقت و بندگان بد محتاج نکن .

یا اینکه خدایا مرا امتحان نکن . نمی شود . دنیا دار امتحان است و باید گفت : خدایا پناه به تو می برم از امتحاناتی که در آن انسان گمراه می شود .

باید آنچه مصلحت است با دعا از خدا بخواهیم . در اول و آخر دعا صلوات بفرستیم تا دعاء مستجاب شود و صلوات دعایی است که مستجاب می شود ، چون خداوند رحمت وسیعی دارد نمی خواهد یک قسمت دعا را مستجاب کند و یک قسمت را مستجاب نکند .

باید با خلوص دعا کرده . خدا از راه علل ظاهری اسباب را فراهم نمی کند . تمام عالم روی علل طبیعی بر نمی گردد . خدا این طور مقرر کرده که آتش بسوزاند ولی یک وقت اراده تعلق می گیرد که آتش ابراهیم علیه السلام را نسوزاند .

مرض های روحی بسیار خطرناکتر از مرض های جسم است . برای مرض های روحی باید توجه به ائمه معصومین علیهم السلام داشته باشیم تا آنها دست ما را بگیرند . گریه بر مصائب اهل بیت علیهم السلام و مخصوصاً مصیبت ابا عبدالله الحسین علیه السلام بسیار مؤثر است . پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند :

«من از بین شما می روم و دو چیز بسیار گرانبها را برای شما می گذارم ، قرآن و عترت . اگر به این دو چنگ بزنید هیچگاه گمراه نمی شوید . این دو به هم وابسته اند .» (حدیث ثقلین) .

ما باید پیرو ائمه علیهم السلام باشیم . ارتباط خود را با خدا و ائمه علیهم السلام بیشتر کنیم و در زندگی خود روش آنها را پیاده نمائیم تا به نفس مطمئنه برسیم .

آقا ابا عبدالله الحسین علیه السلام در گودی قتلگاه فرمودند : «الهی راضی هستم به

رضایت تو».

باید با تزکیه نفس، نفس خود را به محاسن اخلاق و مکارم اخلاق بکشانیم. مکارم اخلاق بالاتر از محاسن اخلاق است. محاسن همان ظاهر اخلاق است و جنبه‌های اجتماعی که آن را حُسن خلق هم می‌گویند.

مکارم یعنی از آنچه بر خلاف میل است یا نفعی در آن نیست، گذشت کرد. یک مؤمن هم باید محاسن و هم مکارم اخلاق داشته باشد که اسوه و الگوی ما، پیامبر ﷺ و ائمه معصومین علیهم السلام می‌باشند.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اللَّهُمَّ إِنَّا نَشْكُو إِلَيْكَ فَقَدْ نَبَّيْنَا صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَغَيْبَةَ وُلِيِّنَا، وَكَثْرَةَ
 عَدُوِّنَا، وَقَلَّةَ عِدَدِنَا، وَشِدَّةَ الْفِتَنِ بِنَا وَتَظَاهِرِ الزَّمَانِ عَلَيْنَا، فَصَلِّ عَلَيَّ
 مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاعْنَا عَلَيَّ ذَلِكَ بِفَتْحٍ مِنْكَ تَعْجَلْهُ، وَبِضَرِّ تَكْشِفْهُ، وَنُصْرٍ تَعَزِّهِ
 وَسُلْطَانٍ حَقٍّ تَظْهَرُهُ، وَرَحْمَةٍ مِنْكَ تَجْلَلُنَاهَا، وَعَافِيَةٍ مِنْكَ تَلْبَسُنَاهَا
 بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

پروردگارا! به تو شکایت می‌کنم از نداشتن یک پیشوای رحمتی چون پیامبر
 اکرم ﷺ و از فقدان ولی امر و غیبت امام زمان ﷺ و از زیادی دشمن و کمی یاور و
 شدت فتنه و فساد و تظاهر مفسد زمان. درود و تحیت حق بر پیامبر خاتم النبیین و
 خاندان طاهرین او باد.

بارالها! ما را در این مشکلات یاری فرما.

فصل سوم

دعای مکارم اخلاق

از امام سجّاد علیه السلام

احادیث و روایاتی از اصول کافی در شرح دعای مکارم اخلاق آمده است .
برای تزکیه نفس ، در کنار تلاش و کوشش باید دست به توسل و دعا برداشت .
دعای مکارم اخلاق از امام سجّاد علیه السلام از کاملترین دعاهاست که برای برطرف شدن امراض روحی خوانده می شود و بسیار دعای جامع و کاملی از نظر تزکیه روح و اخلاق است .

در ابتدا با صلوات بر محمد صلی الله علیه و آله آغاز گردیده ، چون صلوات دعایی است که ۱۰۰٪ به درگاه خداوند پذیرفته می شود . امام سجّاد علیه السلام بعد از صلوات می فرمایند :

«وَبَلِّغْ بِإِيمَانِي أَكْمَلَ الْإِيمَانِ»

خدایا مرا به کامل ترین درجات ایمان برسان .

چون زیر بنای همه اصلاحات ایمان است و عاملی است که انسان را به فعالیت وادار می کند . وقتی که پایه اعتقادات محکم باشد ، ایمان نیز مستحکم می شود .

ایمان چیست ؟

ایمان ، از مصدر باب افعال می باشد به معنای آرامش و اطمینان خاطر پیدا کردن و در اسلام به معنای آرامش نفسی است .

ایمان از سه چیز تشکیل شده که باید هر سه با هم باشند :

۱ - اقرار به زبان .

۲ - عمل به اعضاء .

۳- عقد قلبی .

(پیامبر ﷺ می فرمایند: ایمان عبارت است از معرفت با قلب، گفتار با زبان و عمل با اندام و اعضا)^(۱) .

ایمان کامل و قوی، اخلاق خوب را ایجاد می کند. یعنی ستون و نگه دارنده انسان با سه رکن می باشد و اسلام بعد از ایمان را اسلام اکبر، می گویند. اسلام به معنای تسلیم بودن است در برابر قضا و قدر الهی. کسی که تسلیم خدا شد، مؤمن واقعی است.

رسول اکرم ﷺ فرمودند: حقیقت بندگی در سه چیز است:

«اول: بنده نباید نعمت های خدا را ملک خودش بداند.

دوم: تسلیم در برابر تقدیر خداوند باشد. یعنی برای تقدیر خودش تفکر و تدبّر نکند، بلکه در مسیری که می رود، تسلیم باشد.

سوم: تمام وقت، کارهایش طبق دستورات الهی باشد؛ چنین شخصی به حقیقت بندگی می رسد.

و دیگر اکمل الایمان به سه چیز است:

۱- از ملامت هیچ کننده ای نترسد.

۲- در هیچ کاری ریا نکند. هدفش خدا باشد و در هر کاری قصد خالصانه داشته باشد.

۳- در امور دنیا و آخرت، آن چیزی که مربوط به آخرت است، بپذیرد^(۲).

مردی از پیامبر ﷺ پرسید: من دوست دارم ایمان کاملی داشته باشم.

۱. میزان الحکمه ج ۱ ص ۳۰۱.

۲. میزان الحکمه ج ۱ ص ۳۱۱.

حضرت فرمود: اخلاق خود را خوب کن، ایمان تو کامل می شود^(۱).

امام باقر علیه السلام برای ایمان کامل سه علامت فرمودند:

« ۱ - وقتی به یک امری راضی و خوشحال شد آن شادی را به باطل نبرد (مثل

ازدواج فرزندان که به گناه و معصیت تبدیل نشود).

۲ - وقتی غضب کرد، غضب، او را از یاد خدا بیرون نبرد.

۳ - اگر قدرت چیزی را ندارد، شایسته نیست آن را بخواهد. مثل علم یا مال یا

قدرت بدنی که باعث فساد و تباهی انسان شود^(۲)».

آفت علم در دو چیز است: اول: حسد؛ دوم: عجب.

انسان برای رسیدن به ایمان باید توحیدش کامل باشد. هم قلباً در فکر و عقیده

به ذات خدا اعتماد داشته باشد و هم عملاً که در تمام مراحل زندگی به فرمان خدا

باشد و هرچه رضای اوست انجام دهد.

دیگر از مراحل رسیدن به ایمان تزکیه نفس است که تا قلب از رذائل پاک نشود،

مانند کبوتری که در قفس حیوانات درنده باشد، ایمان می گریزد. تا تزکیه نباشد

توجه به خدا همیشگی نمی شود.

رکن های ایمان

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: «ایمان چهار رکن دارد:

۱ - توکل ۲ - برگزار نمودن امر خدا ۳ - راضی بودن به قضای خدا ۴ - تسلیم در

برابر امر خدای عز و جل^(۳)».

کسانی که رکن های ایمان در آنها متجلی است ضمیری آرام دارند. نه

۱. میزان الحکمه ج ۱ ص ۳۱۲.

۲. میزان الحکمه ج ۱ ص ۳۱۲.

۳. کافی ج ۲ ص ۴۷.

خوش آمدهای دنیا در آنها اثر نامطلوب دارد و از مسیر حق و فضیلت منحرفشان می‌کند، و نه مصائب و بدآمدهای روزگار آنها را ناراضی و خشمگین می‌سازد که از خطّ رضا و تسلیم خارج شوند.

امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرمایند: «رنج و بلا برای ستمکار ادب است، برای مؤمن آزمایش، برای پیامبران ترفیع درجه و مقام، برای اولیای خدا بزرگواری و کرامت»^(۱).

علامت ایمان واقعی

امام صادق علیه السلام: «مؤمنی دارای ایمان واقعی است که تسلیم در مقابل خداوند و راضی به تمام آنچه بر وی وارد می‌شود از خشنودیها و خشمها باشد»^(۲).

«وَاجْعَلْ يَقِينِي أَفْضَلَ الْيَقِينِ»

و مقام یقینم را برترین مقام یقین قرار ده.

در بخش دیگر دعا امام سجاد علیه السلام از خداوند یقین می‌خواهد.

یقین چیست؟

یقین از صفات علم است و در درجات بالای علم قرار گرفته، چون درجه ادراک چهار مرحله است:

- ۱- وهم (۲۰ تا ۴۰٪ انسان بداند).
- ۲- شک (نصف یعنی ۵۰٪ که از نظر شرعی اعتبار ندارد).
- ۳- ظن (تا ۹۹٪ احتمال قوی را گویند).
- ۴- علم ۱۰۰٪ است (علم انسان که چیزی را می‌داند و او را به بالاترین مرحله

۱. بحارالانوار ج ۶۴ ص ۲۳۱.

۲. کافی ج ۲ ص ۶۳.

یقین می‌رساند).

هرکس تزکیه نکند، دنبال نفس اماره است. وقتی بیدار شد و حالت یقظه پیدا کرد، نفس لوّامه بیدار می‌شود. اگر پیروز شود، نفس مطمئنه می‌شود و به مرحله یقین یعنی آرامش می‌رسد.

علائم متقین از قرآن

سوره آل عمران آیه ۱۳۴:

در موقع خشم، آتش غضب را فرو نشانند. از آنان که به او بد کرده می‌گذرند و عفو می‌کنند و به علاوه از احسان خویش برخوردارشان می‌سازند.
مغفرت خلق: عفو و بخشش او و پنهان داشتن معصیت گناهکار است.

ایجاد یقین و شک

افراد را مطمئن ساختن، کاری است مشکل و ایجاد شبهه نمودن، و اشخاص را متزلزل کردن، کاری است آسان.

اگر کسی بخواهد جمعیتی خفته را بیدار کند، باید آنها را به تعقل وادارد، تا خیر و شر به او نرسد و از بیماری تفرقه نجاتشان دهد تا از اطاعت هوای نفس خارج شوند.

غضب، منشأ فساد می‌شود و افراد را به گناهایی از قبیل بدگوئی و دشنام، تحقیر و اهانت، غیبت و تهمت و گناهایی بزرگتر وادار می‌سازد.

امیرالمؤمنین علیه السلام در زمان حکومت خود فرمودند: «ای مردم، ای کسانی که ابدانتان جمع است و تمایلاتتان پراکنده و مختلف. سخنانتان به گونه‌ای است که سنگ سخت را نرم می‌کند و رفتارتان طوری است که دشمنان در شما طمع می‌نمایند»^(۱).

قسمتی از نامه امام زین العابدین علیه السلام به زهری: «کسانی که لباس کهنه به تن و شکمشان به پشت چسبیده است به خدا نزدیک ترند و بین آنها و خداوند پرده‌ای وجود ندارد. نه دنیا توانست آنها را گمراه نماید و نه خودشان بر اثر جاذبه دنیا، به آن گرایش یافتند»^(۱).

تفسیر یقین چیست؟

شخص مؤمن همیشه خدا را ناظر افعال و کردار خود می‌بیند و یقین می‌داند اگر غافل باشد، خدا ناظر است. بر قدرت و عظمت پروردگار یقین دارد و آنچه به او می‌رسد از روی یقین است.

حالات نفس

نفس انسان چهار حالت دارد:

۱- نفس اماره به سوء: نفس انسانی است که خواب است. شیطان افساری به گردنش انداخته و هر جا می‌خواهد، می‌کشد. بعضی‌ها احتیاج به افسار هم ندارند، خودشان پشت سر شیطان حرکت می‌کنند. شخص خواب از لذات روحی و معنوی و حقایق هیچ چیز سرش نمی‌شود.

۲- نفس لوّامه: نفس ملامت کننده است برای کسی که بیدار شده. دائم با او صحبت می‌کند که چرا مخالفت خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله را می‌کنی.

۳- نفس ملهمه: تمام کارهایی را که می‌خواهد بکند، به او الهام می‌کند. مثلاً این کار معصیت است یا نه.

۴- نفس مطمئنّه: اصل تزکیه نفس همین حالت است. اگر به کمال برسد، خدا

دائم با او حرف می‌زند ﴿يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمَطْمِئِنَّةُ﴾.

ما با اینکه علم به قیامت داریم، باز خلاف می‌رویم، چون یقین نداریم. بهترین

ذخیره و سرمایه‌ای که در قلب اندوخته می‌شود، یقین است. بهترین سرمایه روحی یقین است. وقتی در اضطراب هستید به اطمینان و آرامش و یقین نرسیده‌اید. یقین بالاتر از ایمان است. از خدا یقین بخواهید و راغب شوید که پرونده زندگی شما با یقین ختم شود.

حضرت ابراهیم علیه السلام ایمان به خدا و معاد دارد، ولی عرض کرد: خدایا به من نشان بده چگونه مرده را زنده می‌کنی، تا اطمینان و یقین پیدا کنم.

یقین دارای درجاتی است: علم یقین، عین یقین، و حق یقین.

علم یقین: از اثر به مؤثر پی می‌برند. از آیات الهی به وجود صانع پی می‌بریم.

عین یقین: مرحله شهود است. با چشم می‌بیند و یقین می‌کند. اگر خدا را با

چشم قلب ببینید به عین یقین رسیده‌اید.

حق یقین: وقتی خدا را شناخت و قلبش از محبت خدا لبریز شد، دیگر خود را

نمی‌بیند و فانی در اراده خدا می‌شود و خود اراده‌ای ندارد.

زید بن حارثه خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله آمد. حضرت پرسیدند: «کیف أصبحت؟»

گفت: صبح کردم در حال یقین.

حضرت فرمودند: «علامت یقین تو چیست؟»

گفت: اهل بهشت را در بهشت متنعم، و آنها که در جهنم هستند در آنجا چه

می‌کشند.

انسان به این مرحله می‌رسد که می‌بیند، اگر در مقدرات خدا راضی شد، تحمل

مصائب و شدائد برایش آسان می‌شود. این به مرحله اطمینان و یقین رسیده است.

امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرمایند: «اسلام همان تسلیم و تسلیم همان یقین است»^(۱).

اگر مرحله یقین در کسی پیدا شود و تمام اعمالش منظم و کارهایش طبق دستور

خدا و تخلّفی در کارهایش نباشد، سرمایه‌های خوب را در راه خدا انفاق می‌کند. حضرت زهرا علیها السلام لباس نور را در شب عروسی به سائل دادند. ایشان وجودشان سراسر یقین بود.

«إِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِعَبْدٍ خَيْرًا فَقَهَهُ فِي الدِّينِ وَالْهَمَّهُ الْيَقِينَ»^(۱)؛ وقتی خدا به بنده‌ای اراده نیکی کند و بخواهد او را مشمول خیر و رحمت خود قرار دهد، اولاً او را دین شناس می‌کند و به مقررات اسلام آگاه می‌نماید و ثانیاً یقین را به او الهام می‌کند و دل او را از این نعمت مهم برخوردار می‌سازد.

امام سجاد علیه السلام در فراز این دعا عرض می‌کنند: «خدایا، یقین مرا بالاترین یقین قرار بده».

حُبِّ ذَاتِ وَ حِجَابِ نَفْسِ

انسان با کارهای خود با دیده خوشبینی و رضا می‌نگرد و اگر در اعمالش کارهای بد باشد، حُبِّ ذَاتِ، حجاب آن می‌شود و نمی‌گذارد انسان عیب خود را ببیند و به نقص اخلاقی خود واقف شود. مگر از ابتداء جوانی و دوران نوجوانی احساس مسئولیت در پیشگاه خداوند بنماید. تعالیم الهی را فرا گرفته، حلال و حرام خدا را بیاموزد. اخلاق خوب و بد را تمیز دهد و از جمیع جهات مراقب گفتار و کردار خود باشد.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرمایند: «وقتی خداوند خیر بنده‌ای را بخواهد، وی را دین شناس می‌کند و نسبت به امور دنیایی و مادی بی‌اعتنائیش می‌نماید و او را بر عیوب و نواقص خودش بینا می‌کند»^(۲).

در جایی که اسباب و وسیله نیست، به دعا و توسّل پناه می‌بریم. مثل بیماری

۱. مستدرک الوسائل ج ۲ ص ۲۸۵.

۲. نهج الفصاحه کلمه ۱۴۳.

که از درمان اطباء عاجز شود. دکتر و دارو اسباب و وسیله است.

هوای نفس

شیطان بزرگ و گمراه کننده‌ی هر انسان، هوای نفس اوست.

امیرالمؤمنین علیه السلام می فرمایند: «اگر هوای نفستان بر وجودتان فرمانروا گردد، شما را کور می کند و موجبات پستی و سقوط شما را فراهم می نماید»^(۱).

حضرت علی بن حسین علیه السلام می فرماید: «مرد واقعی، مرد خوب، مرد کامل، آن کسی است که هوای نفس خود را پیرو امر خداوند قرار دهد»^(۲).

هر کسی که می خواهد عدل الهی را که محتوی احکام و مقررات شرع مقدّس است، بین مردم نشر بدهد، باید در هر مورد آگاهانه سخن بگوید.

امیرالمؤمنین علیه السلام می فرماید: «برای پیشبرد عدل و دادگری از سه چیز استعانت کن: ۱- نیت خوب ۲- کمی توقع از مردم ۳- فزونی ورع و تقوا»^(۳).

«وَأَنْتَهُ بِنِيَّتِي إِلَىٰ أَحْسَنِ النِّيَّاتِ»

خدایا نیت مرا به بهترین نیت‌ها برسان.

نیت:

نیت هم به سه قسم است: نیت بد، نیت خوب، نیت خوب تر و احسن.

نیت بد: برای خدا نباشد، همراه با ریا و تظاهر.

نیت خوب: برای شوق بهشت یا خوف از جهنم.

نیت خوب تر: «امیرالمؤمنین علیه السلام عرض می کند: «خدایا عبادت و بندگی من

۱. فهرست موضوعی غرر ص ۴۲۶.

۲. مجموعه ورام ج ۲ ص ۱۰۰.

۳. نهج البلاغه خطبه ۱۵.

برای ترس از عذاب جهنم نیست، برای رسیدن بهشت و شوق بهشت نیست، بلکه برای این است که تو را اهل عبادت یافتم و شایسته عبادت هستی»^(۱).

از روی محبت، بهترین نیت این است. تمام کارهایش به خاطر رضایت و خشنودی خدا می باشد.

سوره واقعه مردم را به سه دسته تقسیم می کند: اصحاب شمال، نیت سوء دارند. اصحاب یمین، آنهایی که خوبند و به امید رحمت، خدا را اطاعت می کنند یا از خوف جهنم و طمع بهشت. مقربین، که از روی حب، خدا را عبادت و اطاعت می کنند. که همان مخلصین هستند. همان ابرار هستند. به انگیزه محبت و دوستی، حق تعالی را عبادت می کنند که برترین عبادتهاست.

در انفاق، در کمک کردن به مردم، در صدقه دادن، همه باید ۱۰۰٪ برای خدا و با نیت خالص باشد و ریا نباشد تا پذیرفته شود. تمام کارهایمان باید لوجه الله باشد. حتی خمس و نماز و روزه باید با قصد قربت باشد، نه اینکه پیش عالمی قرب پیدا کنی.

«وَيَعْمَلِي إِلَىٰ أَحْسَنِ الْأَعْمَالِ».

و اعمال مرا به بهترین اعمال خاتمه بده.

حضرت در این عبارت که می فرمایند نیت مرا منتهی کن به بهترین نیات و عمل مرا به بهترین اعمال، عمل وقتی خوب است که مطابق شرع اسلام باشد نه از روی سلیقه شخصی. حرفی که انسان می زند و بعد روی قولش عمل می کند، یعنی عمل و سخن با هم یکی باشد. بعد هم با نیت خالصانه که اینها به ایمان بر می گردد و اعتقادات شخصی. یعنی مقدار عمل ملاک نیست، بلکه کیفیت باید درست باشد.

در قیامت سرمایه مردم، عمل خوب آنهاست. اعمال انسان هیچ‌گاه نه در دنیا، نه در برزخ و قیامت از انسان جدا نمی‌شود.

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: «ورع و پرهیز از گناه، افضل اعمال است». یک مؤمن باید اجتهاد و استنباط فکری داشته باشد و کارها را بسنجد. هر کدام بهتر است، با خلوص آن را انجام دهد. یعنی عمل صالح را فقط به خاطر خدا انجام دهیم.

«اللَّهُمَّ وَفِّرْ لِي لَطْفِكَ نِيَّتِي».

خدایا به لطف خودت نیت مرا کامل کن یا حفاظت کن.

«لطف» دو معنا دارد: یکی رفیق و مدارا، یکی دقیق و رقیق.

اگر لطف را به معنای رفیق بگیریم، لطف خدا شامل نیت خالص می‌شود. اگر معنای دقیق و رقیق باشد که خدایا یک تصرف صحیح و دقیق مخفی در وجود من بکن و نیت مرا خالص کن. یعنی رفتار خدا با بنده‌اش طوری است که لطف با رفتار دقیق همراه می‌باشد که خود بنده متوجه نمی‌شود.

هر عیدی از اعیاد اسلامی که مهمترین آنها عید غدیر است، عیدی می‌دهند. آنقدر آن عیدی مخفی است که بعد از گذشت زمان انسان متوجه می‌شود که چطور به او لطف شده که بسیار دقیق و رقیق است.

نشانه نیت کامل چیست؟

دو نشانه دارد:

(۱) نشانه تکمیل نیت، خلوص و پاکی آن است. یعنی نیت کار خوب برای خوف از جهنم نیست، برای رضایت خدا است. و نیت در عبادت به خاطر شایسته بودن خدا و سزاوار بودن عبادت برای اوست.

(۲) تمنای همکاری و همیاری. یعنی اگر خودش نتوانست کار خیری کند، آرزوی آن را داشته باشد. مثل آرزوی ثروت و قدرت برای کمک به مردم. چون نیت آن را کرده، خداوند ثواب آن را به او می دهد.

(جابر بن عبدالله انصاری بر سر قبر سیدالشهدا آمد. چون عذری داشت، نتوانست برای یاری حضرت به کربلا بیاید. برای اربعین خود را به قبر حضرت رساند. آنقدر گریه کرده بود که نابینا شده بود. به عطیه که از بزرگان آن زمان و رفیقش بود، گفت: «دست مرا بر قبر حضرت بگذار.» سه مرتبه یا حسین گفت و بی هوش شد. بعدها به عطیه گفت: با اصحاب حضرت هم ثواب هستیم). و جابر می گوید: «از رسول خدا ﷺ خودم شنیدم که هرکس راضی باشد به عمل قومی و دوست دارد عمل قومی را با آنها شریک می شود. هم ثواب آنها را می برد، هم نیت او کامل است»^(۱).

در زیارت وارث می گوئیم، ما آن موقع نبودیم. ولی می گوئیم ای کاش بودیم. در زمان ظهور نمی دانیم هستیم یا نه که حضرت را یاری کنیم و اگر هر صبح و شام در انتظار فرج باشیم که بالاترین اعمال شیعه است، و با این امید و نیت باشیم، جزء یاران حضرت هستیم.

روایت دیگری از پیامبر ﷺ هست که هرکس می خوابد و نیت آن را بکند که برای نماز شب بیدار شود ولی بیدار نشود، خداوند ثواب نماز شب را به او می دهد و خواب او با این نیت ثواب صدقه هم دارد^(۲).

و مردم در قیامت بر طبق نیاتشان محشور می شوند^(۳).

۱. مستدرک الوسائل ج ۱ ص ۹.

۲. میزان الحکمه ج ۱۰ ص ۲۸۰.

۳. همان ج ۱۰ ص ۲۷۱.

(۳) خداوند انسان را به سبب کمال نیتی که در دل دارد، توفیق انجام اعمال سعادت بخش به او می‌دهد. یعنی اگر کسی درخواست کند که خدایا مرا در راه تحصیل حقایق دین موفق کن. اگر هدف صد در صد خدایی داشته باشد خداوند او را موفق می‌کند.

امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید: «خداوند عطیه توفیق را به اندازه صاحب نیت به او می‌دهد»^(۱).

یاری خداوند بر بندگان بر وفق مقدار نیت آنهاست^(۲).

هرچه قدر نیت خالص باشد، موانع از سر راه برداشته می‌شود و توفیق رسیدن به کمالات بیشتر می‌شود. چه کمالات علمی، چه معنوی. چون هدف از خلقت به کمال رسیدن است که یک بال آن تحصیل علم و بال دیگر آن تزکیه است. بهترین بهره از زندگی موفقیت در راه تحصیل علم است و نیت در تحصیل باید یاری امام زمان علیه السلام باشد نه هدف، تفاخر و خودنمایی باشد که از دیگران کمتر نباشیم، یا از این راه پولی دریاوریم.

وقتی نیت انسان خالص شد و درس خواند، خدا او را بلند می‌کند در اثر نیت و عمل خوب، خدا خودش او را محبوب می‌کند.

ما اگر بخواهیم در ایمان و یقین و نیت، بهترین باشیم، باید خدا را بشناسیم و معرفت خدا را پیدا کنیم. و گرنه، عبادت برایمان خشک و شاق است.

اگر کسی خود را برای خدا خالص نکند، نمی‌تواند محبت کند. چون محبت فرع بر معرفت است. تا خدا را نشناسی، نمی‌شود محبت کنی. تحصیل معرفت با مطالعه در کتابها و آثار طبیعت، نظم عالم، آیات انفسی و آفاقی که معرفت سطحی

و ابتدایی است به دست می آید. راه دل بهترین راه است که با دل خدا را بشناسیم. دلی معرفت خدا در آن جا می گیرد که از ۷۵ لشکر جهل پاک شده باشد و متجلی به ۷۵ لشکر عقل شده، یعنی تزکیه کند تا نور خدا در دلش متجلی شود^(۱).

معرفت به نورانیت

معرفت به نورانیت یعنی از جنبه نورانیت و روحانی، معرفت به امیرالمؤمنین علیه السلام پیدا کند (معرفت از راه قلب و از راه نور قلب پیدا کرده، درست نیست). از نظر بعد بشری انسان به معرفت ائمه نمی رسد، ولی از راه نورانیت دل و قلب نورانی ائمه را می شناسد، خدا را می شناسد. این نور را خداوند بر هر بنده ای که می خواهد افاضه می کند، مَنْ يَشَاءُ. فرموده اند به سبب ما خدا شناخته می شود. شناخت ائمه از راه خواندن کتاب نیست. همان حکمتی است که به قلب افاضه می شود، قلبی که از رذائل پاک و شفاف شود.

وقتی معرفت پیدا کرد، خلوص هم پیدا می شود. اگر خدا در نظر شما عظمت پیدا کرد، ما سوی الله دیگر هیچ نیستند. اینکه ما سوی الله در نظر ما می آید یا در نماز تمرکز نیست، چوت عظمت کسی را که عبادت می کنیم در نظر نمی گیریم. پس حواس می رود. هرچه معرفت و شناخت کمتر باشد، ریا بیشتر می شود. اخلاص سرچشمه همه سعادتهاست. خدایا درس می خوانم تا از جهل نجات پیدا کنم و اسلام را یاری کنم. به دیگران کمک کنم. اگر هدف چیز دیگر باشد، ارزش ندارد. کاری که برای خدا نباشد، مثل گلی است که از شاخه چیده می شود، زود خراب و پژمرده می شود. تا خالص نشدی، خدایانی داری. نفس را هر کدام به یک طرف می کشد، ارباب متفرق دارد. وقتی خالص شد امر الله واحد می شود.

«وَصَحِّحْ بِمَا عِنْدَكَ يَقِينِي».

خدایا تکمیل و تثبیت بفرما آنچه از نزد تو از علم و قدرت است،

تو هم دانایی، هم توانا، یقین مرا صحیح کن.

امام سجّاد علیه السلام خیلی روی یقین اصرار داشتند، چون هیچ چیز به اندازه یقین و عافیت در دنیا بهره ندارد.

امیرالمؤمنین علیه السلام: «برترین و بالاترین مراتب ایمان، حسن یقین مؤمن است»^(۱).

امام صادق علیه السلام: «هیچ چیز عزیزتر و گرانقدرتر از یقین در نزد مؤمن نیست»^(۲).

یقین درجه‌اش از ایمان بالاتر است. یعنی آنچه می‌داند، یقین دارد. آنچنان

یقین دارد که اگر بدنش را قطعه قطعه کنند دست از ایمان خود بر نمی‌دارد.

پیامبر صلی الله علیه و آله از جبرئیل سؤال کردند: «یقین چیست؟»

عرض کرد: «یقین آن است که افرادی که دارای یقین هستند طوری خدا را

عبادت می‌کنند مثل اینکه خدا را می‌بینند»^(۳). وقتی همه کارها خداپسندانه باشد

یقین پیدا کرده‌ای. اعمال و رفتار نشان می‌دهد که قیامت را یقین و باور دارید. فرق

مؤمن و کافر در این است که مؤمن یقین دارد و یقین او افزوده و کامل می‌شود.

از علائم یقین:

پیامبر صلی الله علیه و آله به حضرت علی علیه السلام فرمودند: «یا علی! از جمله علائم یقین این

است که خدا را برای راضی کردن مخلوق به غضب نیاوری»^(۴).

یکی دیگر از علائم یقین، ناچیز شمردن امور مادی و رهایی از قید و بندهای

دنیاپرستان که خود را مقید به آن کرده‌اند.

۱. مستدرک الوسائل ج ۲ ص ۲۸۵.

۲. کافی ج ۲ ص ۵۱.

۳. بحار ج ۷۷ ص ۲۱.

۴. مستدرک الوسائل ج ۲ ص ۲۸۴.

امیرالمؤمنین علیه السلام: «زهد در دنیا و بی اعتنائی به مادیات مانند درختی است که ریشه‌اش یقین است»^(۱).

زهد به معنای دلبستگی نداشتن به مادیات است. یعنی خوشحال نشود از آنچه به دست می‌آورد و تأسف نخورد به خاطر آنچه از دست می‌دهد. نه اینکه آنها را ترک کند.

البته موقعیت‌ها فرق می‌کند. در هر زمانی باید طبق زمانه زندگی کرد. ائمه فقیر نبودند، چون تمام دفائن و خزائن زمین مال آنهاست. حضرت زهرا علیها السلام فدک را داشتند که در هر سال ۷۰ هزار دینار درآمد داشت. می‌خواستند به خاطر مساوات با مردم این طور زندگی کنند. اما ائمه دیگر، بهتر زندگی می‌کردند، ولی دلبستگی نداشتند (لباس زیر را در زیر می‌پوشیدند).

در جامعه با لباس مرتب بیرون بیایید تا با دیده تحقیر نگاه نکنند. بعضی از تمایلات درونی باعث تضعیف یقین می‌شود. با آدمهای دنیا پرست معاشرت نکنید و به وعده‌های خدا یقین داشته باشید و مواظب باشید افرادی که کم یقین یا بی یقین هستند، یقین را از شما نگیرند.

امیرالمؤمنین علیه السلام: «مخلوط شدن و همنشینی کردن با اهل دنیا، چهره دین را عوض می‌کند. قلب انسان ظلمانی می‌شود و موجب تضعیف یقین می‌شود»^(۲).

امام سجاد علیه السلام می‌فرمایند: برای اینکه از خطرات ضعف یقین مصون باشیم باید از آفات یقین‌کناره بگیریم و از خدا یقین را بخواهیم.

در دعای مکارم اخلاق امام سجاد علیه السلام درس به خود ما می‌دهد که چه کنیم و دیگر اینکه چگونه و چه از خدا بخواهیم پس مرز موفقیت فقط توسلات است.



۱. فهرست موضوعی غرر ص ۴۳۲.

۲. غرر الحکم ص ۳۹۷.

«وَأَسْتَضْلِحْ بِقُدْرَتِكَ مَا فَسَدَ مِنِّي».

خدایا اصلاح بفرما به قدرت خودت آنچه از وضع من فاسد شده است.

خدایا، هیچ گاه مرا به حال خودم وانگذار. هم وضع جسمی، هم روحی، هم مادی و هم معنوی. هرکجا فساد و نقصی و نابسامانی در آن هست، خدایا اصلاح کن.

اگر جسمم ضعیف شده، اگر روحم پریشان شده، و از جهت مادی و معنوی، آنچه فاسد شده و کمبود هست، اصلاح بفرما.

امیرالمؤمنین علیه السلام می فرماید: «اگر مردم موقعی که نعمت و بلا به آنها رو می کند با صدق نیت خدا را بخوانند، خدا نعمت از دسته رفته را به آنها می دهد و مفسد را اصلاح می کند»^(۱).

غافل نشوید، در موقع شرّ و بلا از خدا کمک بخواهیم و توسّل به ائمه نمائیم که اینها عقوبت اعمال ماست و یا باعث بیداری ما می شود. اگر دعای ما نباشد، خدا به ما اعتنایی نمی کند. باید به در خانه خدا رفت تا لطفش شامل حال ما بشود. اگر صفات کفار را بشناسیم دنبال آنها نمی رویم. کافر کسی است که حقّ را بپوشاند و دستور خدا را منکر شود.

«وَإِكْفِي مَا يَشْغَلُنِي الْاهْتِمَامُ بِهِ».

خدایا مرا کمک کن که اگر خودم به انجام آن اهتمام کنم مرا از کارهای اساسی باز می کند.

کفایت یعنی چه؟

کلمه کفایت در لغت عربی عبارت است از شخصی که از جایی دیگر به منظور شخصی دیگر، کار او را انجام می دهد. به خدا می گوئیم، خدایا تو کفایت کن مرا. اسباب را طوری درست کن که این کار از عهده من برآید و موجباتی فراهم کن که کار انجام و حاجت برآورده شود.

هدف، کاری است که انجام می شود. مثلاً شخص دانشجویی از شهری برای درس خواندن به تهران آمده. مادرش مریض می شود و دارویش در تهران است. نسخه را برای پسر می آورند. دارو را می گیرد، اگر دارو را خودش ببرد، یک هفته وقتش گرفته می شود. می تواند اینجا بگوید: «وَ اَكْفِنِي مَا يَشْغَلُنِي الْاَهْتِمَامُ بِهِ» خدایا مرا کفایت کن. لازم نیست به عربی بگوید، بلکه با همان زبان خودش هم که بگوید، خداوند همسایه یا کس دیگری را جلوی راهش قرار می دهد که کارش را انجام دهد و وقتش گرفته نشود.

محصل وقتی وارد مدرسه می شود، شیطان او را از درس باز می دارد. برای علم آفات زیادی هست، که باید از خدا دفع آن آفات را خواست که مانعی جلوی راهمان نیاید.

خدایا، مرا کفایت کن که اگر خودم مشغول شوم از کار اصلی باز می شوم. وقت را شیطان نگیرد که به کار دیگری بزند. باید دعا کنیم شیطان وارد نشود.

«وَ اسْتَعْمِلْنِي بِمَا تَسْأَلُنِي عَدَا عَنَّهُ».

خدایا مرا عامل کارهایی قرار بده که فردای قیامت درباره آن از من سؤال می کنی، و قتم بیهوده تلف نشود.

احکام اسلام که باید رعایت شود، یعنی کارهایی که خدا از ما خواسته انجام

در رساله حقوق امام سجّاد علیه السلام حقّ هر کسی نسبت به کسی دیگر یا حقّ اعضای بدن و حقّ خدا آمده است. یکی از مسائلی که در روز قیامت سؤال می شود، تربیت فرزند است. اگر خوب تربیت شوند اجر دارند و اگر نه، عقاب. دیگری عمر است که چرا بیهوده آن را صرف کردی. مخصوصاً جوانی را در چه راهی صرف کردی. از سوالاتی که در روز قیامت می پرسند همین شباب (جوانی) است که نعمت بزرگی می باشد و وقتی از دست رفت، قدر آن دانسته می شود.

دو چیز است که تا از دست ندهی، قدر آن را نمی دانی جوانی و عافیت.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله: «اباذر، پنج چیز را قبل از پنج چیز غنیمت بشمار:

۱- جوانی قبل از پیری.

۲- صحت قبل از سقم (سلامتی قبل از مرض).

۳- غنی قبل از فقر.

۴- فراغ قبل از شغل (فراغت قبل از شغل).

۵- حیات قبل از موت»^(۱).

حیات مسأله ارزنده ای است. چون تا زنده هستی می توانی کاری انجام دهی و

این نعمت بزرگی است.

امام سجّاد علیه السلام نیز فرمودند:

«وَاسْتَفْرِغْ أَيَّامِي فِيمَا خَلَقْتَنِي لَهُ».

ایام روزگارم را در آنچه برای آن مرا آفریدی کاملاً فارغ گردان.

جوانی، ایام نیرومندی و قوت و فراغت است و وقت را باید صرف تحصیل و

اطاعت از خدا نمود.

امام رضا علیه السلام می فرمایند: «دوست ندارم جوانی از شما را ببینم که صبح تا شب،

یا دانشمند یا دانشجو نباشید. اگر در غیر این صورت باشد و از انجام وظیفه کوتاهی کند، عمرش را ضایع کرده و مرتکب گناه شده و جایگاه گناهکار آتش است»^(۱).
این علم‌هایی که در دبیرستان و دانشگاه می‌خوانیم، دانستن و ندانستن آنها فرقی نمی‌کند.

اولین علم، آیه محکمه یعنی اصول دین و عقاید است.

دوم، علم اخلاق و تزکیه نفس.

و سوم، علم احکام که حلال و حرام را بشناسد. اینها را می‌گویند تفقه در دین یا دین‌شناسی.

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: «اگر یک جوان شیعه را پیش من بیاورند که در صدد دین‌شناسی نباشد، من بیست تازیانه به او می‌زنم. مجازات دارد، باید ادب شود». خدا به چند طبقه در نزد ملائکه افتخار می‌کند که یکی جوانی است که در راه خدا و مطیع پروردگار باشد و با داشتن غریزه، اگر جهاد با نفس کرد، ارزش دارد. مطلب دیگر عمر است. یکی دیگر از چیزهایی که در مورد عمر باید بدانیم این است که اگر از خواب غفلت بیدار شویم، زبان را باید درست به کار ببریم، از غیبت یا حرف لغو دوری کنیم. حرف مسلمان باید فایده داشته باشد، یعنی به درد دنیا یا آخرت بخورد و کاری که به او مربوط نیست، خود را به آن وارد نکند.

نباید هیچ‌گاه در دنیا از خدا بخواهیم هرچه مرا در آن دنیا می‌خواهی عذاب کنی، این دنیا عذاب بده. یا بگوئیم خدایا یک مریضی یا مصیبت به من بده تا گناهم پاک شود، خدا نیازی به مریضی یا مصیبت ما ندارد باید بگوئیم، خدایا مرا از گرفتاری نجات بده. باید بگوئیم عذاب آخرت را از من بردار.

حضرت رسول صلی الله علیه و آله می‌فرمایند: «اگر یک جایتان مرتب درد می‌کند، اگر کار

مکروهی انجام می دهید (ان شاء الله گناه انجام نمی دهید)، بگویید خدایا من این کار را انجام نمی دهم، دردم را رفع کن. یا یک کار مستحب، بگویید خدایا انجام می دهم، مرا از این درد نجات بده».

در سفر مکه که باید خدا را پیدا کنند، فقط حرف دنیا و تجارت می زنند، اینها لغو است، پیامبر به ابوذر می فرمایند: «در مورد چیزی که احتیاج نداری و به آن مبتلا نیستی، حرف زن و زبان را در خزانه دهان نگه دار، مثل جواهری که در صندوق نگه می داری».

مزه ایمان را نچشیده است کسی که حتی در شوخی دروغ بگوید. شوخی کنید تا غم از دل شما برود ولی هتک حرمت نکنید یا کسی را ناراحت نکنید یا دروغ نگویید.

همانطور که خداوند دوست دارد محرمات را کنار بگذارید، باید مباح را خوب انجام دهید که آزاد باشید. مال را از چه راهی بدست آوردی؟ و در چه راهی خرج کردی؟ برای برادر و خواهر دینی خرج کردن و هدیه دادن، اطعام و صله رحم خیلی ثواب دارد، ولی اسراف و تبذیر نباشد.

در فرازهایی از دعای مکارم اخلاق، امام سجاد علیه السلام از خداوند بی نیازی و توسعه رزق و عزت خواستارند.

«وَأَغْنِي وَأَوْسِعَ عَلَيَّ فِي رِزْقِكَ».

و بی نیازم کن و وسعت به من بده در روزیت.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله به ابوذر فرمود: «آیا نمی خواهی تو را عملی تعلیم دهم و آگاه سازم که بر بدنت خفیف است و ثقل و سنگینی ندارد، اما در میزان عملت در قیامت بسیار وزین و سنگین است».

ابوذر گفت: بلی یا رسول الله، بفرمایید.

حضرت فرمودند: «۱- صمت و سکوت. ۲- حُسن خلق. ۳- ترک کنی سخن گفتن در چیزی را که مورد احتیاج تو نیست. (حرف لغو نزنی). مثلاً بگویی به کسی: روزه داری یا نه؟».

امام صادق علیه السلام فرمودند: «پنج چیز است که اگر کسی نداشته باشد، عیش و زندگی گوارا ندارد:

۱- سلامت تن.

۲- امنیّت.

۳- غنا و تمکّن.

۴- قناعت.

۵- همسر موافق»^(۱).

از خدا مسئلت می‌کنند خدایا مرا بی نیاز کن از مال دنیا که به مردم احتیاج نداشته و مرا با مال ثروتمندان آزمایش نکن.

فقر و غنا

فقر و غنا دارای درجاتی هستند. بعضی‌ها آنقدر فقیرند که خرج روزانه ندارند. یک فقیر در حدّی که می‌تواند نانی بدست آورد و نعمت دیگری ندارد. دیگری به اندازه کفاف، ولی از مال زیاد محروم است. همین طور غنا، یک نفر غذای ذخیره سالانه و زندگی خودش و عائله‌اش را دارد. یک نفر دیگر سرمایه دارد و حرص به زیاد شدن مال دارد. بعضی از درجات اینها ممدوح و بعضی مذموم است.

اسلام دین فعالیت و کار است. دین سعی و عمل است. تمام مردم باید تلاش و کوشش کنند. اگر کسی از کارشانه خالی کند مورد انزجار اسلام است. حتی اگر

نقص عضو هم دارند از عضو سالم استفاده کنند. بیکاری باعث فساد می شود، اگر کار باعث زحمت می شود. رانده و مطرود درگاه خداست، آن کسی که بار زندگی خود را به دوش دیگران بیندازد.

فقر مذموم

فقر مذموم آن است که کسی بتواند و کار نکند. کفر و فقر در عرض هم هستند که همین فقر باعث کفر و فساد می شود.

فقر ممدوح

فقر ممدوح آن است که در حد کفاف داشته و دستش پیش مردم دراز نباشد. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: خوشا به حال کسی که اسلام بیاورد و معاش او به قدر کفاف باشد. مال کم که کفاف کند، بهتر است از مال زیاد که انسان را از خدا دور کند (۱).

غناي ممدوح

غناي ممدوح ثروتي است که باعث آبادي آخرت شود. غني براي پيمودن راه تقوا، دوست خوبي است.

امام صادق عليه السلام مي فرمايند: «براي دنيا غني و عافيت را از خدا بخواهيد و براي آخرت مغفرت و بهشت را» (۲).

غناي مذموم

غناي مذموم مالي است که باعث کبر و غرور شود و انسان را از خدا دور کند. انسان وقتي خود را بي نياز ديد، به سرکشي و طغيان مي افتد. بعضي مواقع ثروت، انسانها را به کفر مي کشاند. شخصي به حضرت رسول صلی الله علیه و آله گفت: من عيبي دارم.

۱. بحار ج ۶۹ ص ۶۱.

۲. کافی ج ۵ ص ۷۱.

فرمودند: «چیست؟»

گفت: من پول را دوست دارم.

حضرت فرمودند: «برای چه دوست داری؟»

گفت: برای تأمین زندگی خانواده، کمک به مردم و حجّ.

حضرت فرمودند: «این عین آخرت است. این ثروت در اسلام مذموم نیست.»

فقر با صبر خوب است و غنی با انفاق. مالت را در راه حلال انفاق کن تا خدا عوضش را به تو بدهد.

انفاق چیست؟

هر کار نیکی به هر صورت باشد صدقه و انفاق در راه خدا محسوب می شود. هرچه انسان برای حوائج زندگی خود و خانواده خود صرف می کند، صدقه نوشته می شود، آنچه انسان با آن آبروی خود را حفظ کند، صدقه محسوب می شود. هرچه انسان در راه خدا انفاق کند، خدا عوض آن را می دهد، به جز آنچه صرف تزئینات منزل یا در راه معصیت صرف می شود.

فقرا ۵۰۰ هزار سال زودتر از اغنیاء به بهشت می روند و خداوند به آنها می فرماید: «دنیا قابل شما نبوده است.»

ولی میزان کلی، حدیث امام باقر علیه السلام است که جابر نقل می کند. رسید، حضرت فرمودند: «کیف أصبحت؟ (چگونه صبح کردی)؟»

گفت: صبح کردم در حالی که فقر را بهتر از غنی و مرض را بهتر از صحّت یافتم. حضرت فرمودند: «ما خانواده این طور نیستیم. هر طور خدا بخواهد ما هم همان را می خواهیم. اینها همه مصلحت خداست و باید راضی باشیم به رضای خدا.»

امام سجّاد علیه السلام اول در دعا صلوات و بعد چیزهایی از نیت و عمل و آنچه را از

خدا می خواهند ، عرض می کنند و بعد صلوات می فرستند .

یکی از چیزهایی که باعث استجاب دعا می شود ، صلوات است و دعایی که بین دو صلوات باشد ، مستجاب می شود . این است رمز استجاب دعا .

غناي مذموم آن ثروتي است که انسان را متمرّد و سرکش کند . ابي حمزه گوید : حضرت علي بن حسين عليه السلام فرمودند : «اگر من داخل بازار شوم و چند درهم پول داشته باشم ، برای خانواده ام گوشت تهیه می کنم که به آن نیاز دارند . این عمل از آزاد کردن بنده ای ، محبوبتر است» (۱) .

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند : «اگر کسی برای خانواده اش خرید کند ، مثل صدقه ای است که به جمعیت محتاجی بدهد . اگر اوّل از دختر بچه ها شروع کند ، مثل این است که بنده ای از فرزندان اسماعیل را آزاد کرده است» (۲) .

در حدیث دیگر می فرماید : «غنی و بی نیازی از کثرت اموال دنیوی نیست ، بلکه از بی نیازی نفس است» (۳) .

امیرالمؤمنین عليه السلام : «غناي بزرگ ، بی اعتنایی و عدم توجه به اموال ثروتمندان است» (۴) .

امام جواد عليه السلام نیز می فرمایند : «غنی عبارت است از کمی تمنیات درونی و راضی بودن به همان چیز که زندگی انسان را کفایت می کند» (۵) .

در فراز دیگر دعا امام سجّاد عليه السلام عرض می کنند :

-
- ۱ . کافی ج ۴ ص ۱۱ و ۱۲ .
 - ۲ . مکارم اخلاق فصل ۶ .
 - ۳ . میزان الحکمه ج ۷ ص ۲۹۶ .
 - ۴ . نهج البلاغه کلمه ۳۴۲ .
 - ۵ . میزان الحکمه ج ۷ ص ۲۹۱ .

«وَلَا تَفْتِنِّي بِالنَّظَرِ وَأَعِزَّنِي وَلَا تَبْتَلِينِي بِالْكِبْرِ».

و مرا با نگاه حرام به فتنه نینداز و عزیزم گردان و لیکن به تکبر گرفتارم نکن.

عزت به معنای رفعت و بلندی روح است که نمی‌گذارد انسان مغلوب و مقهور چیزی شود و گرفتار و دچار ذلت گردد.

خطرات عزت

حبّ مال، مقام، جاه‌طلبی، شهرت دوستی و محبوبیت اجتماع از خطرات عزت است.

امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرمایند: «دیده طمع، ذلت دنیا و آخرت است»^(۱).

رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «شخص با ایمان حق ندارد که موجبات ذلت و خواری خود را فراهم کند»^(۲).

رسول گرامی صلی الله علیه و آله فرمودند: «اگر کسی صاحب دنیا را بزرگ بشمارد و از روی طمع او را دوست بدارد، مشمول غضب باری تعالی خواهد بود»^(۳).

رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «فروتنی و تواضع، مقام متواضع را در جامعه بالا می‌برد. تواضع کنید تا رحمت خداوند بزرگ شامل حالتان گردد»^(۴).

امیرالمؤمنین علیه السلام: «هرکس به مردم تکبر کند، در بین مردم ذلیل و خوار می‌شود»^(۵).

عزت نفس داشته باش و خودت را ذلیل نکن. ولی متواضع باش و به مردم به

۱. غرر الحکم ص ۳۶۱.

۲. مستدرک الوسائل ج ۲ ص ۳۶۴.

۳. لثالی الاخبار ص ۱۲۸.

۴. محجة البيضاء ج ۶ ص ۳۲۱.

۵. فهرست موضوعی غرر ص ۳۴۱.

دیده ذلت و خواری نگاه نکن . و تکبر هم نداشته باش . کبر به معنای این است که آدمی فکر و گمان کند از دیگران بالاتر است . اگر گمان را اظهار کند ، کبر ، و اگر اظهار نکند دچار کبر نفسانی شده است .

«وَعَبَّدَنِي لَكَ وَلَا تُفْسِدْ عِبَادَتِي بِالْعُجْبِ».

و به عبادت خالص خود مشغولم دار و عبادتم را به عجب و غرور باطل مساز.

در فراز دیگر دعا ، امام سجاد علیه السلام به دو موضوع عبودیت و سجده برای بندگی و پرستش خداوند اشاره می نمایند :

عبودیت به معنای اظهار ذلت ، ولی عبادت نهایت درجه تذلل است و سجده نیز به معنای تذلل است .

سجده بر دو قسم است : ۱ - اختیاری و ۲ - تسخیری .

۱ - اختیاری ، عبادت بندگان با ایمان .

۲ - «وَلِلَّهِ يَسْجُدُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ»^(۱) ، «وَالنَّجْمِ وَالشَّجَرِ يَسْجُدَانِ»^(۲) .

عجب (در عبادت خود را بزرگ شمردن) ، باعث فساد عبودیت می شود یعنی از بین رفتن کامل عبودیت .

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند : «گناهی که تو را آزار دهد و مایه رنج و ناراحتی درونی ات گردد ، در پیشگاه الهی بهتر است از کار خوبی که باعث غرورت شود و تو را به عجب وا دارد»^(۳) .

۱ . سوره ۱۳ آیه ۱۵ .

۲ . سوره ۵۵ آیه ۶ .

۳ . نهج البلاغه کلمه ۴۶ .

امیرالمؤمنین علیه السلام درباره هدف بعثت رسول گرامی صلی الله علیه و آله چنین فرمودند:

خداوند رسول گرامی صلی الله علیه و آله را به حق مبعوث فرمود تا مردم را از پرستش مخلوق به عبادت خالق هدایت کند و از تعهدات ظالمانه و ناروا در مقابل بندگان، به عهد و پیمان خداوند ملتزم نماید و از اطاعت و فرمانبری مخلوق به طاعت خالقشان و ادار سازد و از ولایت و سلطه بندگان خدا پذیرای ولایت و سلطه الهی نماید^(۱).

خداوند در قرآن در مورد کسانی که هوای نفس خود را معبود خویش ساخته‌اند و از ایمان به خدا سرپیچی کرده‌اند، می‌فرماید: «أَرَأَيْتَ مَنْ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ»، ای پیغمبر گرامی! آیا آن مردم بدبخت را دیده‌ای که به هوای نفس خویش گرایش یافته و او را معبود خود ساخته و بی قید و شرط اطاعتش می‌کنند.

استمداد از حق در مقابله با هوی نفس

مردی به نام مُجاشِع حضور رسول اکرم صلی الله علیه و آله آمد. عرض کرد: یا رسول الله صلی الله علیه و آله راه معرفت حق چیست؟ حضرت فرمودند: معرفت نفس.

عرض کرد راه جلب موافقت حق چیست؟ فرمودند: مخالفت نفس.

عرض کرد راه رسیدن به رضای حق چیست؟ فرمودند: نارضایتی نفس.

عرض کرد راه رسیدن به حق چیست؟ فرمودند: جدا شدن از نفس.

عرض کرد راه اطاعت از خدا چیست؟ فرمودند: سرپیچی از اطاعت نفس.

عرض کرد راه به یاد حق بودن چیست؟ فرمودند: فراموش کردن نفس.

عرض کرد راه نزدیک شدن به خدا چیست؟ فرمودند: دور شدن از نفس.

عرض کرد راه انس گرفتن با خدا چیست؟ فرمودند: وحشت داشتن از نفس.

عرض کرد راه رسیدن به آنچه دستور دادی چیست؟ فرمودند: یاری خواستن از خداوند برای پیروز شدن بر نفس.

«وَأَجْرٍ لِلنَّاسِ عَلَىٰ يَدَيِّ الْخَيْرِ وَلَا تَمَحِّقُهُ بِالْمَنِّ».

امام سجّاد علیه السلام در این فراز از دعا عرض می‌کنند:

خدایا خیر و خوبی را به دست من برای مردم جریان ده و آن را با
منت گذاردن بر سرشان محو و باطل نما.

امام سجّاد علیه السلام در فراز این دعا دو مطلب آورده‌اند: یکی اینکه خیر انسان باید به
مردم برسد، دوّم با منت گذاردن آن را نابود نکند.

جریان دادن به معنای صدقات جاریه. ساختن درمانگاه یا حفر قنات یا کارهای
خیر دیگر که عامّ المنفعه است.

تمایلات بر دو نوع هستند: ۱ - حیوانی و ۲ - انسانی.

۱ - حیوانی مانند: خوردن، آشامیدن، شهوت و حبّ اولاد که ضرورت دارد،
اما افتخار بشر نیست.

۲ - انسانی مانند: ادای امانت، وفای به عهد، انصاف و عدالت، احسان و
دگردوستی که امام سجّاد علیه السلام روی این قسمت دگردوستی در فراز این دعا
فرموده‌اند که علاقه به مردم و حفظ لزوم خدمتگزاری به آنهاست.

هرچه درجات علمی شما بیشتر می‌شود، باید متواضع‌تر و خضوع بیشتری در
بین مردم داشته باشید تا دچار غرور نشوید.

امیرالمؤمنین علیه السلام به مالک فرمودند: «مردم دو دسته‌اند: یا از نظر دینی برادر تو
هستند، یا از جهت آفرینش و خلقت همانند تو، پس با روشی انسانی با مردم
معامله کن. به گرمی با فقیر سخن گفتن و از او عذر خواستن که نمی‌توان کمکی
کرد، بهتر است از صدقه آمیخته با منت»^(۱).

در قرآن خداوند می فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَبْطُلُوا صَدَقَاتِكُمْ بِالْمَنِّ وَالْأَذَى﴾^(۱)؛ ای مردم با ایمان! صدقات خود را با منت گذاردن و اذیت کردن باطل ننمائید.

امام موسی بن جعفر علیه السلام فرمودند: «مردم روی زمین تا وقتی که یکدیگر را دوست بدارند، ادای امانت کنند و بر طریق حق قدم بردارند و عمل نمایند، مورد ترحم و تفضل ذات اقدس الهی هستند»^(۲).

امیرالمؤمنین علیه السلام می فرمایند: «رفتارت با همه مردم بر اساس انصاف باشد و با برادران دینیت از روش خودگذشتگی و ایثار استفاده کن»^(۳).

رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرمایند: «کسی که بشنود شخص مظلومی فریاد می زند و مسلمانان را به یاری می طلبد، اگر صدای استغاثه او را بشنود و به یاریش نرود مسلمان نیست»^(۴).

رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرموده اند: «مؤمنین در مقام رحمت و عطف نسبت به یکدیگر به منزله یک جسدند. وقتی یک عضو از جسد بیمار شود سایر اعضای آن همانند او تبادری و شب بیداری دارند و در غم و مصیبت او شریکند»^(۵).

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: «در زمینه ایثار بر نفس، گوهر طبع و رفعت روح افراد کریم النفس آشکار می گردد»^(۶).

مردی به رسول گرامی صلی الله علیه و آله عرض کرد: دوست دارم بهترین مردم باشم. حضرت فرمود: «بهترین مردم کسی است که نفعش بیشتر عاید مردم گردد. پس تو در راه نفع

۱. سوره ۲ آیه ۲۶۴.

۲. مشکوة الانوار ص ۵۲.

۳. غرر الحکم ص ۵۳.

۴. کافی ج ۲ ص ۱۶۴.

۵. سفینه البحار ج ۱ ص ۱۳.

۶. فهرست موضوعی غرر ص ۱.

رساندن به مردم کوشا و جدی باش تا از بهترین مردم باشی»^(۱).

امام صادق علیه السلام: «مَنْتَ غَادِرٌ، عَمَلٌ خَيْرٌ اِنْسَانٍ رَا نَابُوْدُ وَ فَا نِي مِي نَمَائِدُ»^(۲).

امام سجّاد علیه السلام در فراز دیگر عرض می کنند:

«وَهَبْ لِي مَعَالِي الْأَخْلَاقِ وَاعْصِمْنِي مِنَ الْفَخْرِ».

و ببخش به من اخلاق بلند پایه و باز دار مرا از نازیدن.

امام صادق علیه السلام به جنذب درباره مکارم اخلاق می فرمایند:

۱ - بپیوند با کسی که از تو بریده است.

۲ - عطا کن به کسی که تو را محروم کرده است.

۳ - نیکی کن به کسی که به تو بد کرده است.

۴ - سلام کن به کسی که به تو دشنام داده است.

۵ - انصاف ده به کسی که به تو خصومت کرده است.

۶ - ببخش کسی را که به تو ستم کرده است»^(۳).

محاسن اخلاق به معنای خوی خوب و پسندیده و مکارم اخلاق به معنای

بزرگواری و کرامت نفس است.

امام سجّاد علیه السلام از رسول اکرم صلی الله علیه و آله حدیث نمودند که فرموده اند: «من از طرف

خداوند برای مکارم اخلاق و محاسن آن مبعوث شده ام»^(۴).

راوی حدیث گوید به امام صادق علیه السلام عرض کردم: حدّ حُسن خلق چیست؟

فرمودند: «با مردم به نرمی و گرمی برخورد کنی، پاک و منزّه و در کمال ادب سخن

۱. میزان الحکمه ج ۳ ص ۲۱۴.

۲. مستدرک الوسائل ج ۱ ص ۵۴۳.

۳. تحف العقول ص ۳۰۵.

۴. مستدرک الوسائل ج ۲ ص ۲۸۲.

بگویی و در مواجهه با برادرانت متبسم و گشاده روی باشی»^(۱).

امیرالمؤمنین علیه السلام می فرمایند: «بر شما باد به مکارم اخلاق که تخلّق به آن رفعت و بلندی است و پرهیزید از دنائت اخلاق که افراد شریف را پست می کند و مجد و بزرگواری را نابود می نماید»^(۲).

امیرالمؤمنین علیه السلام می فرمایند: «دو چیز است که مردم را به مسیر هلاکت و تباهی سوق می دهد: یکی ترس از فقر و تهیدستی است و آن دیگر، فخر فروشی به مردم»^(۳).

در جای دیگری می فرمایند: «از پست ترین و سخیفترین حالات زمامداران نزد مردم صالح و درستکار این است که به آن گمان برده شود که به فخر و مباهات علاقه دارند»^(۴).

امام سجّاد علیه السلام در رساله حقوق می فرمایند: «حقّ آن کس که به تو بد کرده است از نظر کرامت اخلاق این است که او را ببخشی و مورد عفو قرار دهی، ولی اگر دانستی که عفو و بخشش درباره او زیانبار است و اثر بد می گذارد، استنصار می کنی و بوسیله قانون و قضا مردم بد کننده را به کیفر بدش می رسانی»^(۵).

پیامبر صلی الله علیه و آله می فرمایند: «خداوند به من وحی فرستاد که همواره متواضع باشید تا کسی بر دیگری مباهات ننماید و فردی نسبت به فرد دیگر بغی و ستم نکند»^(۶).

امام سجّاد علیه السلام بعد از صلوات بر محمد و آل محمد عرض می کنند:

۱. معانی الاخبار ص ۲۵۳.
۲. میزان الحکمه ج ۳ ص ۱۴۶.
۳. سفینه البحار ج ۲ ص ۳۴۸.
۴. نهج البلاغه خطبه ۲۱۶.
۵. مکارم اخلاق ص ۲۳۴.
۶. میزان الحکمه ج ۷ ص ۳۱۵.

«وَلَا تَرْفَعْنِي فِي النَّاسِ دَرَجَةً إِلَّا حَطَّطَنِي عِنْدَ نَفْسِي مِثْلَهَا وَلَا تُحَدِّثْ لِي عِزًّا ظَاهِرًا إِلَّا أَخَدْتَنِي لِي ذِلَّةً بَاطِنَةً عِنْدَ نَفْسِي بِقَدَرِهَا».

خدایا، مرا بالا مبر در میان مردم به درجه‌ای مگر اینکه پایین آری مرا در پیش خودم به همان درجه و ایجاد نکن برایم عزت ظاهری مگر اینکه برایم ذلتی (فروتنی باطنی) در پیش خودم به همان اندازه ایجاد کنی.

افراد پست و فرومایه که گذشت افراد کریم النفس را حمل بر ترس یا ضعف می‌گذارند و بر جسارت آنها اضافه می‌شود، باید طبق قانون به مجازات کیفر عمل خود برسند.

کرامت اخلاق، مانند باران رحمت است که در مورد اشخاص شایسته، فضیلت و پاکی به بار می‌آورد و در مورد مردم ناصالح، رذیلت و ناپاکی.

رسول اکرم ﷺ فرمودند: «برتر و افضل مردم کسی است که از موضع رفعت و قدرت، فروتنی نماید و نسبت به مردم متواضع باشد»^(۱).

پیامبر ﷺ فرمودند: «برای آزمایش و امتحان یک انسان کافی است که مردم با انگشت به سوی او اشاره کنند و او را از نظر دین یا دنیا به هم نشان دهند»^(۲).

یعنی کسی که مورد توجه مردم از نظر قدر و منزلت یا علم قرار می‌گیرد، مورد امتحان قرار گرفته است، که در آن موقع حساس بر تواضع خود بیفزاید و به مردم با دیده احترام نگاه کند.

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: «چقدر پسندیده و ممدوح است که ثروتمندان برای

۱. میزان الحکمه ج ۱۰ ص ۵۰۴.

۲. ریاض السالکین ص ۲۱۴.

نیل به پاداش الهی نسبت به فقرا تواضع و فروتنی نمایند»^(۱).

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: «کسی که از کرامت نفس برخوردار می‌گردد، شهوات نفسانی در نظرش خوار و ناچیز می‌آید»^(۲).

امام سجاد علیه السلام می‌فرمایند: «کسی که به بزرگواری و کرامت نفس و شخصیت روحانی نایل آمده است، دنیا و امور دنیوی در نزد او حقیر و ناچیز است»^(۳).

امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرمایند: «آن کس که به بزرگی و کرامت نفس خود باور آورده، هرگز آن را با پلیدی گناه، پست و موهون نمی‌کند»^(۴).

امام هادی علیه السلام فرمودند: «کسی که در باطن، گرفتار خواری و حقارت نفس است از شرّ او ایمن نیستی و خویشتن را از کارهای ناروای وی مصون و محفوظ بدان»^(۵).

امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرمایند: «شخص کریم، کریم اعمال خود را همانند دینی می‌داند که بر ذمه اوست و باید آن را ادا نماید»^(۶).

امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرمایند: «عقل واقع‌نگر که راههای هدایت و ضلالت را در مسیرت روشن می‌کند و حق را به تو ارائه می‌نماید، تو را کفایت می‌کند»^(۷).

همسایه

برای همسایه سه حق تعیین کرده‌اند: ۱ - حق اسلام ۲ - حق همسایگی ۳ - حق قرابت. که بعضی دارای یک شرط یا سه شرط هستند. همسایه مسلمان و فامیل هر

۱. سفینه البحار ج ۲ ص ۶۶۶.

۲. غرر الحکم ص ۶۶۹.

۳. تحف العقول ص ۲۷۹.

۴. میزان الحکمه ج ۱۰ ص ۱۴۷.

۵. تحف العقول ص ۴۸۳.

۶. میزان الحکمه ج ۸ ص ۳۶۶.

۷. نهج البلاغه کلمه ۴۲۱.

سه حق را دارد (۱).

امام صادق علیه السلام فرمودند: «آسان‌ترین حق مسلمان این است که:

۱- آنچه برای خود دوست داری برای او دوست بدار.

۲- آنچه خود میل نداری برای او بی میل باش.

۳- او را خشمگین نکنی.

۴- رضایتش را جلب نمایی.

۵- دستورش را به کار ببندی. او را با نفست، مالت، زبانت، دست و پایت یاری

کنی و این که تو، به منزله چشم، او را راهنما و آینه او باشی. چنین نباشد که تو سیر

و او گرسنه، تو سیراب و او تشنه، تو پوشیده و او برهنه باشد» (۲).

مردی به رسول خدا صلی الله علیه و آله عرض کرد: می‌خواهم بهترین مردم باشم.

حضرت فرمودند: «بهترین مردم کسی است که نفعش بیشتر عاید مردم گردد

حتی در احسان به حیوانات» (۳).

عزت یا باطنی و درونی است و یا ظاهری.

عزت درونی

عزت درونی که با روح شخص آمیخته است را باید از خدا خواست و آن،

حالتی معنوی است در مقابل هوای نفس و خواهش‌های نفسانی.

عزت ظاهری

اگر مردم به شخصی اظهار علاقه کنند و او را بزرگ بشمارند، عزت ظاهری

است که در مقابل عزت ظاهری باید ذلت یا فروتنی درونی از خدا بخواهیم.

۱. مشکوة الانوار ص ۲۱۳.

۲. کافی ج ۲ ص ۱۶۹.

۳. میزان الحکمه ج ۳ ص ۲۱۵.

انگیزه افرادی که پی عزّت نفس باطنی و کرامت نفس می روند، احیای انسانیت است. می خواهند در دنیا بزرگوار زندگی کنند، آزاد باشند و بنده هوای نفس نباشند. در راه عزّت نفس (دنیا و شهوات و تمایلات نفسانی را حقیر شمردن) زیاده روی و افراط نکنید، چون ممکن است دچار کبر شده و مردم را کوچک شمارید. عقل به غریزه ظاهری می گوید در ایام عزّت هر قدر می توانی نسبت به مردم متواضع باش و با فروتنی بذر دوستی و محبّت در دل آنان بیفشان. عقل می گوید: از فرصت محبوبیت استفاده کن، به مردم احسان نما، حوایجشان را برآور، مشکلاتشان را حل کن و موجبات آسایش و رفاه آنان را فراهم بنما. عقل مدبّر می گوید: اگر خدمتی برای مردم کردی، به رُخشان نکش، منت بر سرشان نگذار، آبروی آنان نبر و با این کارها عمل خود را باطل منما.

امام سجّاد علیه السلام بعد از صلوات بر محمّد و آل محمّد عرض می کنند:

«وَمَتَّعِنِي بِهَدْيِي صَالِحٍ لَا أُسْتَبَدَّلُ بِهِ وَطَرِيقَةٍ حَقٌّ لَا أَزِيغُ عَنْهَا
وَنِيَّةٍ رُشِدٍ لَا أَشُكُّ فِيهَا».

خدایا، بر خوردارم فرما از هدایت های شایسته که آن را با هیچ چیز عوض نکنم و از طریقه حقی که از آن منحرف نشوم و نیت رشدی که در آن شک نکنم.

امام سجّاد علیه السلام در فراز این دعا از خداوند صراط مستقیم را خواسته اند. صراط مستقیم مانند لامپ برق برای اینکه روشن شود نیازمند نیروگاه برق است. ولی آن به این معنا نیست که وقتی روشن شد احتیاج به نیروگاه ندارد. برای اینکه روشن بماند باید فیض نیروگاه علی الدوام برسد. اگر یک لحظه برق نرسد، لامپ خاموش می شود. انسان اگر از هدایت به صراط مستقیم محروم شود، نمی تواند به سوی

کمال و سعادت رهسپار شود. باید از خدا بخواهید فیض خود را از شما قطع نکند. خداوند بشر را آفریده و خیر و شر و خصوصیات مخلوقش را می‌داند و به صلاح و فساد او احاطه دارد و در قانونگذاری هدایت مردم و ارائه راه سعادت آنان می‌خواهد با تعالیم خود بشر را بسازد و استعدادهای نهفته‌اش را از قوه به فعلیت بیاورد و از بندگی هوی و شهوات آزاد نماید و به اخلاق انسانی و سجایای بزرگ متخلّش گرداند و راه تکامل را به رویش بگشاید و این واقعیت سعادت بخش و انسان ساز در قانونگذاری اسلام نهفته است.

و کسانی که گفتند آفریدگار و مالک حقیقی ما خداوند است و بر این سخن ثابت و پایدار ماندند بر آنان هیچ بیم و اندوهی نخواهد بود.

﴿إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ﴾^(۱).

حضرت حسین بن علی علیه السلام می‌فرمایند: «مردم بندگان دنیا هستند و دین را زبان زده‌اند تا موقعی که زندگی آنان جریان دارد. گرد دین می‌گردند و چون به بلا و امتحان مبتلا شدند، عدد متدینین و افراد با ایمان کم و ناچیز خواهد بود»^(۲).

اگر غذای جسم کامل باشد، بدن نیرومند می‌گردد و اگر بدن گرسنه و ناتوان بماند جسد دچار ضعف می‌گردد و فعالیتش را از دست می‌دهد.

روح توانا قدرتی بدست می‌آورد که در مصیبتها جزع ندارد، در زیانهای مالی بردبار و ناراحتی‌ها، او را دچار اضطراب نمی‌کند.

زبان زدن دین که اباعبدالله الحسین علیه السلام می‌فرمایند همان لیسیدن انگشت بعد از غذا است که قوت کافی به جسم نمی‌دهد. اگر دین در حدّ لیسیدن انگشت در غذای مادی باشد، به جان قوت معنوی نمی‌بخشد و آدمی در مقابل حوادث،

۱. سوره ۴۶ آیه ۱۳.

۲. نفس المهموم ص ۲۰۹.

مقاومت خود را از دست می‌دهد و از میدان دین به در می‌رود.

نیت عبارت از قصد انجام کاری است و واسطه بین علم و عمل است. آدمی تا چیزی را ندارد ممکن نیست قصد آن را نماید و هنگام عمل، دچار شک و تردید می‌شود.

رسول اکرم ﷺ می‌فرمایند: «کسی که کاری را بدون علم و آگاهی انجام می‌دهد فسادى که از آن کار ناشی می‌گردد بیش از اصلاحی است که از آن بدست می‌آید»^(۱).

علم

پیامبر ﷺ می‌فرمایند: «خداوند به وسیله علم پرستش می‌شود، به وسیله علم مورد اطاعت قرار می‌گیرد، خیر دنیا و آخرت در علم و شر دنیا و آخرت در جهل است».

افراد فاسد و گمراه وقتی می‌خواهند کسی را از صراط مستقیم منحرف نمایند و او را به باطل سوق دهند، اول با وسوسه‌های خائنانه یقینش را تزلزل می‌دهند و او را گرفتار شک و تردید می‌کنند. سپس بذر تجرّی در ضمیرش می‌افشانند و او را بر خلاف راه حق و مصلحت سوق می‌دهند. (شک در یقین)



«وَعَمْرِي مَا كَانَ عُمْرِي بِذَلَّةٍ فِي طَاعَتِكَ فَإِذَا كَانَ عُمْرِي مَرْتَعًا
لِلشَّيْطَانِ فَأَقْبِضْنِي إِلَيْكَ قَبْلَ أَنْ يَسْبِقَ مَقْتُكَ إِلَيَّ أَوْ يَسْتَحْكِمَ
غَضَبُكَ عَلَيَّ».

و عمرم ده تا زمانی که مبذول در طاعت توست. اما اگر عمرم چراگاهی برای شیطان باشد، هرچه زودتر جانم را بگیر به

سویت پیش از آن که سبقت گیرد به من بر آشفتنت .

یکی از دام‌های شیطان برای انحراف ساختن مردم و گناه ، خشم نابجا و شهوت است . نگذارید شیطان در مرتع عمرتان با آروزهای طولانی که آخرت را از یاد ببرید ، بچرد و از بیخ ، گیاهان هرز آن را بکنید که هم قوای بدنی و هم معنویت را از بین می‌برد . شیطان راههای خود را برای شما آسان می‌کند . خداوند در قرآن می‌فرماید : ﴿ يُخْرِجُهُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا أُولِيَاءُهُمُ الطَّاغُوتُ يُخْرِجُونَهُمْ مِنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ ﴾^(۱) می‌گویند : کفار چه نوری دارند که به ظلمات تبدیل شود . خداوند در تمام انسان‌ها نورانیتی به نام الهام فطری قرار داده و فرموده : ﴿ وَنَفْسٍ وَمَا سَوَّاهَا * فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا ﴾^(۲) ، قسم به جان بشر و قسم به خداوندی که آن جان را موزون و معتدل آفریده است نیک و بدیهایش را به او الهام کرده است . این الهام نورانیت است که امروزه به آن وجدان اخلاقی می‌گویند .

رسول اکرم ﷺ فرمودند : «وقتی انسان از اعمال خویش به عجب آید و کارهای خوب خود را بسیار بشمارد و گناهان خود را ناچیز تلقی کند ، شیطان بر او غلبه کرده است»^(۳) .

فرق ابلیس با شیطان

ابلیس همان موجودی است از جنّ که در صف فرشتگان قرار گرفت و با آنها خدا را بندگی می‌کرد . وقتی پروردگار ، آدم را آفرید به ملائکه امر فرمود که او را سجده کنند . همه اطاعت کردند جز ابلیس . او تکبر نمود و از اطاعت خدا سرباز زد و در

۱ . بقره : ۲۵۷ .

۲ . شمس : ۷ - ۸ .

۳ . مستدرک الوسائل ج ۱ ص ۱۶ .

اثر این نافرمانی مطرود درگاه الهی شد.

شیطان: نام تمام موجودات گمراه کننده است که شامل ابلیس هم می شود. مثلاً هوای نفس را شیطان دل می خوانند.

گناه و داروی آن

امیرالمؤمنین علیه السلام می فرمایند: «گناهان بیماری و داروی آن استغفار است و طلب عفو از پیشگاه باری تعالی و نشانی شفا یافتن گنهکاران این است که پیرامون آن معصیت نگردند» (۱).

امیرالمؤمنین علیه السلام فرموده است: «شیطان هر انسانی نفس امّاره اوست» (۲).
امام سجاد علیه السلام عرض می کنند: خدایا، عمری به من بده که تمام آن عمر لباس خدمت در اطاعت باری تعالی باشد و اگر عمرم چراگاه شیطان شود، عمرم را از من بگیر، پیش از آنکه خشم شدیدت متوجه من شود و غضبت بر من استوار گردد.

خشم

برای مصون ماندن از خطرات خشم، در قدم اوّل باید به وسیله سجّیه حلم، خود را پرورش داد و آن را جزء ملکات نفس قرار داد و اوّل متظاهر به حلم شد، بعد خود را مثل افراد حلیم نمایاند.

امام صادق علیه السلام می فرمایند: «اگر حلیم و بردبار نیستی با تکلف خود را به حلم وادار ساز» (۳).

امیرالمؤمنین علیه السلام فرموده اند: «شیطان هیچ راهی برای گمراه کردن مردم مهمتراز خشم و شهوت ندارد» (۴).

۱. فهرست موضوعی غرر ص ۱۲۶.

۲. شرح ابن ابی الحدید ج ۲۰ کلمه ۳۴۲.

۳. کافی ج ۲ ص ۱۱۲.

۴. فهرست موضوعی غرر الحکم ص ۱۷۵.

مؤمن با هیچ عملی مثل حلم نمی تواند خدا را راضی و خشنود کند و سکوت شیطان را خشمگین می کند و شخص احمق را کیفر دهد.

برای مصون ماندن از عوارض خشم، محیط خشم را ترک کنید.

خودت را با هوای نفست آزاد مگذار.

گناهکار را به خاطر گناهش ملامت نکن.

از به کار بردن خشم خودداری کن.

برای پی بردن به اخلاقیهای بد خود، امیرالمؤمنین علیه السلام می فرماید: « ۱ - از

خداوند بخواهد . ۲ - مؤمن آینه مؤمن است . ۳ - از برادر دینی بخواهد که به او تذکر

بدهد و او را اصلاح کند» .

امام صادق علیه السلام : «بهترین برادران من کسی است که عیوب مرا به من هدیه

دهد»^(۱).

«اللَّهُمَّ لَا تَدَعْ خَصْلَةَ تُعَابٍ مِنِّي إِلَّا أَصْلَحْتَهَا وَلَا عَائِبَةً أُوتِبْتُ

بِهَا إِلَّا حَسَّنْتَهَا وَلَا أَكْرُومَةً فِيَّ نَاقِصَةً إِلَّا أَتَمَمْتَهَا» .

خدایا، مگذار خوئی که عیب است برای من در من باشد مگر

اینکه اصلاحش کنی و نه عیبی که سخت با آن توبیخ شوم مگر

اینکه نیکویش گردانی و هیچ صفت و خصلت ناقص در من نماند

جز آنکه به حد تمام و کمال برسانی .

امام سجّاد علیه السلام در فراز این دعا از خداوند که سائر عیوب است، می خواهد تا

عیبها را از بین برده و اصلاح کند .

داستانی درباره افراد کریم النفس

عبدالله جعفر از افراد کریم النفس بود که به همه نیکی می کرد و بلند نظر بود که به وی گفتند: تو راه افراط پیش گرفتی.

در مسافرتی طولانی به باغی می رسند سرسبز و خرم. از باغبان که غلام سیاهی بود، اجازه می گیرند که آنجا استراحت کنند. موقع غذا غلام سیاه سفره ای باز کرد که سه گرده نان در آن بود. سگ گرسنه ای پیش او آمد. یک نان به او داد، در هوا با ولع گرفت. دومی و سومی را هم به همین ترتیب و بعد سفره را جمع کرد.

عبدالله بن جعفر به او می گوید: جیره غذایی تو در شبانه روز همین است؟ می گوید: بلی.

می گوید: چرا همه را به آن سگ دادی؟

غلام می گوید: در آبادی ما سگ نیست. فهمیدم او از راه دور آمده و گرسنه است. فردا به من دوباره نان می دهند.

جوانمردی و بزرگواری غلام سیاه او را سخت تحت تأثیر قرار داد و مصمم شد که غلام سیاه را تشویق کند. پیش صاحب باغ فرستاد و باغ را با غلام که برده بود خرید، او را آزاد کرد و باغ را به او داد.

وقتی باغ را به او بخشید، غلام بلند همت گفت: اگر این باغ متعلق به من شده، آن را در راه خدا و برای رفاه مردم و استفاده مردم قرار دادم^(۱).

بزرگواری و کرامت نفس نشانه تعالی معنوی و تکامل روحانی انسان است. در پرتو مکارم اخلاق، انسان از قیود پست و حیوانی رهایی می یابد و بر غرایز و تمایلات نفسانی خویش مسلط می شود.

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: «کسی که حساب نفس خود را برسد، بر عیوب

خویش واقف می شود و به گناهای که مرتکب شده است، احاطه می یابد»^(۱).
 اگر کسی به دقت عیوب دیگران را بررسی می کند و نقایص آنان را می شناسد تا عیب خود را بشناسد و آن را اصلاح کند، از نظر دینی و اخلاقی مانعی ندارد. ولی نباید در جهت عیب جویی و تجسس در نقاط ضعف دیگران دقت کند.

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: «ای بندگان بد، مردم را به گمان اینکه صفات ناپسند دارند، ملامت می کنید. اما خودتان را با اینکه به طور یقین به آن صفات مبتلا هستید ملامت نمی کنید»^(۲).

امام صادق علیه السلام فرموده اند: «بزرگ عاملی که می تواند آدمی را از خداوند دور نماید، این است که مردی با مرد دیگر طرح برادری بریزد به این منظور که لغزشهای او را به ذهن بسپارد تا روزی او را مورد ملامت و تغییر قرار دهد»^(۳).



امام سجّاد علیه السلام بعد از صلوات بر محمد و آل محمد، در فراز دیگر دعا عرض می کنند:

«وَأَبْدِلْنِي مِنْ بُغْضَةِ أَهْلِ الشَّنَانِ الْمَحَبَّةَ وَمِنْ حَسَدِ أَهْلِ الْبَغْيِ
 الْمَوَدَّةَ وَمِنْ ظَنَّةِ أَهْلِ الصَّلَاحِ الثُّقَّةَ وَمِنْ عَدَاوَةِ الْأَذْنَيْنِ الْوَلَايَةَ
 وَمِنْ عُقُوقِ ذَوِي الْأَرْحَامِ الْمُبَرَّةَ وَمِنْ خِذْلَانِ الْأَقْرَبِينَ النُّصْرَةَ
 وَمِنْ حُبِّ الْمُدَارِينِ تَصْحِيحَ الْمَقَّةِ وَمِنْ رَدِّ الْمَلَابِسِينَ كَرَمَ الْعِشْرَةِ
 وَمِنْ مَرَارَةِ خَوْفِ الظَّالِمِينَ حَلَاوَةَ الْأَمْنَةِ».

خدایا، عداوت و دشمنی دشمنان را بر من به مهر و محبت، و

۱. فهرست موضوعی غرر ص ۶۴.

۲. میزان الحکمه ج ۷ ص ۱۴۲.

۳. کافی ج ۲ ص ۳۵۵.

حسد ستمکاران را به لطف و مودت مبدل ساز و بدگمانی صالحان را در حق من به حسن ظن و اطمینان خاطر بدل فرما. دشمنی نزدیکان را با من به دوستی، و عاق و آزار ارحام را به نیکی و احسان بدل گردان و خذلان و بی اعتنائی خویشانم را بدل به نصرت و یآوری فرما و محبت ظاهری اهل مکر و مدارا را با من به محبت حقیقی مبدل ساز و رد و انکار معاشرت من را با من به حسن رفتار، و تلخی هرکس از ظالمان را به شیرینی امن و امان مبدل گردان.

اگر حبّ و بغض مردم نسبت به یکدیگر برای خدا باشد، آن دوستی و دشمنی مقدس، و بر طبق حق و عدل است اما اگر دوستی و دشمنی برای هوای نفس باشد، نه تنها ارزش معنوی ندارد، بلکه ضرر و خسارات غیر قابل جبران به بار می آورد.

حسد عبارت است از تمنّای زوال نعمت از کسی که استحقاق آن نعمت را دارد. امام صادق علیه السلام فرمودند: «مؤمن از مشاهده نعمت صاحب نعمت، حسد نمی برد بلکه غبطه می خورد و از خداوند همانند آن نعمت را تمنّی می نماید. ولی منافق غبطه نمی خورد، بلکه حسد می برد و در دل تمنّای زوال نعمت صاحب نعمت را می نماید»^(۱).

بررسی دوستی و دشمنی ها

امام باقر علیه السلام به جابر جعفی فرمودند: «پنج چیز را به تو توصیه می کنم:

- ۱- اگر مورد ستم واقع شدی، ستم مکن.
- ۲- اگر دیگران به تو خیانت کردند، تو خیانت مکن.

۳- اگر تکذیب کردند ، خشمگین مشو .

۴- اگر تمجیدت کردند ، شادی مکن .

۵- اگر مذمتت کردند ، بی تابی منما .

به چیزی فکر کن که درباره‌ات گفته‌اند . اگر درست است ، پس وقوف تو در پیشگاه الهی بر اثر خشمی که از شنیدن سخن حق نشان دادی ، مصیبتش سنگین تر است از وقوف تو در اجتماع . اگر آن بدی که درباره‌ات گفته‌اند در تو نیست ، اجری از خداوند نائل می‌شوی که برای دست یافتن آن بدنت به تعب نیفتاده است»^(۱) .

امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرمایند : «سه عامل باعث محبت می‌شود ، یعنی موجبات دوستی است :

۱- حسن خلق .

۲- مدارا نمودن صحیح و شایسته .

۳- تواضع و فروتنی»^(۲) .

اگر دشمنی نابجا باشد ، خداوند با دعا دل دشمن را به دوستی برمی‌گرداند ، و اگر دعا استجابت پیدا نکند ، دعاکننده بدون تعب از اجر خداوند برخوردار می‌شود .

مدارا نمودن

مدارا نمودن از چند راه به دست می‌آید :

۱- گاهی با ملاحظت و ملایمت برخورد کردن .

۲- گاهی با گشاده رویی و نرمی سخن گفتن .

۳- گاهی حلم و بردباری ، لب فرو بستن ، سکوت ، تغافل و نادیده گرفتن و مدارا

۱- بحار الأنوار ج ۷۵ ص ۱۶۵ .

۲- غرر الحکم ص ۳۶۵ .

کردن با افراد تندخو و بداخلاق یا تقیه در مقابل مخالفین و افراد زیان رسان.

زکات عقل

رسول خدا ﷺ می فرمایند: «زکات عقل، رفتار و گفتار جهال را تحمّل کردن است. زکات قدرت، عفو و بخشش است. زکات علم، معلومات خود را به افراد شایسته و لایق آموختن است. زکات کسانی که از تسهیلات مادی برخوردارند نیکی به همسایگان و صلّه ارحام است. و انفاق به رحم تهیدست از سایر انفاقها نزد خداوند اجرش بیشتر است».

اجر صدقه‌ها

از رسول اکرم ﷺ: «اجر صدقه ده برابر، پاداش قرض دادن هجده برابر، مزد صلّه برادران دینی بیست برابر، و اجر صلّه رحم بیست و چهار برابر است»^(۱).
امیرالمؤمنین علیه السلام: «صلّه رحم بزرگترین خوی و منش مردمان کریم النفس و بزرگوار است»^(۲).

مدارا با مردم

رسول اکرم ﷺ: «خداوند به من امر فرمود که با مردم مدارا کنم همانطور که فرمان داده است و اجبات را انجام دهم»^(۳).
و نیز می فرمایند: «پیامبران از این جهت از تمام مردم با فضیلت تر هستند که با مردم مدارا می کنند»^(۴).
و باز فرمودند: «عاقل ترین مردم کسی است که بیشتر با افراد مدارا کند و

۱. سفینه البحار ج ۱ ص ۵۱۴.

۲. فهرست موضوعی غرر ص ۱۳۴.

۳. وسائل ج ۸ ص ۵۴۰.

۴. سفینه البحار ج ۱ ص ۴۴۱.

خوارترین مردم کسی است که آنان را مورد تحقیر و توهین قرار دهد»^(۱).

کرامات اهل بیت علیهم السلام

ابن مسکان می گوید: امام صادق علیه السلام به من فرمودند: «در باره تو گمان دارم اگر در حضورت از علی علیه السلام بد گویند بینی آنها را با دندان بگزی».

عرض کردم: بلی والله فدایت شوم، من و اهل بیتم چنین هستیم.

حضرت فرمودند: این گونه نباش. قسم به خدا که بسا می شنیدم کسی به

علی علیه السلام بد می گوید و بین من و او جز ستون مسجد فاصله ای نبود. من خود را

پشت ستون پنهان می نمودم و موقعی که از نماز فارغ می شدم از کنارش گذر

می کردم با او مصافحه و سلام می کردم»^(۲).

امیرالمؤمنین علیه السلام: «صله رحم محبوبیت به بار می آورد و موجب خواری و ذلت

دشمن می شود»^(۳).

امیرالمؤمنین علیه السلام می فرمایند: «تقیه کنید. کسی که تقیه ندارد، ایمان ندارد».

امام سجّاد علیه السلام در فراز بعدی دعا عرض می کنند:

«وَمِنْ رَدِّ الْمَلَابِسِينَ كَرَمِ الْعِشْرَةِ».

بارالها آموزشهای و هن آور را به معاشرتهای کریمانه تبدیل کن.

یعنی، خدایا اندیشه و نیت افراد پست و فرومایه را اصلاح کن و دل آنان را به

مسیر صحیح هدایت فرما، تا معاشرتهای کریمانه و بر وفق حق و عدل باشد.

۱. سفینه البحار ج ۱ ص ۴۴۱.

۲. مشکوة الانوار ص ۴۲.

۳. غرر الحکم ص ۴۵۶.

باز امام سجاد علیه السلام بعد از صلوات بر محمد و آل محمد عرض می‌کند:

«وَأَجْعَلْ لِي يَدًا عَلَىٰ مَنْ ظَلَمَنِي وَلِسَانًا عَلَىٰ مَنْ خَاصَمَنِي
وَوَظْفَرًا بِمَنْ عَانَدَنِي وَهَبْ لِي مَكْرًا عَلَىٰ مَنْ كَايَدَنِي وَقُدْرَةً عَلَىٰ
مَنْ اضْطَهَدَنِي وَتَكْذِيبًا لِمَنْ قَصَبَنِي وَسَلَامَةً لِمَنْ تَوَعَّدَنِي
وَوَفْقِي لِبَطَاعَةِ مَنْ سَدَّدَنِي وَمُتَابَعَةِ مَنْ أَرْشَدَنِي».

هرکه را که در حقم ظلم و ستم کرد، مرا بر او دست قدرت و نیروی انتقام عطا فرما و زبان مرا با خصم من گویا گردان و هرکه با من عناد و لجاج کند، مرا بر آن پیروز گردان و هرکه با من مکر و خدعه کرد، تو مگری که بر او غالب شوم به من عطا فرما و هرکه با من به قهر و غلبه برخیزد، مرا بر او قدرت بخش که بتوانم عیب‌جویی و دشنام‌گویی بدخواهان را تکذیب نمایم و هر آن که عیب‌جویی و نکوهش کند مرا، بر ابطال کلامش مرا قادر ساز و از تهدید مردم سلامت بدار، و مرا به اطاعت و پیروی کسی که به راه ثواب و صلاح خواند و به طریق هدایت نمود، موفق ساز.

امام سجاد علیه السلام: «خدایا، مرا دست توانا قرار ده تا بر ستم و ظلم مبارزه کنم و شرّ او را از خود بگردانم».

معنای صبر

صبر، شجاعت و قوّت نفس است. مالکیت اراده و حفظ خویشتن داری، رمز موفقیت، و صبر مهمترین وسیله برای پیمودن کمال مادی و معنوی است.

معنای حقّ

حقّ، به معنای عدل، امر واقعی، یقین، ملک و مال. شبیه‌ترین مردم به انبیاء کسانی هستند که سخن حقّ بگویند و در عمل به حقّ بردبارترند.

حقّ، از اسماء خداوند است، و اهل حقّ کسانی هستند که بی قید و شرط از امر الهی پیروی می‌کنند، اگرچه مخالف هوای نفسشان باشد.

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: «شبهه‌ترین مردم به پیامبران خدا کسانی هستند که سخن حقّ بیشتر می‌گویند و در عمل به حقّ بردبارترند»^(۱).

مکر

مکر دو نوع است، یکی مکر محمود و دیگری مکر مذموم. مکر محمود این است که مکرکننده در فکر انجام کار خوبی باشد و مکر مذموم در طلب عمل قبیح باشد.

امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرمایند: «اگر نمی‌بود که مکر و فریب و خدعه در آتش است، من در مکر نمودن و فریب دادن از همه مردم قوی‌تر بودم»^(۲).

جدایی مذموم

دو مسلمان اگر بیشتر از سه روز از هم جدا (قهر) باشند، خداوند عبادت آنها را قبول نمی‌کند. جدایی بر سه رقم است: «فراق تن» مانند مسافرت، «جدایی زبان» مانند سکوت، و «فراق قلب» کدورت است.

از شرائطی که خداوند عبادت را قبول نمی‌کند این است که، اگر هر دو مؤمن باشند و یکی از آنها سلام کند، در صورتی که دومی جواب گوید، شامل این قانون نمی‌شود. ولی اگر یکی سلام دهد و دومی جواب ندهد، خداوند سلام‌کننده را مورد بخشش قرار می‌دهد و کسی که جواب نداده، آتش دوزخ بر او شایسته است.

جدایی روا

اگر دوستی بعد از مدتی فهمید دوستش اهل فسق و گناه و ماجن (از گناه باک

۱. فهرست موضوعی غرر ص ۷۴.

۲. کافی ج ۲ ص ۳۳۶.

ندارد) یا کذاب یا احمق است و با او قهر کند، اشکالی نیست، بلکه بهتر است با او دوستی نکند.

امیرالمؤمنین علیه السلام فرموده‌اند: «مراء و خصومت، بذری است که در دلها افشانده می‌شود و محصول آن شرّ و فساد است»^(۱).

امام صادق علیه السلام فرمودند: «از دشمنی و خصومت بپرهیزید که خصومت دل را به خود مشغول می‌کند، نفاق و دو رویی به وجود می‌آورد و مایه حقد و کینه می‌گردد»^(۲).

عوامل مقابله با عوامل رنجش

۱- به صفات حمیده خود را آراسته کنیم. حلم و قدرت، خویشتن داری، که با حلم به غضب خود چیره شویم و آن را مهار کنیم و خویشتن را از انتقام جوئی مصون داریم.

۲- تغافل: یعنی چیزی را که می‌دانیم خود را از روی مصلحت غافل و بی‌خبر نشان بدهیم.

حضرت رسول گرامی صلی الله علیه و آله: «سبّ کننده مؤمن (دشنامگو) مانند کسی است که در پرتگاه هلاکت قرار گرفته است»^(۳).

رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «اگر کسی نظر تندی به مؤمنی بيفکند که او را بترساند خداوند او را در روزی که سایه و پناهگاهی جز سایه او وجود ندارد، می‌ترساند»^(۴).

حضرت در قسمت آخر فراز دعا عرض می‌کنند: خدایا به من توفیق ده تا کسی

۱. فهرست موضوعی غرر ص ۳۶۴.

۲. کافی ج ۲ ص ۳۰۱.

۳. کافی ج ۲ ص ۳۵۹.

۴. کافی ج ۲ ص ۳۶۸.

که مرا به راه ثواب می خواند ، اطاعت کنم .

وسایل و اسباب توفیق برای انجام عمل خیر متعدّد است و بعضی از آن وسایل در اختیار خود ماست که باید به موقع استفاده کنیم و به توفیق خود کمک نمائیم .

حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام فرمودند : « کسی که از خداوند طلب توفیق کند ولی در آن راه مجاهده و کوشش ننماید ، خود را مسخره کرده است »^(۱) .

امیرالمؤمنین علیه السلام می فرمایند : « علاقمندترین مردم نسبت به تو کسی است که بیش از دیگران در اصلاح نفست بکوشد و بیش از هرکس به دین تو خیر خواه باشد »^(۲) .

امیرالمؤمنین علیه السلام می فرمایند : « موفق نمی شود کسی که بدیها را نیکو بشمرد و از گفته دوست خیرخواه و ناصح خود اعراض نماید »^(۳) .



امام سجّاد علیه السلام بعد از صلوات بر محمّد و آل محمّد عرض می کنند :

« وَ سَدَّدَنِي لِأَنَّ أَعَارِضَ مَنْ غَشَّيَ بِالنُّصْحِ وَأَجْزِي مَنْ هَجَرَنِي
بِالْبِرِّ وَأُثِيبَ مَنْ حَرَمَنِي بِالْبَذْلِ وَأُكْفَى مَنْ قَطَعَنِي بِالصَّلَاةِ
وَأُخَالِفَ مَنْ اغْتَابَنِي إِلَى حُسْنِ الذُّكْرِ وَأَنْ أَشْكُرَ الْحَسَنَةَ
وَأُغْضِي عَنِ السَّيِّئَةِ » .

خدایا ، مرا به راه صواب تأیید کن که با هرکسی که با من غش و خیانت کند ، در عوض با او مهربانی و راستی کنم و هرکسی از من در روی کند ، به نکوئی تلافی کنم و به هرکس که مرا محروم (از

۱ . مجموعه ورام ج ۲ ص ۱۱۰ .

۲ . بهرست موضوعی غرر ص ۳۸۱ .

۳ . غرر الحکم ص ۶۰۲ .

احسان) کرده، بذل عطا کنم و با هرکس که از من قطع پیوند
(ترک دوستی) کرده، در مقابل با او بییوندم و به محبت پردازم و
هرکس مرا غیبت و بدگویی کند، در مقابل به ذکر خیرش یاد کنم
و توفیقم عطا کن که در برابر نکوئی (خلق و خالق) سپاسگزاری
و از بدی (خلق) چشم پوشی کنم.

امام سجاد علیه السلام در این فراز از دعا پیوند با دوستان و احسان و محبت به آنها را از
خداوند خواسته و کسانی را که در پشت سرشان غیبتی می‌کنند، بخشیده و با
خوبی یادشان می‌کند.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «کسانی که در هر کاری خیانت و تقلب می‌کنند، در
قیامت از ما نیستند و با یهودیان محشور می‌گردند. زیرا یهود نسبت به مسلمانان
خائن‌ترین خلق‌اند»^(۱).

عمل خالص که فقط برای خدا انجام می‌شود و نیت پاک داشته باشد و نسبت به
مردم در معامله غش نداشته باشد و خیرخواه همه باشد.

در قسمت دیگر از فراز دعا حضرت از محبت و الفتی که به قضای خداوند در
پرتو یکتاپرستی در قلوب مسلمانان ایجاد شده، سخن به میان آورده‌اند.

امام صادق علیه السلام فرمودند: «مؤمن هدیه‌ای است از خداوند به برادر مؤمنش. اگر
موجبات سرور و صلۀ او را فراهم آورد، هدیه خداوند را پذیرا شده و اگر از او ببرد و
قطع علاقه نماید، هدیه الهی را رد کرده است»^(۲).

غیبت چیست؟

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: «اگر برادرت را به چیزی یاد کنی که از آن کراهت دارد

۱. سفینه البحار ج ۲ ص ۳۱۸.

۲. مستدرک الوسائل ج ۲ ص ۱۰۲.

یا به زبان، یا به اشاره، غیبت می شود»^(۱).

عایشه می گوید: زنی بر ما وارد شد. وقتی روی برگرداند که برود، من با دستم اشاره نمودم که او کوتاه قد است. رسول خدا ﷺ به من فرمودند: «با این عمل از او غیبت کردی»^(۲).

حدیثی از رسول خدا ﷺ راجع به غیبت مجاز:

«کسی که پرده حیا را از چهره خود بیفکند و در مقابل مردم بدون احساس شرمساری مرتکب گناه شود، برای او غیبتی نیست»^(۳).

زدودن غیبت از نامه اعمال

در گناه غیبت دو حق وجود دارد:

حق خالق، که با توبه خداوند متعال از شخص نادم و پشیمان می گذرد.

و اما حق مخلوق، یعنی کسی که مورد غیبت واقع شده. اگر از دنیا رفته، و یا در جایی سکونت دارد که به او دسترسی نیست، برای او مکرراً از درگاه خداوند استغفار کند که موجب می شود در قیامت در نامه اعمال غیبت شده حسنات بنویسند و مورد رضایت او شود و غیبت کننده را مورد اغماض قرار دهد. اگر زنده است و انسان بزرگوار و باگذشتی باشد، با شرمندگی نزد او رفته و عذر بخواهد، که البته این شخص او را می بخشد، چون خداوند گناهان او را می بخشد. چون امید به رحمت و بخشایش خداوند دارد. اگر غیبت شده زنده و در دسترس است و از غیبت خبر ندارد و اگر گمان شود بعد از مراجعه به او، فتنه و فساد می شود، برای او استغفار زیاد کند و یا غیبت شده، انسان بی گذشتی باشد و از او نگذرد، برای او نیز

۱. میزان الحکمه ج ۷ ص ۳۳۸.

۲. جامع السعادات ج ۲ ص ۲۸۸.

۳. جواهر الکلام ج ۲۲ ص ۶۹.

استغفار کند .

غیبت‌های مجاز

- ۱ - کسانی که گناهان آشکار انجام می‌دهند و گناه را ظاهر می‌کنند .
 - ۲ - بدعت‌گذار . تا نتواند به دین ضرر زده و مسلمانان را از صراط مستقیم منحرف کند .
- پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرمایند : «کسی که قدرت مالی دارد ولی در ادای دین واجب خود تعلل می‌ورزد و به ناحق آن را به تعویق می‌اندازد ، با این عمل غیبت و کفر خود را حلال می‌نماید»^(۱) .

غیبتی که برای احقاق حق و اقامه عدل است ، بلامانع می‌باشد . جواب دادن به مشورت مسلمانی ، غیبت نیست . در تحقیق برای ازدواج ، آنچه می‌دانند ، بگویند ، غیبت نیست . هیچ‌گاه نباید نزد غیبت‌کننده بروی و رو به رو کنی که ممکن است با هتک حرمت و توهین جدیدی رو به رو شوی .

امام سجّاد علیه السلام عرض می‌کنند : «بارالها ، موفقم بدار تا بر خلاف روش آن کسی که از من غیبت نموده و به بدی یادم کرده است ، قدم بردارم و او را به خوبی و نیکی یاد نمایم» .

امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرمایند : «هر عمل کریمانه که انجام می‌دهی ، و هر کار مهمی را که درباره یکی از مردم به جا می‌آوری ، با آن عمل بزرگ خودت را اکرام می‌کنی و شرف انسانیت را به آن زینت می‌دهی . پس از غیر خودت شکرکار خوبی را که برای خود انجام داده‌ای ، طلب مینما»^(۲) .

۱ . جامع السّادات ج ۲ ص ۳۰۶ .

۲ . کتاب جعفریات ص ۲۳۶ .

«وَأَنْ أَشْكُرَ الْحَسَنَةَ وَأُغْضِيَ عَنِ السَّيِّئَةِ».

بارالها، به من توفیق بده که خوبیها را شکرگزار و از بدیها چشم پوشی کنم.

معنای شکر چیست؟

شکر سه قسمت است:

۱- شکر قلب (تصور نعمت، مهمترین شکرهاست).

۲- شکر زبان

۳- شکر جوارح

موسی بن عمران در مناجات خود به پیشگاه خداوند عرض کرد: «بارالها، آدم را به دست خود آفریدی، در بهشت خود جای دادی، حوا را به همسریش گزیدی، او چگونه تو را شکر می کرد؟»

خداوند فرمود: «آدم دانست که همه آن نعمت ها از من است و او با این معرفت شکر من را به جای آورد»^(۱). کسی که در دل باور دارد تمام نعمت ها از خداست و ادای وظیفه قلبی نموده، در مقام عمل نیز شاکر است. یعنی جوارح خود را در کارهایی که مرضی خداست به کار می برد و مراقب است با عطایای الهی، مرتکب گناه نشود.

امام صادق علیه السلام می فرمایند: «شکر نعمت ها، پرهیز از گناه است. و شکر کامل بنده، الحمد لله رب العالمین»^(۲) است و اجر شکرگزاری در مقابل خداوند، اجر عبادت دارد. پس برای هر نعمتی که به تو می رسد، بگو «الحمد لله».

نعمت های خداوند دو دسته است:

۱. جامع السعادات ج ۳ ص ۲۳۲.

۲. مشکوة الانوار ص ۳۱.

۱ - نعمت‌های تکوینی: دست بشر در آن دخالت ندارد. آفتاب، آب، هوا و آنچه در نظام خلقت مقرر گردیده است.

۲ - نعمت‌های مجازی: که عطای آنها از طرف افراد بشر است. خالق اصل نعمت خداست و راه وصول نعمت، انسانهاست که باید مراتب حق‌شناسی ابراز کرد.

امام علی بن موسی الرضا علیه السلام می‌فرمایند: «کسی که شکر نعمت مخلوق خدا را ادا نکند، شکر خداوند خالق را ادا ننموده و به جا نیاورده.»^(۱) نعمت حیات به وسیله پدر و مادر به ما عطا شده، پس باید اولین کسانی باشند که شکر می‌کنیم. رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرمایند: «در قیامت بنده‌ای را برای عذاب می‌آورند. می‌گوید: پروردگارا، من معصیت تو را نکردم. قاری قرآن بودم. جواب می‌آید، شکر نعمت نکردی. می‌گوید: هر نعمتی که به من رسید، شکر کردم. می‌فرمایند: از مخلوق که واسطه نعمت بودند، شکر گذار نبودی»^(۲).

اگر کسی به شما بدی کرد، آن را بپوشانید. وقتی نعمتی را به کسی رسانیدید، بر سرش منت نگذارید، که با این عمل اجر خود را در پیشگاه پروردگار عالم از میان می‌برید. کسی را که به شما نعمتی می‌رساند، تشویق کنید.

زیاد نام بردن از کارهای نیک، افراد شجاع را تحریک و افراد سست را ترغیب به تحریک و فعالیت می‌کند.

﴿هُوَ أَنشَأَكُم مِّنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا﴾^(۳)؛ خدایی که شما را آفریده و قدرت عمران و آبادی را به شما عطا کرده است.

۱. میزان الحکمه ج ۵ ص ۱۵۳.

۲. سفینه البحار ج ۱ ص ۷۱۰.

۳. هود: ۶۱.

ستر عیوب

«يَا مَنْ أَظْهَرَ الْجَمِيلَ وَسَتَرَ الْقَبِيحَ».

ظاهر ساختن خوبیهای افراد و پوشانیدن عیوبها، باید این دو صفت بزرگ از صفات آقا امیرالمؤمنین علیه السلام را تمرین کنید.

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: «اگر مؤمنی را در حال گناه مشاهده کنم، او را با لباس خود می پوشانم و یا با لباس خودش می پوشانم»^(۱).

امام صادق علیه السلام فرمودند: «صلاح و شایستگی عمل معروف وابسته به سه چیز است: ۱- کوچک شمردن ۲- پنهان داشتن ۳- تعجیل در انجام آن»^(۲).

اگر منعمی برای شهرت طلبی، (مهمانی مفصل) در غیر حق، برای افراد نااهل، مال خود را صرف کند، در کیفیت و کمیت آن هم اسراف کند، افراط اینها احسان نیست و استحقاق شکر را ندارد، و شایان توبیخ است.

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَحَلِّني بِحِلْيَةِ الصَّالِحِينَ وَالسِّنِّي
زِينَةَ الْمُتَّقِينَ فِي بَسْطِ الْعَدْلِ وَكَظْمِ الْغَيْظِ وَإِطْفَاءِ النَّائِرَةِ وَضَمِّ
أَهْلِ الْفُرْقَةِ وَإِصْلَاحِ ذَاتِ الْبَيْنِ وَإِفْشَاءِ الْعَارِفَةِ وَسِتْرِ الْعَائِبَةِ
وَلِينِ الْعَرِيكَةِ وَخَفْضِ الْجَنَاحِ وَحُسْنِ السَّيْرِ وَسُكُونِ الرَّيْحِ
وَطِيبِ الْمُخَالَقَةِ وَالسَّبْقِ إِلَى الْقَضِيَّةِ وَإِثَارِ التَّفَضُّلِ وَتَرْكِ
التَّعْيِيرِ وَالْإِفْضَالِ عَلَى غَيْرِ الْمُسْتَحِقِّ وَالْقَوْلِ بِالْحَقِّ وَإِنْ عَزَّ
وَاسْتِقْلَالَ الْخَيْرِ وَإِنْ كَثُرَ مِنْ قَوْلِي وَفَعَلِي وَأَكْمِلْ ذَلِكَ لِي بِدَوَامِ
الطَّاعَةِ وَلزُومِ الْجَمَاعَةِ وَرَفْضِ أَهْلِ الْبِدْعِ وَمُسْتَعْمِلِي الرَّأْيِ

۱. قرب الاسناد ص ۲۴۲.

۲. کافی ج ۴ ص ۳۰.

المُخْتَرَعُ.

امام سجاد علیه السلام در فراز این دعا عرض می‌کنند: پروردگارا، درود فرست بر محمد و آل او و مرا به زیور صالحان بیارای و به جامهٔ زینت اهل تقوی بپوشان که بساط عدل و داد را بگسترانم و خشم خود را فرو نشانم و آتش فتنه را خاموش سازم و تفرقهٔ امت را جمع و اختلاف بین مسلمین را اصلاح گردانم و نیکوکاری را فاش و اعمال زشت خلق را مستور سازم و با خلق خوش رفتار و آسان گیر و متواضع و خوش سیرت و بی تکبر و نیکو خلق باشم و به هر فضل و کمال سبقت گیرم. زیادی مال دنیا را به مستحقان ایثار و اعطا کنم و اعطاء به غیر مستحق و ملامت و سرزنش مردم نکنم و سخن به حق و حقیقت گویم، هر چند مردم کمتر پذیرند و عمل خیرم را هر چند در قول بسیار باشد، اندک و ناچیز در نظر شمارم و باز این اوصاف مرا تکمیل فرما به دوام طاعت خود و ملازمت با جماعت مسلمین و دوری از اهل بدعت و اهل آزار و مخترع.

از نگاه امام سجاد علیه السلام صالحین چه کسانی هستند؟!

صالحین: بندگان شایسته و لایق هستند. عباد الصالحین که وارث زمین هستند، باید دارای علم و عمل و عقل، تدبیر، سعی، کوشش، همیاری، همکاری، تعاون، ایثار، اتحاد، هماهنگی، برادری، محبت و... باشند.

زیور صالحین یعنی از شرایطی برخوردارم کن که بتوانم امور مهم را در جامعه پیاده کنم.

﴿ وَسَخَّرَ لَكُمْ الْآنْهَارَ ﴾؛ خداوند رودخانه‌ها را مسخر شما گردانید.

خداوند به گونه‌ای آنها را خلق کرده که بشر با سدّ آنها را مهار می‌کند. خداوند حکیم، از اول خلقت، انسان را با این قابلیت آفریده و استعداد حاکمیت زمین را در وجودش به ودیعه گذاشته است.

لباس تقوا

امام سجّاد عرض می‌کنند: خدایا زینت متقین را بر من بپوشان. چون با تقوا، شخص به صلاحیت می‌رسد.

لباس چیزی است که چیزهای قبیح را می‌پوشاند، و تقوا عبارت است از اینکه آدمی خود را در پناهی قرار دهد تا به شرّی که از آن می‌ترسد، دچار نشود. تقوا ملکه نفسانی و حالت ثابت روحی است.

امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرمایند: «تقوی و پرهیز از گناه، کلید صلاح و شایستگی است»^(۱).

امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرمایند: «به تقوی پناه ببرد که تقوا سپری است نیرومند و محکم. هرکس که به آن پناهنده شود، مصونش می‌دارد. و هرکس به آن متمسک شود به او صیانت و حفاظت می‌بخشد»^(۲).

کسی که لباس مقدّس تقوا پوشیده است، دارای تقوای قولی، عملی، مالی، اخلاقی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و دیگر امور مربوط به زندگی است که اوّل در هر کاری رضای خدا را در نظر می‌گیرد، بعد عمل می‌کند.

عفت

عفت در آدمی عبارت است از خودداری از چیزی که حلال و شایسته نیست،

۱. میزان الحکمه ج ۱۰ ص ۶۲۵.
 ۲. فهرست موضوعی غرر ص ۴۱۳.

خواه قول باشد یا عمل. امام باقر علیه السلام فرمودند: «لباس تقوا عفت است»^(۱).

عفت قلم، زبان، چشم، اخلاق، غریزه جنسی. تقوا بزرگترین شرط صلاحیت صالحین است. تقوای کامل که شخص کوچکترین قدمی بر خلاف رضای الهی برندارد، مخصوص معصومین و اولیاء برگزیده الهی است.

امیرالمؤمنین علیه السلام می فرمایند: «هیچ وقت شما را به طاعتی ترغیب ننمودم، مگر اینکه خودم قبل از شما به آن سبقت جستیم و هیچ گاه شما را از معصیتی نهی ننمودم، مگر آنکه پیش از شما، خویشان را از آن بازداشتیم»^(۲).

عدل

پیامبر صلی الله علیه و آله می فرمایند: «عدل یک ساعت، بهتر از عبادت ۷۰ سال که شبش در قیام و روزش در صیام طی شود. و جور یک ساعت، در حکم نزد خداوند، شدیدتر از ۶۰ سال معصیت است»^(۳).

در قرآن کریم در مورد عدل، سوره حدید آیه ۲۵ می فرماید: ﴿لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ...﴾؛ قطعاً ما پیامبرانمان را با نشانه‌هایی فرستادیم و با آنها کتاب و میزان را نازل نمودیم تا مردم به عدالت قیام کنند.

عدل چیست؟ در لغت به معنی ضد جور و ظلم است، یا هر چیزی در جای خودش قرار داده شود.

امیرالمؤمنین علیه السلام می فرمایند: «عدل را ترازوی الهی برای اقامه حق خواسته است». و فرمود: «عدل، میزان خداوند سبحان است، که برای مخلوق قرار داده

۱. میزان الحکمه ج ۱۰ ص ۶۲۳.

۲. نهج البلاغه خطبه ۱۷۵.

۳. میزان الحکمه ج ۶ ص ۷۹.

است و آن را به منظور اقامه حقّ نصب نموده است. پس با خداوند در میزانی که قرار داده، مخالفت نکن و با سلطه و قدرت او معارضه ننما. ^(۱) نظم کهکشانشا و جهان هستی، بر پایه نظم و عدل تکوینی خداوند حکیم است.

عدالت

﴿ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ ﴾ ^(۲)؛ ای کسانی که ایمان

آورده‌اید، به عدالت بکوشید اگرچه به ضرر خودتان یا نزدیکان شما باشد. قوامین صیغه مبالغه است. کسی که بسیار بر چیزی ایستادگی کند تا آن را انجام دهد. اصرار و پافشاری دارد که عدالت را پیاده کند.

خداوند می‌فرماید: «کوشش کنید راه عدالت را پیش بگیرید».

از نظم یک اتم تا کهکشانشا، عدالت برقرار است. تنها جایی که عدالت به هم خورده و انسانها نظم موجود را به هم زده‌اند، راه علم را کنار گذاشته و راه جهل را انتخاب کرده‌اند که ان شاء الله حضرت ﷺ تشریف بیاورند و این عدالت برقرار شود.

باید بیماریهای روحی را درمان کرد تا با روحی سالم، قوامین بالقسط باشیم که وقتی امام زمان ﷺ ظهور کردند، سر سوزنی صفت رذیله نداشته باشیم. باید با یقظه و بیداری امام زمانت را بشناسی و گرنه، یهودی و مسیحی، هم منجی را می‌شناسد که ظهور می‌کند.

اگر نور نباشد، تاریکی است. اگر عقل و لشکرش نباشد، جهل و لشکرش هست. با یک صفت مثل تکبر، جهل، شیطان تو را به طرف خودش می‌کشد. قوامین یعنی آنقدر می‌ایستی تا بیماریهای تو را شفا دهند.

۱. غرر الحکم ص ۲۲۲.

۲. نساء: ۱۳۵.

آنقدر در خانه ائمه علیهم السلام می نشینی، تا تمام کارهایت درست شود.
باید درد را حس کنیم، باید صفات رذیله خود را بشناسیم تا به فکر درمان
باشیم.

ظلم

چیزی را در غیر موضع خود قرار دادن که به صورت افراط و تفریط است.
«أَلَا يَعْلَمُ مَنْ خَلَقَ وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ»^(۱)؛ آیا کسی که عالم را آفریده از
مخلوق خود آگاهی ندارد و اوست که به تمام حقایق درون و برون اشیاء واقف
است.

کسی که از حدّ خداوند تجاوز کند و افراط و تفریط داشته باشد، ظالم است.
غیبت کردن، خود، نوعی ظلم است.

توشه برای آخرت

امام مجتبی علیه السلام می فرمایند: «ای فرزند آدم، تو از موقعی که رحم مادر را ترک
کردی و به این عالم قدم گذاردی، همواره در ویران ساختن عمر خود هستی. پس
از سرمایه‌ای که هم اکنون در دست داری برای منازل آینده خود ذخیره‌ای بردار که
شخص با ایمان در این جهان توشه بر می‌گیرد و کافر در فکر لذت‌گرایی و کام‌یابی
است»^(۲).

استقامت

امیرالمؤمنین علیه السلام می فرمایند: «بر تو باد استقامت و پایداری، که استقامت برای
تو کسب بزرگواری و کرامت می‌نماید، و در زمینه ملامت امر تو را کفایت می‌کند»^(۳).

۱. ملک: ۱۴.

۲. بحارالانوار ج ۷۵ ص ۱۱۲.

۳. میزان الحکمه ج ۸ ص ۲۸۸.

کسی که مردم جهان را به عدل دعوت می‌کند باید دارای ورع و تقوا باشد و در جمیع شئون زندگی عدل را رعایت کند.

کظم غیظ

در قسمت دیگر از فراز دعا حضرت در مورد کظم غیظ عرض می‌کنند:

بارالها، زیور و صلاحیت و لباس تقوا را به من بپوشان تا بتوانم از فوران غیظ جلوگیری کنم و آتش خشم را فروشانم.

قوه غضب یکی از غرایز ارزشمند و مهم و نیروی دفاع آدمی در مقابل عوامل زیان بار است.

برای دفاع از دشمن، به کار بردن قوه غضب، مقبول عقل و شرع است. اما اگر از برادر خود یا فرد عادی سخن سرد یا دشنامی بشنود، وظیفه اخلاقی و سجیه انسانی به وی اجازه نمی‌دهد قوه غضب را که سلاح دفاع از دشمن و حیات اوست، آزادانه به کار گیرد.

امام عسکری علیه السلام می‌فرماید: «غضب، کلید تمام شرور و بدی‌هاست»^(۱).

امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید: «غضب، آتشی است افروخته. هرکس در ضمیر خود آن را فرو نشاند، خاموشش نموده است، و هرکس آزادش بگذارد، خود، اول کسی است که در شعله‌های آن خواهد سوخت»^(۲).

کظم غیظ یعنی فرو نشاندن هیجان درونی. که با تغییر حالت، اگر نشسته، بایستند یا بر عکس، و شستن دست و صورت با آب سرد، یا از محیط غضب خارج شدن، بدست می‌آید. بدبختانه هیجان غضب، عقل را تیره می‌کند و نمی‌گذارد آدمی به خیر و صلاح بیندیشد و آن را به کار ببرد.

۱. تحف العقول ص ۴۸۸.

۲. میزان الحکمه ج ۷ ص ۲۳۲.

امیرالمؤمنین علیه السلام می فرمایند: «غضب، عقل را فاسد می کند و آدمی را از تشخیص صلاح و ثواب دور می سازد»^(۱).

رسول اکرم صلی الله علیه و آله می فرمایند: «از جمله راههای محبوب برای قرب به خداوند دو جرعه است: ۱- جرعه غیظ ۲- جرعه مصیبت. افراد با ایمان جرعه غیظ را با حلم و جرعه مصیبت را با صبر به درون خود رد می کنند و برون نمی افکنند»^(۲).

امام صادق علیه السلام می فرمایند: «هیچ بنده ای کظم غیظ نمی کند، مگر اینکه خداوند عزّ او را در دنیا و قیامت افزایش می دهد»^(۳). و نیز فرموده اند: «هر کس غیظی را فرو نشاند اگر که بخواهد می تواند آن را عمل نماید، خداوند در قیامت دل او را از خشنودی و رضای خود پُر می کند»^(۴).

رشد

اولین کسی که رشد پیدا کرده، انبیاء هستند. ﴿آتَيْنَا إِبْرَاهِيمَ رُشْدًا﴾ رشد به معنی هدایت است. شما پیروی کنید از انبیاء که اگر پیرو آنها نباشید خودتان را سفیه قرار داده اید و محروم می شوید.

امام حسین علیه السلام فرمودند: «مردم رشد کنید. رشد اقتصادی خوب است، اگر با دروغ و فریب نباشد».

شوهری که اقتصاد خوب دارد ولی ایمان ندارد، فایده ندارد. رشد اقتصادی به چه قیمتی؟! رشد اقتصادی باید همراه رشد معنوی باشد. اگر تقوا بیشتر شد، رشد درست است.

رفعت و صنعت و دین: اگر منازل و خانه ها بزرگ شدند و دین پایین آمد، فایده

۱. فهرست موضوعی غرر ص ۲۹۲.

۲. کافی ج ۲ ص ۱۱۰.

۳. مشکوة الأنوار ص ۲۱۷.

۴. سفینة البحار ج ۲ ص ۴۸۱.

ندارد. ﴿ وَكُنَّا مَعَ الْقَاعِدِينَ ﴾ هر طور دیگران بودند، ما هم بودیم. ولی سوره کهف به ما می‌گوید: اقلیت‌های مذهبی در کشورهای کفر است. بعضی‌ها جامعه را هم عوض می‌کنند، مثل حضرت ابراهیم که بتها را شکست. یک عده در جامعه حل می‌شوند و یک عده حل نمی‌شوند و جامعه را به رنگ خود در می‌آورند.

عفو

امام سجّاد علیه السلام: «حقّ کسی که به شما بد کرده، این است که او را ببخشی و عفویش نمایی، که اگر دانستی عفو او زیان بار است، با استنصار از قانون و قاضی و مردم، مجازاتش می‌نمایی».

کظم غیظ از امام سجّاد علیه السلام: «کظم غیظ فرو نشاندن هیجان درونی به معنای عفو و اغماض، از کسی که با عمل ناروای خود، موجب خشم شما گردیده، نیست. بلکه مقصود این است که خشم درونی خود را بیرون نیافکنی و خود به اعمال غضب و انتقام جویی دست نزنی. چه، ممکن است در خلال عمل، مرتکب گناهان بزرگ شوی و دچار ندامت و افسوس گردی. اما پس از واپس زدن هیجان باطنی و کظم غیظ، فکر کن، که اگر کسی که به شما آزار داده، قابل عفو است، او را ببخش، اگر شایسته عفو نیست از راه قانون مجازاتش کن، نه با اعمال غضب و انتقام جویی».

فرو نشاندن آتش خشم

در مرحله اوّل، غیظش را در ضمیرش فرو نشانند و با هر وسیله ممکن، جلوی آن را بگیرد. در مرحله دوم، موجباتی فراهم کند که آتش غضب خاموش شود تا خودش و بستگانش و اطرافیان از خطر رهایی یابند. خدمت به چنین کسانی، همانند آب دادن به تشنه‌ای در بیابان سوزان، که اگر به او نرسند و آبش ندهند عطش به حیاتش خاتمه می‌دهد.

امام صادق علیه السلام: «ذلیل، ظالم است»^(۱) و هیچ‌گاه کظم غیظ باعث ذلت نمی‌شود. غضب از عواملی است که می‌تواند مردم را به گناه وادار کند و عدالتشان را از میان ببرد.

اصلاح ذات البین

حضرت علی علیه السلام فرمودند از پیامبر صلی الله علیه و آله شنیدم: «آیا به شما خبر دهم به چیزی که درجه آن بالاتر و برتر از نماز و روزه و صدقه است؟ آن اصلاح ذات البین است»^(۲). کسی که می‌خواهد اصلاح ذات البین کند، باید بکوشد اختلافات را بردارد. (مالی - عقیده‌ای - اخلاقی - حقوقی و...) صلاح در جامعه بهتر از اصلاح است. مثل پیشگیری و درمان است در طب.

چرا اصلاح و صلاح ذات البین بهتر از نماز و روزه است؟

چون نماز و روزه به منزله دو شاخه بزرگ و ثمربخش از شجره طیبه اسلام است و هر دو در پیشگاه الهی، قدر و منزلت بسیار دارند، ولی اصل درخت یعنی اسلام، مهمتر از شاخه‌های آن است. و درختی شاخه می‌دهد که خود درخت سالم و زنده باشد. نگهبان شجره طیبه اسلام ذات اقدس الهی است.

وحدت و اصلاح ذات البین: در یک روستا اگر همه در کمال صفا زندگی کنند به موقع کار، نماز جماعت و استماع مواعظ و گردهمایی، برای فوت یا عروسی یا ضرر یکی از افراد، همه دست به دست هم بدهند و مشکلات را برطرف کنند، برعکس زمانی است که دسته بندی و اختلاف بروز کند، چون رفته رفته نمازهای یومی هم فراموش و روزه رمضان از یاد می‌رود. پس اصلاح ذات البین مهمتر از نماز و روزه است.

۱. مجموعه ورام ج ۱ ص ۱۲۵.

۲. نهج البلاغه نامه ۴۷.

ستر العیوب

در قسمتی از فراز دعا، حضرت از خداوند می‌خواهند که خوبیهای مردم را بگویند و عیوب آنها را مستور دارند و به زبان نیاورند.

«يَا مَنْ أَظْهَرَ الْجَمِيلَ وَسَتَرَ الْقَبِيحَ»؛ ای خداوندی که زیباییها را آشکار و زشتیها را می‌پوشانی.

بارالها، توفیق ده، خوبیهای مردم را بگویم و عیوب آنها را مستور کنم. چون افراد خیر را دلگرم و مردم را متوجه عمل نیک می‌کند. و نشر دهنده خوبیها خود محبوب نیکوکاران و سایر مردم می‌شود. و بر اثر خلق پسندیده‌ای که دارد احترامش افزایش می‌یابد.

امام سجّاد علیه السلام عرض می‌کنند: «خدایا، موفقم بدار که معروف را افشا نمایم و بین مردم نشر دهم». معروف به معنی خیر و خوبی و احسان و هر عملی که شرعاً و عقلاً پسندیده است، می‌باشد.

زکات جوارح

زکات زبان، نصیحت به مسلمانان و بیدار کردن افراد غافل است.

زکات عقل، تحمل کردن نادانی‌های جهال است.

زکات بدن، عمل صالح انجام دادن و عفو و اغماض زکات پیروزی می‌باشد.

امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید: «زکات گشایش زندگی و تمکن مالی، نیکی به همسایگان و صله ارحام است»^(۱).

خدمت خود را پنهان داشتن

امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید: «اگر کسی درباره‌ی تو معرفی انجام داده، نشر بده و شایع کن و اگر خودت درباره‌ی دیگری معرفی انجام دادی، آن را پنهان کن و به زبان

نیاور»^(۱).

امام صادق علیه السلام می فرمایند: «مردم دو گروه هستند: ۱- مبتلا به بیماری گناهان هستند. ۲- در عافیت و سلامتی. بیماران گناه را مورد ترحم قرار دهید و خداوند را در مقابل نعمت عافیت شکرگزار باشید»^(۲).

بدترین خَلق

امیرالمؤمنین علیه السلام می فرمایند: «بدترین خَلق، کسی است که باک ندارد که مردم او را در حال گناه ببینند»^(۳).

عادت بد

عادت‌هایی که بر اثر تمرین و تکرار پدید می‌آیند، به منزله طبیعت دوم است، و احکام و مقررات طبیعت اول را تغییر می‌دهد و مقتضیات خود را جایگزین آن می‌نماید. مثل یک سیگاری که به عوارض بد سیگار برای ریه توجه نکند. وضع طبیعی آن، تدریجاً عوض می‌شود و با سم دود انس می‌گیرد. رفته رفته به آن عادت می‌کند و پس از تکرار هزاران بار، آنچنان می‌شود که نه تنها از دود ناراحت نمی‌شود بلکه از آن لذت می‌برد.

خُلُق افضل

بعضی خُلُق‌یات، عطیه‌ای الهی است که خداوند به بندگان خود اعطا کرده، و بعضی از خُلُق‌یات، سجه طبیعی است و بعضی را باید با کوشش و نیت و قصد به دست آورد و خُلُق افضل و عمل افضل از کسی است که با سعی و کوشش آن را به دست می‌آورد. امام سجّاد علیه السلام عرض می‌کنند: «خدایا، به ما نرم خوئی عطا کن».

۱. فهرست موضوعی غرر ص ۲۴۵.

۲. تحف العقول ص ۳۰۵.

۳. میزان الحکمه ج ۷ ص ۴۹۴.

کسی که طبیعتاً این خوی را دارد خوب است. ولی کسی که از این خوی برخوردار نیست، می‌تواند از راه مجاهده و کوشش، خویشتن را به این خوی پسندیده عادت دهد.

تند خوئی

تند خوئی و خشونت، مایه تحقیر شخصیت و موجب برانگیختن طرف مقابل می‌شود و می‌تواند منشأ مقابله و اختلاف گردد و سخنان ناروارد و بدل شود. نرم خوئی و نرم گویی دو صفت حمیده است که خداوند در آیات قرآن در سوره آل عمران آیه ۱۵۹ فرموده: ﴿فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ﴾؛ (ای پیامبر) و به خاطر رحمتی از جانب خدا، تو در مقابل مردم نرم و مهربانی و اگر تو یک شخص خشن و سخت دلی می‌بودی، مردم از اطرافت متفرق می‌شدند. پس آنها را عفو کن و برای آنها (از خدا) طلب بخشش کن و با آنها در کارها مشورت کن، و زمانی که تصمیم گرفتی، پس توکل بر خدا کن. چون قطعاً خدا کسانی را که توکل می‌کنند، دوست دارد.

امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرمایند: «زیانت را عادت ده که گفتارت همیشه نرم و ملایم باشد»^(۱).

فروتنی و تواضع

«هرگاه کسی بر رسول خدا صلی الله علیه و آله وارد می‌شد، از تشکی که بر روی آن می‌نشستند، بلند می‌شدند و تعارف می‌کردند، یا عبای خود را زیر شخص می‌گسترانیدند. اگر خود پیامبر در مسجد تنها بودند و کسی وارد می‌شد، باز هم

به احترام آن شخص جابجا می شدند.»^(۱) «وَأَخْفِضْ جَنَاحَكَ لِلْمُؤْمِنِينَ»^(۲)؛ ای پیامبر، با مؤمنین مانند کبوتری که بال می گشاید، رفتار کن. کبوتر وقتی بالا می رود، بال را باز می کند، وقتی پایین می آید، بال را جمع می کند و خم می کند که خداوند فرموده در مقابل والدین هم به این شکل باشید.

حدّ فروتنی از نظر حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام: «حدّ تواضع این است که از خودت، آن را به مردم عطا کنی، که دوست داری مردم همانند آن را به تو عطا کنند»^(۳) و نشانه های تواضع چند چیز است:

- ۱- در مجلس جائی نشینی که از جایگاه شایسته تو پست تر باشد.
 - ۲- با هرکس برخورد می کنی، سلام کنی.
 - ۳- از بحث خصومت انگیز پرهیز کنی، اگرچه حقّ با تو باشد.
 - ۴- نخواسته باشی برای تقوا، تو را مورد تحسین قرار دهند.
- ایمان، به شخص سیره خوب و حُسنِ برخورد می دهد. (سیره به معنی سنّت و راه و روش است).

امام هادی علیه السلام می فرماید: «از کار نیک بهتر، عمل کننده به کار نیک است. از سخن خوب خوبتر گوینده آن سخن است. از علم بالاتر، عالمی است که علم را دربر دارد. و بدتر از شرّ، کسی است که شرّ را به وجود می آورد»^(۴).

همیشه با مردم متواضع باشید. خداوند به وسیله ایمان افراد را بالا می برد. خداوند آن کس را که مردم، شریف می دانند به خاطر کفر، پست می داند و هیچ کس بر دیگری فضیلت ندارد، مگر به وسیله تقوا. هیچگاه به چشم عُجب و

۱. بحارالأنوار ج ۱۶ ص ۲۲۸.
۲. حجر: ۸۸.
۳. امالی صدوق ص ۱۴۵.
۴. بحارالأنوار ج ۷۵ ص ۲۰۰.

حقارت به خلق نگاه مکن که ممکن است خداوند به او نظر داشته باشد .
حتی شخصی که لاابالی و معصیت کار باشد ، ممکن است کاری کند که مورد
تقرّب خدا باشد .

«مثل زن زانیه‌ای که با لباس و گیسوانش و کفش خود در بیابان آب از چاهی
کشید و سگ تشنه‌ای را سیراب کرد . خداوند او را بخشید و به بهشت بُرد»^(۱) ، همه
بهشت را می‌خواهند . هیچکس خواستار آتش جهنم نیست ، مگر کسانی که به
امیرالمؤمنین علیه السلام می‌گویند ما تو را نمی‌خواهیم و اشخاص دیگری را می‌خواهیم .
یعنی ما آتش جهنم را می‌خواهیم و ولایت تو را نمی‌خواهیم .

داستان ذوالقرنین

«ذوالقرنین از محلی عبور می‌کرد . دید اهالی آن جا قبور مردگان را جلوی
خانه‌های خود گذاشته‌اند . دلیل را پرسید . گفتند : به خاطر این که مرگ را فراموش
نکنیم .

پرسید : چرا خانه‌هایتان در و پنجره ندارد ؟

- چون ما دزد نداریم و همه مورد اعتماد یکدیگر هستند .

پرسید : چرا فرمانروا ندارید ؟

- چون کسی به کسی ظلم نمی‌کند .

پرسید : چرا قاضی و حاکم ندارید ؟

گفتند : ما با یکدیگر خصومت نمی‌کنیم تا نیاز به قاضی داشته باشیم .

گفت : چرا از نظر مالی تفاوت ندارید ؟

- چون تعاون و عطوفت بین ماست .

گفت : چرا با یکدیگر نزاع ندارید ؟

- چون محبت در دلمان و رعایت صلاح، مابین ما است.

گفت: چرا به یکدیگر دشنام نمی‌دهید و فکر قتل یکدیگر را در سر نمی‌پرورانید؟

گفتند: برای اینکه با اراده جدی و عزم قاطع بر غرایز غلبه کرده‌ایم و نفس سرکش را با حلم و بردباری مهار نموده‌ایم.

پرسید: چرا کلمه شما یکی است و راه شما مستقیم است؟

گفتند: از جهت اینکه به یکدیگر دروغ نمی‌گوییم، خدعه نمی‌کنیم، غیبت نمی‌کنیم.

پرسید: چرا بین شما فقیر و مسکین نیست؟

- چون اموال را به طور مساوی تقسیم می‌کنیم.

پرسید: چرا در شما خشونت و غلظت مشاهده نمی‌شود؟

- به علت فروتنی و تواضعی که نسبت به همدیگر داریم.

گفت: چرا خداوند به شما عمر طولانی داده است؟

- چون در عمل، حق را رعایت می‌کنیم و در بین خود به عدل حکم می‌کنیم.

ذوالقرنین گفت: پدران‌تان هم این چنین بودند؟

آنها گفتند: پدران ما به تهیدستان ترحم داشتند، با فقرا مواسات می‌نمودند، اگر

از کسی ستم می‌دیدند مشمول عفو قرارش می‌دادند، اگر بدی می‌دیدند، عمل

ناروای بدکننده را با احسان تلافی می‌کردند و از خدا برایش استغفار می‌خواستند.

صله رحم داشتند، امانت را به صاحبش بر می‌گرداندند، گفته افراد را تصدیق

می‌کردند و آنها را تکذیب نمی‌کردند. خداوند بر اثر این اعمال، امور آنها را اصلاح

نمود.

ذوالقرنین به آن مردم علاقمند شد و در آن سرزمین سکونت گزید»^(۱).

سوء خلق

سوء خلق، آدمی را به عذاب خدا مبتلا می‌کند، اگرچه دارای عبادات و طاعات باشد.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «نیکوکاری و حسن خلق، شهرها را آباد می‌کند و عمرها را افزایش می‌دهد»^(۲).

رسول اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «کامل‌ترین مؤمنین از جهت ایمان، کسانی هستند که اخلاقشان نیکوتر است»^(۳). و نیز «بنده خدا در قیامت بر اثر حسن خلق به درجات بزرگ آخرت و شرافت منازل آن نائل می‌گردد، با آنکه از نظر عبادت ضعیف است»^(۴).

امام صادق علیه السلام فرمودند: «به رکوع و سجود طولانی نمازگزار نگاه نکنید، چه آنکه به آن عادت کرده و اگر آن را ترک کند، موجب وحشت و پریشانی فکرش شود. به راستگویی و ادای امانتش که دو صفت از خوبی اخلاق و حسن سیره‌اش باشد بنگرید»^(۵). مکارم اخلاق، انسان را به کرامت نفس و سجایای بلند پایه و گذشته‌های انسانی، وادار می‌کند.

فضل

فضیلت به معنی درجه بلند و عالی برتری است. اهل فضل چه کسانی هستند؟ کسانی که وقتی به آنها ظلم می‌شد، می‌بخشیدند. وقتی جاهلانه با آنها برخورد

۱. بحار الأنوار ج ۱۲ ص ۱۷۶.

۲. کافی ج ۲ ص ۱۰۰.

۳. سفینة البحار ج ۱ ص ۴۱۰.

۴. معجزة البيضاء ج ۵ ص ۹۳.

۵. کافی ج ۲ ص ۱۰۵.

می کردند، حلم می نمودند. وقتی نسبت به آنها بدی می شد، عفو می کردند. این اشخاص دارای مکارم اخلاق هستند. سبقت گرفتن در فضیلت، یعنی مغتنم شمردن فرصت است.

رسول اکرم ﷺ فرمودند: «هرکس در رحمتی بر رویش گشوده شد، آن را مغتنم شمرد. چون نمی داند آن در، چه وقت بر رویش بسته می شود و از نیل به خیر محروم می گردد»^(۱).

امیرالمؤمنین علیه السلام می فرمایند: «از اعمالی که حاکی از ضعف عقل است، تعجیل در کاری پیش از فرا رسیدن زمان و شرایط امکانش و سستی و مسامحه، پس از رسیدن فرصت و موقعش»^(۲). ﴿فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتَ﴾.

ایثار

مقدم داشتن دیگری را بر خود، ایثار گویند.

احسان، پاداش احسان است و یا تفضل، احسان ابتدایی و بدون علت است و انگیزه آن، کرامت و بزرگواری نفس است. ایثار تفضل عالی ترین کرامت خلق است.

امیرالمؤمنین علیه السلام: «ایثار و گزینش تفضل، بهترین کرامت اخلاقی است برای انسانها»^(۳).

گناه

امیرالمؤمنین علیه السلام: «گناه، بیماری است. داروی آن طلب آمرزش است و نشانه های شفا یافتن آن، این است که آدمی مرتکب آن گناه نشود»^(۴). کسانی را که

۱. میزان الحکمه ج ۷ ص ۴۴۴.

۲. نهج البلاغه کلمه ۳۶۳.

۳. غرر الحکم ص ۳۸۷.

۴. فهرست موضوعی غرر ص ۱۲۶.

گناه کار هستند ، مورد ترحم خود قرار دهید و برای سلامتی و عافیت خود شکرگزار باشید .

رسول اکرم ﷺ می فرماید :

۱ - «کسی که برادر خود را سرزنش کند به گناهی که از آن توبه نموده است ، نمیرد تا خودش آن گناه را مرتکب شود»^(۱) .

۲ - «اگر کسی زنا داد ، باید حدّ شرعی بر او جاری شود نه مورد ملامت و تعبیر قرار گیرد»^(۲) .

۳ - «اگر کسی تو را در چیزی که در تو هست ملامت کرد ، تو به چیزی که در او می دانی ، ملامت نکن . با این کار وبال سرزنش برای او و پاداش الهی برای تو خواهد بود»^(۳) .

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند : «سرزنش گنهکار باعث می شود که کم کم قُبْح گناه از بین برود و آتش لجاج را مشتعل می سازد»^(۴) .

آزمودن و بخشش

امیرالمؤمنین علیه السلام می فرمایند :

«کرامت خُلق و گذشت بزرگواران در افراد فرومایه و لثیم ، همان قدر اثر منفی می گذارد و فساد به بار می آورد که در وجود افراد کریم اثر مثبت دارد و مایه اصلاح می گردد»^(۵) .

پس باید افراد را آزمایش کرد .

۱ . مجموعه ورام ص ۱۱۳ .

۲ . مجموعه ورام ج ۱ ص ۵۷ .

۳ . مجموعه ورام ج ۱ ص ۱۱۰ .

۴ . تحف العقول ص ۸۴ .

۵ . فهرست موضوعی غرر ص ۳۴۷ .

قصاص برای حفظ حیات مردم و عبرت ظالمان و جنایتکاران است و نظر عقلا راجع به قصاص یا عفو ببینید چیست، عمل کنید.

امام سجاد علیه السلام عرض می‌کنند: «خدایا، مسلمانان را موقوف بدار حق و سخن حق بگویند، اگرچه آن سخن بر ایشان سنگین و موجب مشقت باشد».

حق در سه جهت است:

- ۱- گاهی حق گفته می‌شود، به معنای عدل در مقابل ظلم.
- ۲- گاهی حق گفته می‌شود، به معنای صحیح و صواب در مقابل باطل و ناصواب.
- ۳- گاهی حق گفته می‌شود، به معنای واقع و نفس الامر در مقابل ناحق و غیر واقعی.

امام باقر علیه السلام از وصایای پدر بزرگوارشان می‌فرمایند: «برای حق، بردبار و صابر باش، اگرچه تلخ و ناگوار باشد»^(۱).

رسول اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرمایند: «بالاترین جهاد، گفتن کلمه حق نزد سلطان ستمکار است»^(۲). باید حق را شناخت و آن را از باطل تمیز داد. با به کار بستن عقل، عقل را از تمام قيود آزاد سازد، بعد تفکر کند تا به حق برسد و بعد از خدا نیز بخواهد. بعد آن را عمل کند، اگر خلاف میل باطنش باشد.

حق بندگی خداوند را آن طور که شایسته است، هیچ کس نمی‌تواند به جا آورد.

امام سجاد علیه السلام می‌عرض می‌کنند: «خدایا، موفقم بدار تا عباداتی که با زبان و عمل در پیشگاه مقدّست انجام داده‌ام، گرچه بسیار باشد، کم و قلیل بشمارم».

۱. میزان الحکمه ج ۲ ص ۴۶۷.

۲. میزان الحکمه ج ۲ ص ۲۷۰.

محبوبترین مردم نزد پیامبر ﷺ

«آنانکه وجودشان برای مردم نافع تر است (در نزد شما محبوبترند).

دل مؤمن را شاد کردن، افضل اعمال است.

سرور مؤمن در این است که: گرسنگی اش را با غذا برطرف نمودن، غصه و

اندوهش را گشودن، دینش را ادا کردن.

هرکس برای حاجت برادرش با او برود، اجرش همانند یک ماه روزه گرفتن و

اعتکاف نمودن است.

کسی که به منظور اعانت با مظلومی برود، خداوند در روزی که قدمهای مردم

لرزان است، قدم او را ثابت نگه می دارد»^(۱).

کوچک شمردن گناه

کوچک شمردن کار بد و گناه، آدمی را جسور و جری می کند و انسان لاابالی

می شود.

رسول اکرم ﷺ: «نظرتان به کوچکی گناه نباشد، بلکه در این نظر کنید که چگونه

به نافرمانی و معصیت خدا جرأت کردید»^(۲). کوچک شمردن گناه از دامهای

شیطان است. همواره مطیع بی قید و شرط دستورهای خدا باشیم.

رسول الله ﷺ: «هیچ شری را ناچیز و حقیر نشمرید، اگرچه در نظرتان کوچک

باشد. و هیچ کار خیر و خوبی را بسیار نبینید، اگرچه در نظرتان بزرگ بیاید»^(۳).



۱. المستطرف ج ۱ ص ۱۱۳.

۲. بحار الانوار ج ۷۴ ص ۱۶۸.

۳. مستدرک الوسائل ج ۱ ص ۱۶.

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاجْعَلْ أَوْسَعَ رِزْقِكَ عَلَيَّ إِذَا كَبُرْتُ
وَأَقْوَى قُوَّتِكَ فِيَّ إِذَا نَصَبْتُ وَلَا تَبْتَلِنِي بِالْكَسَلِ عَنْ عِبَادَتِكَ
وَلَا الْعَمَى عَنْ سَبِيلِكَ وَلَا بِالْتَّعَرُّضِ لِخِلَافِ مَحَبَّتِكَ وَلَا مُجَامَعَةَ
مَنْ تَفَرَّقَ عَنْكَ وَلَا مُفَارَقَةَ مَنْ اجْتَمَعَ إِلَيْكَ».

پروردگارا، درود فرست بر محمد و آل او و وسیع‌ترین رزق خود
را بر من مقرر بدار، هنگامی که پیری بر من روی آرد. و
قوی‌ترین نیرو را به من عطا فرما، هنگامی که به رنج و زحمت
درافتم. و مرا به کسالت و مسامحه در عبادت مبتلا مگردان و
نیز با نابینایی از طریق خود و به تعرض بر خلاف دوستی خود
مبتلا مساز. و هرگز مرا با آنان که از درگاه تو دور شدند، معاشر
مساز و از آنان که به درگاهت روی آورند، دور مگردان.

حضرت در فراز دعا عرض می‌کنند که: بارالها، وسیع‌ترین رزق خود را برای من
در کبر ستم قرار ده. چون در کسانی که عمرشان طولانی می‌شود، دوران ضعف و
ناتوانی بیشتری دارند و نیروی کار و کوشش آنها تدریجاً از دست می‌رود و تنگی
معاش برایشان مشکل ایجاد می‌کند.

پیامبر ﷺ فرمودند: «فرزند آدم پیر می‌شود و دو صفت در وی جوان می‌گردد:
اول حرص است و آن دیگر، آرزوی دراز»^(۱).

و اگر افراد مسن نیروی مختصری را که در تن دارند در راه معنویات و تعالی نفس
به کار گیرند و خود را برای سفر آخرت آماده کنند، به رستگاری نزدیک می‌شوند.

یکی از عواملی که می‌تواند اخلاق این افراد را تعدیل کند و آنها را از حرص و آرزوی دراز باز دارد، این است که میانسالان شخصیت آنها را محترم شمرده و به آنها عزت و احترام بگذارند. آنها را تحقیر نکرده و به آنها اهانت نکنند که پناه به حرص و آرزوی دراز ببرند و برای جلب نظر دیگران از راه حق منحرف شده از هر راه حرام و حلال که ممکن است، پول گرد آورند.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرموده‌اند: «از جمله تکریم و احترام به ذات اقدس الهی احترام نمودن به کهنسال مسلمان است»^(۱).

خدایا در عبادت مرا گسل منما

گسل عبارتست از انجام عملی که برای انسان ثقیل و سنگین وانمود شود و از صفات مذموم است.

امام صادق علیه السلام فرموده: «کسی که انجام دادن طهارت و ادای نماز برای او ثقیل و سنگین باشد، در او خیری برای امر آخرتش نیست. کسی که کارهای مفید برای اصلاح امر معاش، در نظرش سخت و ثقیل باشد، در او خیری برای امر دنیایش نیست»^(۲).

در حدیث آمده است که پرهیز از اینکه در عبادت مهمل باشی یا تندرو. چه آن کس که در عمل سستی و اهمال نموده، حق را ادا نکرده است و آن کس که زیاده روی نموده، بر ادای حق صبر نکرده است^(۳).

رسول اکرم صلی الله علیه و آله: «یا علی! این دین، قوی و متین است. ضعف و سستی در آن

۱. کافی ج ۲ ص ۱۶۵.

۲. کافی ج ۵ ص ۸۵.

۳. مجمع البحرین، لغت (ضجر).

راه ندارد. در اعمال عبادی با مدارا حرکت کن، تندروی منما، و در دلت بغض عبادت و پروردگارت را به وجود میاور» (۱).

امیرالمؤمنین علیه السلام از رسول اکرم صلی الله علیه و آله روایت می کنند که به ما امر فرمود با اهل معصیت و متخلفین از او امر الهی با چهره عبوس و تلخ برخورد نمائیم (۲).

امام باقر علیه السلام از رسول اکرم صلی الله علیه و آله حدیث نموده که فرموده است: «دوستی مؤمن نسبت به مؤمن برای خدا، از بزرگترین شعبه های ایمان است. آگاه باشید، هر کس دوست بدارد برای خدا، دشمن بدارد برای خدا، عطا کند برای خدا، و امساک کند برای خدا، او از دوستان و احبای خداوند است» (۳).

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «بصیر آن کس است که سخن را بشنود و در آن فکر کند. نظر افکند و ببیند. از آن به نفع خود استفاده کند. راههای روشن را ببیند و مراقب باشد که با سر در پرتگاهها سقوط ننماید» (۴).

و در جای دیگر امیرالمؤمنین علیه السلام می فرمایند: «کسی که نزاع و تشاجر جاهلانهاش بسیار باشد، همیشه در شناخت راه حق، کور دل خواهد ماند» (۵).

«اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي أَصُولُ بِكَ عِنْدَ الضَّرُورَةِ وَأَسْأَلُكَ عِنْدَ الْحَاجَةِ
وَأَتَضَرَّعُ إِلَيْكَ عِنْدَ الْمَسْكِنَةِ وَلَا تَفْتِنِّي بِالِاسْتِعَانَةِ بِغَيْرِكَ إِذَا
اضْطَرَرْتُ وَلَا بِالْخُضُوعِ بِسُؤَالِ غَيْرِكَ إِذَا افْتَقَرْتُ وَلَا بِالتَّضَرُّعِ
إِلَى مَنْ دُونِكَ إِذَا رَهَبْتُ فَاسْتَحِقَّ بِذَلِكَ خِذْلَانِكَ وَمَنْعَكَ

۱. وسائل ج ۱ ص ۸۳.

۲. کافی ج ۵ ص ۵۹.

۳. کافی ج ۲ ص ۱۲۵.

۴. نهج البلاغه خطبه ۱۵۳.

۵. نهج البلاغه کلمه ۳۱.

وَإِعْرَاضَكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ».

پروردگارا، بر من مقرر فرما که هنگام ضرورت، تنها به تو متوجه شوم و وقت حاجت و نیازمندی از تو حاجت خواهم و هنگام فقر و پریشانی به درگاه تو تضرع و زاری کنم. و مرا هنگام اضطرار به اعانت خواستن از غیر ذات اقدس خویش امتحان مکن و به خضوع و ذلت سؤال از درگاه غیر خود در وقت فقر و درماندگی مبتلا مگردان. و هنگام ترس و هراس، نزد غیر خود زار و نالان مساز، که اینها مرا مستوجب خذلان و قهر و اعراض تو و منع از لطف و احسانت خواهد ساخت. ای مهربانترین مهربانان عالم.

امام سجّاد علیه السلام: «خدایا، در موقع اضطرار (وقتی انسان در مضیقه قرار می‌گیرد) فقط از تو یاری و استعانت بخواهم».

رسول اکرم صلی الله علیه و آله: «مادامی که بدنت قدرت تحمل بیماری را دارد، از دارو اجتناب کن. و زمانی که نتوانست مرض را تحمل کند، دارو استفاده کن»^(۱).

«**وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ**» «در ناراحتی‌ها از صبر و نماز کمک بگیرید»^(۲).
(وضو گرفته، به مسجد رفته و دو رکعت نماز بخوانید).

اسرارها

امام باقر علیه السلام: «چهار چیز از گنجینه‌های برّ و نیکی است، آنها را مخفی نگاه دارید: ۱ - پنهان داشتن حاجت ۲ - پنهان داشتن صدقه ۳ - پنهان داشتن درد ۴ - پنهان داشتن مصیبت»^(۳).

۱. مکارم اخلاق ص ۱۹۸.

۲. سوره ۲ آیات ۴۵ - ۱۵۳.

۳. تحف العقول ص ۲۹۵.

پناه ببرید به خدا از فقر و تنگدستی

بارالها، مرا در موقع ناچاری و اضطرار به یاری خواستن از غیر خودت آزمایش منما. امتحان خدا برای این است که حجّت خدا بر منافقین و عناصر فاسد تمام شود و جای چون و چرا برای آنان باقی نماند و در بن بست اعمال ناروا و ظالمانه خود قرار گیرند و این امتحان خدا برای جدا شدن خوبان و بدان و منافقان است.

حقیقت و عبودیت

امام صادق علیه السلام می فرمایند: «سه چیز است حقیقت عبودیت:

اول: آنکه بنده خدا در عطایای الهی برای خویش مُلکی نسبند، زیرا بندگان می دانند که مالک اصلی خداست.

دوم: بنده در مقابل قضایای الهی تدبیری برای خود نیندیشد.

سوم: تمام اوقات او صرف اوامر و نواهی باری تعالی باشد و در تمام امور تسلیم بی قید و شرط خداوند باشد و از نواهیش اجتناب کند، تا با افتخار از بوته آزمایش بیرون آید»^(۱).

ذلیل

امام صادق علیه السلام: «خداوند تمام امور مؤمنین را به خودشان واگذار کرده، اما ذلیل نمودن خودشان را به آنان واگذار نکرده است. چون خداوند فرموده: مؤمن شایسته عزّت است و نباید خوار و ذلیل شود»^(۲).

امیرالمؤمنین علیه السلام می فرمایند: «در آغوش مرگ قرار گرفتن و جان سپردن، بهتر از زندگی کردن با خواری و ذلّت است»^(۳).

۱. بحارالانوار ج ۱ ص ۲۲۴.

۲. کافی ج ۵ ص ۶۴.

۳. نهج البلاغه کلمه ۳۹۶.

فقر و درجات آن

خدایا، ما را به فقر بدون صبر مبتلا مکن .

به زبان آوردن فقر، نوعی بی صبری است .

به نان خشک قناعت کنیم و جامهٔ دلق که بار محنت خود به ز بار منت خلق

پیامبر ﷺ: «قناعت گنجی است که هرگز پایان نمی یابد»^(۱) .

حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام: «صورتت آبی است منجمد . سؤال کردن آن

را تقطیر می کند . دقت کن که نزد چه انسانی تقطیرش می کنی» .

امام حسین علیه السلام فرمودند: «به سه نفر اظهار حاجت کن :

۱ - متدین و با ایمان .

۲ - دارای فتوت و مردانگی .

۳ - تربیت خوب خانوادگی»^(۲) .

رهب: ترس آمیخته به احساس خطر و اضطراب است .

باید برای رفع مشکلات، توکل بر خدا کنی و کوشش خود را نیز بنمایی .

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: «کسی که به خداوند توکل نماید، مشکلات بروی

آسان می گردد و با سهولت به وسایل و اسباب دست می یابد»^(۳) .

رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرموده اند: «ای مردم، به خداوند توکل کنید و به او اعتماد

نمائید که شما را از غیر خودش بی نیاز می نماید»^(۴) .

رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «به غیر خداوند اتکاء منما که خداوند تو را به او وا

۱ . مشکوة الانوار ص ۱۳۲ .

۲ . تحف العقول ص ۲۴۷ .

۳ . فهرست موضوعی غرر ص ۴۱۹ .

۴ . میزان الحکمه ج ۱۰ ص ۶۸۲ .



امام سجّاد علیه السلام در فراز دیگر دعا عرض می‌کند:

«اللَّهُمَّ اجْعَلْ مَا يُلْقِي الشَّيْطَانُ فِي رُوعِي مِنَ التَّمَنِّيِّ وَالتَّظَنِّيِّ
وَالْحَسَدِ ذِكْرًا لِعَظَمَتِكَ وَتَفَكُّرًا فِي قُدْرَتِكَ وَتَدْبِيرًا عَلَيَّ عَدُوِّكَ
وَمَا أَجْرِي عَلَيَّ لِسَانِي مِنْ لَفْظَةٍ فُحْشٍ أَوْ هَجْرٍ أَوْ شَتْمٍ عَرَضٍ
أَوْ شَهَادَةٍ بَاطِلٍ أَوْ اغْتِيَابٍ مُؤْمِنٍ غَائِبٍ أَوْ سَبِّ حَاضِرٍ وَمَا
أَشْبَهَ ذَلِكَ نُطْقًا بِالْحَمْدِ لَكَ وَإِعْرَاقًا فِي الثَّنَاءِ عَلَيْكَ وَذَهَابًا فِي
تَمْجِيدِكَ وَشُكْرًا لِنِعْمَتِكَ وَاعْتِرَافًا بِإِحْسَانِكَ وَإِحْصَاءً لِمَنِّكَ».

پروردگارا، آنچه که شیطان به قلب من القاء می‌کند، تمناها و
پندهای باطل و حسد بر خلق است، تو بدل گردان به تذکر
عظمت و تفکر در قدرت خود و فکر و تدبیر محو دشمنان
خویش. و آنچه که خواهد بر زبانم جاری شود از فحش و لغو و
بدگویی و ریختن آبروی مردم و یا شهادت دادن به باطل و غیبت
از مؤمنی غایب یا بدگویی به مؤمنی حاضر یا مانند اینگونه
آفات و معاصی زبان همه را تو بدل گردان به ذکر حمد و ثنای
خود و استغراق در ستایش حضرتت و گرویدن بر مجد و عظمت
و شکر و سپاس نعمت و اعتراف به احسان و شمار نعم بی
پایانت.

تلقین

تلقین، از جمله عطایای الهی است.

امام سجّاد علیه السلام عرض می‌کنند: «خدایا، به جای گناهان زبان، به من توفیق حمد و ثناء و شکر درگاهت را عنایت فرما».

امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرمایند: «از مصاحبت و رفاقت با کسی که به شرّ و فساد آلوده است، پرهیز، که طبیعت تو، به گونه‌ای ناآگاه، بدی و ناپاکی را از طبع منحرف او می‌دزدد و تو از آن بیخبری»^(۱).

یکی از منشأهای تلقینهای باطل، مشورت با افراد فاقد صلاحیت است.

حضرت رسول صلی الله علیه و آله می‌فرمایند: «با این اشخاص مشورت مکن: ترسو، بخیل، حریص»^(۲).

القائات شیطانی: مثل بدگمانی و سوء ظن به مردم، تمنّیات دروغ و غیر واقعی، حسادت و رشک بردن.

القائات رحمانی: یاد عظمت و بزرگی خداوند، تفکر در قدرت لایزال آفریدگار، تدبیر و نقشه برانداختن دشمنان خداوند.

حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله: «آرزو برای ملت من رحمت است و اگر آرزو نبود، هیچ مادری فرزند خود را شیر نمی‌داد و هیچ باغداری درختی را غرس نمی‌کرد»^(۳).

ذکر

(ذکر زبان): ذکر زبان، عبادت است. مثل گفتن سبحان الله یا الحمد لله.

← ذکر قلب که ذکر دل است و پرارزش و آن در مورد حرام و حلال الهی است که دل مجری احکام الهی می‌شود. اگر طاعت است، عمل کند و اگر معصیت است

۱. نهج البلاغه کلمه ۱۴۷.

۲. میزان الحکمه ج ۵ ص ۲۱۳.

۳. سفینه البحار ج ۱ ص ۳۰.

اجتناب نماید و همواره در یاد خداوند است.

تذکر برای گمان بد

پیشوایان دینی به مؤمنین تذکر داده‌اند برای مصون ماندن از گمان بد، باید مراقبت کرد که با افراد ناصالح و بدنام رفیق نشوند و با آنها رفت و آمد نکنند، چون همنشین انسان در جامعه، معرف هویت و شخصیت اوست و نیز خود را در معرض تهمت قرار ندهید و در جایی که بد نام است، نروید.

امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرمایند: «همنشینی با اشرار و بدان موجب بدگمانی اخیار و خوبان می‌گردد»^(۱).

حسد

حسد عبارتست از اینکه انسان، بدخواه دیگری باشد یا نعمتی که خداوند به کسی داده، در دل تمنی دارد نعمت از او سلب شود. او خشمگین از نعمت اوست و این اسائه ادب است به پروردگار.

بعضی‌ها، بیماران اخلاقی هستند که در اثر رفت و آمد در جاهای نامناسب، دچار هجر کلام شده‌اند (به معنای با قصد و اراده سخن قبیح گفتن است)، و شیطان کلام خود و خواسته‌هایش را از زبان آنان جاری می‌کند.

حضرت موسی بن جعفر علیه السلام فرموده‌اند: «خداوند بهشت را حرام نموده بر کسانی که دارای زبانی فحاش‌اند. حیا و آزریشان کم است. باک ندارند از اینکه خودشان چه می‌گویند و باک ندارند که دربارهٔ آنان چه گفته می‌شود»^(۲).

حمد

حمد لغوی به معنای وصف جمیل به منظور تعظیم و تکریم است تنها با زبان،

۱. عیون اخبار الرضا ص ۲۱۶.

۲. تحف العقول ص ۲۹۴.

و حمد عرفی عملی است که حاکی از تعظیم منعم باشد یا با جوارح یا اعضاء یا در ضمیر.

امیرالمؤمنین علیه السلام فرموده‌اند: «کسی که حمد را پایان نعمت قرار دهد، خداوند آن را کلید افزایش نعمت قرار می‌دهد»^(۱).

تفاوت قدر نعمتها

امیرالمؤمنین علیه السلام: «آگاه باشید که از جمله نعمتهای الهی، گشایش مالی است و برتر و بالاتر از گشایش مالی، صحت بدن است و افضل از صحت بدن، تقوای قلب است»^(۲).

هدایت

راه حقّ یکی است و راه باطل متعدّد. و اولین شرط طالب هدایت، باید در باطن خود، جداً خواستار هدایت باشد و بخواهد از ضلالت و گمراهی رهایی یابد و اگر جدّی خواستار هدایت نباشد، به آن نمی‌رسد. مانند بیماری که باید جداً خواستار درمان باشد.

حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام می‌فرمایند: «مؤمن باید دارای سه خصلت باشد:

۱- یک سنّت از خداوند. و آن ستر عیوب است و سرّ را مکتوم نگه دار (مخصوصاً مکتوم نگه داشتن گناه).

۲- یک سنّت از رسول خدا. و آن با مردم به مدارا رفتار کردن.

۳- یک سنّت از ولی خدا. و آن صبر و بردباری در شدائد و سختی‌ها»^(۳).

۱. فهرست موضوعی غرر ص ۱۸۰.

۲. فهرست موضوعی غرر ص ۳۸۶.

۳. تحف العقول ص ۴۴۲.

امیرالمؤمنین علیه السلام: «بدترین مردم کسی است که نه از خطای دیگران می‌گذرد و نه سرّ آنان را می‌پوشاند»^(۱).

شوق در عبادت

کسانی که با شوق و علاقه عبادت می‌کنند، اگر ساعتها ایستاده به مناجات مشغول باشند، احساس خستگی نمی‌کنند. عاشق بندگی خدا هستند، مثل تاجری که عاشق سود و عالمی که عاشق علم است و اگر ساعتها مطالعه کند، احساس گرسنگی، تشنگی و خستگی نمی‌کند. رغبت و اشتیاق در عبادت خداوند، حاکی از درجات ایمان و مراتب معنوی عبادت کننده است. هرچه علاقه فرد مؤمن به عبادت و تذلل در پیشگاه الهی بیشتر باشد، به همان نسبت درجه ایمان و یقین او بیشتر خواهد شد.

امام سجاد علیه السلام عرض می‌کنند:

«وَأِلَىٰ تَجَاوُزِكَ اشْتَفْتُ».

بارالها، علاقه و میل شدیدم در این است که از من بگذری و عفو و بخششت شامل حالم گردد.

فضل الهی

اگر فضل و رحمت خداوند شامل حال انسانها نمی‌شد، احدی از پلیدی و آلودگی گناهان رهایی نمی‌یافت.

امام سجاد علیه السلام: «بارالها، به تفضل و کرمتم مطمئنم».

امام جواد علیه السلام: «وثوق و اطمینان به خداوند، قیمت هر متاع عالی و گران است

و نردبان بلندی است برای رسیدن به هر نقطه رفیع و عالی»^(۱).
و ثوق و اعتماد به خداوند، سرمایه بزرگ مردان الهی است.

﴿أَلَا يَذْكُرُ اللَّهُ تَطْمِئِنُّ الْقُلُوبُ﴾

امام سجّاد علیه السلام: «بارالها، در اعمال من چیزی نیست که ایجاب کند مرا بیامرزی. جز فضل و رحمت ترا ندارم». اعمالی می تواند انسان را مورد عفو الهی قرار دهد که خالصانه و لوجه الله باشد.

جهاد با زبان

هدایت مردم به آئین الهی یعنی جهاد با زبان، که همانند جهاد با شمشیر در جنگ است.

امیرالمؤمنین علیه السلام از زبان رسول خدا صلی الله علیه و آله: «اگر خداوند یک نفر را به دست تو هدایت نماید، بهتر است از تمام آنچه آفتاب بر آن می تابد و غروب می کند و حکومت آن برای تو باشد»^(۲).

تفضّل

اگر کارگری برای شما کار کرد و اجر و مزد او را دادید و مقداری اضافه به خاطر عائله مندی او دادید، این بزرگواری و تفضّل شماست.
درستکاری، انجام وظیفه است و کسی که وظیفه خود را درست انجام می دهد استحقاق پاداش ندارد و اگر پاداش به او تعلق گیرد، تفضّل است.

استغفار

رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «دلها دچار زنگ زدگی می شوند، همانطور که فلزات را زنگ فرا می گیرد. شما با استغفار، دلها را جلا دهید و زنگشان را برطرف

۱. بحار الانوار ج ۷۵ ص ۳۶۴.

۲. کافی ج ۵ ص ۳۶.

نمائید»^(۱).

همیشه در حال استغفار باری تعالی باشید، چون نمی دانید مغفرت حضرت حق چه وقت نازل می شود.

امیرالمؤمنین علیه السلام می فرمایند: «عجب از کسی است که مأیوس می شود، با آنکه وسیله محو گناه در اختیار دارد». عرض شد: آن وسیله چیست؟ فرمود: «استغفار»^(۲).

«اللَّهُمَّ وَأَنْطِقْنِي بِأَهْدَى وَأَلْمِنِي التَّقْوَى وَوَقِّنِي لِتِي هِيَ أَزْكَى
وَاسْتَعْمِلْنِي بِمَا هُوَ أَزْضَى».

امام سجاد علیه السلام چهار درخواست از پیشگاه باری تعالی می نماید:
بارالها، زبان مرا نطقی فرما، گویا که هدایت بخش و مایه ایصال
به حق باشد؛

بارالها، تقوی و تنزه را با افاضه معنوی و اشراق روحانی خود به
دلم الهام فرما؛

بارالها، مرا موفق نما به چیزی که هرچه بیشتر موجب تطهیر
معنوی و نمو روحانیم باشد؛

بارالها، نیروی مرا در راهی به کارگیر که مایه خشنودی و رضای
بیشتر تو باشد.

نعمت سخن گفتن و نوشتن، دو عامل بزرگ تعالی و تکامل انسانهاست.
قدرت سخن گفتن، امر تکوینی است که آفریدگار توانا در رحم مادر به جنین

۱. سفینه البحار ج ۲ ص ۳۲۲.

۲. وسایل ج ۱۱ ص ۳۵۵.

اعطا می کند ولی به کار گرفتن و سخن گفتن آن نیروی تکوینی، اختیاری می باشد.

آفات زبان

۱ - پر حرفی .

۲ - سخنی بگویند که نیاز به آن ندارد و فاقد خیر دنیا و آخرت باشد .

رسول اکرم ﷺ فرموده: «کسی که زیاد حرف می زند خطر سقوط و فرو افتادنش بسیار است و کسی که سقوطش زیاد است، گناهش نیز زیاد خواهد بود و کسی که گناهانش بسیار باشد، آتش دوزخ برای او شایسته تر است»^(۱).

رسول اکرم ﷺ فرموده: «از جمله علائم حُسن کلام یک مسلمان، ترک سخنی است که به آن احتیاج ندارد»^(۲).

الهام

خداوند در نفس انسان چیزی را القاء می کند و او را بر می انگیزد به انجام عملی یا ترک کاری. انسانها به طور فطری و طبیعی می فهمند که ادای امانت، وفای به عهد، راستگویی. و انصاف خوب است و خیانت در امانت، عهد شکنی، دروغگویی و بی انصافی، بد و قبیح است. الهام عمومی خداوند را، امروزه وجدان اخلاقی می گویند.

دعایی از حضرت فاطمه علیها السلام

«وَأَلْهِمْنِي طَاعَتَكَ وَالْعَمَلَ بِمَا يُرْضِيكَ وَالتَّجَنُّبَ بِمَا يُسْخِطُكَ».

«بارالها، طاعت و فرمانبرداری خود را به من الهام فرما، به گونه ای که تمام اعمالم

بر وفق رضای تو باشد و به آنچه مایه سخط و غضب توست، اجتناب نمایم»^(۳).

۱. محجة البيضاء ج ۵ ص ۱۹۶.

۲. مجموعه ورام ج ۱ ص ۱۰۷.

۳. اعیان الشیعه ج ۱ ص ۳۲۳.

تقوا

از حضرت ابوالحسن علیه السلام روایت است که: «ایمان یک درجه از اسلام بالاتر است، و تقوا یک درجه از ایمان بالاتر.»^(۱) و تقوا و ایمان دارای درجاتی هستند. عالی ترین مرتبه تقوا کسانی هستند که طبق این آیه شریفه: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ﴾^(۲)؛ ای مردم با ایمان، بکوشید تا به حق تقوا یعنی به تقوای کامل دست یابید.

امام صادق علیه السلام در مورد حق تقوا می فرماید: «اوامر الهی همواره باید مطاع باشد و هرگز از دستورش تخلف نشود. دل متقی پیوسته در یاد او باشد و هرگز فراموشش نکند. متنعم به نعمت های او شکرگزار عطایایش باشد و هیچ نعمتی را کفران نکند»^(۳).

زکات

اصل زکات در لغت، به معنای طهارت، نمو، برکت، مدح است. زکات به معنای طهارت. سوره ۹۱ آیات ۹ و ۱۰: ﴿قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا * وَقَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا﴾.

زکات به معنای نمو و برکت: ﴿ذَالِكُمْ أَزْكَىٰ لَكُمْ وَأَطْهَرُ﴾^(۴).

زکات به معنای مدح: ﴿فَلَا تَزْكُوا أَنفُسَكُمْ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنِ اتَّقَى﴾^(۵).

مهمترین وظیفه و مأموریت فرستادگان الهی آن بود، که نفوس مردم را از پلیدی شرک، تزکیه و تطهیر کنند. پیامبر صلی الله علیه و آله در موقعی که آیه «قد أفلح من زكّاهها» را

۱. کافی ج ۲ ص ۵۱.

۲. آل عمران: ۱۰۲.

۳. تفسیر صافی ص ۹۷.

۴. سوره ۲ آیه ۲۳۲.

۵. سوره ۵۳ آیه ۳۲.

می خواند، می فرمود: «بارالها تقوای نفسم را به من بده که تو ولی و مولای من هستی. آن را تزکیه و تطهیر کن که تو بهترین تزکیه کننده‌ای»^(۱).

امام سجّاد علیه السلام عرض می‌کنند: «بارالها، مرا موفق بدار به صفات و خصالی که پاکیزه‌ترین وسیله برای تزکیه نفس انسان باشد، تا بر اثر آن به سخاء بیشتر و اجر فزون‌تر دست یابم. بارالها، نیروی مرا در راهی بکار گیر که هرچه بیشتر موجب خشنودی و رضایت ذات اقدس باشم».

تمام اعمالی که در شرع مقدس نیکو خوانده شده، مرضی حق تعالی است و انجام آنها به تناسب خلوصی که انجام دهنده در مقابل عمل دارد، از پاداش الهی برخوردار می‌گردد.

حدیثی در مورد علم

مردی از انصار حضور رسول خدا صلی الله علیه و آله شرفیاب شد و سؤال کرد که اگر تشییع جنازه مسلمانی با مجلس علمی تقارن یافت، کدامیک از آن دو نزد شما محبوب‌تر است؟

حضرت فرمودند: «برای دفن جنازه به قدر کافی افراد هستند، در مجلس علم برو که حضور در مجلس عالم افضل از تشییع هزار جنازه است. مگر نمی‌دانی خداوند اطاعت می‌شود به علم. خیر دنیا و آخرت با علم است و شرّ دنیا و آخرت با جهل. پس اشخاص با ایمان در راهی قدم می‌گذارند که رضای خدا در آن بیشتر باشد»^(۲).

حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمودند: «مجلس علم بالاتر است از مجلس دعا»^(۳).

۱. تفسیر مجمع البیان ج ۹ - ۱۰ ص ۴۹۸.

۲. بحار الانوار ج ۱ ص ۲۰۴.

۳. بحار الانوار ج ۱ ص ۲۰۶.

برآوردن حوائج دینی برادری، از اعتکاف و طواف افضل است. حتی اگر در حین طواف و اعتکاف باشی، باید برای برآوردن حوائج او بروی.

افضل مردم

از پیامبر پرسیدند: کدام گروه از مردم دنیا به بلا یای شدید مبتلا شدند؟ فرمودند: «پیامبران الهی هر کدام برتر و افضل بودند، ابتلائاتشان فزون تر بود. و سپس افراد با ایمان به مقدار ایمان و خوبی اعمالشان»^(۱).

«اللَّهُمَّ اسْلُكْ بِي الطَّرِيقَةَ الْمَثَلِيَّ وَاجْعَلْنِي عَلَىٰ مِثْلِكَ أَمُوتُ
وَأَحْيَا»

بارالها، مرا در دین خودت آنچنان ثابت قدم قرار ده، که در آن بمیرم و در آن زنده شوم.

حسن عاقبت

چگونگی بسته شدن پرونده انسان در آخر عمر مهم است. چه بسا کسانی که خوب بودند و اعمال شایسته داشتند، ولی در آخر عمر با کفر و آلودگی به گناه زندگیشان پایان پذیرفت. و کسانی که در اواخر عمر با توبه و استغفار، پرونده خود را بستند.

حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام می فرمایند: «وحشت بارتترین مواقع برای مردم سه روز است:

۱- روز ولادت که از شکم مادر بیرون آمده و دنیا را می بینند.

۲- روزی که می میرند و عالم بعد از مرگ را مشاهده می کنند.

۳- روزی که دوباره زنده می شوند و به عرصه قیامت قدم می گذارند»^(۱).
 حیات دنیا برای مردم جهان، در واقع به منزله گذراندن در شکم مادر روزگار است. اگر کسی به قدر نود سال عمر داشته باشد و هشتاد و نه سال آن را به سلامت بگذراند، اما در سال آخر عمر بر اثر معاشرت با افراد بی ایمان، ذخائر معنوی خویش را از دست بدهد و روز مرگ که روز ولادت از شکم مادر روزگار است، ناسالم و با سوء عاقبت از دنیا برود، تمام زحمات هشتاد و نه ساله اش را از بین برده است. مردان الهی از چنین رویداد وحشت زائی سخت نگران بودند و از خداوند همیشه حسن عاقبت می خواستند. حضرت یوسف به پروردگار عرضه داشت: «بارالها، روح مرا در حال مسلمانی و با تسلیم بی قید و شرط در مقابل ذات اقدس خودت قبض فرما و به صالحین و گروه پاکان و نیکان ملحق نما»^(۲). از خداوند بخواهیم با حسن عاقبت بمیریم و با ایمان به سرای جاویدان منتقل شویم.

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَمَتَّعِنِي بِالْاِقْتِصَادِ وَاجْعَلْنِي مِنْ أَهْلِ السَّادَةِ».

امام سجّاد علیه السلام در فراز دعا از خداوند بعد از صلوات بر محمد و آل محمد علیهم السلام درخواست می نمایند:

بارالها، با اعتدال و میانه روی در جمیع شئون، زندگی مرا از مزایای اقتصادی بهره مند فرما.

و در قسمت دیگر دعا می فرمایند: بارالها! گفتار و رفتارم را به گونه ای قرار ده که تمام آنها بر وفق حق و صواب باشد.

۱. خصال صدوق ص ۱۰۷.

۲. سوره ۱۲ آیه ۱۰۱.

امیرالمؤمنین علیه السلام فرموده: «راست و چپ بیراهه و ضلالت است. خطّ وسط، جاده واقعی و راهی است که به نجات و سعادت منتهی می‌گردد»^(۱).

از وصایای امیرالمؤمنین در بستر شهادت به فرزندش امام مجتبی علیه السلام این بود که: «فرزند، در امر معیشت، مقتصد و میانه رو باش و در عبادتت نیز میانه رو. و بر تو باد در امر عبادت که به اندازه‌ای عمل کنی که همیشه توان انجام آن را داشته باشی»^(۲).

و در جای دیگر می‌فرماید: «وَمَلْبَسُهُمُ الْاِقْتِصَادُ» جامه‌ای که می‌پوشند (اهل تقوی) بر وفق اقتصاد و میانه روی است^(۳).

و در جای دیگر فرمودند: «کسی که در غنی و فقر مقتصد و میانه رو باشد با اتخاذ این روش، خویشتن را برای مصائب روزگار مهیا نموده است»^(۴).

امام سجّاد علیه السلام در فراز دعا عرض می‌کنند: بارالها، مرا از اهل سداد قرار ده. «سداد به معنای استقامت است. اگر شخصی در هر مسیری که قدم بر می‌دارد، بر وفق حق و صواب و همواره پایدار باشد و دچار دو دلی و تزلزل نگردد، اهل سداد است.»

خداوند در قرآن مجید می‌فرماید: ﴿إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا﴾^(۵).

شناخت راه حق از باطل که معیار سداد است، این است که بی قید و شرط از اوامر الهی اطاعت بنماید که راه صواب و تکامل انسان است.

۱. نهج البلاغه خطبه ۱۶.

۲. سفینه البحار ج ۲ ص ۴۳۱.

۳. نهج البلاغه خطبه ۱۹۳.

۴. فهرست موضوعی غرر ص ۳۲۳.

۵. سوره ۴۱ آیه ۳۰.

«وَمِنْ أَدَلَّةِ الرَّشَادِ وَمَنْ صَالِحِي الْعِبَادِ».

امام سجّاد علیه السلام در فراز این دعا عرض می‌کنند:

بارالها، مرا از دلایل رشاد و هدایت قرار ده و از بندگان صالح و شایسته قرار ده.

امام سجّاد علیه السلام می‌فرمایند: «صالح کسی است که با اراده جدی قیام نماید تا حقوق خداوند و حقوق بندگان خدا را ادا کند. و صلاح کامل، درجه نهایی اهل ایمان و خواسته انسان سازهای الهی، یعنی انبیاء و مرسلین است»^(۱).
امیرالمؤمنین علیه السلام در مقام راهنمایی مردم به تجارت نافع می‌فرماید: «نه هیچ تجارتی مثل عمل صالح است و نه هیچ سودی همانند اجر الهی»^(۲).

«وَارْزُقْنِي فَوْزَ الْمَعَادِ وَسَلَامَةَ الْمَرْصَادِ».

حضرت سجّاد علیه السلام عرض می‌کنند: «بارالها، پیروزیهای روز جزا و نعمتهای جاودان عالم آخرت را به من روزی فرما، و مرا از قنطره مراقبت روز حساب به سلامت بگذران».

امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرمایند: «بی‌گمان، دنیا منزلگاه عبور است و آخرت جایگاه باقی و قرار. پس، از دنیای گذرگاه توشه‌ای برای جایگاه باقی و دائم خود بردارید»^(۳).

امام صادق علیه السلام فرمودند: «مال و اولاد، بذر دنیا است و عمل صالح، بذر

۱. کلیات ابوالبقاء ص ۲۰۸.

۲. نهج البلاغه کلمه ۱۱۳.

۳. نهج البلاغه خطبه ۲۰۳.

آخرت؛ اما در مواقعی خداوند این سه را برای مردمی شایسته و لایق جمع می‌کند»^(۱).

از امیرالمؤمنین علیه السلام سؤال شد: «ذلت‌بارترین خواری‌ها کدام است؟ فرمود: حرص»^(۲).

و خداوند در قرآن می‌فرماید: «کسی که تمام اراده و همش بذر دنیا باشد، ما از آن برخوردارش می‌نمائیم. ولی در آخرت نصیبی نخواهد داشت».

﴿مَنْ كَانَ يُرِيدُ حَرْثَ الدُّنْيَا نُؤْتِهِ مِنْهَا وَمَالَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ نَصِيبٍ﴾^(۳).

فضیلت علم بر مال

علم بر مال هشت فضیلت دارد:

- ۱- علم، تو را حفظ می‌کند و تو باید مال را حفظ کنی.
- ۲- علم، با انفاق زیاد می‌شود و مال با انفاق کم می‌شود.
- ۳- علم، ارث انبیا و پیامبران است و مال ارث فراعنه است.
- ۴- علم، دوستان را زیاد می‌کند و مال دشمنان را.
- ۵- علم، با تو در قبر می‌آید و مال را می‌گذاری و می‌روی.
- ۶- با علم، زود از پل صراط می‌گذری، ولی مال، باعث سخت‌گذشتن از صراط است.
- ۷- به سبب مال، ادعای خدائی کردند، ولی به علم نه.
- ۸- همه به صاحبان علم احتیاج دارند، ولی به صاحب مال، همه محتاج نیستند.

۱. تفسیر صافی ص ۴۷۹.

۲. سفینه البحار ج ۱ ص ۲۴۴.

۳. سوره ۴۲ آیه ۲۰.

از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام روایت است که :

«علم بین چهار کلمه است :

اوّل ، به قدری عبادت کن خدا را ، که احتیاج داری به او .

دوّم ، به قدری معصیت کن ، که طاقت عذاب داری .

سوّم ، به قدری برای دنیا کار کن ، که در آن هستی .

چهارم ، به قدری برای آخرت کار کن ، که در آن می مانی» (۱) .

امام صادق علیه السلام : «سه چیز است که با داشتن آنها ضرر متوجّه شما نمی شود : در

هنگام ناراحتی دعا ، بعد از گناه استغفار ، برای نعمتهای خداوند شکر کردن» .

امیرالمؤمنین علیه السلام : «هرکس به اندک قناعت نکند ، زیاد هم وی را سود ندهد» .

امام باقر علیه السلام : «هرچه را قفلی است و قفل ایمان ، مدارا است» .

رسول خدا صلی الله علیه و آله : «یا علی ، مرگ ناگهانی آسایش مؤمن است و مایه حسرت کافر

است» .

«دنیا مرداری است گندیده و طالب آن سگها باشند» .

«حسد ، ایمان را می خورد مثل آتش که چوب را می خورد» .

حدیث قدسی

پیامبر از جبرئیل پرسیدند : «ای جبرئیل ، حقیقت صبر و بردباری چیست ؟»

عرض کرد : «صبر آن است که در وقت سرور و نعمت و در وقت حزن و مصیبت

صابر باشی و این دو حالت را فرقی نگذاری و در وقت تنگدستی مانند وقت بی

نیازی به یک حالت باشی و صبر و بردباری را پیشه خود نمایی و شکایت احوال

پیش مردم نبری و از بلاهای الهی گله مند نباشی» .

فرمودند : «حقیقت قناعت کدام است ؟»

«از آنچه از بهره دنیا به تو می رسد، قانع و راضی باشی و بر عطای اندک حق سبحانه، شکر و سپاسگزاری نمایی».

مقصود از رضا چیست؟

شخصی راضی است، که بر مولای خود خشم نگیرد. یعنی اگر از مال و جاه به وی رسد، یا از او بگیرند، ناراضی و خشمگین نباشد، و به اندکی از اطاعت و بندگی قانع نشود.

حقیقت زهد چیست؟

زاهد، دوست می دارد آنچه را که محبوب و خالق او دوست بدارد. یعنی اراده او اراده حق است و آنچه را خالق او دشمن می دارد، او نیز دشمن می دارد. از اموالی که از راه مشروع به دست او می رسد، خرسند نیست، چه برسد به حرام که هیچ توجهی به آن ندارد. زیرا اموال مباح و مشروع مورد حساب، و اموال و افعال حرام نیز کیفر و عذاب حتمی دارد.

شخص زاهد همانطور که نفس خود را مورد ترحم قرار می دهد، بر تمام مسلمین ترحم دارد.

آنچه برای خود پسندد، برای دیگران نیز محبوب دارد. از سخنان لغو و بیهوده اعراض می کند. از مادیات بَریست که مبادا آلوده شود.

اخلاص چیست؟

شخص مخلص باید خود را خالص کند برای حق، و نظر از غیر حق برگیرد. آنچه خدا به او داده، از روی خلوص در راه حق انفاق کند. در همه حال از پروردگار راضی و خشنود باشد. کسی که چشم طمع از مردم برگیرد و دل در محبت حق انگیزد و سر بندگی و عبودیت فرود آورد، عطای خداوند را بزرگ شمارد.

نمونه‌ای از حقیقت محبت

معاویه بن ابی سفیان برای یکی از دوستان امیرالمؤمنین علیه السلام، عسل موم گرفته و مقداری پول فرستاد. او (ابوالاسود دثلی) که از شیعیان واقعی حضرت بود و معاویه می‌خواست که او را از دوستی حضرت دور کند، دختری (تازه سن) در خانه داشت. انگشتی از عسل خورد. وقتی پدرش آمد و گفت: اینها را معاویه فرستاده تا محبت و دوستی مولایمان امیرالمؤمنین علیه السلام را از دل ما خارج کند، دختر تا این حرف را شنید انگشت در گلو کرد و آن عسل را که خورده بود، قی کرد و گفت: ای پسر هند! گمان کرده‌ای ما دین و شرف و حیثیت و سابقه ایمان خود را با عسل مصفی می‌فروشیم.

یقین پناهگاه سلامتی است.

جایگاه امیرالمؤمنین علیه السلام

امیرالمؤمنین به یک نفر از علماء یهودی فرمودند: «شما بر چند فرقه هستید؟» مرد یهودی تعدادی عرض نمود، حضرت فرمودند: «دروغ گفتی.» (چون خلاف واقع عرض نموده بود) سپس حضرت رو به مردم کرد و فرمود: «قسم به ذات ذوالجلال (الله)، اگر مسند قضاوت برای من گسترده شود یعنی مزاحم و مخالف نداشته باشم، هر آینه بین اهل تورات به تورات خودشان، بین اهل انجیل به انجیل خودشان، بین اهل زبور با زبور خودشان قضاوت می‌کردم و بین اهل قرآن به قرآن شریف قضاوت می‌کردم.»

(یعنی آن حضرت به تمام زبانهای عالم و تورات و انجیل و زبور و سایر کتب آسمانی آن طوری که واقعاً نازل شده، تسلط دارند. چون حضرت علم ماسوی الله را از ابتداء خلقت تا انقضاء می‌دانند و حکم خدا را از جمیع کتب بر مردم بیان می‌فرمودند) اگر مانع و مزاحم حضرت نمی‌شدند و از جانب خداوند هم اذن به آن حضرت داده می‌شد، ایشان امر قضاوت را به عهده می‌گرفتند.

بعد از آنکه مقام دانش و عظمت خود را برای مردم بیان فرمودند، سپس فرمودند:

«ای مردم! طایفه یهود به ۷۱ فرقه متفرق شدند که ۷۰ فرقه اهل آتش و یک فرقه اهل نجات، که یوشع بن نون، وصی حضرت موسی علیه السلام، را اطاعت کردند. طایفه نصاری ۷۲ فرقه هستند که ۷۱ فرقه اهل آتش و یک فرقه اهل نجات که پیرو شمعون، وصی حضرت عیسی علیه السلام، هستند. و زود باشد که این امت ۷۳ فرقه شوند. ۷۲ فرقه اهل آتش و یک فرقه که در حدّ وسط یعنی من و یازده فرزندم را وصی بلافصل پیامبر صلی الله علیه و آله و امام مفترض الطاعه بدانند اهل نجات هستند.»

نقطه ضعف

روزی حضرت عیسی با حواریون از کنار سگ مرده متعفن عبور کردند. حواریون گفتند: این سگ چه بد بو و متعفن است. ولی حضرت گفت: چه دندانهای سفیدی دارد. در هر چیزی باید به محسنات آن نگاه کرد.

گمنامی

امام صادق علیه السلام می فرمایند: «هرگاه می توانی خود را گمنام قلمداد کنی و این نیرو و گذشت را به خود سراغ داری، البته به آن عمل نما و پروایی نداشته باش، از اینکه مردم از تو تعریف و تمجید نکنند و مقرب نباشی، مخصوصاً عوام از مردم که حمد و ثناء ایشان غالباً دلیل بر نقصان است، چنانچه در پیش، حق تعالی را ستودند. باکی نداشته باش از مردم که تو را سرزنش کنند. هرگاه تو در راه حق و حقیقت قدم گذاری، از ملامت و خورده گیری مردم زیان نمی بینی^(۱)».

وحی خداوند به حضرت عیسی علیه السلام

خدای تعالی به حضرت عیسی علیه السلام وحی نمود:

«برای مردم مثل زمین باش، حلیم و بردبار. زیرا که تمام کارهای انسان سختی و سنگینی و کندن و کوبیدن روی زمین است. مدارا کن با آنها و حوائج آنها و آزار ایشان را تحمل نما. در سخاوت مثل آب جاری باش که توسعه دارد به هر باغ و مزرعه و گیاهان آن روئیده و اشجار آن سبز و خرم شود و سبب فراوانی و رفاهیت مردم گردد. تو نیز از عطا و بخشش کوتاهی مکن و اسباب آسایش و رفاه مردم را فراهم نما. در رحمت مثل خورشید و ماه باش که روشنایی خود را بر آنچه خدای تعالی خلق کرده از خوب و بد و زشت و زیبا، استثنایی نیست، مگر مانع و عایقی از خود اشیاء. پس رحمت خود را از اشخاص فاسق و فاجر دریغ مکن. با محبت و مهربانی هدایت و راهنمایی کن.»

عیسی بن مریم فرمود: «ای مردم! به دنیا دل مبندید که مثل خانه‌ای است که روی آب بنا شده است»^(۱).

صفات شیعه

عنوان شیعه، بدون عمل، موجب فلاح و رستگاری نیست.

به خاطر این به شیعه می‌گویند شیعه که پیرو آقا امیرالمؤمنین علیه السلام باشد.

۱- حضرت خاک نشین بودند و پیوسته با فقرا و مساکین جلیس و انیس بودند.

۲- راستی و درستی گفتار و اداء امانت.

۳- شیعه باید پیوسته به یاد حق باشد.

۴- نماز و روزه بگذارد.

۵- اطاعت از پدر و مادر کند و آنها را نرنجاند.

۶- فقرا و بینوایان و ورشکستگان و قرض داران را دادرسی کند.

۷ - یتیمان را ترحم نماید .

امام سجاد علیه السلام می فرمایند: «تعجب است که شخصی متکبر باشد، فخر و مباحات کند، به چه چیز. که دیروز نطفه‌ای بیش نبود و فردا هم مرداری بیش نخواهد بود».

خداوند برای هر چیزی که فوت می شود، چیز دیگری جایگزین می کند. مثل به دنیا آمدن و مردن.

تغییر قبله

چون کعبه بت خانه مشرکین بود، اگر پیشوای اسلام در ابتداء به سوی کعبه نماز می خواند، مشرکین ممکن بود بگویند پیشوای مسلمانان بت می پرستند. پس حضرت سیزده سال در مکه به طرف بیت المقدس (که منزّه از بت و مظاهر شرک بود) نماز گزارد و بعد از مهاجرت به مدینه هفت ماه به طرف بیت المقدس نماز خواند، تا خداوند قبله را تغییر داد. چون تا زمانی که حضرت در مکه بودند، مصلحت بود به سوی بیت المقدس نماز بگذارند^(۱).

خزائن خدا

امام صادق علیه السلام: «موقعی که حضرت موسی به کوه طور رفت، گفت: خدایا خزائن را به من نشان بده. از خداوند خطاب آمد: خزائن من این است که وقتی اراده چیزی کنم، فرمان بودنش را بدهم، به وجود می آید»^(۲).

و دیگر مال و ثروت است که شامل کمیّت و کیفیّت است. مقدار مالی که عطا می گردد و مدّتی که مال در دست صاحب مال است.

پس افراد متمکن در موقع مالداري مغرور نگردند و به فساد اخلاق نگرایند.

۱. تفسیر برهان ج ۱ ص ۱۵۸.

۲. تفسیر المیزان ج ۱۲ ص ۱۵۵.



«اللَّهُمَّ خُذْ لِنَفْسِكَ مِنْ نَفْسِي مَا يُخَلِّصُهَا وَأَبْقِ لِنَفْسِي مِنْ نَفْسِي
مَا يُضْلِحُهَا فَإِنَّ نَفْسِي هَالِكَةٌ أَوْ تَعَصِمُهَا».

امام سجّاد علیه السلام در فراز دعا دو درخواست از خداوند می‌نمایند:
بارالها! از تیات و اعمال من، آن را برای خود بگیر که موجب
خلاص من از خشم و عذاب تو گردد. بارالها! آن را از من برای
خودم واگذار، که مایه خودسازی و اصلاح نفسم باشد. چه آنکه
نفس من در معرض تباهی و هلاکت است، مگر آنکه تو
مصونیتش بخشی و محافظتش نمایی.

﴿وَيَحْذَرُكُمْ اللَّهُ نَفْسَهُ وَاللَّهُ رَئُوفٌ بِالْعِبَادِ﴾؛ خداوند شما را می‌ترساند از نفس
خود، از عذابی که برای گناهان مقرر فرموده، و آفریدگار، به بندگان رئوف و مهربان
است (۱).

استفاده نمودن از عقل و بی‌اعتنایی به تعقل و تفکر، آدمی را در محیط تیره و
تاریک جهل زندانی می‌کند، از پیشرفتهای سعادت بخش محروم می‌نماید، و
سرانجام پرونده عمرش با بدبختی و تیره روزی بسته می‌شود.

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: «عقل، هدایت می‌کند و نجات می‌بخشد. جهل،
گمراه می‌کند و به پستی سوق می‌دهد» (۲).

و در جای دیگر فرمودند: «عقل، راه واضح هدایت از درون انسانها، و شرع،
عقل راهنمای مردم است از برون آنان» (۳).

۱. سوره ۳ آیه ۳۰.

۲. فهرست موضوعی غرر ص ۲۵۷.

۳. مجمع البحرین ماده (عقل).

حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام فرمودند: «دوست هر انسان عقل اوست و دشمنش جهل و نادانی او»^(۱).

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: «هوای نفس دشمن ترین دشمنان توست. آن را مغلوب و مقهور نما و گرنه هلاکت خواهد کرد»^(۲).

«اللهم أنت عُدَّتِي ان حزنْت وأنت منتجعي ان حرمتُ، وبك استغاثتي ان كرتُ».

امام سجاد علیه السلام عرض می کنند:

بارالها! اگر محزون و غمگین گردم، پناهگاه معنوی و ذخیره روحی من تویی.

بارالها! اگر محروم شوم، امیدواری و اتکایم به توست.

بارالها! اگر به مشقت و سختی شدید گرفتار شوم، ناصر و فریادرسم تویی.

منشأ حزن انسانها به طور طبیعی بر اثر مواجه شدن با مصائب و ناملايمات پدید می آید و این در مورد پیامبران و پیشوایان الهی که در مواقعی غمگین می شدند اتفاق می افتاد.

حضرت محمد صلی الله علیه و آله در مورد مرگ فرزند خود ابراهیم فرمود: «نفس محزون و غمگین است و قلب در جزع و بی قراری. ای ابراهیم! همه ما در مرگت محزونیم، ولی سخنی که موجب سخط باری تعالی گردد به زبان نمی آوریم»^(۳).

۱. کافی ج ۱ ص ۱۱.

۲. فهرست موضوعی غرر ص ۴۲۹.

۳. بحار الأنوار ج ۱۷ ص ۲۸۰.

امیرالمؤمنین علیه السلام در شهادت فاطمة الزهراء علیها السلام بسیار متأثر و متألم گردید و موقع دفن آن حضرت، رسول اکرم صلی الله علیه و آله را مخاطب ساخت، خطبه‌ای خواند و در ضمن عرض کرد: «غم و اندوهم طولانی خواهد بود و شبم با بیداری خواهد گذشت»^(۱). مالک اشتر که افسری رشید و صدیق و با ایمان بود و بر اثر توطئه خائنانه‌ای مسموم گشت و شهید شد، مرگش برای امیرالمؤمنین علیه السلام بسیار سنگین و اندوهبار بود. چند روز در مرگش گریست و حزن و اندوه امام علیه السلام در غم مالک، شدید بود و فرمود: «بعد از او نمی‌بینم کسی را که همانند وی باشد و جایگزینش گردد»^(۲). نظام جهان بر وفق مصلحت است.

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «خداوند توانا امور جهان را بر طبق آنچه مقتضی است به جریان می‌اندازد، نه بر وفق رضا و خشنودی افراد»^(۳). از امام صادق علیه السلام سؤال شد: به چه چیز معلوم می‌شود که مؤمن دارای ایمان واقعی است؟ فرمود: «به تسلیم در مقابل خداوند و راضی بودن به تمام آنچه به وی وارد می‌شود از خشنودی‌ها و خشمها».

«وَعِنْدَكَ مِمَّا فَاتَ خَلْفُ وَايَا فَسَدَ صَلاَحُ وَايَا أَنْكَرَتْ تَغْيِيرُ
فَأَمَّنْ عَلَيَّ قَبْلَ الْبَلَاءِ بِالْعَافِيَةِ وَقَبْلَ الطَّلَبِ بِالْجِدَّةِ وَقَبْلَ
الضَّلَالِ بِالرَّشَادِ».

امام سجّاد علیه السلام در این قسمت از دعای شریف مکارم اخلاق، سه چیز را که حاکی از قدرت و حاکمیت ذات مقدس او بر نظام آفرینش این جهان است، بیان

۱. نهج البلاغه خطبه ۲۰۲.

۲. سفینه البحار ج ۱ ص ۶۷۸.

۳. فهرست موضوعی غرر ص ۱۳۷.

می نماید :

اوّل: بارالها! هرچه فوت می شود و از دست می رود، نزد تو برای آن جایگزینی است.

دوم: بارالها! هر چیزی که فاسد می شود، نزد تو موجود صالح و شایسته انتفاع وجود دارد.

سوم: بارالها! چیزی که مطرود و تو از آن ناراحت هستی، می توانی برداری و مرضی خود را قرار دهی.

خدایا! بر من منت بگذار و پیش از ابتلا به بلا، عافیت و مصونیتم عطا فرما. و پیش از درخواست تمکّن، نیاز مالیم را برطرف نما. و پیش از قدم گذاردن در راهی که مرضی تو نیست، از سنت هدایت برخوردارم کن.

«وَكَفِنِي مَوْتًا مَعْرَةً الْعِبَادِ وَهَبْ لِي أَمْنًا يَوْمَ الْمَعَادِ وَامْنِيحْنِي حُسْنَ الْإِرْشَادِ».

امام سجّاد علیه السلام در فراز دعا عرض می کنند:

بارالها! عوارضی را که از عیب جویی مردم نسبت به من در جامعه پیش می آید، تو کفایت کن.

بارالها! مرا از بخشش خود در امنیت روز معاد بهره مند نما.

بارالها! نعمت حُسن ارشاد مردم را به من عطا فرما.

بشر به طور غریزی دوست دارد همه جا از او به خیر و خوبی یاد کنند و نامش را هرگز به بدی نبرند.

نارضایتی خداوند

خداوند از کفر شما بی نیاز است و به ایمانتان احتیاج ندارد، اما به کفرتان راضی

نیست و نمی خواهد از رستگاری و سعادت محروم بمانید.

مؤمنین واقعی باید همواره مراقبت از اعمال و اخلاق خود بنمایند.

رضا و خشنودی مردم به دست نمی آید و زبان آنان نظم و انضباط بر نمی دارد.

امام صادق علیه السلام فرمودند: «حضرت موسی عرض کرد: پروردگارا از تو

می خواهم موجباتی فراهم کنی که هیچ کس از من یاد نکند مگر به خوبی و خیر.

خداوند به وی فرمود: من درباره خودم چنین کاری نکردم تا در مورد تو انجام

دهم»^(۱).

توجه به رضای خدا

لقمان حکیم به فرزندش گفت: با رفتار خویش نمی توانی رضایت مردم را جلب

کنی. هر طور که قدم برداری، سخنی گویند. بنابراین بر مدح و ذمّ این و آن

مبندیش و تنها متوجه رضای باری تعالی باش که معیار رستگاری و سعادت و

خشنودی خداوند است. اگر تمام اهل شهر بگویند بد هستی، از این گفته غمگین

مشو و اگر گفتند خوبی، شادمان شو. آنچه خدا دستور داده انجام دادی و آنچه بی

اعتناست تو نیز بی اعتنایی، شادمان باش.

تفاوت سخن مؤمن و منافق

امیرالمؤمنین علیه السلام: «زبان شخص مؤمن در پس قلبش قرار دارد و قلب منافق در

پس زبانش. مؤمن که سخن می گوید در نفس خود می اندیشد، اگر خیر و صواب

یافت به زبان می آورد و اگر آن را شرّ و ناروا یافت، پنهان می دارد. و منافق هر چه به

زبانش آمد، می گوید. نمی داند کدام یک نفع و کدام به ضررش است»^(۲).

۱. اعیان الشیعه ج ۱ ص ۶۶۵.

۲. نهج البلاغه خطبه ۱۷۶.

هدایت در حفظ زبان

از رسول خدا ﷺ: «زیانت را نگه دار. بی گمان حفظ زبان صدقه‌ای است که برای خودت می‌پردازی». سپس فرمود: «هیچ بنده‌ای به حقیقت ایمان عارف نمی‌شود، مگر آنکه زبان از سخن گفتن باز دارد»^(۱).

امام باقر علیه السلام: «زبان، کلید هر خیر و شرّ است»^(۲).

از علائم مردم فقیه و دانا، حلم، علم و سکوت است. سکوت، از درهای حکمت است سکوت جلب محبت می‌کند. سکوت، راهنمای انسان به هر خوبی و خیر است.

امیرالمؤمنین علیه السلام: «آدمی دارای دو فضیلت و برتری است. نیروی خرد و قدرت تکلم. اگر سخن منزّه از گناه باشد ارزش آن بالاتر از سکوت است»^(۳).

رسول خدا ﷺ می‌فرمایند: «نجات مؤمن از عذاب الهی در این است که زبان خود را از سخنان غیر مشروع محافظت نماید».

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَادْرَأْ عَنِّي بِلُطْفِكَ وَاعْظُمِي بِنِعْمَتِكَ».

بارالها! به لطف و عنایت خود هر آنچه زیانبار و مضرّ است از من دفع کن و با نعمت خود به من قوت و غذا اعطا فرما.

امام باقر علیه السلام فرمود: «هیچ انسانی نیست مگر آنکه خداوند برای او رزق حلال مقرر فرموده است»^(۴).

۱. مشکوة الانوار ص ۱۷۵.

۲. تحف العقول ص ۲۹۸.

۳. غرر الحکم ص ۸۵۳.

۴. میزان الحکمه ج ۳ ص ۱۲۳.

اثر رفق و مدارا

رسول اکرم ﷺ: «هر چیزی که رفق و نرمی بر آن قرار داده شود، مایه جمال و زیبایی آن می‌گردد و اگر از آن برداشته شود، او را زشت و معیوب می‌نماید»^(۱).

در فراز دیگر دعا امام سجّاد علیه السلام عرض می‌کنند:

«وَأَصْلِحْ لِي بِكَرَمِكَ...».

بارالها! ویرانی‌های درونی و برونی و آسیب‌های جسمی و روحی که بر اثر ظلم حُکام و صدمات عناصر بی‌ایمان و منافق در وجودم به جای مانده است، تو با کرامت و بزرگواری خود آنها را اصلاح فرما.

ارزش صبر در اسلام

امام صادق علیه السلام: «صبر در مورد ایمان به منزله سر است برای جسد. اگر سر برود جسد رفته، همچنین اگر صبر برود، ایمان رفته است»^(۲).

خدایا، غنای نفس و بی‌نیازی طبع به ما عطا فرما.

صدق، به معنای خبر دادن به چیزی است بر وفق آن طور که هست با علم گوینده به مطابقت سخنش با واقع.

«وَلَا تَفْتِنِّي بِالسَّعَةِ وَامْنِحْنِي حُسْنَ الدَّعَةِ وَلَا تَجْعَلْ عَيْشِي كَدًّا كَدًّا».

۱. کافی ج ۲ ص ۱۱۹.

۲. کافی ج ۲ ص ۸۷.

کفایت معاش

امام سجاد علیه السلام عرض می‌کنند: «بارالها! مرا به وسیله گشایش و سعه مال، امتحان مکن.» مال قلبی که بتوانی شکرش را بکنی، بهتر از مال زیاد است که طاقتش را نداشته باشی. خدایا، از زندگی راحت به قدر کفاف معاش، ما را برخوردار کن. مال زیاد که باعث غفلت شود، بدتر از مالی است که به اندازه باشد. حُسن دَعَا به معنای شرایط خوب زندگی و معیشت است.

امیرالمؤمنین علیه السلام: «فقر و بی چیزی، مرگ بزرگ است»^(۱) و در بستر مردن، مرگ کوچک است.

امام صادق علیه السلام فرمودند: «کسی که به رزق خداوند راضی است، او از غنی‌ترین مردم است.»

عامل دوری از خداوند

امام صادق علیه السلام فرمودند: «بزرگترین عاملی که موجب دوری بنده از خداوند می‌شود این است که از خود همت بلند و عالی نشان ندهد، مگر در مورد شکم و شهوت جنسی»^(۲).

رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «سه صوت است که پرده‌ها را می‌درد و به پیشگاه خداوند می‌رسد: اول، صدای قلم علما که روی کاغذ کشیده می‌شود. دوم: صدای پایکوبی مجاهدین راه حق. سوم، صدای چرخ نخ ریزی زنان پاکدامن و با ایمان»^(۳).

امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید: «دنیا، چشم انداز نهایی کودکان است و از پی دنیا،

۱. نهج البلاغه کلمه ۱۶۳.

۲. کافی ج ۲ ص ۳۱۹.

۳. کتاب شهاب ص ۲۲.

عالم دیگری را نمی بینند» (۱).

«وَلَا تَرُدُّ دُعَائِي عَلَيَّ رَدًّا فَإِنِّي لَا أَجْعَلُ لَكَ ضِدًّا وَلَا أَدْعُو مَعَكَ
نِدًّا».

خدایا دعای مرا به خودم برنگردان و از استجابت آن محروم
نکن. زیرا در مقام توحید، نه برای تو مخالفی قرار دادم نه برایت
همتایی خواندم.

دعا

دعا در خواست از خداوند است و برتر و افضل از هر عبادتی است.
عبادت و بندگی عبارتست از تذلل و خضوع عابد در حضور معبود. آفریده در
مقابل آفریدگار است.

هیچ عبادتی در نزد خدا افضل از درخواستی نیست که متمنی و سؤال کننده از
وی بخواهد، آن را که نزد اوست.

در قرآن آمده: «ای پیامبر، اگر دعا و درخواست مردم نبود، نزد خداوند هیچ
قدر و ارزشی نداشتند» (۲).

دعا باب رحمت و اسعه الهی است. دعا می تواند بزرگترین مشکل را با
کوچکترین درخواست حل کند.

جهت دعا

کسی از امام صادق علیه السلام پرسید: من به محتوای این آیه نمی رسم ﴿أَدْعُونِي
أَسْتَجِبْ لَكُمْ﴾.

۱. نهج البلاغه خطبه ۱۳۳.

۲. سوره ۲۵ آیه ۷۷.

فرمودند: «برای اینکه باید اطاعت خدا را بکنی و جهت دعا را رعایت کنی، تا دعایت اجابت شود».

عرض کرد: جهت دعا در چیست؟

فرمودند: «۱ - حمد خدا ۲ - یادآوری نعمتها ۳ - شکر نعمتها ۴ - درود بر پیامبر ﷺ ۵ - گناهانت را به یاد بیاور و اقرار کن و از آنها به خدا پناه ببر و توبه کن».

مغفرت الهی

امام باقر علیه السلام: «خداوند مرد بادیه نشین را به خاطر دو کلمه دعا، مورد مغفرت خویش قرار داد: خدایا اگر عذابم کنی، من شایسته عذابم، و اگر عفو فرمایی، تو شایسته عفو و مغفرتی»^(۱).

شرایط استجاب دعا

امام صادق علیه السلام فرمودند: «خداوند مستجاب نمی کند دعایی که با قلب غافل انجام شود»^(۲).

- ۱ - موقع دعا با حضور قلب باش و به اجابت آن مطمئن باش.
 - ۲ - دعاکننده حدّ خود را بشناسد و درخواستی بالاتر از اندازه خویش نکند.
 - ۳ - درخواستش خلاف قوانین خلقت نباشد. مثل اینکه بگوید همیشه جوان باشم، یا به خواب و خوراک احتیاج پیدا نکنم.
- امام سجاد علیه السلام: «بارالها، دعای مرا به خودم باز نگردان و از استجاب آن محروم مکن».

معرفت حقّ در استجاب دعا

امام صادق علیه السلام: «برای این دعای شما مستجاب نمی شود، چون کسی را

۱. امالی شیخ طوسی ج ۲ ص ۵۲.

۲. کافی ج ۲ ص ۴۷۳.

می خوانید که نمی شناسید و درباره اش به شایستگی معرفت ندارید»^(۱).

باید از همه وابستگی ها جدا شوید و به خدا بپیوندید، تا دعایتان مستجاب گردد.

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَامْنَعْنِي مِنَ السَّرَفِ وَحَصِّنْ رِزْقِي مِنَ التَّلَفِ».

خدایا! مرا از زیاده روی و اسراف باز دار و رزق و روزیم را از تباهی و تلف شدن محافظت فرما.

امام صادق علیه السلام فرمود: «سه علامت نشانه اسراف کننده است: می خورد متاعی را که برای او نیست. می پوشد لباسی را که برای او نیست، و می خورد غذایی را که برای او نیست»^(۲).

فرق اسراف و تبذیر

تبذیر: صرف نمودن مال در موردی است که نمی بایست مال در آن مورد صرف شود.

اسراف: صرف نمودن مال بیش از اندازه ای است که صرف آن روا و سزاوار شناخته شده.

قرآن مجید می فرماید: «إِنَّ الْمُبَذِّرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ»^(۳)؛ تبذیر کنندگان، برادران شیطان هستند.

۱. میزان الحکمه ج ۳ ص ۲۵۴.

۲. میزان الحکمه ج ۴ ص ۴۴۶.

۳. سوره ۱۷ آیه ۲۷.

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاكْفِنِي مَوْتَةَ الْاِكْتِسَابِ ... تبعات المكسب».

امام زین العابدین علیه السلام پس از درود بر حضرت محمد صلی الله علیه و آله و آل او عرض می کنند:

بارالها! طبق وظیفه، از پس کسب رزق و روزی می روم و از تو می خواهم مشقت و شدت آن را از من کفایت فرمایی و از جایی که گمان نمی برم به من روزی برسانی و در طلب روزی وقت کمتری صرف کنم تا از بندگی و عبادتت بازمانم. کسب و کار پی آمدهای سنگین دارد. می خواهم بار تبعات آن را بردوش نگیرم.

برکت مال

اگر مالی بیش از حدّ عادی منشأ خیرات باشد، آن مال را با برکت گویند. رسول خدا صلی الله علیه و آله: «من دشمن دارم آن کسی را که از سعی و کوشش دست کشیده، دهان خود را باز کرده و می گوید: بارالها به من رزق و روزی برسان».

«اللَّهُمَّ فَأَطْلِبِنِي بِقُدْرَتِكَ مَا أَطْلُبُ وَأَجِزْنِي بِعِزَّتِكَ مِمَّا أَزْهَبُ».

خدایا! به قدرتت، آنچه را که درخواست دارم، برآورده ساز و به عزتت، از آنچه می ترسم پناهم ده.

پناه بردن به خدا از عذاب الهی

رسول خدا صلی الله علیه و آله بعد از نماز صبح به صدای بلند عرض می کرد:

«بارالها، پناه می برم به رضای تو از غضبت. پناه می برم به عفو تو از مجازاتت. بارالها، پناه می برم از تو، به خودت که نه چیزی مانع اعطای تو می شود و نه کسی

می تواند آن را که تو منع نمودی ، عطا نماید»^(۱) .

«اللهم صلّی علی محمد و آل محمد ... و صُن وجهی بالیسار ...
بالاقتار» .

خدایا! آبروی مرا در جامعه با معیشت سهل و آسان محافظت
فرما و قدر و منزلتم را نزد مردم ، با تنگدستی سبک و خوار
مگردان .

آبرو

رسول اکرم ﷺ : «مؤمن نباید موجبات خواری و ذلت خود را فراهم آورد»^(۲) .
امیرالمؤمنین علیه السلام : «قدر و ارزش آبرویی را که آدمی برای درخواست چیزی
صرف می کند ، بالاتر از حاجت مورد درخواست است ، هرچند آن خواسته مهم
باشد و با صرف آبرو برآورده شود»^(۳) .

امام صادق علیه السلام : «در سفرها با کسانی بروید که از نظر مسکن و مال با شما برابر
هستند»^(۴) .

حدیث فقر

رسول خدا ﷺ : «ای علی ، فقر امانت خداوند است نزد مردم . کسی که آن را
پنهان کند ، اجر روزه داری را که اقامه کننده نماز است ، به وی عطا می کند»^(۵) .

لقمان حکیم به فرزندش می گوید :

-
- ۱ . امالی شیخ طوسی ج ۱ ص ۱۵۸ .
 - ۲ . مستدرک الوسائل ج ۲ ص ۳۶۴ .
 - ۳ . غرر الحکم ص ۳۴۴ .
 - ۴ . وسائل ج ۸ ص ۳۰۲ .
 - ۵ . کافی ج ۲ ص ۲۶۰ .

صبر بر فقر از همه صبرها تلخ تر است. ولی اگر روزی فقیر شوی، آن را امری بین خود و خدا قرار بده^(۱).

«فاسترزق اهل رزقك... ولي الاعطاء والمنع».

خدایا! اگر دعایم را در گشایش زندگی مستجاب نفرمایی و در مضیقه قرار گیرم، عوارضی برایم دارد:

اول: از کسانی طلب روزی کنم که خود، روزی خوار تو هستند.
دوم: در اثر تنگدستی و مشکل، از شرار خلقت درخواست عطا نمایم.

سوم: آزمایش شوم به ستایش کسی که به من عطا نموده است.
چهارم: مبتلا شوم به ذم کسی که محرومم ساخته، با اینکه تو ولی و صاحب اختیار هر عطا و منعی.

«وَلَا تُطِيعُوا أَمْرَ الْمُسْرِفِينَ * الَّذِينَ يَفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ وَلَا يَصْلِحُونَ»^(۲)؛ از

امر مسرفین را اطاعت ننمایید و راه انحرافی و زیانبار آنان را نپیمایید. اینان کسانی هستند که با زیاده روی های خویش، تهیدستان را خشمگین می کنند و جامعه را به فساد و تباهی سوق می دهند و هرگز عمل آنها مایه صلاح و سعادت مردم نمی شود.

«كُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ»^(۳)؛ بخورید و بیاشامید

ولی اسراف و زیاده روی ننمائید، که خداوند مسرفین را دوست ندارد.

۱. سفینه البحار ج ۲ ص ۳۷۹.

۲. سوره ۱۱ آیات ۱۵۱ - ۱۵۲.

۳. سوره ۷ آیه ۳۱.

«وَوَفَّرْ مَلَکَتِي بِالْبَرَکَةِ فِيهِ وَأَصِْبْ بِي سَبِيلَ الْهُدَايَةِ لِلْبِرِّ فِيمَا
أُنْفِقُ مِنْهُ».

خدایا! آنچه را که مالکم، با برکتی که در آن اعطا می‌نمایی،
افزون فرما. بارالها! آن را که از مال خود انفاق می‌نمایم، به
گونه‌ای صورت پذیرد که از هدایت تو در بتر و نیکوکاری
برخوردار باشم.

امیرالمؤمنین می‌فرماید: «وقتی جنایات، علنی و آشکار می‌گردد، برکات الهی
در جامعه از میان می‌رود»^(۱).

رضا و قضای خداوند در نزد اهل بیت علیهم‌السلام

قتیبه بن أعشى می‌گوید: خدمت امام صادق علیه‌السلام رسیدم به منظور عیادت
فرزندش که بیمار بود. دیدم دم در با قیافه‌ای مهموم و محزون ایستاده است. عرض
کردم: حالش چگونه است؟

فرمودند: «همان طور!» سپس داخل منزل شدند.

بعد از ساعتی بازگشتند با چهره‌گشاده و آثار حزن و اندوه برطرف شده. از
مشاهده این حال فکر کردم که طفل بیمار از خطر رسته و بهتر شده است. حضرت
فرمودند: «از دنیا رفت».

عرض کردم: «قبلاً حزن داشتید، اکنون حالت تأثیر از بین رفته».

فرمودند: «ناراحتی و جزع ما اهل بیت قبل از وقوع مصیبت است. اما وقتی
مصیبت آمد و امر الهی تحقق یافت، راضی به قضای او و تسلیم امر خداوند
هستیم»^(۲).

۱. فهرست موضوعی غرر ص ۳۳.

۲. اعیان الشیعه ج ۱ ص ۶۶۴.

یا مانند اُمّ سلیم، همسر ابی طلحه، که فرزندش بیمار بود و مُرد. در موقع ورود همسرش به منزل، جنازه کودک را پنهان کرد و گفت: خوابیده است. بعد از استراحت همسرش، به او گفت: آیا اگر کسی امانتی به تو بدهد و آن را بخواهد، ناراحت می شوی؟ گفت: نه. پس اُمّ سلیم گفت که خداوند امانت خود را بازگرفت.

رسول خدا ﷺ از کار زن شگفت آمد. درباره اش دعا کرد و فرزندی شایسته و باایمان به او عطا شد.

حضرت علی بن الحسین علیهما السلام فرمودند: «زهد و بی اعتنائی به دنیا ده جزء دارد. بالاترین درجه زهد پائین ترین درجه تقوا است و بالاترین درجه تقوا پائین ترین درجه یقین است و بالاترین درجه یقین پائین ترین درجه رضا به قضای الهی است»^(۱).

نظام جهان بر وفق مصلحت

امیرالمؤمنین علیه السلام: «خداوند توانا امور جهان را بر طبق آنچه مقتضی است به جریان می اندازد، نه بر وفق رضا و خشنودی افراد»^(۲).

بنابراین، کسی که به خداوند ایمان حقیقی دارد، در تمام پیشامدهای مسرت بخش یا اندوهبار، راضی به قضای اوست و با تمام وجود، در مقابل امرش سر تسلیم فرود می آورد. و این حالت روانی گرانقدر، نشانه ایمان راستین است.

حُسن خلق

امام صادق علیه السلام: «حُسن خلق، روزی را زیاد می کند و آدمی را از نعمت بیشتر برخوردار می نماید»^(۳).

۱. کافی ج ۲ ص ۶۲.

۲. فهرست موضوعی غرر ص ۱۳۷.

۳. سفینه البحار ج ۱ ص ۴۱۱.

رزق بی واسطه از خداوند

امیرالمؤمنین علیه السلام و صایایی به فرزندان بزرگوار خود فرمودند :

«اگر می توانی کاری کنی که بین تو و خداوند صاحب نعمتی واسطه نباشد، آن کار را انجام ده، چه آنکه در هر صورت تو قسمت خود را می گیری. اما رزق کم از طرف خداوند، عظیم تر است و کرامت زیادی دارد از رزق زیادی که به وسیله خلق دریافت نمایی، گرچه تمام رزقها بی واسطه یا با واسطه از خداوند رزاق است»^(۱).
مثل کشاورزی و باغداری.

رزق بدون واسطه، بدون منت و ذلت است.

ولی کاری که برای کسی می کنی، مثل این است که رزق خود را از او گرفتی، هر چقدر که بی منت باشد.

«فرزند عزیز، همواره کرامت و بزرگواری نفس خویش را حفظ کن و از تن دادن به هر پستی اجتناب کن، هرچند با تحمل آن پستی به تمنیات دست می یابی»^(۲).

اجر سیر کردن گرسنگان

امام صادق علیه السلام : «کسی که مسلمان قحطی زده ای را سیر کند و غذا دهد، در آخرت اجری دارد که هیچ بنده و ملک مقربی نمی داند و هیچ نبی و مرسلی، فقط خداوند می داند. قحطی زده ای که باغش را از دست داده یا مزرعه، و خاک نشین شده است»^(۳).

از افراد پست و فرومایه و فاقد فضیلت اظهار حاجت نکنید.

۱. نهج البلاغه نامه ۳۱.

۲. نهج البلاغه نامه ۳۱.

۳. کافی ج ۲ ص ۲۰۱.

«... وَأَرْزُقْنِي صِحَّةً فِي عِبَادَةِ وَفَرَاغاً فِي زَهَادَةٍ».

خدایا! تندرستی و سلامتی عطا فرما تا در راه عبادتت مصرف گردد و فراغت بالی عنایت فرما تا در راه زهد و بی‌اعتنایی به دنیا طی شود.

صحت در بدن

حالتی است طبیعی که با وجود آن، افعال بدن مسیر طبیعی خود را می‌پیماید.

عبودیت

اظهار تذلل است. تذلل نهایی به معنای عبادت. و شایسته، کسی است که واجد کمال نهایی است و او جز ذات اقدس الهی نیست.

ارزش جوانی و عافیت

امیرالمؤمنین علیه السلام: «دو چیز است که فضل و برتری آن را احدی نمی‌داند، مگر کسی که هر دو را واجد بوده و هم اکنون از دست داده: یکی جوانی و دیگری عافیت»^(۱).

رسول اکرم صلی الله علیه و آله: «دو نعمت عافیت و امنیت که قدر و منزلت آنها نزد مردم ناشناخته و پنهان است»^(۲).

بیماری

بیماری یک انسان، به منزله ناامنی کشور تن است که میدان تاخت و تاز میکروب، ویروس و انگل قرار گرفته.

بارالها، تندرستی و سلامتی به ما بده، تا در راه عبادتت مصرف کنیم و موجب تعالی معنوی و تکامل انسانیت ما بشود.

۱. غرر الحکم ص ۴۴۹.

۲. خصال صدوق ص ۳۴.

خداوند بشر را آفریده و به خواب و غذا نیازمند ساخته و در حفظ حیات و سلامت بدنش او را مکلف نموده است. ادای این تکلیف، بدون غذا و خوابیدن، میسر نیست. اگر به نیت این باشد که خداوند مرا مکلف نموده و با قصد قربت انجام دهد که به منظور حفظ حیات و سلامت غذا می خورم و استراحت می کنم، عبادت محسوب می شود.

اگر کار برای فخر فروشی و ثروت اندوزی باشد، در راه شیطان قدم برداشته. اگر برای سیر کردن زن و بچه، پدر و مادر باشد، در راه عبادت خداست.

فراغ

نقطه مقابل شغل است. به معنای خلاص شدن از آن عمل و نیل به خشنودی و رضای خداوند. عالی ترین مقامی است که اولیاء خدا در تمنای آن هستند.

تقسیم ساعات روز

حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام :

«کوشش کنید ساعات زمان را به چهار قسمت کنید :

- ۱ - قسمتی از ساعات را برای عبادت و خلوت با باری تعالی.
- ۲ - قسمتی از ساعات را برای کار و کوشش برای معاش.
- ۳ - قسمتی از ساعات را برای مجالست و مصاحبت برادران دینی مورد اعتماد و کسانی که شما را متوجه عیوبتان می کنند و با خلوص به شما تذکر می دهند.
- ۴ - قسمتی از ساعات را برای تفریح و نشاط که به شما نیرو می بخشد و به قدرتی مجهز می کند تا اعمال سه گانه ساعات را دیگر هرچه بهتر و نیکوتر انجام دهید»^(۱).

زهد

در حدیث است که: «زهد آن است که حلال، بر شکر زاهد غلبه نکند و محرمات بر صبرش پیروز نگردند. یعنی شکر و صبرش دچار عجز و ناتوانی نشود»^(۱).

«وَعِلْمًا فِي اسْتِغْمَالٍ وَوَرَعًا فِي إِجْمَالٍ»

خدایا! علمی روزی من کن که در عمل به کار بندم و مرا از ورع و کف نفس معتدل برخوردار نما.

تقسیم علوم

امیرالمؤمنین علیه السلام: «علوم چهار رشته است:

- ۱ - علم فقه برای شناخت مقررات دینی.
- ۲ - علم طب برای بدنها.
- ۳ - علم نحو برای زبان و درست سخن گفتن.
- ۴ - علم نجوم برای شناخت زمانها»^(۲).

کمال دین

امیرالمؤمنین علیه السلام: «کمال دین در طلب علم و عمل نمودن آن است»^(۳).

معنی حجت بالغه الهی

امام صادق علیه السلام: «خداوند در روز قیامت به بنده خطاب می کند آیا عالم بودی؟ اگر بگویند: بلی، می گویند: پس چرا طبق علمت عمل نکردی؟ اگر بگویند: جاهل

۱. نهایة ابن اثیر ج ۲ ص ۳۲۱.

۲. بحارالانوار ج ۱ ص ۲۱۸.

۳. کافی ج ۱ ص ۳۰.

بودم، می‌گویند: چرا نرفتی یاد بگیری تا عمل کنی. و این حجت بالغه خداوند است بر آفریده‌های خود»^(۱).

ورع

اجتناب از گناه و خودداری از معاصی و شبهات است.

خداوند به موسی فرمود:

«هیچ عامل قریبی همانند ورع از گناه، بندگانم را به من نزدیک نمی‌کند. من در مقابل ورع، بهشت عدن را پاداش آنان قرار می‌دهم، بهشتی که مخصوص این گروه است و کسی با آنها شریک نیست»^(۲).

کف نفس، خویشتن داری است که بهترین آن، روزه داشتن می‌باشد.

از امور مشتبّه هم اجتناب کنید (در حدّ اعتدال تا به وسواس دچار نشوید)، تا مبادا به گناه آلوده شوید.

حسن عاقبت

بشر در شکم مادر روزگار، برای زندگی بعد از جهان مرگ، ساخته می‌شود و سعادت کمال او این است که تمام ابعاد وجودیش در رحم روزگار به سلامت و شایستگی ساخته شود و این سلامت ادامه یابد تا لحظه مرگ او را فراگیرد و به جهان بعد از مرگ انتقال یابد.

معیار در هر دو ولادت، حُسن عاقبت است. ولادت از شکم مادر، سلامت تکوینی است و ولادت از شکم روزگار، به معنای سلامت تشریحی، که بسیار تفاوت دارند.

اگر فرزند در تولد از مادر نقصی داشته باشد (کور، کر، افلیج)، اکثر آنها قابل

۱. امالی شیخ مفید ص ۲۹۲.

۲. کافی ج ۲ ص ۸۰.

اصلاح نیستند. اما عیوب و نقایصی که در شکم مادر روزگار، بر اثر فساد اخلاق یا سوء گفتار، دامنگیر انسان می شود، قابل علاج و درمان است. و می تواند از خود، انسان شایسته بسازد.

وعده خداوند برای مؤمنین و مؤمنات بهشت عدن و مساکن طیبه و رضوان خداست.

حضرت یوسف و درخواست حُسن عاقبت

بارالها، تو ولی و صاحب اختیار من در دنیا و آخرتی. از ذات اقدس می خواهم که روحم را در حالی قبض کنی و مرا بمیرانی که بنده مطیع و فرمانبردار بی قید و شرط تو باشم و به گروه پاکان و صلحا ملحقم فرما (سوره ۱۲ آیه ۱۰۱).

شرایط آباد کردن مزرعه دنیا و آخرت

در دنیا باید زمین را آماده کرد، بذر خوب کاشت، از علف هرزه و آفات دور کرد، و در آب دادن مواظبت کرد، تا محصول خوب بدهد.

صاحب دل، باید برای رسیدن به حیات انسانی، به موازات اطاعت از فرمان خدا، گناهایی که به منزله علف هرزه و خار و خاشاک مضر است، ترک کند و به وسیله پرهیز از معاصی، زمینه تعالی و تکامل قلب را به شایستگی فراهم آورد. کسی که از صمیم دل، به خدا ایمان می آورد و با ادای فرایض و نوافل، توحید را در دل تقویت می کند و به موازات اطاعت اوامر الهی، از منهیاتش نیز اجتناب می کند، چنین انسانی یک مسلمان واقعی است، و این رجاء صادق می باشد.



«وَسَهِّلْ لِي بُلُوغَ رِضَاكَ سُبُلِي وَحَسِّنْ فِي جَمِيعِ أَمْوَالِي عَمَلِي».

خدایا! راههای مرا برای وصول به رضا و خشنودیت آسان فرما و در تمام حالاتم کارهای مرا پسندیده و نیکوگردان.

راههای وصول به رضای الهی

امام باقر علیه السلام از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کردند:

خداوند رضای خود را در اطاعت خویش مخفی کرده، پس هیچ چیز از اطاعت الهی را کوچک نشمرید، چه بسا رضای او با آن اطاعت توافق یابد و شما ندانید» (۱).

کسانی را که خدا دوست دارند، دوست بدارید و دشمنان خدا را دشمن. اگر در نفس خودت از ظالمان بدت آمد و دوستدار مساکین بودی، نشانه رضای خداست.

کسی که اطاعت خدا را می‌کند، انجام وظیفه است و پاداشی ندارد، و کسی که از وظیفه، سر باز می‌زند و از ادای تکلیف تخلف می‌کند، استحقاق کیفر دارد. انسان باید به قضا و مقدرات الهی راضی و خشنود باشد.

خداوند به حضرت موسی فرمود:

«رضای من در رضای تو به رضای من است» (۲).

رضای بنده آن است که به آنچه خداوند برای او مقدر کرده، راضی باشد، خواه به نفع اوست یا به ضررش.

با تسلیم در مقابل خداوند و رضا به آنچه بر او از شرور و خشم وارد می‌شود.

یکی درد و یکی درمان پسندد یکی وصل و یکی هجران پسندد

من از درمان و درد و وصل و هجران پسندم آنچه را جانان پسندد

اگر به قضای الهی راضی نشود و با نیروی ایمان به ضمیر آشفته خود، تسکین

نبخشد، قادر نیست مکروهات و ناملازمات را که به آنها مبتلاست، برطرف نماید.

۱. خصال صدوق ص ۲۰۹.

۲. میزان الحکمه ج ۴ ص ۱۵۱.

و ممکن است با جزع و بی صبری به عوارض روحی و بیماری عصبی نیز مبتلا شده و مصیبت تازه‌ای بر مصیبت‌های دنیای خویش بیفزاید و در آخرت از پاداش صبر و رضا محروم گردد.

«... وَحَسُنَ فِي جَمِيعِ اٰخْوَالِي عَمَلِي».

... بارالها! در تمام حالاتم کارهای مرا پسندیده و نیکوگردان.

نیکو بودن عمل را از خداوند خواستار هستند.

بدون عمل نیک، امید سعادت عالم آخرت را در سر نپروران.

کسانی که در راه رفتن و گفتار، خاضع و از مال حرام پرهیز دارند و در شهوت جنسی عفت دارند، باز هم ببینند عقلشان تا چه حد پای بند آنهاست. اگر عقل هم پای بند اوست، باز قضاوت نکنید. آیا نیروی هوای نفس بر ضد عقل است یا نیروی هوای نفس را پس زده. آیا محبت او به ریاستهای باطله چگونه است که ممکن است همه را ترک کند برای ریاست.

هر کاری باید با نیت خالص و قرب الهی باشد و انسان باید تا آخر عمر، عمل پاک خود را از خطرات گوناگون حفظ کند.

خداوند کثرت عمل را منظور ندارد. عمل صواب و طبق واقع و اصابت در عمل و ترس از خداوند و نیت پاک و صادق منظور است.

امام باقر علیه السلام: «نگاه داشتن عمل خوب، سخت‌تر از به جا آوردن آن عمل است»^(۱).

«وَنَبِّهْنِي لِذِكْرِكَ فِي أَوْقَاتِ الْغَفْلَةِ».

بارالها! در مواقع غفلت به من آگاهی و توبه عطا فرما که همواره به یاد تو باشم.

ذکر قلب بالاتر از ذکر زبان است. ذکر قلب، افراد را به راه اطاعت الهی سوق می‌دهد و از معصیت باز می‌دارد. ذکر الهی، منظور حرام و حلال الهی می‌باشد.

حفظ عمل

رسول خدا ﷺ به امیرالمؤمنین عليه السلام فرمودند: «ای علی، سه چیز است که اگر در کسی نباشد عمل خوب برای او پایدار نمی‌ماند:

۱ - کف نفس (خویشتن داری) که وی را از گناه باز می‌دارد.

۲ - عملی که با آن نادانی سفیه را بگرداند.

۳ - عقلی که به وسیله آن در زندگی با مردم مدارا نماید»^(۱).

اگر یک عمل، خوب و مورد قبول باری تعالی واقع شود، عامل عمل از عذاب مصون است.

آنچنان باشید که عنایت و توجهتان به قبول عمل، بیشتر از اصل عمل باشد.

«وَاسْتَعْمِلْنِي بِطَاعَتِكَ فِي أَيَّامِ الْمُهَلَّةِ».

بارالها! در ایام عمر که مهلت خودسازی و نیل به کمال انسانی

است، مرا به اطاعت و فرمانبری خودت وادار ساز.

انسان در حالات مختلف مانند سلامت و مرض، سیری و گرسنگی، خشم و

شادی، غنا و فقر، پیروزی و شکست، یکسان نیست. برای مصون ماندن از

خطرات، در حالات مختلف باید از خداوند استمداد بخواهیم.

کسی که دائم در قلبش به یاد و ذکر خداست، فکر شیطانی و باطل نمی‌کند. ضمیری روشن دارد و بدون واسطه ملائکه، خدا را ذکر می‌گوید. مهلت دادن، یعنی مدارا کردن و رفق. همانند حلم و عفو از جمله صفات خداوند است. خداوند به گنهکاران مهلت می‌دهد که شاید منقلب شده، بیدار شوند.

پاداش مدارا با مدیون تهیدست

امام صادق علیه السلام فرمود: «هرکسی مُعْسِرِی را که قدرت پرداخت بدهی خود را ندارد مهلت دهد، خداوند هر روز به مقدار طلبی که دارد، به او اجر صدقه می‌دهد تا وقتی طلب خویش را دریافت نماید.»^(۱) اگر پول طلب را، به مُعْسِرِ ببخشی، خداوند در روز قیامت می‌فرماید: «من از بنده خود در بخشش سزاوارترم»^(۲).



«وَأَنْهَجْ لِي إِلَىٰ مَحَبَّتِكَ سَبِيلًا سَهْلَةً أَكْمِلُ لِي بِهَا خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ».

بارالها! برای نیل به دوستی و محبتت، راهی آسان برای من بگشا و با سرمایه‌گرانقدر محبتت خیر دنیا و آخرت را برای من تکمیل و تقسیم فرما.

محبت

محبت، اراده نمودن چیزی است که آن را خوب بدانی یا درباره‌اش گمان خوب داشته باشی. محبت سه گونه است:

۱ - محبت به منظور لذت و احساس نیاز. مثل محبت دو همسر به یکدیگر.

۱. تفسیر صافی ص ۸۰.

۲. مستدرک الوسائل ج ۲ ص ۴۹۳.

۲- محبت به منظور سود بردن . محبت به چیزی که به وسیله آن یا از خود آن نفع عاید می شود .

۳- محبت برای فضل و کمال . مانند محبتی که اهل علم و دانش به بعض دیگر دارند برای فضیلت علم .

محبت اول و دوم ، مشترک بین انسان و حیوان است و محبت سوم ، به آدمی اختصاص دارد .

بشر ، دوستدار کسی است که به او احسان می کند . به یاد نعمتهای خدا باشید تا محبتتان به خدا زیاد شود . حیات ، سلامت ، قوای بدن ، رزق ، ستر عیوب ، مغفرت گناهان و دیگر نعمتها .

«محبت بنده به خداوند عبارتست از: تصمیم به طاعت از اوامر و نواهی و بریدن از وابستگی ها»^(۱) .

هرچقدر محبت بیشتر باشد ، اطاعت و علاقه به عبادت و بندگی و انقطاع ، بیشتر است .

رسول اکرم ﷺ فرمود: «برترین مردم کسی است که به عبادت عشق ورزد و با او معانقه کند . در دل دوستدارش باشد و با جسم در انجام آن بکوشد»^(۲) .

امام صادق علیه السلام: «ایمان کسی خالص است که حبّ خداوند در ضمیرش ، از حبّ خودش ، پدرش ، مادرش ، فرزند و خانواده اش ، مال و تمام مردم بیشتر و فزونتر باشد . چون دین چیزی جز حبّ و بغض نیست»^(۳) .

رسول اکرم ﷺ: «شرک ، پنهان تر از حرکت یک مورچه کوچک ، روی سنگ

۱ . ریاض السالکین ص ۲۳۷ .

۲ . کافی ج ۲ ص ۸۳ .

۳ . سفینه البحار ج ۱ ص ۲۰۱ .

خارا در شب تاریک است. و کمترین مرتبه شرک، دوست داشتن چیزی از ظلم و دشمن داشتن چیزی از عدل است. آیا دین غیر از حبّ و بغض برای خدا و در راه خداست؟» (۱)

راه رسیدن به محبت خدا، پیروی از تعالیم قرآن و اطاعت از دستورهای شرع مقدّس است.

خیر

خیر، آن چیزی است که مورد رغبت و میل تمام مردم است. مانند عقل و عدل و فضل و هر چیز نافع، و ضدّ آن شرّ است.

بذر خیری که یک فرد با ایمان در مزرعه دنیا می افشاند، محصول آن، خیر و رحمتی است که در آخرت نصیبش می گردد.

امیرالمؤمنین علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت می نماید که فرمودند: «قسم به خداوند که هیچ معبودی جز او نیست، هرگز به هیچ مؤمنی خیر دنیا و آخرت عطا نمی شود، مگر آنکه به خداوند گمان خوب داشته باشد و به ذات مقدّسش امیدوار باشد، دارای حُسن خلق بوده و از غیبت مؤمنین خودداری کند» (۲).

حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله: «به هرکس چهار چیز عطا شود خیر دنیا و آخرت عطا شده:

۱ - بدنی که در حوادث متحمل و صابر است.

۲ - زبانی که ذکر خدا گوید.

۳ - قلبی که نعمت خدا را شکر کند.

۱. تفسیر درّ المنثور ج ۲ ص ۱۷.

۲. کافی ج ۲ ص ۷۱.

۴- زنی که از هر جهت شایسته و واجد صفات خوب باشد»^(۱).

امیرالمؤمنین علیه السلام: «خداوند چیزی را به کسی عطا نمی‌کند، مگر به خاطر حسن خلق و حسن نیتش»^(۲).

امام صادق علیه السلام: «خیر دنیا و آخرت را خداوند به کسی که رضای خدا را به خشم مردم طلب کند، می‌دهد»^(۳).

امیرالمؤمنین علیه السلام: «خیر در زیاد شدن مال و اولاد نیست، بلکه خیر آن است که علم و عمَلت افزایش یابد و حِلْمَت فزونتر گردد»^(۴).

«كَأَفْضَلِ مَا صَلَّيْتَ عَلَيَّ أَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ قَبْلَهُ وَأَنْتَ مُصَلِّ عَلَى أَحَدٍ بَعْدَهُ».

بارالها! درود بفرست بر محمد و آلش همانند بهترین و برترین درودی که فرستاده‌ای بر بندگان قبل از آن حضرت و درود خواهی فرستاد بر هرکس بعد از آن حضرت.

صلوة و صلوات

«صلوة در لغت به معنی دعا است. و چون نماز حاوی دعا است، مجموع این عبادت را بنا به جزیی از آن خوانده‌اند. در جای دیگر به معنای تعظیم است، چون تعظیم حضرت باری تعالی را در بر دارد»^(۵).

امام صادق علیه السلام درباره «إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ...» می‌فرمایند:

۱. مستدرک الوسائل ج ۱ ص ۱۳۸.

۲. غرر الحکم ص ۷۵۰.

۳. میزان الحکمه ج ۳ ص ۲۰۵.

۴. سفینه البحار ج ۱ ص ۴۳۳.

۵. نهاییه ابن اثیر ج ۳ ص ۵۰.

«صلوة خداوند بر پیامبر (رحمت) است.

صلوة فرشتگان = تزکیه مؤمنین است.

صلوة مؤمنین = دعا بر آن حضرت است»^(۱).

امام صادق علیه السلام فرمودند: ای اسحاق بن فروخ! هر که ده بار بر محمد و آل محمد صلی الله علیه و آله صلوات فرستد خدا و فرشتگان صد بار بر او صلوات بفرستند و هر که صد بار بر محمد و آل محمد صلی الله علیه و آله صلوات فرستد خدا و فرشته‌ها هزار بار بر او صلوات فرستند، آیا نشنیده‌ای گفته خدا عز و جل را (سوره احزاب) «او است آن خداوندی که رحمت می فرستد بر شما و هم فرشته‌هایی که رحمت می خواهند برای شما تا بیرون آورند شماها را از تاریکیها و تیرگیها به سوی روشنی و خدا درباره مؤمنان مهربان است»^(۲).

خطاب خداوند به اسمای حضرت محمد صلی الله علیه و آله در قرآن

از آقا امیرالمؤمنین علیه السلام:

«خداوند هفت نام پیامبر صلی الله علیه و آله را در قرآن خوانده:

۱ - محمد ۲ - احمد ۳ - طه ۴ - یس ۵ - مزمل ۶ - مدثر ۷ - عبدالله»^(۳).

تسلیم

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: «تسلیم امر خداوند باشید به صورت آگاهانه، تا به پیروزی نائل شوید. تسلیم عبارتست از یقین، و یقین تصدیق است، و تصدیق اقرار است، و اقرار عمل است، و عمل ادای تکلیف. شخص با ایمان دین خود را از رأی خویش نمی‌گیرد، بلکه دینش از طرف باری تعالی آمده و او آن را فرا گرفته است»^(۴).

۱. معانی الاخبار ص ۳۶۸.

۲. اصول کافی ج ۶ ص ۸۷.

۳. تفسیر تبیان ج ۲ ص ۴۷۵.

۴. کافی ج ۲ ص ۴۵.

حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام: «عالی ترین مراتب اطاعت خداوند، تسلیم در مقابل او امر اوست، خواه عقل ما آن را درک کند یا درک نکند» (۱).

«وَأَتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنِي بِرَحْمَتِكَ عَذَابَ النَّارِ».

پروردگارا! در دنیا به ما خوبی عطا فرما و در آخرت نیز به ما خوبی عطا فرما، و در ظل رحمتت مرا از عذاب دوزخ مصون و محفوظ دار.

امیرالمؤمنین علیه السلام: «خداوند مقرر داشته پیشوایان عدل، زندگی خود را با ضعفای جامعه اندازه گیری کنند، تا فقر فقیر موجب تهییجش نشود. ولی مردم عادی باید به اندازه ای از دنیا استفاده کنند. نه با وضع امام زندگی خود را تطبیق دهند» (۲).

رهبانیت در اسلام چه برای زن و چه مرد، ناروا و ممنوع است. و هریک از غرایز و تمایلات طبیعی را در جای خود اقناع کنند. و تکلیف، جمع بین این دو است و یکی را برای دیگری نباید ترک کند و اعتدال را رعایت کند و در هیچ موردی افراط و تفریط نکند.

بزرگترین حسنه

امام صادق علیه السلام: «بزرگترین حسنه در عالم آخرت، رضوان باری تعالی و راه یافتن به جنت خلد است و این نصیب کسانی می شود که در دنیا برای آخرت کار می کنند» (۳).

بزرگترین حسنه دنیا، توسعه معاش و حُسن خلق است که نصیب کسانی

۱. بحار الأنوار ج ۷۵ ص ۳۴۸.

۲. نهج البلاغه خطبه ۲۰۹.

۳. معانی الاخبار ص ۱۷۴.

می شود که در دنیا زحمت می کشند برای معاش، و برای حُسن خلق مجاهده می کنند تا خویشتن را به سجایای اخلاقی عادت دهند.

* * *

بعد از توضیحاتی درباره دعای مکارم اخلاق، باید همیشه از منبع فیض استفاده کنید تا به حقیقت برسید. یعنی آب صاف و زلال، تشنگی روحی را برطرف می کند. سیرابی که هیچگاه تشنه نمی شوید. هرچه از این جهان مادی استفاده می کنید، کم می شود. ولی خوردنیهای معنوی همیشه هست و هیچگاه در آن نقصانی پیدا نمی شود چون با علم پروردگار تغذیه می شود.

﴿ أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ... أَصْلَهَا ثَابِتٌ وَفَرَعُهَا فِي السَّمَاءِ... ﴾ اصل آن ثابت و شاخ و برگ آن تمام عالم خلقت را پر کرده. در آیه بعد خداوند می فرماید: درختی که اصلی ندارد. یعنی ریشه در خاک نباشد و مقداری خاک روی سنگ باشد. چون ریشه جای حقیقی ندارد که پائین برود و محکم شود، می افتد. چون ریشه اش ثابت نیست.

عقیده ای که مثل ریشه روی سنگ باشد، افتادنی است. باید عقاید را با عقاید ائمه معصومین علیهم السلام یکی کرد تا ریشه اش ثابت شود.

انسان باید به یقین برسد، و اگر شک یا تزلزلی داشته باشد و این شک و تزلزل از ریشه و پایه باشد یعنی در مسائل اصلی و عقاید، برایش خطرناک است. باید استقامت و پاداری کرد. چون کسی که روح ضعیف دارد، نمی تواند صاحب قلب سلیم و روح پذیرا باشد. باید آرام آرام ریشه در دل خاک پیدا کنید تا مقاوم و تنومند شوید.

﴿ يُسَبِّحُ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴾^(۱) تمام آنچه خدا خلقت کرده، او را تسبیح می گویند.

مردم دنیا که به صورت دانش آموزی وارد دنیا شده‌اند آیا خدا را تسبیح می‌کنند. در آیه می‌فرماید: آنچه خدا خلق کرده، حتی جمادات و موجودات آسمان و زمین، حتی ذرات سلولهای بدن خودتان تا کهکشانهای عظیم، خدا را تسبیح می‌کنند. اگر جزء اینها نیستید از هر موجودی پست‌ترید. چون انسان خود را برترین موجودات عالم می‌داند. چون فهم و شعور دارد، می‌تواند پیشرفت کند. حتی ملائکه هم این درجه انسان را ندارند، چون انسان از صفر به کمال می‌رسد و می‌تواند تمام صفات پروردگار را در خودش پیاده کند. موجودات جهان خدا را تسبیح می‌کنند یعنی او را پاک معرفی می‌کنند.

این نظم آفرینش در گردش کرات است که می‌توان گرفتگی ماه یا خورشید را تا سیصد سال دیگر پیش بینی کرد.

در روایتی از امام سجّاد علیه السلام:

«ای خلق مطیع (یعنی آسمانها و زمین و سیارات دیگر)، که اینقدر منظم و دقیق و سر وقت کار خودش را انجام می‌دهید».

بشر ضعیف و عقب افتاده هیچ چیز را نمی‌تواند درک کند. بشر، نسبت به بشر عصر ظهور حضرت، خیلی عقب افتاده است.

کره ماه را حضرت سجّاد علیه السلام می‌فرمایند: ای خلق مطیع. اگر مطیع نباشد، پیش‌بینی اینقدر دقیق نمی‌تواند باشد. ملائکه مأمور کره ماه هستند. مانند کارمندان دولت که از بالا دستور می‌گیرند. ضربان قلب و چیزهای دیگر هم مثل کره ماه هستند.

ملائکه چون بندگی می‌کنند آن دستور دهنده را، پاک معرفی می‌کنند.

پس اگر ما هم بخواهیم تسبیح کنیم، باید بنده شویم. مطیع خداوند و پیامبر صلی الله علیه و آله و امام زمان علیه السلام، باید روح را پاک کند تا دچار تخلفی نشود و با تمام ذرات عالم بگوید خدا پاک است و حکیم.

دعای مکارم الاخلاق

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَبَلِّغْ
بِإِيمَانِي أَكْمَلَ الْإِيمَانِ وَاجْعَلْ يَقِينِي
أَفْضَلَ الْيَقِينِ وَانْتَهِ بِنَيْتِي إِلَى أَحْسَنِ
النِّيَّاتِ وَبِعَمَلِي إِلَى أَحْسَنِ الْأَعْمَالِ.
اللَّهُمَّ وَفِّرْ بِلُطْفِكَ نَيْتِي وَصَحِّحْ بِمَا
عِنْدَكَ يَقِينِي وَاسْتَصْلِحْ بِقُدْرَتِكَ مَا
فَسَدَ مِنِّي.

پروردگارا! درود فرست بر محمد و
آل او و مقام ایمان مرا به حدّ اکمل
برسان، و مقام یقینم را برترین مقام
یقین قرار ده، و عملم را نیکوترین
اعمال مقرر فرما، و به لطف و کرمت تیتم
را وافر و مقام یقینم را صحیح بدار، و
به قدرت (کامله خویش) هر عمل
فاسدی از من سرزده، اصلاح فرما.

پروردگارا! درود فرست بر محمد و
آل او، و اموری که اهتمام به آنها، مرا
مشغول می‌سازد، کفایت فرما و در
مقابل، مرا به کاری که فردای قیامت از
من خواستاری مشغول دار، و در ایام
عمرم فراغت بخش، تا به کاری که
برای آن مرا آفریده‌ای، پردازم و مرا از
خلق بی‌نیاز گردان، و رزق وسیع عطا
فرما و مرا عزّت بخش،

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاكْفِنِي
مَا يَشْغَلُنِي الْاهْتِمَامُ بِهِ وَاسْتَعْمِلْنِي بِمَا
تَسْأَلُنِي غَدًا عَنْهُ وَاسْتَفْرِغْ أَيَّامِي فِي مَا
خَلَقْتَنِي لَهُ وَأَغْنِنِي وَأَوْسِعْ عَلَيَّ فِي
رِزْقِكَ وَلَا تَفْتِنْنِي بِالنَّظَرِ وَأَعِزَّنِي

وَلَا تَبْتَلِيَنِّي بِالْكِبْرِ وَعَبَّدَنِي لَكَ وَلَا
تُفْسِدْ عِبَادَتِي بِالْعُجْبِ وَأَجْرِ لِلنَّاسِ
عَلَى يَدَيَّ الْخَيْرَ وَلَا تَحْقُقْ بِالْمَنِّ وَهَبْ
لِي مَعَالِيَ الْأَخْلَاقِ وَأَعْصِمْنِي مِنَ
الْفَخْرِ.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَلَا
تَرْفَعْنِي فِي النَّاسِ دَرَجَةً إِلَّا حَطَطْتَنِي
عِنْدَ نَفْسِي مِثْلَهَا وَلَا تُحَدِّثْ لِي عِزًّا
ظَاهِرًا إِلَّا أَحَدَّثْتَ لِي ذِلَّةً بَاطِنَةً عِنْدَ
نَفْسِي بِقَدَرِهَا.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ
وَمَتَّعْنِي بِهَدْيٍ صَالِحٍ لَا أَسْتَبْدِلُ بِهِ
وَطَرِيقَةَ حَقٍّ لَا أَزِيغُ عَنْهَا وَنِيَّةٍ رُشِدٍ
لَا أَشْكُ فِيهَا وَعَمَّرْنِي مَا كَانَ عُمُرِي
بِذِلَّةٍ فِي طَاعَتِكَ فَإِذَا كَانَ عُمُرِي مَرْتَعًا
لِلشَّيْطَانِ فَاقْبِضْنِي إِلَيْكَ قَبْلَ أَنْ يَسْبِقَ
مَقْتُكَ إِلَيَّ أَوْ يَسْتَحْكِمَ غَضَبُكَ عَلَيَّ.

و به کبر و به مرض تکبر و خودپسندی
مبتلا مگردان، و به عبادت خالص
خود، مشغولم دار و عبادتم را به عجب
و غرور باطل مساز، و به دستم کارهای
خیر برای مردم جاری ساز و آن کار خیر
را به واسطه منت ضایع و نابود
مگردان، و مرا عالی ترین اخلاق
کرامت فرما و از فخر و مباهات نیز
محفوظم دار.

پروردگارا! درود فرست بر محمد و
آل او و به هر درجه که مرا نزد خلق
رفعت و بلندی عطا می کنی، به همان
درجه مرا نزد خودم پست و ذلیل
گردان، و به هر عزت که در ظاهر به من
عطا فرمودی، همانقدر ذلت و حقارت
به باطن ذاتم کرم فرما.

پروردگارا! درود فرست بر محمد و
آل او و مرا به هدایت شایسته ای
بهره مند ساز که هرگز به هیچ چیز مبدل
نسازم، و به طریقه حق و حقیقتی
رهبری کن که ابداً از آن طریقه تخطی و
لغزش نکنم، و نیت خیر با رشد عطا کن
که در آن هرگز شک راه ندهم، و مرا
عمر طویل ده مادامی که عمرم در راه
طاعتت صرف شود، پس هرگاه عمرم
چراگاه شیطان گردد، آن زمانم قبض
روحم کن پیش از آنکه خشم تو بر من
سبقت گیرد و غضب حتم گردد.

اللَّهُمَّ لَا تَدَعْ خَصْلَةَ تُعَابٍ مِنِّي إِلَّا
أَصْلَحْتُهَا وَلَا عَائِبَةً أُؤَنَّبُ بِهَا إِلَّا
حَسَّنْتُهَا وَلَا أَكْرُومَةً فِيَّ نَاقِصَةً إِلَّا
أَتَمَّمْتُهَا.

پروردگارا! بر من هیچ صفت
ناپسند باقی مگذار، جز آنکه اصلاح
فرمایی، و هیچ عیب و نقص که
مستوجب سرزنش و ملامت شوم، مگر
آنکه نیکو سازی و کامل گردانی و هیچ
صفت و خصلت ناقص و ناتمام در من
نماند، جز آنکه به حد تمام و کمال
رسانی.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ
وَأَبْدِلْنِي مِنْ بُغْضَةِ أَهْلِ الشَّنَانِ الْمَحَبَّةَ
وَمِنْ حَسَدِ أَهْلِ الْبَغْيِ الْمَوَدَّةَ وَمِنْ ظَنَّةِ
أَهْلِ الصَّلَاحِ الثُّقَّةَ وَمِنْ عَدَاوَةِ الْأَذْنَيْنِ
الْوَلَايَةَ وَمِنْ عُقُوقِ ذَوِي الْأَرْحَامِ
الْمَبْرَّةَ وَمِنْ خِذْلَانِ الْأَقْرَبِينَ النُّصْرَةَ
وَمِنْ حُبِّ الْمُدَارِينِ تَصْحِيحَ الْمُقَّةِ وَمِنْ
رَدِّ الْمَلَابِسِينَ كَرَمَ الْعِشْرَةِ وَمِنْ مَرَارَةِ
خَوْفِ الظَّالِمِينَ حَلَاوَةَ الْأَمْنَةِ.

پروردگارا! درود فرست بر محمد و
آل او، و عداوت دشمنان را با من به
مهر و محبت و حسد ستمگران را به
لطف و مودت مبدل ساز، و بدگمانی
صالحان را در حق من به حسن ظن و
اطمینان خاطر بدل فرما، و دشمنی
نزدیکان را با من به دوستی، و عاق و
آزار ارحام را به نیکی و احسان بدل
گردان، و خذلان و بی اعتنائی
خویشانم را بدل به نصرت و یاورى
فرما، و محبت ظاهری اهل مکر و مدارا
را با من به محبت حقیقی مبدل ساز، و
رد و انکار معاشرینم را با من به حسن
رفتار، و تلخی هرکس از ظالمان را به
شیرینی امن و امان مبدل گردان.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاجْعَلْ
 لِي يَدًا عَلَى مَنْ ظَلَمَنِي وَلِسَانًا عَلَى مَنْ
 خَاصَمَنِي وَظَفْرًا بِمَنْ عَانَدَنِي وَهَبْ لِي
 مَكْرًا عَلَى مَنْ كَايَدَنِي وَقُدْرَةً عَلَى مَنْ
 اضْطَهَدَنِي وَتَكْذِيبًا لِمَنْ قَصَبَنِي
 وَسَلَامَةً مِمَّنْ تَوَعَّدَنِي وَوَفْقًا لِمَنْ لَطَاعَةَ
 مَنْ سَدَّدَنِي وَمُتَابَعَةً مَنِ ارْتَدَّنِي.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَسَدِّدْنِي
 لِأَنَّ أَعَارِضَ مَنْ غَشَّيَنِي بِالنُّصْحِ
 وَأَجْزِي مَنْ هَجَرَنِي بِالْبُرِّ وَأُثِيبَ
 مَنْ حَرَمَنِي بِالْبَدْلِ وَأُكَافِيَ مَنْ قَطَعَنِي
 بِالصُّلَّةِ وَأُخَالِفَ مَنْ اغْتَابَنِي إِلَى حُسْنِ
 الذُّكْرِ وَأَنْ أَشْكُرَ الْحَسَنَةَ وَأُغْضِيَ عَنِ
 السَّيِّئَةِ.

پروردگارا! درود فرست بر محمد و
 آل او، و هر که در حقم ظلم و ستم کرد،
 مرا بر او دست قدرت و نیروی انتقام
 عطا فرما، و زبان مرا با خصم من گویا
 گردان، و هر که با من عناد و لجاج کند،
 مرا بر او فیروز گردان، و هر که با من
 مکر و خدعه کند، تو مگری که بر او
 غالب شود به من عطا فرما، و هر که با
 من به قهر و غلبه برخیزد، مرا بر او
 قدرت بخش، و بر آنکه عیب جویی و
 نکوهش کند، مرا بر ابطال کلامش قادر
 ساز، و از تهدید و توعید مردم
 سلامت بدار، و مرا به اطاعت و پیروی
 کسی که به راه سداد و صلاحم خواند و
 طریق هدایت منمود، موفق ساز.

پروردگارا! درود فرست بر محمد و
 آل او، و مرا تأیید کن که با هر کس که با
 من غش و خیانت کند، در عوض با او
 مهربانی و راستی کنم، و هر کس از من
 دوری کند، به نیکویی تلافی کنم، و به
 هر کس که مرا محروم کرد، بذل عطا
 کرده، و با هر کس از من قطع پیوند کند
 در مقابل با او بپیوندم و به محبت
 پردازم، و هر کس مرا غیبت و بدگویی
 کند، در مقابل به ذکر خیرش یاد کنم،
 و توفیق عطا کن که در مقابل نیکویی
 (خلق و خالق)، سپاسگزاری و از
 بدی، چشم پوشی کنم.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَحَلِّئِي
 بِحِلْيَةِ الصَّالِحِينَ وَأَلْبِسِي زِينَةَ الْمُتَّقِينَ
 فِي بَسْطِ الْعَدْلِ وَكَظْمِ الْغَيْظِ وَإِطْفَاءِ
 النَّائِرَةِ وَضَمِّ أَهْلِ الْفُرْقَةِ وَإِصْلَاحِ
 ذَاتِ الْبَيْنِ وَإِفْشَاءِ الْعَارِفَةِ وَسِتْرِ
 الْعَائِبَةِ وَلِينِ الْعَرِيكَةِ وَخَفْضِ الْجَنَاحِ
 وَحُسْنِ السَّيْرِ وَسُكُونِ الرِّيحِ وَطِيبِ
 الْمُخَالَقَةِ وَالسَّبْقِ إِلَى الْفَضِيلَةِ وَإِثَارِ
 التَّفَضُّلِ وَتَرْكِ التَّغْيِيرِ وَالْإِفْضَالِ عَلَيَّ
 غَيْرِ الْمُسْتَحَقِّ وَالْقَوْلِ بِالْحَقِّ وَإِنْ عَزَّ
 وَاسْتِقْلَالَ الْخَيْرِ وَإِنْ كَثُرَ مِنْ قَوْلِي
 وَفِعْلِي وَأَكْمِلْ ذَلِكَ لِي بِدَوَامِ الطَّاعَةِ
 وَلَزُومِ الْجَمَاعَةِ وَرَفْضِ أَهْلِ الْبِدْعِ
 وَمُسْتَعْمِلِي الرَّأْيِ الْمُخْتَرَعِ.

پروردگارا! درود فرست بر محمد و
 آل او، و مرا به زیب و زیور صالحان
 بیارای و به جامهٔ زینت اهل تقوی
 بسپوشان که بساط عدل و داد را
 بگسترانم و خشم خود را فرو نشانم و
 آتش فتنه را خاموش سازم و تفرقهٔ امت
 را جمع و اختلاف بین مسلمین را
 اصلاح گردانم، و نیکوکاری را فاش و
 اعمال زشت خلق را مستور سازم، و با
 خلق خوش رفتار و آسان گیر و متواضع
 و خوش سیرت و بی تکبر و نیکو خلق
 باشم و به هر فضل و کمال سبقت گیرم،
 زیادی مال دنیا را به مستحقان ایثار و
 اعطا کنم و اعطا به غیر مستحق، و
 ملامت و سرزنش مردم نکنم، و سخن
 به حق و حقیقت گویم هر چند مردم
 کمتر پذیرند، و عمل خیرم را هر چند
 در قول بسیار باشد، اندک و ناچیز در
 نظر شمارم، و باز این اوصاف مرا
 تکمیل فرما به دوام طاعت خود و
 ملازمت با جماعت مسلمین و دوری از
 اهل بدعت و اهل آزار و مخترع.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاجْعَلْ
 أَوْسَعَ رِزْقِكَ عَلَيَّ إِذَا كَبُرْتُ وَأَقْوَى
 قُوَّتِكَ فِيَّ إِذَا نَصَبْتُ وَلَا تَسْبِئْ لِي
 بِالْكَسَلِ عَنْ عِبَادَتِكَ وَلَا الْعَمَى عَنْ
 سَبِيلِكَ وَلَا بِالْتَّعَرُّضِ لِخِلَافِ مَحَبَّتِكَ وَلَا
 مُجَامَعَةِ مَنْ تَفَرَّقَ عَنْكَ وَلَا مُفَارَقَةِ مَنْ
 اجْتَمَعَ إِلَيْكَ.

اللَّهُمَّ اجْعَلْ لِي أَصُولُ بِكَ عِنْدَ
 الضَّرُورَةِ وَأَسْأَلُكَ عِنْدَ الْحَاجَةِ
 وَأَتَضَرَّعُ إِلَيْكَ عِنْدَ الْمَسْكِنَةِ وَلَا تَفْتِنِّي
 بِالْإِسْتِعَانَةِ بِغَيْرِكَ إِذَا اضْطَرَرْتُ وَلَا
 بِالْخُضُوعِ بِسُؤَالِ غَيْرِكَ إِذَا افْتَقَرْتُ وَلَا
 بِالتَّضَرُّعِ إِلَى مَنْ دُونِكَ إِذَا رَهَبْتُ
 فَاسْتَحِقَّ بِذَلِكَ خِذْلَانِكَ وَمَنْعَكَ
 وَإِعْرَاضَكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

پروردگارا! درود فرست بر محمد و
 آل او، و وسیع ترین رزق خود را بر من
 مقرر بدار هنگامی که پیری بر من روی
 آرد، و قوی ترین نیرو را به من عطا
 فرما، هنگامی که به رنج و زحمت
 درافتم، و مرا به کسالت و مسامحه در
 عبادت مبتلا مگردان، و نیز با نابینایی
 از طریق خود و به تعرض بر خلاف
 دوستی خود، مبتلا مساز، و هرگز مرا
 با آنان که از درگاه تو دور شدند، معاشر
 مساز و از آنان که به درگاهت روی
 آورند، دور مگردان.

پروردگارا! بر من مقرر فرما که
 هنگام ضرورت، تنها به تو متوجه شوم
 و وقت حاجت و نیازمندی، از تو
 حاجت خواهم، و هنگام فقر و
 پریشانی، به درگاه تو تضرع و زاری
 کنم و مرا هنگام اضطرار، به اعانت
 خواستن از غیر ذات اقدس خویش
 امتحان مکن و به خضوع و ذلت سؤال
 از درگاه غیر خود در وقت فقر و
 درماندگی، مبتلا مگردان، و هنگام
 ترس و هراس نزد غیر خود، زار و نالان
 مساز که اینها مرا مستوجب خذلان و
 قهر و اعراض تو و منع از لطف و
 احسانت خواهد ساخت. ای
 مهربانترین مهربانان عالم.

اللَّهُمَّ اجْعَلْ مَا يُلْقِي الشَّيْطَانُ فِي
رُوعِي مِنْ التَّمَنِّيِّ وَالتَّظَنِّيِّ وَالْحَسَدِ
ذِكْرًا لِعَظَمَتِكَ وَتَفَكُّرًا فِي قُدْرَتِكَ
وَتَدْبِيرًا عَلَيَّ عَدُوِّكَ وَمَا أَجْرِي عَلَيَّ
لِسَانِي مِنْ لَفْظَةٍ فُحْشٍ أَوْ هَجْرٍ أَوْ شْتَمٍ
عَرِضٍ أَوْ شَهَادَةٍ بَاطِلٍ أَوْ اغْتِيَابٍ
مُؤْمِنٍ غَائِبٍ أَوْ سَبِّ حَاضِرٍ وَمَا أَشْبَهَ
ذَلِكَ نُطْقًا بِالْحَمْدِ لَكَ وَإِغْرَاقًا فِي الثَّنَاءِ
عَلَيْكَ وَذَهَابًا فِي تَمْجِيدِكَ وَشُكْرًا
لِنِعْمَتِكَ وَاعْتِرَافًا بِإِحْسَانِكَ وَإِخْصَاءً
بِلَيْتِكَ.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَلَا
أُظْلَمَنَّ وَأَنْتَ مُطِيقٌ لِلدَّفْعِ عَنِّي وَلَا
أُظْلِمَنَّ وَأَنْتَ الْقَادِرُ عَلَيَّ الْقَبْضِ مِنِّي
وَلَا أَضِلَّنَّ وَقَدْ أَمَكَّتْكَ هِدَايَتِي وَلَا
أَفْتَقِرَنَّ وَمِنْ عِنْدِكَ وَسْعِي وَلَا أَطْغَيْنَنَّ
وَمِنْ عِنْدِكَ وَجُدِي.

پروردگارا! آنچه که شیطان به قلب
من القاء می‌کند که تمناها و پندهای
باطل و حسد بر خلق است، تو بدل
گردان به تذکر عظمت و تفکر در قدرت
خود و فکر و تدبیر محور دشمنان
خویش، و آنچه که خواهد بر زبانم
جاری شود از فحش و لغو و بدگویی و
ریختن آبروی مردم و یا شهادت دادن
به باطل و غیبت از مؤمنی غایب یا
بدگویی به مؤمنی حاضر یا مانند
اینگونه آفات و معاصی زبان، همه را تو
بدل گردان به ذکر حمد و ثنای خود
و استغراق در ستایش حضرتت و
گرویدن بر مجد و عظمت و شکر و
سپاس نعمت و اعتراف به احسان و
شمار نعم بی پایانت.

پروردگارا! درود فرست بر محمد و
آل او، و از تو درخواست می‌کنم که به
من هرگز از خلق ستمی نرسد، در
صورتی که تو قادر بر دفع آن ظلمی و
نیز من در حق احدی ظلم نکنم، در
صورتی که تو قادری که مرا از ظلم کردن
نگهداری، و ابداً به راه گمراهی نروم با
آنکه تو توانایی که مرا هدایت فرمایی،
و هرگز محتاج به خلق نشوم با وجود
آنکه وسعت و برکت از جانب توست،
و هرگز طغیان نکنم با آنکه همه دارایی
من از توست.

اللَّهُمَّ إِلَىٰ مَغْفِرَتِكَ وَفَدْتُ وَإِلَىٰ
عَفْوِكَ قَصَدْتُ وَإِلَىٰ تَجَاوُزِكَ اِسْتَقْتُ
وَبِفَضْلِكَ وَثِقْتُ وَلَيْسَ عِنْدِي مَا
يُوجِبُ لِي مَغْفِرَتَكَ وَلَا فِي عَمَلِي مَا
أَسْتَحِقُّ بِهِ عَفْوَكَ وَمَا لِي بَعْدَ أَنْ
حَكَمْتُ عَلَىٰ نَفْسِي إِلَّا فَضْلَكَ فَصَلِّ عَلَىٰ
مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَتَفَضَّلْ عَلَيَّ.

ای خدا، من به سوی آمرزش تو
وارد شدم و به درگاه عفو تو عزم کردم و
به گذشت و بخشش تو مشتاقانه شتافتم
و به فضل و کرم تو وثوق و اطمینان
یافتم و با من چیزی که مستوجب
آمرزش تو شوم نیست و در اعمال،
کاری که با آن مستحق بخشایش تو
گردم وجود ندارد و برای نجات من بعد
از آنکه بر بدکاری نفس خود حکم
کردم، ابداً دستاویزی جز فضل تو
نخواهد بود. پس پروردگارا، درود
فرست بر محمد و آل او، و در حق من
کرم و تفضل فرما.

اللَّهُمَّ وَأَنْطِقْنِي بِالْهُدَىٰ وَأَهْلِنِي
التَّقْوَىٰ وَوَقِّفْنِي لِتِي هِيَ أَزْكَىٰ
وَاسْتَعْمِلْنِي بِمَا هُوَ أَرْضَىٰ.

ای خدای من و زبانم را به هدایت
گویا ساز، و به قلبم خدا ترسی و تقوی
را الهام کن، و به آن عملی که نیکو و
پاکیزه تر است، موفق بدار، و مرا به
کاری که رضا و خوشنودی تو در آن
بیشتر است، برگمار.

اللَّهُمَّ اسْلُكْ بِي الطَّرِيقَةَ الْمَثَلَىٰ
وَاجْعَلْنِي عَلَىٰ مِلَّتِكَ أَمْوَتْ وَأَحْيَا.

پروردگارا! مرا به نیکوترین راه ببر و
در مرگ و زندگانی بر آیین خود بدار.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَمَتَّعْنِي
بِالْاِقْتِصَادِ وَاجْعَلْنِي مِنْ أَهْلِ السَّدَادِ
وَمِنْ أَدِلَّةِ الرَّشَادِ وَمِنْ صَالِحِي الْعِبَادِ
وَارْزُقْنِي فَوْزَ الْمَعَادِ وَسَلَامَةَ الْمِرْصَادِ.

پروردگارا! درود فرست بر محمد و
آل او، و مرا به خُلق اقتصاد و میانه
روی بهره‌مند ساز و اهل صواب و
صلاح، و از راهنمایان طریق رشد و
هدایت، و از بندگان شایسته خود قرار
ده، و در روز قیامت و معاد، فوز و
سعادت نصیب فرما، و در فراخ راه،
سلامت بدار.

اللَّهُمَّ خُذْ لِنَفْسِكَ مِنْ نَفْسِي مَا
يُخَلِّصُهَا وَأَبْقِ لِنَفْسِي مِنْ نَفْسِي مَا
يُضَلِّحُهَا فَإِنَّ نَفْسِي هَالِكَةٌ أَوْ تَعْصِمُهَا.
اللَّهُمَّ أَنْتَ عُدَّتِي إِنْ حَزِنْتُ وَأَنْتَ
مُتَجَعِّعِي إِنْ حُرِمْتُ وَبِكَ اسْتِغَاثَتِي إِنْ
كَرِهْتُ وَعِنْدَكَ مِمَّا فَاتَ خَلْفُ وِلْمًا فَسَدَ
صَلَاحُ وَفِيهَا أَنْكَرَتْ تَغْيِيرُ فَاثِمُنْ عَلَيَّ
قَبْلَ الْبَلَاءِ بِالْعَافِيَةِ وَقَبْلَ الطَّلَبِ بِالْجِدَّةِ
وَقَبْلَ الضَّلَالِ بِالرَّشَادِ وَاكْفِينِي مَوْوَنَةَ
مَعْرَةَ الْعِبَادِ وَهَبْ لِي أَمْنًا يَوْمَ الْمَعَادِ
وَأَمْنِيحْنِي حُسْنَ الْإِرْشَادِ.

پروردگارا! برای آنکه نفسم همه
کارش خالص برای تو شود، آنچه از
صفات و اعمال نفس، ناشایسته است،
نابود ساز و آنچه شایسته است، باقی
گذار که نفس من را تا تو نگه نداری و
محافظتش نکنی، هالک است.
پروردگارا! تو ساز و برگ منی هرگاه
محزون باشم، و پناه تو، جایگاه
آسایش من است، هنگامی که محروم
شوم، و استعانت و زاریم به درگاه
توست، وقتی که کار من سخت شود،
ای خدا، هرچه از من فوت و فاسد و
محو و نابود شود، نزد تو عوض آن و
شایسته و نیکویش خواهد بود، و در
هرچه تو دگرگون کنی، تغییری است.
پس، ای خدا، پیش از آنکه گمراه
شوم، ارشادم به راه حق فرما و مرا از
مؤونه تحکم و مشقت بندگان کفایت
فرما، و از هول روز معاد، ایمنی بخش
و به ارشاد نیکو، در حقم عطوفت و
مهربانی فرما.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَادْرَأْ
عَنِّي بِلُطْفِكَ وَاغْذِنِي بِبِنِعْمَتِكَ وَأَصْلِحْ لِي
بِكَرَمِكَ وَدَاوِنِي بِصُنْعِكَ وَأَظِلَّنِي فِي
دَرَاكَ وَجَلِّئَنِي رِضَاكَ وَوَفِّقْنِي إِذَا
اشْتَكَلْتُ عَلَيَّ الْأُمُورُ لِأَهْدَاها وَإِذَا
تَشَابَهَتْ الْأَعْمَالُ لِأَزْكَاهَا وَإِذَا
تَنَاقَضَتْ الْمِلَلُ لِأَرْضَاهَا.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَتَوَجِّعْنِي
بِالْكَفَايَةِ وَسَمِّنِي حُسْنَ الْوِلَايَةِ وَهَبْ لِي
صِدْقَ الْهِدَايَةِ وَلَا تَفْتِنِّي بِالسَّعَةِ
وَأَمْنِحْنِي حُسْنَ الدَّعَةِ وَلَا تَجْعَلْ عَيْشِي
كَدًّا كَدًّا وَلَا تَرُدَّ دُعَائِي عَلَيَّ رَدًّا قَانِي لَا
أَجْعَلُ لَكَ ضِدًّا وَلَا أَدْعُو مَعَكَ نِدًّا.

پروردگارا! درود فرست بر محمد و
آل او، و به لطف و عنایتت از من دفاع
فرما، و به من نعمت و قوت بخش، و به
کرمت مرا شایسته و صالح گردان، و
امراض را به توجه کاملت شفا عنایت
کن، و در مقام بلند در سایه رحمت
خود بدار، و لباس خوشنودیت را در
من بپوشان، و هنگامی که امور، مشتبه
شود، مرا به نیکوترین طریق هدایت،
موفق بساز و چون اعمال به هم متشابه
گردد، به پاک و پاکیزه ترین عملم توفیق
ده، و چون ملل با هم به تناقض و
اختلاف برخیزند، مرا بر آنچه بهترین
راه رضای توست، موفق گردان.

پروردگارا! درود فرست بر محمد و
آل او، و بر سر من تاج کفایت و لیاقت
بینه، و به حسن دوستی خود، نام گذار
و هدایت صدق را به من ببخش، و مرا
به وسعت و ثروت مفتون نگردان، و به
کرمت مرا زندگانی خوش عطا فرما، و
به رنج و تعب شدید در زندگی میفکن و
دعایم را رد مکن، که ای خدا، من بر
تو ضدی قائل نشدم و با تو شریک و
مانندی قرار ندادم.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَامْنَعْنِي
 مِنَ السَّرْفِ وَحَصِّنْ رِزْقِي مِنَ التَّلْفِ
 وَوَفِّرْ مَلَكَتِي بِالْبَرَكَاتِ فِيهِ وَأَصِْبْ بِي
 سَبِيلَ الْهُدَايَةِ لِلْبِرِّ فِيهَا أَنْفِقُ مِنْهُ.

پروردگارا! درود فرست بر محمد و
 آل او، و مرا از اسراف مال باز دار، و
 روزیم را از تلف محفوظ گردان، و
 دارائیم را به برکت وافر... ز، و در آنچه
 انفاق و احسان به خلق می‌کنم به راه
 حق و صواب هدایت فرما.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاكْفِنِي
 مَوُونَةَ الْاِكْتِسَابِ وَاَرْزُقْنِي مِنْ غَيْرِ
 اِحْتِسَابٍ فَلَا اَشْتِغَلَ عَنْ عِبَادَتِكَ
 بِالطَّلَبِ وَلَا اَحْتَمِلَ اِضْرَ تَبِعَاتِ
 الْمَكْسَبِ.

پروردگارا! درود فرست بر محمد و
 آل او، و مرا بدون مشقت و زحمت
 اکتساب و از آنجا که گمانم نمی‌برم،
 روزی عطا فرما تا با اشتغال به کسب
 روزی، از راه عبادتت باز نمانم و با رنج
 و تعبها طلب رزق را به دوش نکشم.

پروردگارا! پس تو به قدرت کامله
 خود آنچه را من به کوشش و طلب
 می‌خواهم به من عطا فرما، و از آنچه
 ترس و بیم دارم، مرا به عزت خود پناه
 ده.

اللَّهُمَّ فَأَطْلِبْنِي بِقُدْرَتِكَ مَا أَطْلُبُ
 وَأَجِرْنِي بِعِزَّتِكَ مِمَّا أَرْهَبُ.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَصُنِّ
 وَجْهِي بِالْيَسَارِ وَلَا تَبْتَدِلْ جَاهِي
 بِالْإِقْتَارِ فَأَسْتَزِقَ أَهْلَ
 رِزْقِكَ وَأَسْتَعْطِي شِرَارَ خَلْقِكَ فَأَفْتِنَ
 بِحَمْدِ مَنْ أَعْطَانِي وَأُبْتَلَى بِذَمِّ مَنْ
 مَنَعَنِي وَأَنْتَ مِنْ دُونِهِمْ وَلِيُّ الْإِعْطَاءِ
 وَالْمَنْعِ.

پروردگارا! درود فرست بر محمد و
 آل او، و آبروی مرا به واسطه وسعت و
 دارایی محفوظ دار، و جاه و مقام را
 به واسطه تنگدستی، خوار و مبتذل
 مساز تا در اثر تهی دستی، از خلق، که
 روزی خوار تواند طلب روزی و از مردم
 شریر تقاضای عطا کنم، تا مبتلا شوم
 به ستایش آنکه به من چیزی عطا کرده
 و به مذمت آنکه مرا از عطا منع نموده،
 در صورتی که تو بدون نیاز به کسی،
 صاحب منع و اعطایی.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَارْزُقْنِي
 صِحَّةً فِي عِبَادَةٍ وَفِرَاحاً فِي زَهَادَةٍ وَعِلْماً
 فِي اسْتِعْمَالٍ وَوَرَعاً فِي إِجْمَالٍ.

پروردگارا! درود فرست بر محمد و
 آل او، و مرا صحت و سلامت در راه
 عبادت نصیب فرما، و فراغت و
 آسایش در عین زهد، و علمی که به
 عمل مقرون باشد، و ورع و پارسایی در
 اجمال و عدم توجه به امور دنیوی.

اللَّهُمَّ اخْتِمْ بِعَفْوِكَ أَجَلِي وَحَقِّقْ فِي
 رَجَائِ رَحْمَتِكَ أَمَلِي وَسَهِّلْ إِلَيَّ بُلُوغَ
 رِضَاكَ سُبُلِي وَحَسِّنْ فِي جَمِيعِ أَحْوَالِي
 عَمَلِي.

پروردگارا! خاتمه عمرم را به عفو و
 بخششت مقرر فرما، و امیدی که به
 رحمت تو دارم، محقق ساز، و راه
 وصول مرا به مقام رضا و خشنودی
 خود، سهل و آسان گردان و در همه
 احوال، عمل مرا نیکو و شایسته ساز.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَتَبَّهِنِي

لِذِكْرِكَ فِي أَوْقَاتِ الْغَفْلَةِ وَاسْتَعْمِلْنِي

بِطَاعَتِكَ فِي أَيَّامِ الْمُهَلَّةِ وَانْهَجْ لِي إِلَى

مَحَبَّتِكَ سَبِيلًا سَهْلَةً أَكْمِلْ لِي بِهَا خَيْرَ

الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ.

پروردگارا! درود فرست بر محمد و

آل او، و در اوقات غفلت، مرا به یاد

خود آگاه و متذکر فرما، و مرا به راه

اطاعت خود، هنگام مهلت عمر موفق

بدار، و به راه محبت و دوستی خود،

راهم را آسان ساز تا با محبت خود،

خیر دنیا و آخرتم را به حد کمال

رسانی.

پروردگارا! درود فرست بر محمد و

آل او، مانند بهترین درود و رحمتی که

به خلق پیش از او فرستاده‌ای از اول تا

آخر آنها، و نیز آنچه رحمت به خلق

بعد از او عطا خواهی فرمود، و ما را هم

در دنیا حسنه و سعادت، بخش و در

آخرت حسنه و جنت ابد، عطا فرما و

به رحمتت ما را از آتش عذابت ننگه

دار.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ كَأَفْضَلِ

مَا صَلَّيْتَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ

قَبْلَهُ وَأَنْتَ مُصَلِّ عَلَى أَحَدٍ بَعْدَهُ وَآتِنَا

فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً

وَقِنِي بِرَحْمَتِكَ عَذَابَ النَّارِ.

منابع و کتابهایی که استفاده شده:

- ۱ - منتهی الآمال
- ۲ - منتخب الاثر
- ۳ - شرح حال چهارده معصوم
- ۴ - مکیال المکارم
- ۵ - منتقم حقیقی
- ۶ - تاریخ شیعه
- ۷ - بحار الأنوار جلد ۱۳ - ۵۲
- ۸ - تفسیر مجمع البیان
- ۹ - تفسیر برهان
- ۱۰ - تفسیر نور الثقلین
- ۱۱ - اثبات الهداة جلد ۷
- ۱۲ - نهج البلاغه
- ۱۳ - مصلح غیبی
- ۱۴ - انوار صاحب الزمان علیه السلام
- ۱۵ - صحیفه مهدیه
- ۱۶ - اصول کافی
- ۱۷ - تحف العقول
- ۱۸ - نجم الثاقب
- ۱۹ - کامل الزیارات
- ۲۰ - تزکیه نفس
- ۲۱ - شرح و تفسیر دعای مکارم اخلاق
- ۲۲ - وسائل
- ۲۳ - سفینه البحار
- ۲۴ - مستدرک الوسائل
- ۲۵ - فهرست موضوعی غرر
- ۲۶ - غرر الحکم